

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها

(مجموعه مقالات نهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت)

ج ۱

همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (نهمین: ۱۳۹۲: تهران)
تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها: مقالات برگزیده / تهیه و تدوین مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده
مهدویت). - قم: مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۲.
ج ۳

ISBN 978 - 600 - 5073 - 41 - 6 (ج ۱).

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتاب نامه.

۱. مهدویت - کنگره‌ها. ۲. مهدویت - مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف. مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده
مهدویت. ب. عنوان.

297/489

BP274/3/ه 8

الف ۱۳۹۲



تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها (ج ۱)

ناشر: مؤسسه آینده روشن
طرح جلد: ا. اکبرزاده
صفحه‌آرا: علی قنبری
حروف‌نگار: ناصر احمدپور
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
بها: ۱۷۵۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۴۱-۶
شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۴۴-۷
مرکز پخش: قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۹۰۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

- فراخوان نهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت ۷
- سخنرانی دبیر همایش حجت‌الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی در افتتاحیه ۱۱
- سخنرانی دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) ۱۹
- سخنرانی آیت‌الله حسینی بوشهری (مدیر حوزه‌های علمیه) ۳۵
- سخنرانی دکتر محمد حسینی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) ۴۵
- سخنرانی آیت‌الله دکتر اعرافی (مدیر جامعه المصطفی‌العالمیه) ۵۳
- سخنرانی سردار دکتر احمدی مقدم (فرمانده نیروی انتظامی) ۵۹
- سخنرانی دبیر همایش حجت‌الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی در اختتامیه ۶۵
- سخنرانی آیت‌الله اراکی (دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) ۷۱
- سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد (نائب‌رئیس مجلس شورای اسلامی) ۸۳
- سخنرانی کشیش آنطوان ضوء ۹۱
- سخنرانی مادر شهید داغر (از شهدای آزادسازی شهر القصیر سوریه) ۹۵
- تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور؛ اصول و الزامات ۹۷

سیداحمد رهنمایی

بررسی تحلیلی - نظری راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت زمینه‌ساز ظهور ۱۴۳

یوسف ادیب، اسکندر فتحی‌آذر، اصغر ابراهیمی هرستانی

- چیستی و چرایی «سبک زندگی» و نسبت آن با دین و مهدویت ۱۷۹
سیدرضی موسوی گیلانی
- تأملی در هویت برنامه‌دستی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم‌السلام ۱۹۹
دکتراسکندر فتوحی‌آذر، دکتر یوسف ادیب، دکتر موسی پیری، اصغر ابراهیمی هرستانی
- موانع تربیت زمینه‌ساز ۲۲۵
سید محمد مرتضوی
- مبانی تربیت زمینه‌ساز ظهور ۲۵۳
سید محمد رضی آصف‌آگاه
- نهادهای فرهنگی و تربیت زمینه‌ساز ۲۷۷
محمد مهدی حائری‌پور
- الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور ۲۹۷
حسین بقایی، حمید میهماندوست، فاضل قهرمانی‌فرد، کامیار قهرمانی‌فرد
- تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار ۳۲۹
طیبه توسلی

فراخوان نهمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت

تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها

«الْبَيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ» امام کاظم علیه السلام (کافی: ۱/۳۶۹)

انتظار همان زمینه‌سازی برای ظهور است و رسالت منتظران تحقق جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور امام علیه السلام باشد. تربیت زمینه‌ساز تربیتی است که چنین جامعه‌ای را می‌سازد و شرایط لازم برای پذیرش ولایت و حاکمیت حضرت حجت علیه السلام را در فرد و جامعه فراهم می‌آورد. البته تربیت زمینه‌ساز همان تربیت اسلامی است و عنوان زمینه‌ساز فقط بر جایگاه امام در تربیت تأکید دارد. در مبنای محوریت امام مورد تأکید و درگزینش اهداف محوریت امام مورد توجه قرار می‌گیرد.

مؤسسه آینده‌روشن (پژوهشکده مهدویت) با توجه به ضرورت زمینه‌سازی و تحقق جامعه منتظر و جایگاه تربیت در این امر خطیر، موضوع نهمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت را «تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها» قرار داده است. از همه فرهیختگان و اندیشمندان دعوت می‌شود با ارائه مقالات پژوهشی در تبیین و ترویج این مهم سهم‌گردند.

محور اول: زمینه‌سازی

۱. مسئولیت زمینه‌سازی (اصل مسئولیت، حد مسئولیت و گستره آن)
۲. شکل‌های زمینه‌سازی (تربیت، آموزش، تشکیل حکومت و...)

۳. جوامع اسلامی و زمینه سازی (وضعیت کنونی آموزش، تربیت، خانواده و... در جامعه ایران و سایر جوامع اسلامی و فاصله آن با زمینه سازی)

محور دوم: تربیت و زمینه سازی

۱. جایگاه امام در طرح تربیتی اسلام
۲. مبانی و اهداف تربیت اسلامی با تأکید بر محوریت امام (تربیت زمینه ساز)
۳. رویکردهای تربیتی و زمینه سازی
۴. سبک زندگی و تربیت زمینه ساز
۵. نهادهای فرهنگی و تربیت زمینه ساز
۶. چالش‌ها، آسیب‌ها و موانع تربیت زمینه ساز

محور سوم: راهبردها و راهکارها

۱. راهبردها و راهکارهای تربیت زمینه ساز در نهادهای فرهنگی - تربیتی (حوزه و دانشگاه)
۲. راهبردها و راهکارهای تربیت زمینه ساز در آموزش و پرورش
۳. راهبردها و راهکارهای تربیت زمینه ساز در رسانه (صدا و سیما، سینما و فضای سایبر)

توضیحات:

- مقالات باید حداکثر تا تاریخ ۱ خرداد ۱۳۹۲ به دبیرخانه همایش ارسال شود.
- مقالات ارائه شده که مضمون آنها به عناوین پیشنهادی فراخوان نزدیک باشد با تایید کمیته علمی پذیرفته خواهند شد.
- مقالات ارائه شده نباید پیش‌تر در دیگر همایش‌های علمی یا مجلات و فصل‌نامه‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور ارائه یا چاپ شده و یا کپی برداری از مقالات دیگران باشد.

- مقالات برگزیده با حضور نویسندگان آنها در همایش ارائه خواهند شد.

- کمیته علمی همایش، مقالات برگزیده شده را چاپ و منتشر خواهد کرد و از ارائه‌کنندگان قدردانی شایسته به عمل خواهد آورد.

- اصل مقاله حداکثر تا هفت هزار و پانصد کلمه (۲۵ صفحه) با فرمت «Word» به صورت لوح فشرده یا پست الکترونیک یا از طریق پایگاه اینترنتی، به دبیرخانه همایش ارسال گردد.

- مقالات ارسالی بایستی دارای چکیده، مقدمه، ساختار مناسب و فهرست منابع به همراه سوابق علمی و پژوهشی نویسنده باشد.

- همایش در ۲ و ۳ تیرماه ۱۳۹۲ (۱۴ و ۱۵ شعبان المعظم) برگزار خواهد شد.

نشانی: دبیرخانه دائمی همایش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، کدپستی: ۴۵۶۵۱-۳۷۱۳۷

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۳۷۱۴-۱۵ نمابر: ۰۲۵-۳۷۸۳۳۷۱۳-۲۵

تلفن همراه: ۰۹۱۹۱۵۹۶۷۹۲

نشانی الکترونیکی: maqaleh@brightfuture.ir

پایگاه اینترنتی: <http://mahdaviat-conference.com>

سخنرانی دبیر همایش

حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی در افتتاحیه

سلام علیکم ورحمة الله
الحمد لله والصلاة على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما بقية الله.
اللهم صل على محمد وآل محمد، الفلك الجارية في اللجج الغامرة، يأمن من
ركبها، ويغرق من تركها.
الشيعة تربي بالأمانى.

خدمت همه عزیزان، مهمانان گران قدر حاضر در جلسه، به ویژه حضرت آیت الله
مهدوی کنی، جناب آقای دکتر لاریجانی (ریاست محترم مجلس شورای
اسلامی)، حضرت آیت الله حسینی بوشهری (ریاست محترم حوزه های علمیه) و
نمایندگان بیوت مراجع عظام تقلید - دامت برکاتهم - همچنین مهمانان گران قدر
خارجی و همه بینندگان و شنوندگان صداوسیما جمهوری اسلامی خیرمقدم
عرض می کنم. امیدوارم که - ان شاء الله - به برکت دعای حضرت بقية الله الاعظم
- ارواحنا فداء - این همایش باشکوه هرچه بیشتری برگزار شود.

حضور در این چنین مجالسی تعظیم شعائر الهی است؛ «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ
فَأَنَّهُ مِنَ تَقْوَى الْقُلُوبِ». ^۱ پاسداشت مجالسی که منتسب به ائمه عليهم السلام به ویژه نام

نامی امام زمان علیه السلام می باشد، بدون تردید از مصادیق تعظیم شعائر الهی است. اندیشه مهدویت رویکردهای مختلفی دارد؛ یا می توان از منظرهای گوناگون به آن نگاه کرد. منظری که امروزه به شدت جامعه شیعی ما و جوامع اسلامی به آن نیازمند هستند، نگاه راهبردی و رویکرد اندیشه‌ای و نظریه پردازی در این آموزه گران سنگ است. اگر مهدویت را اندیشه رهبری فراتاریخی بشریت برای رسیدن به جامعه مطلوب و مدیریت آینده جهان بدانیم، این اندیشه به تبیین و تعمیق نیاز دارد؛ نیازمند مبانی، اهداف و اصول خاص خود است. اگر این مبانی تبیین شوند، راه برای نگاه راهبردی به انگیزه مهدویت باز است که دکتترین مهدویت و نگاه دکتترین ها به این آموزه، یعنی نگاه راهبردی. ما معتقدیم که خاستگاه این نگاه اندیشه‌ای و راهبردی برای تبیین مبانی آن، حوزه‌های علمیه هستند. از این رو مؤسسه آینده روشن - یا پژوهشکده مهدویت - به همت چند نفر از فضلاء حوزه شکل گرفت و این افتخار را دارد که در مسیر رهبری و مرجعیت زنده و بالنده حوزه‌های علمیه است. دلیلش این است که ما چند هزار حدیث داریم. مهم ترین رویکرد کلامی ما بحث امامت ماست؛ مباحث تاریخی و به خصوص در عصر غیبت، مبحث مهم راهبردی و کاربردی ولایت فقیه برخاسته از این آموزه گران سنگ است. ولی فقیه نایب امام زمان علیه السلام است. همه این ها دست به دست هم داده و خاستگاه این اندیشه را حوزه‌ها قرار داده است. دیگران باید از این خان نعمت استفاده کنند؛ چون این احادیث نیازمند بررسی سندی و دلالتی است و می طلبد که اساتید، بزرگان و فضلاء حوزه در این دریای عمیق وارد شوند تا بتوانند دُر و لؤلؤهایی را صید کنند.

ما در جمع خود، هیئت امنایی داریم که عبارتند از حضرت آیت الله مؤمن دامت برکاته - حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای ابوترابی (نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی)، حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای اختری (ریاست محترم مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام)، سرلشکر بسیجی جناب آقای دکتر فیروزآبادی

(ریاست محترم ستادکل نیروهای مسلح)، سردار سرتیپ پاسدار جناب آقای دکتر احمدی مقدم (ریاست محترم نیروی انتظامی) - که اخیراً به جمع هیئت امنای ما پیوسته‌اند - و جمعی از اساتید و فضلای حوزه، تا بتوانند در این راه سنگینی که پیش رو داریم ما را کمک کنند.

من پیش از گزارش فعالیت‌های این همایش، تعداد مقالات و مهمانان داخلی و خارجی، عرض می‌کنم که در این دریای موج جهانی - که امروزه شاهد سونامی‌های خطرناک و بزرگی هم در آن هستیم - شاهد یک کشتی امن و لنگرگاهی مطمئن هستیم و آن ایران اسلامی است. نگاهی مختصر به همسایه‌ها و دیگر کشورهای منطقه، از عراق و عربستان گرفته تا سوریه و لبنان و آن طرف ترکشورهای اروپایی و امریکایی حتی امریکای لاتین که امروزه حرکت‌هایی در برزیل آغاز شده است، نشان می‌دهد که در کنار این فاصله‌های بین فقیر و غنی، این تظاهرات و این جنگ‌ها و درگیری‌ها، کشتی امنی قرار دارد و آن ایران اسلامی است. ما معتقدیم این امر به برکت ولایت است. اگر بخواهیم این مسئله را تحلیل کنیم، به همین جمله‌ای که در صلوات شعبانیه آمده است خواهیم رسید که: «الْفُلُكُ الْجَارِيَةُ فِي اللَّجَجِ الْعَامِرَةِ». باید ملازم و همراه کسانی که در «يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا»^۱ هستند باشیم؛ چه با ولایت معصوم و چه با شعاعی از آن، که ولایت فقیه است. خیلی‌ها برای ایران اسلامی نقشه‌ها داشتند، اما همه آن‌ها به برکت پشتیبانی از مقام ولایت فقیه و با تبعیت از همان جمله مشهور امام راحل - رضوان الله تعالی و علیه - که: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این کشور آسیبی نرسد» خنثی شد. این انتخابات باشکوه لیبکی به مطالبه مقام معظم رهبری - دامت برکاته - بود.

اگر این امنیت را داریم، مدیون و مرهون این آموزه کلیدی و حیاتی شیعه هستیم و جا دارد آن را قدر بشناسیم. آثار پاسداشت این اندیشه، همان است که امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ اِزْتَبَطَ دَائِبَةً مُتَوَقَّعاً بِهٖ اَمْرًا وَيَغِيْظُ بِهٖ عَدُوَّنَا وَهُوَ مُنْسُوْبٌ

۱. مصباح‌المجتهد، ص ۴۵.

إِنِّيْنَا أَدْرَأُ اللّهُ رِزْقَهُ»؛ توسعه رزق می آید، چه رزق مادی و معنوی، چه به لحاظ فردی و اجتماعی. «شَرَحَ صَدْرُهُ»؛ آستانه تحمل ها بالا می آید. «وَبَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَكَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ»؛ خداوند مشکلات کسانی که در این راه گام برمی دارند را حل می کند؛ آن ها را به خواسته ها و آرزو ها و آمالشان می رساند. این ها و بسیاری آثار دیگر از ثمرات این آموزه است.

امام راحل علیه السلام جمله زیبایی دارند و جا دارد روی آن تأکید شود، حتی بعضی از دوستان ما معتقدند صداوسیما می تواند این جمله را مدام تکرار کند؛ کلامی است که با خود روح حماسی دارد؛ ایشان می فرماید: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»^۲

به فراز پایانی کلام امام خوب دقت فرمایید؛ اگر مسائل اقتصادی و مادی، لحظه ای مسئولان را از وظیفه ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. تصور نکنیم بدون چشم اندازی که به این افق آرمانی داریم، می توانیم مشکلات داخلی را حل کنیم. انتظار یعنی محوریت امام در زندگی و جامعه؛ هدف هایمان باید اهداف امام باشد، کارهایمان مورد رضایت امام باشد، انتظار یعنی همین. همین است که دشمن را به غیظ وامی دارد و او را از ما خشمگین می کند.

مقصود امام علیه السلام این است که مبادا مشکلات، شما را از این نگاه جهانی غافل کند! باید با توجه به این قله، این آرمان و چشمی که به این هدف دارید حرکت

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۵.

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

کنید. مشکلات داخلی شما هم در سایه همان حل می‌شود. حل مشکلات داخلی در سایه این اصل آرمانی است. باز همان کلام امام موسی بن جعفر علیه السلام: «الشَّيْعَةُ تُرَبَّى بِالْأَمَانِي»؛ شیعه با همین آرمان تربیت می‌شود و با همین آرمان ساخته می‌شود و پرورش پیدا می‌کند و مدام استعداد های خود را شکوفا می‌کند.

امسال عنوان همایش ما همین تربیت زمینه‌ساز است. باید از این آموزه کلیدی و وجود هزاران حدیث و بحث‌های مهم کلامی، تاریخی و سیاسی، عناصر تربیتی را استخراج و سپس آن را در سطح جامعه خود کاربردی کنیم. در همایش امسال، از مهمانان خارجی، ۱۰۵ مقاله به دبیرخانه همایش رسیده است که فقط ۱۵ مقاله فرصت طرح در همایش را دارند.

حضور برخی از مهمان‌های خارجی با مشکلاتی همراه بود که به همین دلیل پذیرای ۴۸ مهمان خارجی از کشورهای کانادا، سوئد، نروژ، بحرین، اردن، لبنان، مصر، عراق، پاکستان، بوركینافاسو، کویت، عربستان، فیلیپین و تانزانیا هستیم. ۳۱ نفر از آن‌ها از آقایان و ۱۷ نفر از خانم‌ها هستند.

همچنین ۱۰۸ مقاله فارسی دریافت کردیم که از این تعداد، ۲۲ مقاله از استان‌های قم، خراسان جنوبی، تهران، کرمان، خراسان رضوی، اصفهان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، فارس، همدان، مازندران، آذربایجان شرقی، بوشهر، خراسان شمالی، مرکزی و گیلان، فرصت طرح در همایش را دارند.

برگزیدگان این مقالات، در چهار کمیسیون در دو نیم‌روز نقد و بررسی می‌شوند. هر مقاله بیست دقیقه فرصت طرح دارد و پنج تا هفت دقیقه نقد و بررسی می‌شود و بدین ترتیب در هر کمیسیون، حداکثر ۱۶ مقاله فرصت طرح دارند. این مقالات بعداً تحت عنوان «مجموعه مقالات» به صورت کتاب و نیز در سایت‌ها منتشر می‌شوند. هم‌اکنون یکی از منابع فاخر در عرصه مهدویت، همین مجموعه مقالات است.

نکته پایانی این است که از حضرت آیت‌الله حسینی بوشهری درخواست کردیم، بزرگواری کردند، قبول کردند، تشریف آوردند. بحمدالله در حوزه‌های علمیه در

سال‌های اخیر به خصوص بعد از انقلاب، اهتمام ویژه‌ای به عرصه مهدویت شده است و امیدواریم هرچه زودتر - ان شاء الله - با همت ایشان، موفق شویم سطح چهار یا دکترای آن را تأسیس کنیم. آموزه بالنده مهدویت ظرفیت‌های شگرفی دارد که در کمیسیون‌های این همایش شاهد آن خواهید بود. مهدویت رمز هویت ماست و سند این سخن حدیث متواتر بین شیعه و اهل سنت است: «من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة». مهدویت تنها راه است. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ»، یعنی سلام بر تنها راه؛ مهدویت یک راه در کنار دیگر راه‌ها نیست، بلکه تنها راه است. رمز پیروزی انقلاب ما، استمرار و - ان شاء الله - اتصال آن به حکومت جهانی امام زمان علیه السلام آموزه بالنده مهدویت است.

دانشگاه‌ها هم ضرورت دارد اهتمام بیشتر و جدی‌تری به این آموزه حیاتی داشته باشد. همین‌جا از حضرت آیت الله مهدوی کنی درخواست می‌کنم در دانشگاه امام صادق علیه السلام مقطع ارشد و دکترای مهدویت را ایجاد کنند و همچنان که در دانشگاه عالی دفاع ملی به همت جناب آقای دکتر فیروزآبادی در مقطع دکترا، هم اکنون دو واحد را به این موضوع اختصاص داده‌اند و امید است در آینده نزدیک شاهد گرایشی با عنوان «دکترین مهدویت» باشیم. ما هم آماده‌ایم به سهم خود اگر کاری از دستمان برآید انجام وظیفه کنیم.

حرف پایانی من این‌که یک مؤسسه کوچک در قم توان اجرای چنین همایش‌هایی را بدون همکاری و همیاری مدیریت حوزه علمیه، جامعه المصطفی العالمیه، دانشگاه عالی دفاع ملی و بسیاری از جاهای دیگر ندارد که از همه آن‌ها تشکر می‌کنم. علاوه بر آن‌ها، از صداوسیما - که این سالن را در اختیار ما گذاشتند، هزینه کردند و لطف کردند - شهرداری تهران، دانشگاه علوم انتظامی، از جناب آقای سردار دکتر احمدی مقدم که هم لطف کردند به مجلسی که متعلق به امام زمان علیه السلام است تشریف آوردند و از هرگونه کمک به همایش هم دریغ نداشتند.

واقعیت این است که اگر این عزیزان کمک نکنند ما را توان برگزاری چنین همایش یا همایش‌هایی نیست؛ از همه این‌ها تشکر می‌کنم؛ از دانشگاه عالی دفاع ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و دانشگاه امام صادق علیه السلام، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، مجمع جهانی تقریب مذاهب، سازمان بسیج مستضعفین و باز هم از همه شما عزیزانی که قدم‌رنجه فرمودید و جهت تعظیم شعائر الهی از قم و دیگر شهرستان‌های دور و نزدیک به مجلسی که متعلق به امام زمان علیه السلام است تشریف آوردید تشکر می‌کنم. اجرکم علی الله والسلام علیکم رحمة الله وبرکاته.

سخنرانی دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلی الله علی محمد وآله

السلام عليك يا حجة الله في ارضه، السلام عليك يا نور الله الذي يهتدى به
المهتدون، السلام عليك يا بقية الله في ارضه.

الا يا ايها المهدي مدام الوصل ناولها

که دردوران هجرانت بسی افتاد مشکلها

چون نور مهر تو تابید بردل های مشتاقان

ز خود آهنگ حق کردند و بر بستند محملها

به حق سجاده تعظیم کن مه محراب و منبر را

که دیوان فلک صورت از آن سازند محفلها

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل

ز غرقاب فراق تورهی بنما به ساحلها

اگر دانستی کویت به سر می آمدم سویت

خوشا گر بوده می آید ز راه و رسم منزلها

سلام و درود خداوند تبارک و تعالی بر پیامبران به ویژه پیامبر خاتم محمد مصطفی و سلام و درود خداوند بر اولیای عظیم الشان اسلام و خاتم آنان، صاحب عصر و زمان، و سلام بر شما سروران گرامی که در این محفل نورانی حضور پیدا کردید.

میلاذ باسعادت ولیّ الله الاعظم امام زمان علیه السلام را به شما عزیزان و ملت عزیز تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. البته جا داشت که از محضر حضرت آیت الله مهدوی کنی (ریاست محترم مجلس خبرگان) - که از سابقون در انقلاب هستند - استفاده می‌کردیم؛ ایشان مشکل داشتند، مأموریت را به ما دادند. از دوست گرامی مان جناب آقای پورسیدآقایی و همکارانشان که هر ساله چنین همایشی را برگزار می‌کنند، سپاس‌گزاری می‌کنم.

خوشبختانه ملت ما از دیرباز از عشق به اولیای دین زنده و باحیات بوده و امروز بیش از هر زمان محبت اولیای دین، به خصوص ولیّ الله اعظم را در دل خود دارد. در مورد آیه «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ»^۱ ابوهریه می‌گوید: وقتی که سوره جمعه بر پیامبر نازل شد، نزد آن حضرت نشسته بودیم. هنگامی که این آیه قرائت شد، مردی برخاست و پرسید: ای پیامبر، «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ» چه کسانی هستند؟ پیامبر پاسخی نداد. دو سه بار این سؤال تکرار شد، در حالی که سلمان فارسی در میان ما بود. پیامبر دستش را بر روی سلمان گذاشت و فرمود: «اگر ایمان در میان ستاره‌تریا باشد، مردانی از اینان - مقصود ایرانیان - به آن دست خواهند یافت.»^۲ ابن عباس روایت کرده است که در حضور پیامبر، یادی از فارس نمودم. حضرت فرمود: «ایرانیان حامیان محکم ما و اهل بیتند.»^۳ و باز از ابوهریه نقل است که گفته است: صحبت از موالی و اعاجم شد، پیامبر فرمود: «به خدا سوگند من به این‌ها بیش از

۱. جمعه: ۳.

۲. تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۶۴؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۶۳.

۳. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۰۳.

شما وثوق و اعتماد دارم.»^۱ مقصود این است که روایات عدیده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد ایرانیان از دیرباز با عشق به ولایت زندگی کرده‌اند و این ویژگی امروز در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها ثمرات عملی داشته و بر همین اساس نظامی را خلق کرده‌اند.

از روایات اسلامی این‌گونه برمی‌آید که در مقولهٔ قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام‌های دیگر از طریق اهل حق صورت می‌گیرد که قیام یمانی قبل از ظهور، نمونهٔ آن است. و در برخی از روایات اسلامی، سخن از دولتی است حق که تا قیام مهدی موعود ادامه پیدا می‌کند، امیدواریم انقلاب ملت ایران که امروز روشنایی بخش نهضت‌های بیداری اسلامی در جوامع اسلامی است، همان دولتی باشد که به قیام مهدی موعود منتهی می‌گردد. از امام رضا علیه السلام نقل است که ایشان از پیامبر گرامی اسلام روایت کرده‌اند: «انتظار فرج، افضل اعمال امت است.»^۲ این نشان می‌دهد که انتظار فرج در مکتب الهی اسلام جنبهٔ رکنیت دارد و از جهات مختلف - همان‌طور که آقای پورسیدآقایی فرمودند - به این موضوع می‌شود تقرب پیدا کرد.

در این کنفرانس، ظاهراً بحث مواجهه با این انتظار بزرگ، از منظر تربیت است. دو گونه مواجهه با پدیدهٔ تربیت می‌توان داشت:

نخست، تأثیرات اصل توجه به منجی و اصل انتظار در تربیت فردی و اجتماعی است؛ و دوم، برنامه‌های امام مهدی علیه السلام در تکامل تربیت و بلوغ روحی انسان‌هاست.

در مواجههٔ نخست، اصولاً مکتبی که موضوع انتظار در آن چنین جایگاهی دارد که افضل اعمال امت محسوب می‌شود در سطح کلام، تأثیرات شگرف تربیتی چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی خواهد داشت. این یک واقعیت است از

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۸۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۴۴.

زمانی که زندگی با مظاهر مدرن عجین گردید، مخصوصاً با زیربناهایی که غرب در توسعه تمهید کرد و اساس آن جدا نمودن دین از عرصه زندگی اجتماعی بود، شرایط اجتماعی کاملاً دگرگون شد و تغییرات مهمی در آن پدید آمد. اولاً انسان‌ها نسبت به تکنولوژی مقهور شدند و حالت ابزاری پیدا کردند و در سطح کلان هم نظام‌های اجتماعی علی‌رغم شعارهای انسان‌مدارانه و اومانیستی، مداخلیت انسان در ساحت اجتماع جنبه ابزاری برای سرمایه و ماشین پیدا کرد؛ یعنی انسان دچار پدیده استثمار تکنولوژی گردید، به طوری که برخی از متفکران از فلاسفه و متفکرین غربی که منتقد مدرنیته هستند نظیر هایدیگر و فوکو، از این پدیده استثمار تکنولوژی به عنوان بحران هویت نام برده‌اند.

ثانیاً، علی‌رغم ویژگی‌های مقهوریت انسان نسبت به تکنولوژی مدرن در عصر حاضر، مخصوصاً پس از رنسانس، انسان نسبت به متافیزیک و وجوه علمی کائنات جنبه طغیان پیدا کرده است. محصور نمودن دانش و دانایی انسان به محسوسات و نفی دانش‌های متافیزیک، عصبانی پایه‌گذاری نمود که به محرومیت انسان از بخش زیادی از معارف ختم شد. باید پذیرفت مفتون شدن نسبت به تکنولوژی مدرن و طغیان نسبت به معارف آزادی بخش روحی و روانی مثل دولبه قیچی، انسان‌ها را نسبت به امتداد گذشته خود منقطع کردند و عصبیت مدرن را شکل دادند که ریشه در جهل دارد، گرچه ظاهر آن علم‌گرایی است که این عصبیت مدرن از عصبیت جاهلی مخرب‌تر است. این جاست که کلام امام صادق علیه السلام مفهوم پیدا می‌کند؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که قائم ما قیام کند آن‌چه از مردم نادان می‌بیند به مراتب بیشتر از چیزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم زمان جاهلیت دید.»^۱ این نمونه‌ای از آن وضع است؛ سختی جهل امروز و پیچیدگی آن بسیار شدیدتر از زمان جاهلیت است.

۱. غیبه نعمانی، ص ۳۰۷.

ثالثاً، تأثیرات این دو ویژگی عصر حاضر، زندگی زمانه ما را به نحوی سامان داده که انسان‌ها احساس اتکا و امید نمی‌کنند و زندگی را بی‌سرانجام تلقی می‌کنند؛ یعنی عصر حاضر، عصر انسان‌های معلق و آویزان و بدون اتکاست. اکثر اضطراب‌ها و ناآرامی‌های روانی، بحران‌های روحی و به‌هم‌ریختگی خانواده، ریشه در این ناامیدی و یأس در زندگی دارد. یکی از فیلسوفان غرب معتقد است عصر ما، عصر انسان‌های بی‌هویت است.

رباعاً، از نظر اجتماعی، نظامی در صحنه بین‌الملل ایجاد شده‌اند که ریشه در همین بی‌هویتی فرهنگی و معرفتی دارند و به قدرت و تسلط طلبی جنبه قانونی داده‌اند و با این نظریه، عملاً اضطراب روحی فردی را به عرصه اجتماع بین‌المللی تسری داده‌اند و آدم مضطرب و ناآرام را به عالم مضطرب و به‌هم‌ریخته و ناآرام گسترش داده‌اند. البته ظاهراً این استعمارنور قانونی و با کمک رسانه‌های مدرن دارای توجیه کرده‌اند و این بزرگ‌ترین فساد دنیای امروز است. اگر زمانی چنگیزخان مغول با قلدری سرزمین‌ها را فتح می‌کرد و می‌کشت و می‌سوزاند، امروز با قدرت بیشتر اما با توجیه، از انواع بمب‌ها، حتی سلاح هسته‌ای استفاده می‌کنند، لکن ظاهراً آن را بزک می‌کنند که برای دفاع از حقوق انسان‌هاست.

ولتر سخن جالبی دارد؛ می‌گوید: «آخرین درجه فساد، به کار بردن قوانین برای ظلم است.» این که قدرتمندان جلسه می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند مثلاً به عراق یا افغانستان حمله کنند و یا همین روز گذشته آن جلسه فضاحت‌آمیز را برگزار کردند تا برای کشتار بیشتر مردم سوریه انواع سلاح‌ها را به آن جاگسیل کنند، همه این جنایت‌ها را زیر چتر توجیه مبارزه با تروریسم، به نحوی قانونی جلوه می‌دهند. آنان معتقدند از حقوق بشر می‌خواهیم دفاع کنیم. این نمونه از همان حرف و سخن ولتر است که آخرین درجه فساد با استناد به قانون ظلم کردن است. البته همه این اقدامات، ریشه در همان هبوط انسانیت در دنیای مدرن به سرحد ابزار قدرت است.

حال در چنین شرایطی که برای آدم و عالم مستولی شده، نظریه منجی و انتظار بزرگ دنیای دیگری را ترسیم می‌کند و یکسره این دنیا متفاوت از شرایط دنیای مدرن است، انسان مدرسه مهدوی انسانی است کاملاً امیدوار و متکی بر برنامه همه جانبه انسان کامل. این شرایط روحی را با انسانی که همه زندگی را منحصر به عمر کوتاه خود می‌کند و ضمناً میدان زندگی را مبارزه گرگ‌ها می‌پندارد مقایسه کنید. مخصوصاً با تلقی ولایت تکوینی که در تفکر اسلامی مطرح است که وجود مبارک امام زمان علیه السلام واسطه فیض تلقی می‌شود که همه عالم هستی دم به دم از فیض الهی از طریق حضرتشان حیات مجدد می‌یابند. این یک تلقی بسیار مهم و تحول برانگیز برای انسان هاست و انسان‌ها متکی به یک مرجع بزرگ و کامل قرار می‌گیرند، لذا یأس وجود ندارد.

مرحوم سید بن طاووس نقل می‌کند: در شب چهارشنبه ۲۳ ذی قعدة سال ۶۳۸ در سحرگاه، در سرداب مطهر می‌شنیدم که آن حضرت در حق شیعیان خود این عبارات را می‌فرماید: «إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالشُّرَّةِ». امام ما برای مؤمنین دعا می‌کند و در این شرایط نگران آنان است. بعد می‌فرماید: «بر بیماران مؤمنین و مؤمنات شفا و سلامتی عطا کن؛ بر زندگان لطف و کرم تفضل نما؛ بر اموات مؤمنین و مؤمنات مغفرت و رحمت نصیب نما؛ بر مسافران و غریبان نشان بازگشت به سلامت به وطن‌هایشان تفضل نما؛ خدایا، شیعیان ما را از شعاع نور ما خلق کردی؛ ممکن است لغزش‌ها و گناهانی کرده باشند؛ اگر گناهان آنان گناهی است که در ارتباط با توست از آن‌ها بگذر که ما را راضی کردی و آن‌چه از گناهان آنان که در ارتباط با خودشان است خودت در بین آن‌ها اصلاح کن و از خمس که حق ماست به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آنان را با دشمنان ما درخشم خود جمع نفرما!»

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۵۰.

ملاحظه می‌کنید امامی که مورد اتکای مؤمنین است، این‌گونه برای نجات مسلمانان و حل مشکلات آن‌ها از خداوند دلسوزانه استعانت می‌طلبد. معنای مرجعیت این است که همهٔ آدمیان به خصوص مؤمنان احساس می‌کنند در حرکت تکاملی خود از یک مرجع عالی و یک انسان کامل هدایت و پشتیبانی می‌شوند. لذا نه تنها رویهٔ یأس و سرخوردگی ندارند که در همه حال، حتی سختی‌ها، دارای ابتهاج روحی هستند. این تفاوت دو مسلک، یک تفاوت کوچک و تاکتیکی نیست. یأس و بی‌هویتی منشأ عقب‌افتادگی و اکثر ناهنجاری‌هاست. جامعهٔ مایوس و بی‌هویت نیز مثل انسان مایوس و بی‌هویت عملاً به بن‌بست رسیده است. ژست‌های تبلیغاتی برای کوتاه‌مدت می‌تواند بیماری آن افراد را در جامعه بزرگ کند، اما در حوادث مختلف، این ناهنجاری‌ها خود را نشان می‌دهد. در اشغال عراق گزارش‌های مکرر وجود داشت که سربازان امریکایی که با هزینهٔ هنگفت در آن جا مأموریت داشتند، دچار بحران روحی شدند و نتیجهٔ پنج سال لشکرکشی برای ابرقدرت، شکست جدی و هزیمت بود. در افغانستان آن قدر ماجرا مفتضحانه است که امریکایی‌ها مدت‌هاست با همان گروه‌هایی که تروریست می‌نامیدند و برای سرکوب آن‌ها بیش از یک دهه آن کشور را اشغال کردند، سرمیز فالوده خوری نشستند؛ راستی چرا؟ چون نیروهای مصلح آن‌ها روحیهٔ عملیات را ندارند. به این دلیل شکست خوردند.

حال آن وضع آن‌ها را مقایسه کنید در جنگ سی و سه روزه که دفاع جانانه‌ای که حزب الله در مقابل رژیم صهیونیستی کرد. با آن‌که صهیونیست‌ها از نظر عده و عده خیلی قوی بودند و قابل مقایسه نبودند، ولی آن چه حزب الله را پیروز کرد، همان روحیهٔ ایمانی و اتکا به مجاهدت اسلامی بود. از این نمونه‌ها بسیار است.

در واقع موضوع انتظار در مکتب مهدوی، شکوه و عظمتی در ساحت فردی و اجتماعی ایجاد کرده که در ساختار تربیت انسان‌ها تأثیر استراتژیک داشته است؛ انسان مضطرب را به انسان آرام، انسان مایوس را به انسان امیدوار، انسان معلق را به

انسان متکی به انسان کامل، انسان بی هویت را به غنای هویت الهی، و انسان ابزاری را به انسان مستقل مبدل کرده است. این یک تأثیر استراتژیک در این مکتب است که با سایر مکاتب قابل قیاس نیست. بنابراین وجه نخست تقرب ما به مسئله انتظار از بعد تربیت به اصل و تأثیر این اصل در موضوع تربیت برمی‌گردد.

وجه دیگر مواجهه موضوع انتظار با مقوله تربیت، به برنامه‌های امام مهدی علیه السلام در تکامل انسان‌ها و بلوغ روحی آن‌ها مربوط می‌شود. در مقوله انتظار بزرگ، جدای از بحث یک انقلاب رهایی‌بخش برای عالم، آرمان‌های مهمی نهفته است که این آرمان‌ها فلسفه بزرگ اجتماعی انسان را شکل می‌دهد. این آرمان‌ها گذشته از این‌که الهام‌بخش و راهگشا به سوی آینده است، مجموعه کاملی از آرمان‌های اسلامی را نشان می‌دهد که یک نظام تربیتی را سامان می‌بخشد.

خواجه نصیرالدین طوسی درباره امام زمان علیه السلام بیانی دارند که مهم است؛ فرمودند: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر، و عدمه منّا؛ وجود امام عصر سراسر لطف است و تصرف و رهبری او در عالم، لطفی دیگر، و نبودن و نیامدنش از ناحیه ماست.»^۱

نکته اساسی در این تلقی این است که غیبت آن حضرت، ریشه در آماده نبودن روحی جامعه ما دارد. لذا باید در این وجه تلاش کرد؛ چرا که وجود ایشان و رهبری ایشان برای عالم لطف است. این آفتاب حیات بخش وجود دارد و همه از فیض او بهره‌مندند، اما نمی‌دانند و یا از پس ابرها او را می‌یابند.

حضرت در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب مرقوم کردند: «اما چگونگی بهره‌وری جامعه و مردم از من در عصر غیبت، درست همانند بهره‌وری زمین و پدیده‌های آن از خورشید است، به هنگامی که ابر آن را از چشم‌ها بپوشاند.»^۲ این ابرها از عدم معرفت و آمادگی ما حاصل می‌شود. در نامه حضرت مهدی علیه السلام آمده

۱. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۹۰-۴۹۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

است: «اگر شیعیان ما - که خداوند بر طاعتش آنان را موفق بدارد - در وفای به عهد - یعنی امامت و اطاعت اهل بیت علیهم السلام - هم دل می‌شدند و اجتماع می‌کردند هرگز مبارکی ملاقات ما به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زود نصیبشان می‌شد، لکن ما را از آنان دور و پنهان نکرده، جز آن چه به ما می‌رسد از اموری که کراهت و ناخوش داریم.^۱ آن چیزی که ما را از وجود مقدس ایشان دور نگه می‌دارد این امور است که آن‌ها نسبت به اعمال ما کراهت می‌کنند.

از عبارت شیخ طوسی این‌طور فهمیده می‌شود که ظهور حضرت با تکامل تربیتی و آمادگی روحی مؤمنین مرتبط می‌شود و این امر به دو شکل است:
- ظهور حضرت برای کسانی که در مسیر استکبار نفسانی مجاهدت نمودند و جنبه فردی دارد؛

- ظهور عام در شرایطی که آمادگی کلی برای جامعه در مصاف حق و باطل فراهم شده باشد.

داستان حضرت با شیخ مفید نمونه‌ای از این ظهور فردی است که نمونه‌های بسیار دیگری هم وجود دارد. در زمان شیخ مفید شخصی از روستایی به خدمت ایشان رسید و سؤال کرد: «زنی حامله فوت کرده و حملش زنده است؛ آیا باید شکمش را شکافت و طفل را بیرون آورد و یا با همان حالت او را دفن کرد؟» شیخ مفید فرمود: «با همان حمل»؛ یعنی طفل وزن را دفن کنید. آن مرد برگشت، ولی متوجه شد سواری از پشت سر می‌تازد و می‌آید. وقتی نزدیک او رسید گفت: «ای مرد، شیخ فرمود شکم آن زن را شکافته و طفل را بیرون آورید و بعد او را دفن کنید.» مرد روستایی چنین کرد و پس از مدتی ماجرای آن سوار را برای شیخ نقل کرد. ایشان فرمود: «من کسی را نفرستادم. معلوم است که آن شخص حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام بودند و حال که ما در احکام شرعی اشتباه می‌کنیم، همان بهتر که دیگر رفتوا ندهیم.» لذا در خانه خود را بست و بیرون نیامد. از ناحیه مقدسه

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

حضرت صاحب الزمان علیه السلام توفیق صادر شد که بر شماست فتوا دادن و بر ماست که نگذاریم شما در خطا وارد شوید.^۱ این نمونه‌ها نشان می‌دهد تلاش و مجاهدت در دین شرایط را برای درک عمیق‌تر حضرت فراهم می‌کند.

حضرت این راه را در نامه خود به شیخ مفید روشن کردند. فرمودند: «اعلام می‌داریم به ما از جانب خداوند اجازه شده است که تو را به افتخار دریافت نامه و پیامی کتبی مفتخر ساخته و تو را مسئول سازیم که آن چه را به تومی نگاریم همه را به دوستان راستین که در قلمرو و پیام‌رسانی شماست برسانید. گرچه ما اینک آن چه خداوند بر اساس حکمت خویش برای ما و پیروان بی‌ایمان ما صلاح اندیشیده است، تا هنگامی که حکومت دنیا در دست فاسقان و استبدادگران است در مکانی دور از قلمرو بیدادگران سکونت گزیده‌ایم، اما بر اوضاع و اخبار شما و جامعه شما به خوبی آگاهیم و چیزی از رخدادهای زندگی شما بر ما پوشیده نیست، ما از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه خاطر خویش نزوده‌ایم که اگر جز این بود موج سختی‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان بدخواه و کینه‌توز شما را ریشه‌کن می‌ساختند.» این نکته آخر مهم است: «هریک از شما باید با همه وجود و امکانات به کارهایی بپردازید که شما را به دوستی ما نزدیک می‌سازد و از کارهایی که موجب خشم و ناراحتی ما می‌گردد به شدت دوری جوید.»^۲

این بخش از نامه نشان می‌دهد چگونه قرابت به حضرت و دیدار با او بستگی دارد به این که چقدر ما به دوستی آن حضرت نزدیک شده‌ایم. بخشی از این تعالیم در منشور امام عصر علیه السلام با یارانش آمده است.

به فرموده امام علی علیه السلام، امام با یارانشان پیمانی می‌بندند، در واقع نوعی بیعت می‌کنند که اصولی در آن حاکم است و چند تا از آن اصول را نقل فرموده‌اند:

۱. برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۲۱۶.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

«مسلمانی را دشنام ندهید؛ حریمی را هتک نکنید؛ به خانه‌ای بدون اجازه هجوم نبرید؛ کسی را به ناحق نزنید؛ طلا و نقره انباشته نکنید؛ مواد غذایی را اندوخته و احتکار ننمایید؛ مال یتیمان را نخورید؛ لباس فاخر و اشرافی نپوشید؛ در راه خدا به جهادی شایسته دست بزنید؛ توجه به عبادت و نماز داشته و صورت بر خاک بگذارید...»^۱

این‌ها نمونه‌هایی از مسیری است که اولیای دین ما بر اساس نصوص اسلامی نشان می‌دهند. راه تقرب به امام زمان علیه السلام از طریق تربیت درست انجام می‌شود. نکته دیگر، امام از نقطه زیربنایی تحول جامعه حرکت را آغاز کردند؛ یعنی زمینه‌های رشد انسان‌ها و تربیت آن‌ها را محور قرار دادند تا هم حجاب غیبت کنار رود، هم تحول واقعی جامعه که عدالت است محقق گردد؛ چرا که اصلاحات و تحولات و انقلاب‌ها نخست باید از درون انسان آغاز شود و بعد به برون و جامعه تأثیر بگذارد. بهترین برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به دست انسان‌های شایسته اجرا شود، وگرنه سودی ندارد. یکی از دلایل شکست مارکسیسم جدای از این‌که از نظر تئوریک اشکال جدی داشتند، همین موضوع بود که افراد تربیت نشده بودند، با شعار طرفداری به یک نوع سلطنت حزبی ختم شد.

از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ»^۲؛ وقتی قائم ما هنگام رستاخیز آمدند، نیروهای عقلانی مردم را متمرکز می‌کنند و خرده‌ها و دریافت‌های خلق را به کمال می‌رسانند. در واقع نوعی فرزاندگی همگانی ایجاد می‌شود. «وَصَعَّ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ» به این معناست که با عنایت و راهنمایی حضرتشان استعداد‌های عقلانی جامعه فعلیت پیدا می‌کند و رشد فکری و عقلانی حاصل می‌شود. معنای این سخن این است که منتظران واقعی کسانی هستند که در طلب علم و حکمت و فردی ساختن عقلانیت تلاش

۱. الملاحم والفتن، ص ۲۹۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۵.

می‌کنند. این تلاش هموار نمودن مسیر ظهور است. مرحوم شهید مطهری نتیجه رشد عقلی را بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی دانسته‌اند.

نکته دیگر، ایجاد فضای سازگاری اجتماعی در ظهور حضرت است که امام علی (ع) می‌فرماید: «چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون می‌رود.»^۱ کینه‌توزی عامل ایجاد درگیری و ناسازگاری اجتماعی است. در بیشتر موارد تشنج‌ها، جنگ‌های داخلی و خارجی و کینه‌توزی یک محور و یک عامل است. در زمان حضرت، نوعی یگانگی و دوستی در بین مردم حاکم خواهد شد. این نمونه‌ای است از این‌که چگونه باید به شرایط تربیتی آن حضرت نزدیک شد. برخی از شیعیان به امام باقر (ع) گفتند: «ما در کوفه گروهی بسیار داریم که اگر شما فرمان دهید همه فرمانبر هستند و پشت سر شما می‌آیند.» امام فرمودند: «آیا چنین است که یکی از این گروه بیاید و آن‌چه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد؟» گفتند: «نه.» فرمود: «پس این گروه که برای دادن مال به یکدیگر این‌گونه بخل می‌ورزند، برای دادن خون خویش بخیل تر هستند.» آن‌گاه فرمود: «مردم هم اکنون آسوده‌اند که در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند، از مردم همسر می‌گیرند، به آن‌ها همسر می‌دهند، از یکدیگر ارث می‌برند، حدود را اقامه می‌کنند، امانت را باز می‌گردانند.»^۲ یعنی زندگی مردم در همین حد است و نه کاملاً اسلامی، اما به هنگام قیام قائم، آن‌چه هست دوستی و یگانگی است. «جاءت المزامله»^۳ یعنی دوستی و رفاقت خالص، تا آن‌جا که هر کس هر چه نیاز دارد بدون هیچ ممانعتی از جیب دیگری برمی‌دارد. این یک رشد تربیتی فوق‌العاده است؛ یک نوع یک‌رنگی است. اگر می‌خواهیم نظام تربیتی حضرت را بیابیم، باید در درون این مفاهیم جست‌وجو

۱. تحف العقول، ص ۱۱۵.

۲. اختصاص شیخ مفید، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۳. همان.

کنیم. این یک آرمان بزرگ است که نشان می‌دهد اگر جامعه بخواهد به سوی مدینه مه‌دوی حرکت کند باید بروفاق، سازگاری، برادری، رفاقت و دوستی استوار باشد نه تضاد و درگیری. این به معنای چشم‌پوشی از حق نیست، بلکه وصول به حق بر مبنای تربیتی حاصل می‌گردد که دوستی و محبت پایه آن است. یک خانواده را هم بر اساس درشت‌گویی نمی‌توان اداره کرد تا چه رسد به جامعه.

نکته دیگر، ایجاد عدالت و برچیده شدن بساط ظلم است که در این زمینه روایات بسیاری وجود دارد و نشان می‌دهد مبارزه با ظلم، و عدالت‌خواهی محور اساسی انقلاب مه‌دوی است. من جمله شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام را نقل می‌کنم که فرمود: «أَنَّه يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۱ و فرمود: «این امر محقق نمی‌شود مگر این‌که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند.» این نشان می‌دهد آرمان مبارزه با ظلم و مبارزه با استعمار و استثمار و استکبار و اختناق باید محور مبارزات حق طلبانه مؤمنان در همه شرایط باشد و ایده حکومت واحد جهانی وقتی محقق می‌شود که در پی چنین مبارزاتی سیر کند.

نکته دوم این است که هرچه عمق زمان افزایش می‌یابد این مبارزه حدت پیدا می‌کند. در زمانه ظهور، این مبارزه به حداکثر و نهایت شدت خود می‌رسد. امام سجاد علیه السلام فرمودند: «بی‌تردید مردم زمان غیبت مهدی که امامت او را باوردارند و منتظر ظهور اویند افضل هستند؛ چون خدای متعال به آن‌ها عقل و درک و قدرت شناختی داده که غیبت برایشان چون ظهور است و خداوند آنان را هم‌پایه مجاهدان شمشیرزن زمان پیامبر قرار داده است. اینان مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما هستند.»^۲ این تربیت برای انسان‌ها و جوامع چقدر آقایی، سرافرازی و تعالی وجدان ایجاد می‌کند! نکته مهم در این اصل تربیتی، آمادگی برای مجاهدت

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ص ۳۴۶.

۲. همان، ص ۳۲۰.

است. جامعه مهدوی، تربیت جهادی را محور سبک زندگی خودش قرار می دهد. این در متن زندگی قرار دارد؛ یعنی آماده بودن منتظران به روحیه مجاهدانه آنها مربوط می شود. تحولات آینده جهان به گسترش روحیه این مجاهدان مربوط است. خاورمیانه امروز قطعاً ناپایدار است و خاورمیانه جدید در حال حدوث است، اما این تحول بر بال بیداری اسلامی و مبارزه مجاهدانه شکل می گیرد نه سلاح امریکایی و حضور مزدوران تکفیری که آبروی مجاهدت اسلامی را برده اند. تروریست های مزدور در افراطی که عامل سرشکستگی و بدبختی مسلمانان شده است بر اساس جهل و حرکت متهورانه قدم برمی دارند، نه مجاهدانه. جهاد اسلامی بر محور عقلانیت و شرع انور و برای ایجاد فضای دوستی و انسانیت شکل گرفته، نه بر اساس عصبیت و توحش، در حدی که با وقاحت، جگر انسانی را بدرند و بخورند. مجاهدت اسلامی با این گونه تروریست های جگرخوار که با سلاح امریکایی و به نفع اسرائیل بر مسلمانان ستم می کنند فرسنگ ها فاصله دارد، اما مجاهدت واقعی عامل سرفرازی مسلمانان در این دهه های اخیر شده است. انقلاب اسلامی با آموزه های امام تربیت مجاهدانه را تربیت واقعی پنداشت. نتیجه آن، پیروزی در دفاع مقدس و قدرتمند شدن جمهوری اسلامی در منطقه بود.

مسئله دیگر، آبادانی عالم در پناه قیام امام مهدی علیه السلام است؛ عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و غیرآباد نماند. این امر بخشی از فعلیت یافتن استعدادها در زمان ظهور است؛ در واقع حلقهات مبارزات مسلمانان در تمام وجوه به سمت فعلیت یافتن استعدادهاست. بخشی از این استعدادها عقلانی است که در زمان آن حضرت، خردها کمال می یابد. بخشی مربوط به آبادانی بلاد است. امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارش فرمود: «چهره دنیا خندان و قله های شرف و عظمت از توشاداب و خرامان می گردد.»^۱ آبادی سرزمین ها در نهایت درجه، یکی از نتایج ظهور حضرت است. این آرمان نشان می دهد تلاش گرو تولیدگر بودن

۱. همان، ص ۴۵۰.

نمونه‌ای از تربیت مهدوی است. جامعه مهدوی از عناصر فعال و تولیدگر ساخته شده است، نه سربار و کم بهره. روحیه کار و تلاش و داشتن وجدان کار از موضوعات مهم تربیتی مکتب مهدوی است.

مطلب دیگر، منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدم کشی و... در قیام حضرت مهدی علیه السلام است. از امام علی علیه السلام نقل است که فرمود: «چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون می‌رود، حیوانات نیز با هم سازگاری می‌کنند. در آن روزگار، زن با همه بار و بینه خویش از عراق درآید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد»^۱ که حکایت از یک امنیت کامل در جامعه دارد. یکی از مسائل مهم که در قانون اساسی ما - در اصل هشت - آمده است و کمی هم مورد بی‌توجهی قرار گرفته، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. این یک اصل زیربنایی برای تربیت مهدوی است. رخت برستن مفسد و رشد فضایل جز با امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی‌شود. امر به معروف و نهی از منکر یک مزاحمت نیست، یک مزاحمت است؛ نشان دادن دوستی و هم‌سرنوشتی است. اگر در جوامع دیگر به این امر توجه نمی‌شود، بدان جهت است که برای اعتلای معنوی خود و دیگران ارزشی قائل نیستند؛ لذا نباید در این امر، تقلیدی عمل کرد. سنایی غزنوی در این باره شعر جالبی دارد:

ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده‌اند

از سرب‌بی‌حرمتی معروف، منکر کرده‌اند

شر را یک سونهادستند اندر خیر و شر

قول بطلمیوس و جالینوس باور کرده‌اند

ای دریغ‌ا مهدی‌کامروز از هر گوشه‌ای

یک جهان دجال عالم سوز سرب‌بر کرده‌اند

۱. خصال، ص ۶۲۶.

صحبت در این زمینه بسیار است. از خداوند متعال برای همه شما در این
همایش ارزشمند توفیق خواهانیم.
وصلی الله علی محمد و آله.

سخنرانی آیت الله حسینی بوشهری

(مدیر حوزه های علمیه)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و
نبينا حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد، صلى الله عليه وعلى آله الطيبين
الطاهرين المعصومين المكرمين الهداة المهديين.

قال رسول الله: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَظُّونَ لِمُهْدِيِّ سُلْطَانِهِ»^۱.

قبل از آغاز سخن، مناسبت خجسته میلاد باسعادت منجی عالم بشریت،
حضرت بقیة الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه فداء - را تبریک و
تهنیت عرض می کنم و لازم می دانم از دست اندرکاران این همایش آبرومند، به ویژه
از برادر عزیز، پرتلاش و سخت کوشمان جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج
آقای پورسید آقایی صمیمانه و متواضعانه تقدیر و تشکر کنم و همین جا به همه
شما بزرگواران در این همایش ارزشمند، به ویژه مهمانان گران قدری که از کشورهای
مختلف در این جا حضور پیدا کرده اند، خیر مقدم و ویژه ای داشته باشم.

موضوع سخن من، «نقش حوزه های علمیه و عالمان دین در تربیت زمینه ساز
ظهور حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه) است.

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳.

ابتدا باید عرض کنم که مقوله اندیشه ظهور منجی، منحصر به شیعه نیست؛ گرچه شیعه دارای یک سلسله امتیازات و اختصاصاتی است که با یک نگاه جامع به مسئله ظهور و مهدویت می‌نگرد، اما طوایف مختلف مسلمانان و حتی صاحبان ادیان و مکاتب دیگر، درباره این مسئله اتفاق نظر دارند که در سرانجام این عالم، فردی منجی ظهور خواهد کرد که خیر بر شر پیروز خواهد شد و با حضور ایشان زمین پر از عدل و داد می‌شود.

سؤال این است که آیا اساساً برای رسیدن به آن روز، صرفاً ما باید منتظر بمانیم، دست روی دست بگذاریم یا نیاز به زمینه‌سازی دارد تا ما بسترها و مقدمات را برای آمدن فراهم کنیم؟

آنچه از روایات ما استفاده برداشت می‌شود، این است که یک وظیفه و یک تکلیف متوجه همه ماست؛ تکلیف زمینه‌سازی. رسول گرامی اسلام در همین روایتی در آغاز سخن به آن اشاره کردم، رسماً از واژه «يُمَهِّدُونَ» استفاده می‌کند. تمهید یعنی زمینه‌سازی، آماده‌سازی. آماده‌سازی یا زمینه‌سازی می‌کنند برای این که آن حضرت به حاکمیت برسد و جهان را پر از عدل و داد کند. بنابراین من درباره اصل موضوع که آیا اعتقاد به منجی در عالم وجود دارد یا ندارد، نیاز به بحث گسترده‌ای نمی‌بینم. جالب این جاست که من طبق تتبعی که به عمل آورده‌ام روایات اهل سنت درباره وجود حضرت، بیش از روایات شیعه است و این نقطه قوت کار است که درباره آمدن حضرت، روایات متعددی از اهل سنت نقل شده است. من فقط موضوع اصلی سختم را پیرامون دو مطلب قرار می‌دهم:

آیا زمینه‌سازی لازم است یا خیر؟ این به بحث گسترده‌تری نیاز دارد. اگر پاسخ سؤال نخست مثبت بود، این رسالت سنگین، عمدتاً به عهده چه کسانی است و حوزه‌های علمیه و عالمان دین چگونه می‌توانند در این زمینه نقش آفرینی کنند؟

درباره پاسخ سؤال اول و مسئله زمینه‌سازی، چند دیدگاه وجود دارد که آیا

اساساً زمینه‌سازی لازم است یا خیر؟ در این زمینه، چهار دیدگاه روشن وجود دارد: گروهی بر این باورند که اساساً ظهور حضرت مانند مسئله قیامت است. آنان معتقدند همان‌طور که در مسئله قیامت، اراده انسان‌ها نقشی ندارد و بر اساس اراده ذات کبریایی حق تعالی، هر روز که اراده کند اتفاق خواهد افتاد، مسئله ظهور هم هیچ ارتباطی با زمینه‌سازی ندارد. می‌گویند ما در مسئله ظهور، هیچ نقش آفرینی نداریم و به سان قیامت است؛ خدا هر گونه بخواهد همان اتفاق خواهد افتاد.

دیدگاه دوم، زمینه‌سازی منفی را لازم می‌داند و نه زمینه‌سازی مثبت؛ یعنی باید به گونه‌ای فساد و ظلم و جور در سراسر عالم گسترش پیدا کند که زمینه ظهور فراهم شود. آنان از روایاتی که وارد شده «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا»^۱ این برداشت خاص را دارند که ظلم و جور مقدمه ظهور است. بنابراین چه خود ظلم و جور اتفاق بیفتد و چه ما دست اندرکار ایجاد ظلم و جور در جامعه باشیم، این امر برای مسئله ظهور، فضایی ایجاد می‌کند. باید به آن دامن زد و به تعبیر صاحبان این دیدگاه، باید به کسانی که ظلم و ستم را در جامعه گسترش می‌دهند دست‌میرزاد هم گفت؛ چون هدف که آمدن حضرت است، برای آنان مهم است و اگر این کار اتفاق بیفتد، آن مطلوب حاصل می‌شود.

نگاه سوم این است که باید علت‌های غیبت را شناسایی کنیم؛ چرا حضرت غیبت کرده است؟ هر چیزی علتی دارد. امام می‌توانست مانند سایر امامان در جامعه بماند تا به شکل طبیعی یا با شهادت از دنیا برود. این‌که برای امام در سن کودکی و پنج‌سالگی غیبت صغرا آغاز می‌شود و بعد از هفتاد سال، غیبت کبرا شروع می‌شود را باید علت‌یابی کنیم. اگر علت‌ها برای ما روشن شد و در رفع این علت‌ها و موانع ظهور تلاش کردیم، ممکن است بتوانیم برای ظهور آن حضرت زمینه‌سازی کنیم.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ص ۲۲.

نگاه چهارم ممکن است تا اندازه‌ای نگاه سوم را کامل کند، ولی اساساً نگاه چهارم مورد نظر ماست و آن این است که ما در عصر غیبت، همان تکلیف و وظایف را داریم که در عصر حضور معصوم داشته‌ایم. اگر امامان در کنار ما بودند و ما در محضر ایشان بودیم، چه رسالت و تکلیفی داشتیم؛ دقیقاً آن تکالیف امروز متوجه ماست؛ چون «حَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».^۱ تکالیف از دوش ما برداشته نمی‌شود. لذا یک سلسله تکالیف عمومی داریم، اما چون شرایط سختی است و طول زمان غیبت زیاد است، علاوه بر وظایف معمولی که بر دوش ماست یک سلسله وظایف مضاعف هم داریم؛ یعنی انسان در عصر غیبت با انسان در عصر حضور معصوم از نظر تکالیف کاملاً از این جهت متفاوتند که این‌جا تکلیفی مضاعف متوجه ماست.

مهم‌ترین مسئله در بحث زمینه‌سازی، این است که آیا اساساً اختیار و اراده‌ما نقش‌آفرین است یا خیر؟ آیا جریان قیامت است؟ گسترش فساد است؟ یا به صرف علت‌یابی است یا انجام وظیفه به تکلیف است؟

به باور من و بسیاری از کسانی که در این زمینه قلم زده‌اند، اراده و تلاش ما انسان‌ها در سرنوشت برخی از مسائل تاثیرگذار است. بارها درباره انقلاب اسلامی مان این آیه را قرائت کرده‌ایم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».^۲ اگر این همت والای امام و تلاش مجاهدانه مردان و زنان ما نبود، آن‌چه امروز می‌بینیم محقق نمی‌شد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».^۳ هر چه ما بخواهیم و اراده کنیم، خدا هم به همان تناسب به ما عنایت می‌کند و این‌گونه نیست که منحصر به اراده خداوند باشد. لذا در روایات بسیاری آمده است که برای تعجیل فرج دعا کنید. اگر بنا بود دعا و خواست و راز و نیاز ما

۱. جامع احادیث شیعه، ص ۱۳۶.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۵۶.

۳. همان.

تأثیرگذار نباشد، امامان علیهم‌السلام به ما توصیه نمی‌کردند برای تعجیل فرج دعا کنیم. نکته دوم، اساساً ظهور بدون زمینه‌سازی، آن نتیجه بایسته را نخواهد داشت. ما از ظهور چه انتظاری داریم؟ از ظهور انتظار داریم که مردانی باوفا و اراده در کنار حضرت حضور پیدا کنند و سختی‌های روزهای آغازین ظهور را به جان بخرند تا حضرت در آن پروژه بزرگ حکومت جهانی موفق شوند. ما بر این باور نیستیم که حضرت با قدرت اعجاز حضور می‌یابد و با همان قدرت حکومت می‌کند، بلکه معتقدیم سختی‌هایی در راه است.

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام تعبیر جالبی دارند؛ ایشان به یکی از دوستان و یاران‌شان فرموده‌اند: «شما امروز آسوده خاطر هستید.» آن شخص می‌پرسد: «مگر قرار است اتفاقی بیفتد؟» حضرت در پاسخ می‌فرماید: «بله، آن روزی که آن بزرگ ظهور خواهد کرد، عرق و خون و خواب شما بر پشت مرکب‌ها خواهد بود.» یعنی باید تلاشی مجدانه و پی‌گیرانه انجام دهید. لباس خود آن حضرت خشن و غذایش نامناسب است؛ در آن شرایط و فضا عده‌ای باید بیایند کنار حضرت قرار گیرند. بنابراین باید زمینه‌سازی کرده باشیم و انسان‌های صالح تربیت شده باشند که از جان بگذرند و به تعبیر آیه کریمه «مَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»،^۱ افرادی که از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نترسند و در راه خدا جهادی پی‌گیر داشته باشند. این عناصر باید تربیت شوند و زمینه‌ساز ظهور گردند.

بنابر فرموده خداوند در آیه شریفه مذکور، یاران مجاهد آن حضرت باید «أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۲ باشند؛ یعنی در مقابل مؤمنان فروتن و در برابر دشمنان سخت‌گیر. بنابراین زمینه‌سازی آن است که نسلی مؤمن، پاک، متدین و

۱. مائده: ۵۴.

۲. مائده: ۵۴.

گوش به فرمان و مطیع بی چون و چرای امام عصر علیه السلام تربیت شود. اگر امروز بحث پیروی از ولایت فقیه مطرح است، آن روز تبعیت‌ها و پیروی‌ها چندین برابر خواهد بود. دیگر برای کسی تردیدی وجود ندارد که با امام معصوم همراهی کند و باید کاملاً با او همراه و یار باشد.

علاوه بر این، در روایاتی بحث انتظار مطرح شده است، از قبیل «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۱ مقصود از انتظار، یک انتظار خشک و بی‌خاصیت نیست؛ انتظاری است که انسان‌ها در سایه طولانی شدن عصر غیبت تربیت شوند. نمی‌شود ما در عصر انتظار باشیم و زمینه‌های لازم را برای ظهور حضرت فراهم نکنیم. کسی که منتظر مهمان است، اسباب و آداب مناسبی را تدارک می‌بیند تا یک مرتبه غافلگیر نشود. ائمه ما برای این که غافل گیر نشویم، دستور داده‌اند منتظر فرج باشیم و آن را از افضل عبادات دانسته‌اند؛ یعنی ما در عصر عبادت زندگی می‌کنیم.

نکته آخری که باید اشاره کنم و از نگاه شرایط جامعه امروز ما نکته مهمی است، این است که شما می‌دانید نظریاتی و دیدگاه‌هایی در عصر ما مطرح شده، مثلاً فوکویاما بحث پایان تاریخ را مطرح کرده و او پیروزی لیبرال - دموکراسی در پایان جهان را برای غرب به مثابه یک ارمغان می‌داند؛ بعد اضافه می‌کند که در عصر بحران معنا در جامعه غرب و سرگشتگی هویت این جامعه، تنها راه موفقیت چنگ یازیدن به آموزه‌های لیبرالیسم است. اگر به تربیت این نسل نپردازیم و شرایط این نسل را به شرایط مناسب با عصر ظهور تبدیل نکنیم، این انحرافات در جامعه به وجود می‌آید؛ مقوله پایان تاریخ و نظریه فوکویاما و... مطرح می‌شود و سمت و سوی جامعه به سمت لیبرالیسم و امثال آن سوق پیدا می‌کند. بنابراین باید در فضایی حرکت کنیم که مبتنی بر آرمان‌ها و اهداف وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - باشد. بنابراین جامعه زمینه‌ساز جامعه‌ای است که اهداف، روابط و برنامه‌های خود را همسوی مقاصد و

۱. الامام المهدي علیه السلام، ص ۳۵.

خواسته‌های امام قرار می‌دهد و مقصود از زمینه‌سازی، یعنی طراحی راهبردها و راهکارها برای دست‌یابی به جامعه منتظر. ما هم به زمینه‌سازی نیاز داریم و هم به جامعه زمینه‌ساز که بتواند به آن اهداف برسد. در واقع این تنها آرمان شیعه نیست؛ تنها شیعه گمشده ندارد؛ در یک جمله عرض کنم، زمینه‌سازی یک برنامه استراتژیک جامعه جهانی است. لذا در بخش بعد که درباره وظایف حوزه‌هاست به این نکته اشاره می‌کنم که رسالت حوزه‌های علمیه ما تنها منحصر به داخل ایران اسلامی ما نیست، بلکه فرمانطقه‌ای و فراملی است. حوزه‌های ما باید در تدارک حرکتی عظیم به نام ظهور باشند. بنابراین این زمینه‌سازی زمانی راه‌گشا است که آحاد جامعه ما شرایط لازم را برای عصر ظهور پیدا کنند و روی تک‌تک آحاد جامعه سرمایه‌گذاری کنیم.

اما سؤال دوم این بود که نقش حوزه‌های علمیه درباره زمینه‌سازی و تربیت زمینه‌ساز چیست؟

در بین نخبه‌ها و فرهیختگان جامعه و در کنار دانشگاهیان عزیز ما - که انسان‌های فاخر جامعه هستند - نقش روحانیت به علت داشتن پشتوانه علمی، سازمان و تشکیلات، نهاد بلند مرجعیت، شخصیت کاریزما، نفوذ معنوی و مردمی و تأثیرگذاری‌ای که بر مهندسی افکار عمومی، در تربیت انسان‌های زمینه‌ساز نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارند.

نکته اول: در روایات به اهمیت نقش زمینه‌سازی علما در تربیت نسل عصر ظهور اشاره شده است. نبی اکرم حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مسئله ظهور اشاره کرده و می‌فرماید: «بَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَظِّطُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ». «هر چه به زمان غیبت نزدیک می‌شویم، تعبیرات از مایه‌های دیگری برخوردار است. این تعبیر امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام است: «لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَقِدِينَ لِضَعْفَاءِ

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳.

عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكَ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ائْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ...»^۱. خلاصه روایت این بود که اگر حامیان دین خدا و کسانی که از حضرت دفاعی جانانه می‌کردند و آنانی که ضعفها را از دام ابلیس و اعوانش نجات می‌دادند نبودند، بعد می‌فرماید: «وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ مُكَانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ اگر کسانی که زمام امر جامعه شیعه را به دست می‌گیرند و آنان را از افتادن در باتلاق‌ها نجات می‌دهند - که مقصود علماست - نبودند، نه از تاک نشان می‌ماند و از تاک نشان. بنابراین علما در جامعه عصر غیبت، نقش تربیتی، دل‌داری و امیدبخشی دارند.

همین سخن امام کاظم علیه السلام: «الشَّيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِي»^۲ یعنی شیعه در سایه آرمان‌ها، امیدها و آرزوهای تربیت می‌شود، امید می‌دهد که شیعه احساس‌ناهنمایی نکند. عالمان و بزرگان در عصر غیبت هستند که هم امید می‌بخشند و هم دست مردم را می‌گیرند و نقش تربیتی‌شان را به نحو زیبایی ایفا می‌کنند.

نقش اصلی عالمان دین در عصر غیبت، مرزبانی است. علمای شیعه باید فرهنگ دینی را گسترش دهند، با تهاجم فرهنگی مقابله کنند، نسبت به تولید علم همت ورزند و دایره علم را گسترش دهند تا جهل بر جامعه حاکم نشود. علمای دین باید نسلی معتقد و صبور و بردبار را تربیت کنند. در طول تاریخ می‌بینیم علمای تاریخ به این شکل بودند و در کنار مردم حضور داشتند و در مواقع سخت، با یک فتوا در جامعه تحول ایجاد کرده‌اند.

نکته دوم: علما باید ویژگی‌های حکومت جهانی را برای مردم بیان کنند. این که در حکومت جهانی چه اتفاقاتی خواهد افتاد، و مردم را برای رسیدن به آن روز امیدوار کنند. بیان ویژگی‌های آن حکومت در بُعد عمرانی و امنیت و تکامل

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

انسان‌ها از نظر فکری، می‌تواند در مردم شور و اشتیاق ایجاد کند.

نکته سوم: دیگر وظیفه عالمان دین، شناسایی حضرت به جامعه و بالابردن معرفت نسبت به ایشان است. این نکته بسیار مهم است: «من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة». آنان باید شناخت نسبت به حضرت را بالا ببرند. معرفت سطحی و ظاهری جواب‌گو نیست.

ما در جامعه شاهد هستیم کسانی که دچار معرفت سطحی و ظاهری هستند به بیراهه می‌روند. متأسفانه عده‌ای نیز به دنبال تطبیق‌سازی و مصداق‌یابی هستند. این تطبیق‌سازی‌ها و مصداق‌یابی‌ها - که برخاسته از نشانه‌های ظهور است و گاهی با واقعیت فرسنگ‌ها فاصله دارد - ما را به جایی نمی‌رساند و به کج‌راهه می‌برد. وظیفه عالمان دین است که در مقابل ایجاد چنین فضایی در جامعه، موضع بگیرند تا جلوی انحرافات گرفته شود و امید مردم از آن آینده ارزشمند، به فضای موجود محدود نگردد.

نکته چهارم: پرهیز دادن جامعه از گرایش به رذایل و دعوت به فضایل. کار سترگ عالمان دین، امر به معروف و نهی از منکر، گناه‌زدایی در جامعه، دعوت به فضایل و بیان زیبایی‌های کلمات اهل بیت علیهم‌السلام برای مردم است. علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا؛^۱ خدا رحمت کند کسی را که امر [و مکتب ما را] احیا کند.» عبدالسلام هروی آن جاست و می‌پرسد: «ومن يُحْيِي أُمَّرَكُم؟» حضرت می‌فرماید: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛^۲ کسانی که علوم ما را فرا می‌گیرند و [به فراگیری آن بسنده نمی‌کنند، بلکه] آن را به مردم می‌آموزند. پس اگر مردم زیبایی‌های کلمات ما اهل بیت را بدانند پشت سر ما به راه می‌افتند.» یعنی اگر می‌خواهید برای عصر ظهور جامعه را تربیت کنید، باید مردم را با سخنان، معارف، فضایل، مکارم و

۱. همان، ج ۲، ص ۷۶.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۳، ص ۲۷۵.

اخلاق اهل بیت علیهم السلام آشنا کنید.

نکته پنجم: بهره‌برداری از خیزش‌های منطقه‌ای؛ عالمان دین و مردم جامعه ما باید از فرصت پیش آمده و خیزش‌های منطقه‌ای استفاده کنند و در نتیجه، الگویی مناسب برای جامعه بیدار شده ارائه دهند. امروز در کشورهای مختلفی که این حرکت ایجاد شده، دنبال الگویی موفق هستند. عالمان دین ما در حکومت اسلامی، باید بتوانند مدلی مناسب ارائه دهند و برادران شیعه و اهل سنت و همه مستضعفان جهان را در این زمینه با خود همراه و همدل کنند. بنابراین حوزه‌های علمیه و عالمان دین می‌توانند در عصر غیبت چنین ویژگی‌هایی را برای جامعه به ارمغان آورند و تحولات ایجاد شده در فضای جامعه را هدایت و رهبری کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سخنرانی دکتر محمد حسینی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله والصلاة على رسول الله وعلى آله آل الله.

السلام عليك يا ابا صالح المهدي
«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱
زهی خجسته زمانی که یار بازآید

به کام غم‌زدگان، غم‌گسار بازآید

عرض سلام و تبریک و تهنیت خدمت علمای اعلام، مهمانان ارجمند،
خواهران و برادران عزیز و تمامی سروران و حضار ارجمند.

فرصت کوتاه است؛ سعی می‌کنم به اختصار و اجمال، فهرست بعضی
از مباحثی را که قصد داشتم به تفصیل بیان کنم خدمت شما سروران مکرم
ارائه کنم.

تقدیر و تشکر از دوستان دست‌اندرکار این همایش به ویژه حضرت
حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای پورسیدآقای که بانی خیر هستند و دیگر

همکاران عزیزشان، که هر ساله همایش دکترین مهدویت را با حضور مهمانان داخلی و خارجی با شکوه برگزار می‌کنند.

سخن از تربیت است و این‌که جامعه‌ی زمینه‌ساز ظهور، جامعه‌ای است که در آن به بحث تربیت اعتنا و توجه ویژه دارد؛ چون یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی مهدوی، اخلاقی بودن آن است. افراد این جامعه، افرادی مهذب‌اند. اگر این جامعه، جامعه‌ی عدل و رفاه است، اگر جامعه‌ی علم و پیشرفت و دانش است، اگر جامعه‌ی امنیت است، به خاطر این است که افراد این جامعه، انسان‌های متخلق به اخلاق الهی هستند؛ انسان‌هایی هستند که ایمان راسخ دارند، با خداوند ارتباط مستحکم دارند و وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند. در جامعه‌ای که انسان‌ها حقوق دیگران را رعایت کنند، به حق دیگری تعدی نکنند، بسیاری از ناهنجاری‌ها، بلکه همه‌ی آن‌ها از بین می‌رود و بسیاری از هزینه‌هایی که صرف ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها می‌شود، امکاناتی که برای مقابله با جرم و جنایت و بزهکاری به کار گرفته می‌شود به صفر می‌رسد و انسان‌ها به جای نزاع، درگیری و جنگ دست به دست هم می‌دهند و باعث اعتلای جامعه می‌شوند. در جامعه‌ی مهدوی، این وضعیت وجود دارد و باید این علایم در جامعه‌ای که می‌خواهد زمینه‌ساز جامعه‌ی مهدوی باشد، آشکار شود و سنخیتی وجود داشته باشد، وگرنه یک ادعای گزافه‌ای است. در جامعه‌ای که انسان‌ها تربیت شده نیستند، انسان‌ها ایمان و اعتقاد و باور راسخ و عمیق ندارند.

اگر در روایت داریم: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ»^۱ یا در روایت دیگری امام جواد علیه السلام به حضرت عبدالعظیم حسنی این بیان را دارند که: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شَيْعَتِنَا أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ»^۲؛ انتظار فرج را برترین اعمال یا عبادت‌ها گفتند، این انتظار یک حالت انفعالی نیست که افراد منتظر و تماشاگر باشند؛ نهایت این‌که نشانه‌ها و

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۴۴.

علایمی را دنبال کنند که چه زمانی ظهور انجام می‌شود. این انتظار غلط است. انتظار، یک عمل صالح و از برترین عبادت است. باید مانند نماز بازدارنده باشد، در آن مثل حج شور و نشاط و حرکت باشد. ایستایی و رکود در آن معنا و مفهوم ندارد. انتظار فعال این است که منتظران وظیفه خود را بدانند و انسان‌سازی را شروع کنند و انسان‌ها را به سمت کمالات سوق دهند. اگر در جامعه‌ای افراد مهیا و پذیرا شدند و روحیه ظلم‌ستیزی در آن‌ها بود، آن موقع است که جهان پر از ظلم و بیداد می‌شود. اگر اکنون در جهان ظلم هست، ولی وقتی قیامی صورت می‌گیرد و حرکتی انجام می‌شود آن موقع است که ظالمان اوج خباثت و قساوت خود را نشان می‌دهند. اگر ۱۵ خرداد نبود، شاید هیچ موقع بعضی‌ها اوج جنایت رژیم پهلوی را درک نمی‌کردند؛ اگر انقلاب اسلامی نبود آن جنایت‌ها مشخص نمی‌شد؛ اگر دفاع هشت ساله ما نبود، آن ظلم و ستم و این مظلومیت ما معلوم نمی‌شد؛ اگر مقاومت دلیرانه حزب الله در جنگ سی و سه روزه نبود، آن اوج ظلم و ستم رژیم صهیونیستی وجود نداشت.

از این نمونه‌ها فراوان است. وقتی جهان پر از ظلم می‌شود باید انسان‌های مذهب و متخلق به اخلاق الهی، وظیفه خود را انجام دهند و در مقابل ظلم بایستند؛ امر معروف و نهی از منکر کنند، نه این‌که پذیرای ظلم باشند. اگر امروزه می‌بینیم در جهان غرب، در اروپا و امریکا پدیده اسلام‌هراسی وجود دارد به خاطر این است که می‌بینند روزه‌روز تعداد مسلمان‌های پاییند به احکام الهی رو به افزایش است، وگرنه آن‌ها از نمادهای اسلامی صرفاً به خاطر یک نماد از حجاب و تمسک به قرآن و نماز‌هراسی ندارند؛ ولی می‌دانند که بعد از آن نوبت به مسائل دیگر می‌رسد.

همین دیروز مراسمی در تجلیل از حضرت آیت الله امامی کاشانی برگزار شد. من در زندگی ایشان خواندم که قبل از انقلاب به ایشان می‌گفتند: «شما برای چه این بحث‌ها را مطرح می‌کنید؟» گفته‌اند: «ما درس ادبیات عرب می‌گوییم؛ ضرب و

صَرَبًا را درس می دهیم؛ چیز مهمی نیست!» آن‌ها می‌گفتند: «شما از همین ذَهَبِ ذَهَبًا شروع می‌کنید، بعد به «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ»^۱ و آیات جهاد می‌رسید. چون این چنین است، ما باید از اول مانع شویم.» لذا اگر وحشت و بیم و هراسی در غرب وجود دارد، از انسان‌هایی است که برای این‌که زمینه‌ساز ظهور باشند آماده‌اند.

البته اگر می‌بینید در صدر اسلام هم یهود در مدینه هستند و در خیبر، طوایف و قبایل گوناگون وجود دارند، آنان هم به یک معنا منتظر بودند؛ یعنی بر اساس آن شواهد و دلایلی که در کتاب مقدس وجود داشت، آنان آمده بودند تا پیش از دیگران ندای پیامبر را اجابت کنند و لبیک بگویند، اما چون در زندگی دنیا آلوده شدند و منافع خود را مد نظر داشتند دیدند پذیرش اسلام به معنای این است که باید از بعضی از منافع سر باز زنند و دست بردارند. این بود که ایستادند و مخالفت کردند و آن جنگ‌ها برپا شد.

در بحث کربلا - شما می‌دانید - آن‌ها هم به تعبیری منتظر بودند، نامه هم نوشتند و دعوت نیز کردند، اما چون آن آمادگی را نداشتند و تربیت شدهٔ مکتب اسلام ناب نبودند و ترس زبانی آن‌ها را دربر گرفته بود، این بود که تسلیم شدند و نه تنها به یاری امام نشتافتند، بلکه به مقابله با امام برخاستند. خودشان هم می‌دانستند مسیرشان، مسیر باطل است، ولی منتظر واقعی نبودند.

اما منتظران واقعی و کسانی که زمینه‌ساز شدند نیز بودند. به عنوان نمونه، شخصی مثل مصعب بن عمیر که جوانی رعنا و دارای جمال و ظاهری آراسته که پیش از اسلام مورد احترام خانواده و افراد قبیله بود، وقتی ندای اسلام را می‌شنود مسلمان می‌شود و مسلمان شدن برای او گران تمام می‌شود. همین فردی که طاووس حرم نامیده می‌شد، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. حتی پدر و مادرش او را در خانه زندانی می‌کنند، ولی بعد که بر باور و اعتقاد خود استقامت و پایداری

۱. توبه: ۷۳.

می‌ورزد، در نهایت یک سال قبل از هجرت، از طرف پیامبر به مدینه می‌رود و در آن جا شروع به فعالیت می‌کند. وقتی او قرآن می‌خواند، صوت زیبا و دلنشینش همگان را جذب می‌کرد.

البته بعضی‌ها هم به ظاهر در مأموریتشان موفق نشدند. مسلم بن عقیل هم این وظیفه را داشت که زمینه‌سازی کند و مردم را برای آمدن امام حسین علیه السلام و دیگرگون شدن آن وضعیت آماده کند؛ ولی مردم همراهی نکردند و در نهایت مسلم به شهادت رسید، ولی او مأموریت خودش را انجام داد؛ این طور نبود که در انجام وظیفه کوتاهی کند. در قرآن می‌خوانیم: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱.

گرچه وصالش نه به کوشش دهند

هر قدرای دل که توانی بکوش

لذا این وظیفه‌ای بود که انجام شد.

نکته مورد تأکید، این‌که قرار نیست امام زمان علیه السلام پس از ظهور، صرفاً از امدادهای الهی استفاده کنند. باید جامعه به مرحله‌ای از رشد، شکوفایی و بالندگی برسد که پذیرای حق و عدل باشد. در قرآن داریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲. باید این تغییر و تحول ایجاد شود؛ باید این تربیت انسان‌ها دستور همگان باشد. این‌که فرمود: حتی یک نفر را احیا کنید «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۳ حتی یک نفر را؛ یعنی شما باید مأموریت خود را انجام دهید، ولو یک نفر را آماده و مهیا کنید و این زمینه را فراهم کنید.

در آموزه‌های دین ما بر هدایت انسان‌ها بسیار تأکید شده است. وقتی امام راحل عظیم‌الشان ما، حرکتشان را آغاز کردند، این طور نبود که یاران فراوانی گرداگرد ایشان باشند. حتی وقتی مورد سؤال قرار گرفتند، فرمودند: «سربازان من در

۱. بقره: ۲۳۳.

۲. رعد: ۱۱.

۳. مائده: ۳۲.

گهواره‌ها هستند.» در سال ۵۷ آن سربازان، جوانان رشید و برومندی بودند که نظام شاهنشاهی را زیر و زبر کردند؛ یعنی یک فرد و شخصیت وظیفه دارد به هر شکلی که میسر است، نیروها را تربیت کند.

انقلاب اسلامی ما به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود؛ نیروهایی داشت، توانمندی‌هایی داشت و توانست ایران را آزاد کند و تحولاتی ایجاد شود. حال اگر قرار باشد این امر در شعاع کره زمین و در سطحی بسیار وسیع‌تر انجام شود، قطعاً باید اقدامات گسترده‌تری صورت گیرد و مبارزات و مجاهدت‌های افزون‌تری انجام شود؛ یعنی هر مقدار که در این زمینه کار شده، باید چندین برابر گردد.

همین شیوه در صدر اسلام نیز بود؛ یعنی وقتی پیامبر کار خودشان را شروع کردند، به تدریج این دعوت فراگیر شد و توانست در مکه و مدینه و حجاز و همین‌طور بعد در عراق و شام و مصر و ایران این ندا و رسالت اسلامی توسعه پیدا کند. امروز هم باید به همین شیوه عمل کرد و سپس به بررسی عوامل انحطاط، رکود و ایستایی که سبب شد اسلام جهانی نشود پرداخت. همین‌طور عواملی که موجب غیبت حضرت شد را بررسی کرد و جامعه زمین‌ساز، جامعه‌ای است که این موانع ظهور را با تربیت انسان‌های مؤمن و متدین از بین ببرد.

بحث تربیت، جایگاه بسیار والایی دارد و اگر در جامعه ما هم بحث اخلاق، معنویت و تربیت بیش از این بها داده شود، قطعاً ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ما هم برطرف می‌شود. این‌طور نیست که صرفاً با برطرف کردن مشکلات اقتصادی بتوانیم جامعه‌ای نمونه و الگورا داشته باشیم. اگر جامعه اسلامی ما از هر جهت، جامعه‌ای مستحکم، مستقل، نمونه و الگو باشد، آن‌گاه الهام‌بخش خواهد بود و می‌تواند دیگران را نیز مجذوب خود کند.

آخرین نکته در بحث تربیت، این است که باید از دوران کودکی بیش از دوران دیگر به تربیت بها داد. از زمان تولد فرزند، بحث تربیت مهم است و در دوران کودکی است که شخصیت شکل می‌گیرد و باید اعتقادات و باورهای دینی را در او

به وجود آورد تا این که - ان شاء الله - افراد جامعه بتوانند رسالت خود را به خوبی انجام دهند.

بیش از این وقت عزیزان را نمی‌گیرم؛ سخن ناقص ماند و حق مطلب بیان نشد.

ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی‌توبه جان آمد وقت است که بازآیی

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد

کز از دست بخواهد شد پایان شکیبایی

حافظ شب هجران شد، بوی خوش وصل آمد

شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سخنرانی آیت الله دکتر اعرافی (مدیر جامعه المصطفی العالمیه)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والسلام والصلاة على رسول الله وعلى آله آل الله سيّما بقيّة الله

ایام مبارک میلاد حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - را به همه شما تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و به همه علاقه‌مندان به ساحت مقدس آن حضرت و شرکت‌کنندگان در این جلسه مبارک و مهمانان ارجمند و شخصیت‌های محترم عرض ادب و احترام دارم. بنده هم به سهم خود، تقدیر و از همه برگزارکنندگان و مساهمت‌کنندگان در این جلسه مبارک، به ویژه برادر و سرور ارجمندمان حضرت حجت الاسلام آقای پورسیدآقای تشکر می‌کنم.

بخش‌هایی از مطالبی را که در نظر گرفته بودم برمی‌گزینم و در محضر شما عرض می‌کنم. آن‌چه انتخاب شده، بحثی در حوزه «انتظار» و «تربیت» و تعاملات این دو مسئله است.

انتظار، مفهومی است که زنجیره‌وار با سلسله‌ای از مفاهیم دیگر ارتباط دارد و از مفاهیم بسیار کلیدی است که در هر نظام تربیتی می‌تواند اثرگذار باشد. گاهی نظام‌های تربیتی آن‌چنان تحت تأثیر یک مفهوم بنیادی و کلیدی قرار می‌گیرند که کل آن نظام تحت الشعاع آن مفهوم قرار می‌گیرد. انتظار هم همین‌طور است. ابتدا

نگاهی روان‌شناختی - فلسفی به مفهوم انتظار بیفکنیم، بعد نگاهی دینی خواهیم داشت.

اگر از علم النفس سؤال کنید:

۱. انتظار از پدیده‌های روان‌شناختی و از احساسات و عواطف انسانی است. انتظار پدیده‌ای از پدیده‌های عاطفی و هیجانات اشخاص به شمار می‌آید. در همه انسان‌ها، انتظار و چشم‌به‌راهی، پدیده‌ای موجود است.

۲. انتظار پدیده‌ای است که از یک طرف مبتنی بر مبانی نظری و معرفتی است، از یک طرف بازتاب‌های عملیاتی دارد. همین که چشم‌به‌راهی در جایی پیدا شد، چشم‌به‌راه شدن یک سلسله اعتقادات و باورهای زیربنایی دارد؛ انسان به چیزی معتقد است و باورهایی دارد که او را چشم‌انتظار کرده است، و آلا انواع اشخاص و پدیده‌ها هستند که انسان چشم‌به‌راه آن‌ها نیست. حتماً انتظار به عنوان یک عاطفه و هیجان، مبتنی بر یک سلسله اعتقادات و باورهاست که مبنا هستند و آن اعتقاد و باور، انتظار و هیجان روحی تولید می‌کند. این هیجان روحی به دنبال خود، افکار و دغدغه‌هایی می‌آورد و به دنبال آنها رفتارهایی می‌آید.

بنابراین بدانیم انتظار یک پدیده روان‌شناختی از هیجانات و عواطف عمیق وجود انسان است که هیچ انسانی از وجود این پدیده بی‌بهره نیست. این پدیده عاطفی و هیجانی، از یک سوزیرساخت فکری و معرفتی دارد و از سوی دیگر، دارای بازتاب عملی و روحی در ابعاد دیگر روان‌شناختی و عملیاتی انسان است.

نکته بعد این است که انتظار از مقولات ذات اضافه است؛ چشم‌به‌راه بودن شخص یا حادثه‌ای است؛ پدیده درونی محض است؛ معطوف به چیزی و رای انسان است. نکته دیگر این که انتظار از مقولات تشکیکی است. انتظار می‌تواند به شخص یا پدیده‌ای با یک چشم‌به‌راهی ضعیف معطوف شود تا انتظارهای بسیار عمیق و ژرف که همه وجود انسان را تسخیر می‌کند.

انتظار دارای مراتب است؛ یک سری انتظارهای روزمره داریم که خیلی ساده از

کنار آنها عبور می‌کنیم و این انتظارها عمیق‌تر می‌شود تا جایی که گاه، یعقوب‌وار تمام وجود شخص را تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد. از سوی دیگر، انتظار به انتظار حوادث نیک یا بد تقسیم می‌شود؛ انتظار نسبت به حوادث بد، دغدغه‌آفرین، افسردگی‌آفرین و موجب از پادآمدن انسان می‌شود. اما گاهی انتظار به سمت شخصی متعالی یا حادثه‌ای زیبا می‌رود. این نوع دوم، در درون انسان، غوغایی ایجاد می‌کند و در حوزه اخلاق و تربیت آدمی آثار مهمی بر جا می‌گذارد. البته نکته روان‌شناختی انتظار این است که همیشه با دو عنصر اساسی همراه است؛ یکی نوعی درد فراق و دیگری امید به آینده‌ای که این فراق به وصال مبدل شود.

ملاحظه می‌کنید که پدیده انتظار از نگاه روان‌شناختی و علم‌النفسی، پدیده‌ای محوری و اساسی است و همان‌طور که عرض کردم، یک پشتوانه و زیرساخت دارد و از آن طرف هم دارای ابعاد مفصل و دامنه‌دار روان‌شناختی و عملیاتی است و چنان‌که مستحضر هستید - در همه آدم‌ها و علی‌القاعده در همه مکاتب نیز وجود دارد.

بنابراین انتظار، مفهومی کلیدی در حوزه روان‌شناختی و علم‌النفس است و دامنه و دایره وسیعی دارد. به همین دلیل است که انتظاریک مفهوم مجردی نیست، بلکه مفهومی است که زنجیره‌وار با یک سلسله از مفاهیم دیگر مرتبط است و وسط یک دایره قرار می‌گیرد. انواع مفاهیم دیگر پیرامون آن را می‌گیرند و به روحی برای بسیاری از مفاهیم دیگری که در تعالیم دینی ما آمده مبدل می‌شود. لذا هرگز نباید مقوله انتظار را جدای از منظومه مفاهیم و اندیشه‌های مهم دینی تلقی کنیم. این تلقی که انتظار را مقوله‌ای کنار سایر مفاهیم دینی بدانیم، تلقی آسیب‌زاست. در واقع انتظار در کانون اندیشه‌ها، معرفت‌های بنیادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد.

بحث دیگر هم این است که انتظار بین همه انسان‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی

مشترک است، ولی انتظاری که در مکتب اهل بیت آمده، ضمن آن مشترکات، مختصاتی دارد که به کلیدی ترین آن اشاره می‌کنم و آن این که انتظار در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، ضمن آن که پدیده‌ای اعتقادی - اجتماعی، سیاسی و فکری است، با سایر انتظارها در ادیان دیگر متفاوت است. در تفکر اهل بیت علیهم‌السلام شخص منتظر، مشخص است؛ انسان منتظر، انسان کاملی است که معین است؛ حی و حاضر و ناظر، و انسان کامل است؛ موضوع واقعه مورد انتظار هم گرچه در آینده است، اما سیمای آن واقعه تصویر شده است. انبوه روایات ما به زیباترین وجه، ابعاد گوناگون آن حادثه منتظر را تصویر کرده‌اند. بنابراین «انتظار اهل بیتی» انتظاری متعین است؛ انتظاری زنده و پویاست، رابطه فعال بین ما و انسان موجود، بین ما و یک رستاخیز ترسیم شده، و الگومند و دارای الگوست.

در پایان به چند راهبرد مهم در حوزه انتظار و تربیت منتظرانه اشاره می‌کنم:

۱. انتظار را جامع، منظومه وار و زنجیره وار ببینیم و آن را از منظومه اندیشه دینی جدا نکنیم. این نکته در جهت گیری های تربیت منتظرانه و تجلی انتظار در تربیت، بسیار مهم است.

۲. به انتظار مشترک بین ادیان و مذاهب، اهتمامی ویژه داشته باشیم؛ یعنی رویکردمان کلان و بین المللی باشد. حضور مهمانان خارجی، نشان دهنده همین رویکرد دوستان ماست. مفاهیمی مثل انسان کامل، عدالت، رهایی انسان و نیز جهانی شدن در پرتو ارزش های معنوی، مفاهیمی مشترک هستند که باید مورد تأکید قرار گیرند.

۳. انتظار را آسیب شناسانه دنبال کنیم. دست کم ده آسیب مهم در حوزه انتظار وجود دارد که باید به آنها توجه کنیم. اگر دنبال گیری خط انتظار و امید به آینده بشریت بدون نگاه آسیب شناسانه باشد، آسیب ها و لطمه های بسیاری به بار می آورد.

۴. انتظار را با همان نگاه منظومه وار در نظام های آموزشی، پژوهشی و

تربیتی ببریم.

اگر این چهار راهبرد مورد عنایت قرار گیرد، فکر می‌کنم می‌شود بشریت را به سمت نگاهی نو و کلان، و راهبردی جدید برد و بسیاری از اشتراکات را برجسته کرد و طبعاً بشریت می‌تواند در برابر ظلم‌های بزرگ و نابرابری‌های عظیم امروز، زیر سایه و خیمه انتظار قدم‌های بزرگ‌تری بردارد.

مجدداً خدمت همه حضار محترم و برگزار کنندگان ارجمند تبریک و تهنیت و تقدیر و تشکر دارم.

و صلی الله علی محمد و آله.

سخنرانی سردار دکتر احمدی مقدم

(فرمانده نیروی انتظامی)

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و به نستعين

با عرض درود و سلام به همهٔ علما و بزرگان و حضار؛ ضمن تبریک به مناسبت میلاد منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام سخنان خود را پیرامون «امنیت و مهدویت» تقدیم حضار محترم خواهم کرد.

تصور اولیهٔ انسان این است که فقر، اولین عامل موجد ناامنی است و اگر فقر ریشه کن شد، امنیت در جامعه استقرار پیدا می‌کند. در دوران معاصر با ظهور مکتب امانیسم، شاهد رشد عقل و خردگرایی، خرافه زدایی، پیشرفت شگرفت دانش و تحول در عرصهٔ مادی و فناوری و زندگی بشر بوده‌ایم. اما متأسفانه این مکتب علی‌رغم همهٔ دستاوردهای علمی، فنی و تحولات در عرصهٔ زندگی بشر به دلیل فراموشی و کنار گذاشتن و به حاشیه راندن موضوع دین و آخرت، نتوانست بشر را به سعادت برساند. افزایش ثروت، از یک سو موجب افزایش شکاف بین غنی و فقیر شد و از سوی دیگر ثروتمندان هم به دنبال غارت بیشتر و کسب منافع بیشتر و سیری ناپذیری بیشتر برآمدند و همین است که می‌بینیم مستکبران و قدرت‌های جهانی دور دانش و ثروت جمع شده‌اند و با دانش و ثروت خود، تلاش

براستثمار و استعمار دیگر مردم دنیا را دارند. به حاشیه رانده شدن اخلاق و دین، علی‌رغم افزایش ثروت، دانش، خرد و عقلانیت، موجب ارتقای امنیت نشد. امروزه توسعه‌یافته‌ترین و ثروت‌مندترین کشورهای جهان، ناامن‌ترین کشورهای جهان هم هستند. نه تنها خود ناامن هستند، بلکه موجد ناامنی و گسترش ناامنی در همه دنیا هستند. نمونه آن، همین است که تحت معیار دوگانه می‌بینیم صرفاً در چارچوب منافی که خودشان تعریف کرده‌اند، به نام آزادی و گسترش دموکراسی، از کشورهایایی که هرگز بو و رنگی از انتخابات ندیده‌اند حمایت می‌کنند و علیه حکومت‌های دیگر لشکرکشی می‌کنند. لذا پیشرفت مادی موجب سعادت بشر نشد؛ جنگ و کشتار و ترور و حرص و طمع و آزیشت‌تر شد؛ ظلم و تجاوز در سایه پیشرفت مادی و دنیاگرایی گسترش پیدا کرد؛ اما آن چه از آموزه‌های اسلام و همه ادیان الهی متوجه می‌شویم، این است که زندگانی بشر دارای دو بعد است: بعد دنیایی و آخرتی. گرچه در بعضی مکاتب هر یک به نفع دیگری غلبه پیدا می‌کند، اما اسلام دین اعتدال است و همزمان نگاهی دوسویه به دنیا و آخرت دارد و البته دنیا را نه مقصد، بلکه معبر می‌بیند. این تفاوت دیدگاه اسلامی با دیدگاه امانیستی است که آن دیدگاه، این جا را مقصد می‌بیند و باید هر چه می‌تواند متمتع شود، لذا منابع محدود کره خاک امکان نمی‌دهد که انسان از هر چه می‌خواهد بهره‌مند شود و مطلوبیت به دست آورد. لذا سعادت دنیا و آخرت، فقط در سایه دین، ایمان و عمل صالح قابل به دست آمدن است. «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً». ^۱ حیات طیبه فقط در سایه ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. امنیت محصول ایمان است؛ «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ أَمْنَهُمْ مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ». ^۲ اگر ایمان بود، امنیت هم می‌آید، و فور نعمت‌ها و امکانات هم امکان‌پذیر می‌شود، خوف از جامعه کنار می‌رود، امکان عبادت

۱. نحل: ۹۷.

۲. نحل: ۱۱۲.

فراهم می‌شود؛ یعنی اگر امنیت نباشد امکان عبادت هم نیست. «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ». ^۱ امنیت اقتصادی، امنیت جانی و مالی و رسیدن به سعادت، فقط در گرو ایمان است. همان‌طور که می‌دانیم امام حجت در شرایطی ظهور می‌کنند، «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»، ^۲ عالم را فساد فرا گرفته است؛ فسادی که انسان به دست خود آن را به وجود آورد. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ». ^۳ انسان با دست خود عالم را به فساد و تباهی کشید، اما کسی باید ظهور کند که انسان را به ساحل نجات و امنیت هدایت کند.

در آموزه‌های دینی و در فرمایشات ائمه معصومین علیهم‌السلام آمده که اهداف حکومت سه عنصر است: امنیت، عدالت و پیشرفت و آبادانی؛ «الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ». ^۴ امروز حکومت‌ها و دولت‌های رفاه طلب دنیا بر این سه عنصر به عنوان وظایف حاکمیتی هر حکومتی تأکید دارند، اما باید بدانیم عدالت و آبادانی و رفاه که آرزوی هر بشری است، فقط در سایه امنیت امکان پذیر است. تصور کنید اگر امروز در عراق و سوریه و افغانستان بخواهید عدالت را به اجرا بگذارید، اصلاً زمینه آن مهیا نیست. ابتدا امنیت، مقدمه ساز عدالت است و امنیت و عدالت بسترساز توسعه، رشد و رفاه بشری، آن هم امنیت و عدالت مبتنی بر قسط و عدل و ایمان اسلامی.

نکته قابل توجه این است که در همه ادیان بشری و در فطرت همه انسان‌های روی کره زمین، اعتقاد به منجی وجود دارد. در وقت گرفتاری، همه به دنبال فرشته نجات می‌گردند؛ ناخودآگاه دل‌ها متوجه خداوند می‌شود که برای آن‌ها فرشته نجاتی بفرستد. گرایش فطری به خوبی‌ها و عدالت‌آحاد بشریه و فور وجود دارد.

۱. قریش: ۳ - ۴.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۲۸۵.

۳. روم: ۴۱.

۴. تحف العقول، ص ۳۳۴.

البته ما در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی می‌کوشیم همان‌گونه که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند نمونه، اسوه و مدل عملی و مفهومی از نظام اسوه‌ای که بشر آرزوی آن را می‌کشد ارائه کند، ما نیز نمونه‌ای برجسته ارائه کنیم که همه دل‌ها به سوی آن رهنمون شود و از آن جا به آن نقطه نورانی تری برسد. اما موانع، مشکلات، دشمنی‌ها، عداوت‌ها و موانع تراشی‌ها کار را کند کرده، اما هرگز ما را متوقف نکرده و نشان می‌دهد انتظار، حرکتی منفعل و در گوشه‌ای منتظر کسی نشستن نیست، بلکه حرکت، فعالیت، تلاش، مبارزه و خستگی‌ناپذیری است. در جمهوری اسلامی، پلیس و همه نهاد‌های امنیتی، دیدگاهی متفاوت با امثال خودشان در کشورهای دیگر جهان دارند. معمولاً پلیس‌ها حافظان حکومت‌ها در برابر تهدید مردم هستند. امروز می‌بینیم در برخی کشورها، در همین داستان بیداری اسلامی، پلیس و دستگاه‌های امنیتی کارگزار حکومت‌ها و حافظان آنها هستند و رودر روی مردمند؛ اما بنا بر فرمایش امیرمؤمنان علی علیه السلام: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ»^۱ سربازان، دژ مردم برای مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات و بلا‌ها هستند. این‌ها نیروهای مأمور معذور نیستند، بلکه مأمور مسئولی هستند که در چارچوب ایمانی خدمت می‌کنند.

مصلح ابتدا باید صالح باشد؛ کسی که با فساد مبارزه می‌کند ابتدا باید فساد را از خود بیرون رانده باشد؛ آمر به معروف ابتدا باید عامل به معروف باشد و نمی‌تواند غیر این باشد. ممکن است ظاهر، لباس، ابزار، سلاح و... وجه تشابه ما با پلیس‌های دیگر کشورها باشد، ولی آرمان ما پیروی از شیوه آرمان‌پروری است که در کلام معصومان علیهم السلام بدان اشاره شده است؛ آرمان‌پروری، آرمان‌محوری و دنبال آن نقطه روشن و نورانی حرکت کردن.

علی‌رغم همه فشارها و تهدیدها، همه تلاش‌های دشمن در ابعاد سیاسی، اقتصادی، روانی، رسانه‌ای، امنیتی و نظامی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی

۱. همان، ص ۱۳۱.

ایران، خوشبختانه امروز کشور ما به سان جزیره‌ای امن و آرام در اقیانوسی متلاطم است. شرق و غرب ایران را ببینید؛ در همسایگی دیوار به دیوار ما چه می‌گذرد! در ماه گذشته در عراق، هزار نفر در انفجارها و ترورها کشته شده‌اند. پاکستان، افغانستان و ترکیه، کانون گروه‌های تروریستی هستند؛ اما مرزهای ما از بهترین امنیت‌ها برخوردار است.

علی‌رغم رشد دائمی جرایم جنایی در دنیا، ایران در سایه ایمان مردم و همچنین رهبری دینی و ولایی، در ده سال گذشته پایین‌ترین آمارها را در ثبت جرایم خشن و جنایی داشته است. کشور ما علی‌رغم پیشرفت و توسعه و همچنین افزایش جمعیت، همه‌ساله شاهد کاهش تدریجی ترور، قتل، تجاوز به عنف، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه و... است و این در شرایطی است که گفتیم توسعه و ناامنی به هم همبستگی دارند؛ هرچه جامعه مدرن‌تر، یعنی ناامن‌تر، یعنی جرایم بیشتر.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سخنرانی دبیر همایش حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی در اختتامیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما بقيّة الله.

ضمن عرض تبریک به مناسبت این روز و نیز عرض خسته نباشید، گرچه می‌دانم از صبح در کمیسیون‌ها بودید و فرصتی برای استراحت نبود و این نشست‌ها هم به لحاظ آن بارمحتوایی خود ممکن است مقداری باعث خستگی عزیزان شده باشد. امیدواریم با برنامه‌هایی که در اختتامیه همایش تدارک دیده شده، شما را از خستگی درآورد، به خصوص سخنان مادر یک شهید بزرگوار اهل لبنان که فرزند عزیزش در القصیر سوریه به شهادت رسیده است، به مجلس و محفل ما نورانیت بیشتری خواهد داد.

خدمت برادر عزیز حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای ابوترابی (نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی) که زینت بخش محفل ما هستند خیرمقدم عرض می‌کنم؛ خیلی خوش آمدید. امیدواریم که همچون سال‌های گذشته در خلال برنامه‌ها از صحبت‌های خوب ایشان استفاده کنیم. ما نیازمند کسانی هستیم که در مکتب اجتهادی حوزه پرورش یافته‌اند؛ به خصوص کسانی که سال‌ها شاگردی

مرحوم آیت الله العظمی بهجت را در کارنامه خود دارند و سهمی از صفای باطن ایشان برده اند. همچنین تشکر می‌کنم از حضرت آیت الله اراکی (ریاست محترم مجمع تقریب مذاهب) بزرگواری کردند و به این همایش تشریف آوردند و نیز از همه شما عزیزان و سروران گرامی که قدم رنجه فرمودید برای تعظیم شعائر الهی به این مجلس تشریف آوردید.

مجلس متعلق به امام زمان علیه السلام است. «وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». ^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «نَحْنُ الشَّعَائِرُ؛ أَنْ شَعَائِرَ مَا هَسْتِمِ». از محضر همه شما عزیزان، جناب آقای ابوترابی، جناب آقای اراکی و همه هیئت رئیسه محترم اجازه می‌خواهم بیانیه اختتامیه این همایش را قرائت کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْعَامِرَةِ يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَالْأَزِمُّ لَهُمْ لَاحِقٌ.^۳

سلام بر همه حجج الهی، حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی و مسیح علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و آله سلام بر جانشینان انبیای الهی و دوازده جانشین معصوم پیامبر خاتم، و سلام بر حجت زمان و امام دوران، تنها کشتی امن و نجات الهی برای انسان معاصر در دریای امواج سهمگین و فتنه‌های بزرگ. سلام بر تنها چراغ باقی مانده هدایت الهی در ظلمت‌کده عالم. سلام بر آخرین ذخیره الهی در دنیای پرتزاحم و درگیری‌های طاقت فرسا. سلام بر آرمان بلند و رهبر فراتاریخی بشر در عصر تاریکی‌ها و سیاهی‌ها. سلام بر رموز و ارزش‌ها و شکوفایی شیعه در طول تاریخ و گره‌های کورو پیچ‌های سخت آن، که به فرموده امام کاظم علیه السلام: «الشَّيْعَةُ تُرَبَّى بِالْأَمَانِيِّ». ^۴ شیعه با اعتقاد به مهدویت تربیت می‌شود و با اعتقاد به این آرمان بلند و حضور رهبری

۱. حج: ۳۲.

۲. مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۱۷.

۳. مفاتیح الجنان، صلوات شعبانیه.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

فرا تاریخی پیوسته و مستمر استعداد های خود را به فعلیت می‌رساند و زمینه‌های حاکمیت امام معصوم علیه السلام را در صحنه جهانی فراهم می‌آورد. مهم‌ترین مسئله در تربیت زمینه‌ساز ظهور، ترسیم و تبیین جایگاه امام در طرح تربیتی اسلام و مبانی و اهداف این تربیت و تدوین راهبردها و راهکارهای دست‌یابی به آن است.

در نهمین همایش دکترین مهدویت، دست‌اندرکاران همایش به این نتیجه رسیده‌اند که پس از چندین سال طرح مباحث بنیادین و نظری در عرصه مهدویت باید به دنبال راهبردی نوین و عملیاتی کردن فرهنگ مهدویت بود. از این‌رو در این همایش کوشش گردید تا با طرح مسئله تربیت مهدوی مباحث نظری به عرصه عملی کشانده شود و با تدوین راهکارها و راهبردها الگوهای تربیتی مورد گفت‌وگو قرار گیرد. در این راستا شاید هنوز در ابتدای راه باشیم؛ زیرا تدوین راهبردها فرایندی دشوار، پیچیده و نیازمند کوشش جمعی و مستمر اندیشمندان و پژوهش‌گران است. اما شاید این همایش بتواند آغازی برای راه باشد و ذهن عده‌ای از اندیشمندان را دغدغه‌مند کند تا به دنبال طرح الگوهایی اخلاقی و تربیتی باشیم که در آن فکر، احساس و رفتار مسلمانان مبتنی بر باور مسئله مهدویت باشد؛ به طوری که مسلمانان و دین‌داران بتوانند در عصر ما - که دوره غیبت است - راهکارهایی را بیابند که در آن‌ها اعتقاد به مهدویت محوری داشته باشد.

دستاوردها و پیشنهادات این همایش به اختصار عبارتند از:

دستاوردها

- توجه به اندیشه‌های پنهان مانده مهدویت و تأثیر آن بر تربیت مهدوی؛
- عملی نمودن مباحث دکترین مهدویت به عرصه راهبردی و کاربردی؛
- گردآوری اندیشمندان جهان و منجی‌باوران و مهدی‌پژوهان و گفت‌وگو درباره کارکرد مهدویت در عرصه تربیت دینی.

پیشنهادات

حوزه‌ها و مراکز عملی و دانشگاهی به تبیین بیشترین آموزه‌ها بالنده کلیدی

پرداخته و رویکردهای کلامی، حدیثی، تاریخی، سیاسی، تربیتی، اخلاقی، تمدنی و راهبردی آن را مورد واکاوی قرار دهند و هم‌چنان‌که در حوزه‌های علمیه، سطح سه و چهار، یعنی کارشناسی ارشد و دکترای این رشته تأسیس شده است، در مقاطع عالی و مراکز دانشگاهی نیز چنین شود.

انتظار آن است که سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و تربیتی مجالی را فراهم سازند که پژوهش‌گران برگزیده را - که توانسته‌اند راهبردهای واقعی و محیط پایه را در تحقیق خود به دست آورند - در معرض بهره‌برداری و مباحثه با نخبگان و دست‌اندرکاران سازمان‌های مسئول قرار داده و زمینه‌های انتقال داده‌های علمی و دانشی را در محیط بررسی فراهم سازند.

سازمان‌های مسئول در تقویت نقش مربیان در سطوح گوناگون جامعه، برای افزایش سطح مهارت‌های تربیتی و اجتماعی در مادران و خانواده‌های جوان و نوپای اسلامی زمینه مناسبی را فراهم آورده و مسئولان و دست‌اندرکاران قوای مقننه و مجریه به نقش و جایگاه مهم تربیت دینی و مهدوی در خانواده‌های مسلمان پرداخته و مهارت‌های به روز شده را تأمین کنند.

از دستگاه‌های مسئول در فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌خواهیم که الگوی مرجع تربیتی در جامعه را به مثابه الگوی برگزیده در قالب معرفی شاخص‌های برجسته‌ساز مشخص کرده و سازمان مربوطه در این گزینش را مکلف کرده تا با برجسته‌سازی سالانه این الگو، شعرهایی ماندگار و قابل رجوع را به جامعه معرفی سازند.

با قدردانی و تکریم حضور جامعه مهدوی در آفرینش حماسه سیاسی ۲۴ خرداد در لیبیک و پاسخ به مطالبه مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، از رئیس‌جمهور برگزیده و منتخب مردم توجه و تعظیم این حضور و روند روبه استحکام را همچون پایبندی همیشگی جامعه روحانیت انقلابی و مسلمان درخواست نموده که خدمت‌گزاران مهدی‌یاور و انقلابی بار دیگر در حرکتی هم‌افزا آمادگی‌های

زمینه سازی راهمچون همیشه پراجماع، پرفراز و پرموفقیت به پیش برند، ان شاء الله. در پایان ضمن تقدیر و تشکر از همه نهادها و ارگانها و شخصیت های حقیقی و حقوقی و مهمان هایی که ما را در برگزاری این همایش یاری رساندند، امید است همواره مشمول ادعیه ذاکیه حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - باشند.

موضوع دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت در سال آینده «اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارهای آن» است. امیدواریم که همچون سال های گذشته همه فرهیختگان و دانشمندان دعوت ما را لبیک گفته و ما را در برگزاری هرچه بهتر این همایش یاری رسانند، ان شاء الله.

والسلام علیکم جمعاً ورحمة الله وبرکاته.

سخنرانی آیت الله اراکی (دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى اهل بيته الطاهرين واصحابه المنتجبين.

سالروز فرخنده ميلاد منجی عالم بشریت و وعده بزرگ اديان الهی و تحقق بخش آرمان های انبیا و مصلحين بشر، وجود مبارك حضرت حجت بن الحسن عليه السلام را به همه شما و همه جامعه مسلمين تبریک عرض می کنم و از دست اندرکاران این کنفرانس بسیار پراهمیت، بالأخص حضرت حجت الاسلام والمسلمين آقای پورسیدآقایی و همراهان و همکاران ایشان صمیمانه سپاس گزارم.

موضوع صحبت من در این جلسه پرشکوه و فرهیخته، «ظهور منجی آخرین از نگاه فلسفه تاریخ اسلامی» است. از منابع دینی، یعنی قرآن و سنت به یک فلسفه تاریخ کامل دست پیدا می کنیم. در منابع دینی ما در این فلسفه تاریخ، هم پیدایش جوامع و هم پیدایش دولت ها و تمدن ها تفسیر شده است. همچنین حرکت تاریخ، حرکت جوامع، پیدایش جوامع گوناگون، جایگزینی تمدن ها نسبت به یکدیگر تبیین و تفسیر شده است. برای این که بتوانیم به مسئله جایگاه منجی آخرین در فلسفه تاریخ اسلامی پردازیم، لازم است ابتدا به اصول کلی این فلسفه

تاریخ اشاره کنیم تا بتوانیم بر مبنای این اصول کلی، ظهور منجی آخرین را در چارچوب این نگاه فلسفی - تاریخی اسلامی تحلیل کنیم.

با نگاهی بسیار کلی می‌توان این چند اصل را به عنوان اصول کلی حرکت و فلسفه تاریخ از نگاه اسلام و منابع اسلامی عرضه نمود.

اصل اول این‌که جامعه بشر در حرکت به سوی جامعه عدل سراسری است و این نقطه غایی حرکت جوامع بشری محسوب می‌شود. جوامع بشری از آغاز در حرکت به سوی این جامعه برترین بوده‌اند. هسته جامعه بشری بر مبنای حرکت و تطور جامعه بشر برای رسیدن به این نقطه غایی شکل گرفته؛ این یکی از اصولی‌ترین فلسفه تاریخ ماست.

اصل دوم، این حرکت جامعه بشر از آن نقطه آغاز تا نقطه فرجام یک حرکت ارادی با اراده جوامع بشر است. این حرکت صورت می‌گیرد و تحولات جامعه بشر با اراده انسان‌ها به وجود می‌آید. البته این جا بحث مهم جامعه اسلامی است که در میان جوامع بشری همیشه یک اراده جمعی شکل می‌گیرد، و این اراده جمعی است که سرنوشت جوامع را رقم می‌زند. جای بحث این مسئله این جا نیست، ولی در مباحثی که در این عرصه داشته‌ایم به طور بسیار روشن، هم به لحاظ عقلی و منابع شرعی کاملاً این مطلب را اثبات کرده‌ایم که در جوامع اراده جمعی شکل می‌گیرد و این اراده جمعی است که سرنوشت جوامع را رقم می‌زند. این حرکتی که به سوی آن فرجام از این آغاز انجام می‌گیرد، حرکتی ارادی است که نقش عامل اصلی را در این حرکت ارادی، اراده جمعی ایفا می‌کند.

اصل سوم این‌که این حرکت ارادی مبتنی بر اراده جمعی، قانونمند است و قانونمندی این حرکت با ارادی بودن آن در تنافی نیست و آنچه در فرهنگ واژگان دینی ما به عنوان قضا و قدر یاد می‌شود، تعبیری از این قانونمندی است؛ اراده انسانی چه در بعد فردی و چه در بعد جمعی. اگرچه جامعه بشر به سوی آن فرجام نیک حرکت می‌کند و این حرکت ارادی است، لکن ارادی بودن این حرکت به این

معنا نیست که حرکتی بی نظم و قانون و سازمان نیافته است. این حرکت قانونمند است و به تعبیر واژگان دینی ما در چارچوب قضا و قدر الهی حرکت می‌کند. «سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا». ^۱ قرآن کریم برای اصل فراوان تأکید می‌کند که حرکت جوامع بر مبنای سنت الهی است. «وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلاَفَكَ إِلَّا قَلِيلًا سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا». ^۲ به هر حال، این سنت الهی است که بر سنت جامعه حاکم است. حرکت جوامع ارادی است؛ اراده جمعی است که سرنوشت را رقم می‌زند، اما این اراده جمعی بر چارچوب سنت‌های الهی حرکت می‌کند.

اصل چهارم این است که سنت‌هایی برای این حرکت الهی حاکم است. این حرکت الهی از آن آغاز تا به آن فرجام - که گفتیم - حرکتی الهی و قانونمند است. حالاً قانون این حرکت چیست؟ اگر بخواهیم قوانین کلی این حرکت را از آغاز تا فرجام تبیین کنیم که همه این‌ها در منابع دینی ما و بالأخص در قرآن کریم تبیین شده است، می‌توانیم این‌ها را هم در چند قانون کلی خلاصه کنیم.

سنت اول، سنت ضرورت وجود فرصت عدل در جامعه بشری است. قرآن کریم بر این سنت تأکید دارد که در جامعه بشری، همیشه باید فرصت پیدایش آن جامعه عدل برین باشد. در همه ادوار و زمینه‌ها باید جامعه بشری اراده جمعی بشری بتواند آن جامعه عدل را تشکیل دهد و برقرار کند. این «بتواند» همان فرصت عدل است. بر مبنای آن چه از قرآن کریم و روایات استفاده می‌کنیم، این فرصت عدل درد و چیز خلاصه می‌شود. این فرصت دواصل و موضوع مهم است. حقیقت نخست، وجود چیزی است که از آن درواژگان دینی ما به میزان و همچنین شاهد و امام تعبیر شده است؛ شخصیتی که این سه خاصیت در آن تبلور پیدا کند، راهنمای مردم به سوی آن جامعه عدل، امام حاکم است؛ معنای این‌که امام است، یعنی اراده او

۱. فاطر: ۳۴.

۲. اسراء: ۷۶-۷۷.

اراده برتر است؛ او فرمان می دهد و فرمان دیگران زیر فرمان اوست. امام است و شاهد است؛ یعنی رفتار و شخصیت او کاملاً نشان دهنده عدل است، لذا گواه بر عدل است. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً»^۱. این سلسله رهبران الهی شاهدان برکتانند؛ یعنی رفتار آن ها جلوه گر حقایق کتاب است و کسی که بخواهد کتاب را تفسیر کند و حقایق آن را بیابد، باید به این چنین شاهدی رجوع کند. و میزان هستند؛ «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ»^۲ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ»^۳؛ ما با رسل دو چیز فرود فرستادیم: یکی کتاب راهنما و دیگری میزان، که بر شخصیت خود راهبر جلوه می کند. او میزان است؛ یعنی باید عدل را از رفتار او تشخیص داد و آن جا که ما در عدل دچار شبهه می شویم، آن جا که نمی دانیم شناخت عدل کدام است، آن جا که مرزهای عدل و ظلم و مرزهای حق و باطل دچار ابهام و تیرگی می شوند، میزان بر تشخیص عدل و حق اوست. «على مع الحق والحق مع على يدور حيثما دار»، علی میزان است و بعد از رسول اکرم ﷺ همان گونه که کتاب ماندگار شده، میزان هم ماندگار است و لذا رسول اکرم ﷺ دو ودیعت در بین امت سپرد: «كِتَابُ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا»^۴، هم کتاب و هم میزان را. شاهد هم باید همیشه در جوامع بشری باشد؛ هر جامعه ای دارای شهیدی است؛ «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»^۵، و شاهد با نبوت و رسول متفاوت است. شاهد هرامتی باید با آن امت و زنده در میان آن امت باشند. این که «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ»، هرامتی دارای شهیدی

۱. مائده: ۴۴.

۲. شوری: ۱۷.

۳. حدید: ۲۵.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱۵.

۵. نساء: ۴۱.

است، یعنی دارای شهید زنده‌ای همراه با آن امت است و لذا قرآن کریم درباره حضرت عیسی علیه السلام با آن بازخواستی یا آن پرسشی که خدای متعال از حضرت عیسی علیه السلام روز قیامت می‌کند: «أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ»،^۱ می‌فرماید: «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ»،^۲ شهادت معاشرت نیاز دارد.

این امت، باید دعوت این امام میزان را اجابت کند و از او پیروی نماید و در اقامه جامعه عدل همکاری کند تا بستر پیدایش جامعه عدل بالفعل فراهم گردد؛ یعنی اگر جامعه نپذیرد که منشأ تولد جامعه‌ای دیگر در نسل‌های بعدی - ولو ده نسل یا بیست نسل - که آن نسل همراه امام باشد و از او پیروی کند و بار برپایی جامعه عدل به رهبری این امام شاهد میزان را بردوش کشد، اگر چنین نشد، یعنی اگر جامعه بشر، جامعه‌ای شد که نه دعوت پیامبران و رهبران الهی را اجابت کند و نه بستری برای پیدایش جامعه‌ای این چنین در آینده شود، محکوم به انقراض خواهد شد و فلسفه وجودی خود را در نظام هستی از دست خواهد داد. ما مثال می‌زنیم؛ گاهی همانند باغی که باغبان در صورتی در این باغ سرمایه‌گذاری می‌کند که یکی از این دو حالت در آن باشد؛ یا بالفعل میوه بدهد، یا اگر میوه نمی‌دهد در آینده میوه بدهد. یک سال، دو سال، سه سال در انتظار میوه‌دهی باغ سرمایه‌گذاری می‌کنم، اما اگر باغی شد که نه میوه می‌دهد و نه ممکن است در آینده میوه بدهد، بساط چنین باغی را برمی‌چینند و باغی دیگر به جای آن باغ می‌رویانند و می‌کارند.

این سنت در جامعه بشر حاکم است و به آن «فرصت» می‌گوییم. باید این فرصت در کنار رهبری وجود داشته باشد و لذا در جامعه نوح، خدای متعال از زبان نوح می‌فرماید: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرْنِي

۱. مائده: ۱۱۶.

۲. مائده: ۱۱۷.

يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا؛^۱ «نوح گفت: پروردگارا، از این مردم کسی را به جا مگذار!» دعای انبیا همیشه دعای سنت‌های الهی است. هیچ‌گاه دعای انبیا، دعای خارج از سنت‌های الهی نیست. اگر کسی بخواهد دنبال سنت‌های الهی باشد، یکی از منابع کشف سنت‌های الهی دعاهاى انبیاست. این‌جا که نوح می‌گوید: «رَبِّ لَا تَذَرْنَا»، این نشان دهنده سنت الهی است که: خداوند، سنت تو این است که جامعه‌ای که نه خود جامعه عدل است و نه در آینده ممکن است نسلی از این جامعه برود که عدل پذیر باشد، اگر این‌ها را رها کنی بندگان تو را گمراه می‌کنند و تا دنیا دنیا است و تا زمان زمان است و روزگار برپاست «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا».

سنت دوم، حرکت به سوی جامعه عدل کلان بر مبنای سه مرحله از خلافت الهی است:

مرحله نخست، خلافت فردی که خدای متعال فردی را به عنوان فرد عادل حاکم خلیفه خود می‌کند. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»،^۲ «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ»،^۳ این خلافت فردی است؛ خلافت آغازین است.

مرحله دوم، مرحله پیدایش خلافت جمعی صغیر است؛ یعنی پس از پیدایش خلافت فردی، این فرد برتریک جامعه نمونه خرد، ولی جامعه عادل و جامعه برپاکننده حکم خدا متولد می‌سازد و برپا می‌کند و جامعه خردی شکل می‌گیرد. این کار را موسی خواست انجام دهد و لذا خدای متعال فرمود: «وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ». ^۴ این اختیار، اختیار برای شکل‌گیری همان جامعه صغیر بود. این اختیار بعد از امت موسی که در این اختیار به فشل رسیدند و در این گزینش

۱. نوح: ۲۶.

۲. بقره: ۳۰.

۳. ص: ۲۶.

۴. دخان: ۳۲.

شکست خوردند و نتوانستند از عهدهٔ این امتحان برآیند، به خلافت جمعی صغیر تبدیل شد و امت اسلامی، به عنوان امت جایگزین این امت به خلافت جمعی صغیر دست یافت؛ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ». ^۱ یا در آیهٔ دیگر: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا». ^۲ این خلافت همراه با شهادت است؛ هم شهادت فردی که همراه خلافت فردی است، بعد شهادت این خلیفهٔ جمعی، یا این خلافت جمعی صغیر است. بعد از خلافت جمعی صغیر، نوبت به آن خلافت جمعی کبیر می‌رسد که همان امت عدل جهانی است که ما از آن به خلافت جمعی کبیر تعبیر می‌کنیم که جمع جامعهٔ بشریه عنوان خلیفهٔ خدا بر روی زمین برگزیده خواهند شد. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، ^۳ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» ^۴ که این استخلاف همان خلافت جمعی کبیر است.

مرحلهٔ سوم، دستیابی به جامعهٔ خلافت کلان یا جامعهٔ عدل کلان آن جامعهٔ خلافت کبیر بر اساس دو سنت اصلی است؛ یک سنت تثبیت انماء و اثبات، یعنی سنتی خدا دارد که ۱. امت پیرو نبی و امام را تثبیت می‌کند؛ ۲. یاری می‌کند؛ ۳. بر مبنای این سنت نما و رشد می‌دهد. در صورتی که سنت بپذیرد و همراهی کند، به دو میثاق طاعت و نصرت عمل کند. دو میثاق است که خداوند متعال رابطهٔ بین این امت و آن امام را بر مبنای این دو میثاق تعریف می‌کند؛ یکی میثاق اطاعت: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا»، ^۵ و یکی میثاق نصرت: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ»، ^۶ یا «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ

۱. آل عمران: ۱۱۰.

۲. بقره: ۱۴۳.

۳. انبیاء: ۱۰۵.

۴. نور: ۵۵.

۵. مائده: ۷.

۶. توبه: ۱۱۱.

وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا^۱. این رابطه بر مبنای این دو میثاق اطاعت و نصرت بین امت و امام، برقرار می‌شود و لذا یک امت واحدهٔ برخوردار از دورابطهٔ ولایت عرضی و طولی شکل می‌گیرد و جامعه‌ای با یک بافت الهی و با یک بافت اطاعت خدایی پدید می‌آید.

سنت سوم، اگر جامعه با امامت الهی همراه نشد، سنت استبدال جاری خواهد شد؛ یعنی سنت الهی حاکم بر حرکت تاریخ، این امت را به کنار می‌زند و اگر تمدن، عزت و قدرتی دارد از او سلب می‌شود و این عزت و قدرت و شوکت به امتی دیگر منتقل خواهد شد تا امتی دیگر نیز آزمایش خدا را پس دهد. این دست‌گردانی قدرت در قرآن کریم به استبدال تعبیر شده است: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»^۲. در چند جای قرآن کریم به این سنت استبدال اشاره شده که اگر جوامعی که به قدرت و شوکت و عزت می‌رسند، به شرط اطاعت و نصرت رهبران الهی عمل کنند، این قدرت ادامه خواهد یافت و این تثبیت و اثبات و انماء در حق آن‌ها جاری خواهد شد. اگر چنین نشود به طور حتم این عزت و تمدن و قدرت از آن‌ها سلب خواهد شد و به دست قوم دیگری سپرده می‌شود. این از سنت سوم که یا باید جامعه پیرو باشد و این مسئولیت خلافت الهی و عمل به این مسئولیت را را بپذیرد و اگر نپذیرد استبدال و جایگزینی صورت می‌گیرد و امتی دیگر جایگزین امت خواهد شد. این دست‌گردی قدرت همچنان ادامه خواهد یافت تا آن جامعه وفادار به میثاق اطاعت و نصرت شکل گیرد. آن جامعه وفادار به میثاق اطاعت و نصرت است که اگر بر این میثاق بماند و وفادار باشد، توفیق رهبری کل جوامع بشر برای برپایی خلافت کبرا و جامعهٔ خلافت کبیر به آن دست خواهد داد.

سنت چهارم این است که حفظ قدرت جامعهٔ چیره شده بر جامعهٔ دیگر، بر

۱. احزاب: ۲۳.

۲. محمد: ۳۸.

مبنای نحوه تعامل مردم آن جوامع قدرتمند با رهبران الهی است. اگر تعاملشان بر اساس میثاق طاعت و نصرت باشد، این قدرت ادامه خواهد یافت و همچنان سنت تثبیت و اثبات در حق آن‌ها جاری خواهد شد، وگرنه این قدرت از دست آن‌ها انتزاع خواهد شد و این نحوه تعامل مردم جوامع قدرتمند با رهبران الهی، اساس حرکت جوامع و دست‌گردانی قدرت است. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ».^۱ سوره ابراهیم سوره‌ای است که به تفصیل به این قانون پرداخته، مخصوصاً در آن جایی که می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَنسَوْنَ الْفُرْأَ».^۲ داستان بسیار طولانی است و در قرآن کریم برای این بسیار تأکید شده است. لذا در قرآن کریم از امام الهی به نعمت کبرا یا اتمام نعمت تعبیر شده است و به دو گونه نعمت اشاره شده: یک نوع، همان نعمتی است که عامه است و همه آن نعمت‌های الهی مورد اشاره این نعمت هستند؛ «وَإِن تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا»،^۳ همه نعمت‌ها و خوبی‌ها و نیکی‌ها را فرامی‌گیرد، ولی نعمت تامه نعمت برگزیدگی برای اقامه و برپایی حکومت عدل بر جامعه بشر است. این اتمام نعمت به معنای آن است که قدرت داده می‌شود، رهبری الهی در جامعه ظهور می‌کند. این رهبری الهی با جامعه متمکن از برپایی عدل، این اتمام نعمت برای این جامعه است. اگر این جامعه نعمت را شکرگزار بود، این نعمت در حق جامعه تداوم خواهد یافت، وگرنه از او سلب خواهد شد.

سنت پنجم، سنت ظهور و غیبت رهبران الهی است که جایگاه ظهور منجی آخرین در چارچوب این سنت تبیین می‌شود. اصل پنجم این است که ظهور و غیبت رهبران الهی بر مبنای نحوه تعامل جوامع با رهبران الهی شکل می‌گیرد. قرآن

۱. ابراهیم: ۷.

۲. ابراهیم: ۲۸-۲۹.

۳. نحل: ۱۸.

کریم رهبران الهی را برای جوامعی که قدرت یا تمکین دارند به نعمت تامه یا اتمام نعمت تعبیر می‌کند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». ^۱ اگر جامعه به وظیفه خود عمل کند، اتمام نعمت، ظهور یک رهبر الهی میزان و شاهد خواهد بود. با رهبر الهی حاضر تمکن از ادامه عدل هم به جامعه داده شده است: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ». ^۲ این جامعه متمکن از یک سو دارای رهبر جامع شرایط دارای خصوصیات میزان و شاهد و از سوی دیگر دارای امامت است. اگر چنین نشد و جامعه شکرگزاری این نعمت را نکرد، یعنی همراه این امامت نشد، سه نوع غیبت به عنوان سنت الهی حکومت خواهد کرد:

اولین نوع غیبت، غیبت تعلیق است؛ یعنی گاه در جامعه‌ای امام زندگی می‌کند که فرصت همه فعالیت‌های رهبری به او داده نشده است. او می‌تواند در بخشی از حوزه رهبری عمل کند، فرهنگ الهی را ترویج کند، جامعه را برای حرکت‌های بعدی آماده کند؛ در چنین جامعه‌ای برخی از مسئولیت‌های رهبری تعلیق می‌شود که ائمه هدی علیهم‌السلام هم در بعضی از دوران‌ها بالأخص دوران بعد از سیدالشهدا چنین وضعیتی داشتند و برخی از مأموریت‌هایشان به دلیل بی‌اقبالیت و کوتاهی جامعه و کفران نعمتی که در کربلا صورت گرفت به انجام نرسید.

نوع دوم غیبت، غیبت مکانی است؛ یعنی اگر رهبر در این مکان نمی‌تواند انجام وظیفه کند، در جای دیگری می‌تواند. از آن جایگاه نخست که آغازگاه کار اوست، به جایگاه دیگر منتقل می‌شود و این نوع غیبت، به غیبت مکانی تعبیر می‌شود؛ نظیر غیبت موسی علیه‌السلام و هجرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مکه به مدینه الرسول.

غیبت نوع سوم، غیبت زمانی است. این است که رهبر الهی کلاً مدتی از جامعه غیبت می‌کند. در آن جایی که به هیچ وجه امکان حضور و ظهور برای رهبر

۱. مانند: ۳.

۲. حج: ۴۱.

الهی نباشد، شرایط اجتماعی به گونه‌ای است که امکان فعالیت به طور مطلق حتی ظهور و وجود رهبر در بین جامعه بشر امکان پذیر نخواهد بود. این جا رهبر الهی مدتی غیبت می‌کند تا شرایط بازگشت او به انجام مأموریت‌های مربوط به حرکت دادن امت به سوی آن جامعه فرجام و جامعه عدل الهی و برقراری خلافت کبرا تحقق پیدا کند.

با اختصار خواستم این جمع بندی را از این نمای کلی جایگاه غیبت و ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام را خدمت عزیزان عرض کنم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد

(نائب رئیس مجلس شورای اسلامی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين.

قال الله العظيم في محكم الكتابه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى، وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»^۱.

حضور خواهران و برادران گران قدر، دلباختگان به وجود اقدس منجی عالم بشریت، مهمانان ارجمند جمهوری اسلامی ایران عرض ادب و سلام و آرزوی توفیق برای یکایک بزرگواران دارم. اجازه دهید در آغاز سخن، مراتب تقدیر و تشکر خود را از برگزاری نهمین همایش دکترین مهدویت تقدیم دارم و از برادر عزیز و ارجمندم حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای پورسیدآقایی و همکاران محترمشان در بزرگداشت یاد و نام پیشوای عالم بشریت و هادی امت، حضرت ولی عصر امام زمان - ارواحنا فداه - تقدیر و تشکر کنم و از حضور یکایک علما، محققان، اندیشمندان عالم توحید و دنیای اسلام، به ویژه برادر ارجمندم آیت الله

اراکي در بزرگداشت اين هم‌ايش سپاس گزارم.

موضوعی که برای نهمین هم‌ايش دکتريين مهدويت انتخاب شده، بر واژه تربيت و نقش تربيت انسان در فراهم آوردن بستر ظهور و نقش ظهور پيشوا و امام صالح و عادل در رسيدن انسان و جوامع بشری به قله و مراتب بلند تربيت تکیه دارد. اولاً شايسته است به اين نکته توجه کنيم که تار و پود عالم ماده و طبيعت با تربيت گره خورده است. لازمه عالمی که از دو حیثيت فعليت و استعداد برخوردار است، حرکت همراه با تربيت است. لذا خدای سبحان در آیات نورانی که قرائت نمودم بر اين حقيقت تأکيد می‌کند؛ «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَى، وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى». دنيا عالم تقدير و تربيت است. هر موجود و پدیده مادی در انتظار تولدی جديد است؛ تولدی که چون با تدبير حکيم علی الاطلاق انجام می‌گيرد همراه با تربيت است؛ خصوصاً اگر بر اين کریمه مبارکه توجه کنيم که خدای سبحان می‌فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ». ^۱ تمام عالم در مقام تسبيح حضرت حقند. از کریمه مبارکه‌ای که اشاره می‌کند: «لَا تَقْفُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ» ^۲ می‌توان اشاره کرد که اين تسبيح فقط ناظر به خلقت و آفرينش پدیده نيست. علاوه بر آن، تسبيحی دارند که انسان متعارف از فهم و درک آن عاجز است؛ اما اگر پدیده‌ها گشوده شود مشاهده خواهيم کرد که همه پدیده‌ها در حال تسبيح و طبيعتاً در حال تکامل و تعالی هستند. اثر وضعی تسبيح، سیر تکاملی است. عالم طبيعت، عالم ماده و عالم پدیده‌ها، عالم تولدهای پی‌درپی و همراه با تربيت و تعالی است. لذا هر پدیده‌ای در حالت انتظار است؛ در انتظار تولدی نو. انسان در میان پدیده‌ها شخصيتی متمایز دارد؛ زیرا نفس انسانی از جایگاه و ظرفيتی والا برخوردار است. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا». ^۳ از اين کریمه مبارکه و از نگاه به عالم تکوين و از

۱. جمعه: ۱.

۲. اسراء: ۴۴.

۳. شمس: ۷-۸.

آموزه‌های دینی می‌توان یافت که نفس انسان در ادراک و دریافت و فهم فجور و تقوا، گوی سبقت را از همه پدیده‌ها ربوده است و با این ظرفیت می‌تواند در مقام تربیت به عالی‌ترین و برترین مقامی دست یابد که دیگر موجودات از دستیابی به آن عاجزند و برای این حرکت تکاملی، علاوه بر ظرفیتی که در نفس بشر نهاده شده است، نیازمند امام، مقتدا و اسوه‌ای است که قله‌های کمال را فراروی او بنمایاند و مسیر حرکت را برایش هموار کند که خدای سبحان این نعمت را به بشر ارزانی داشته است.

مسئله امامت و رهبری جامعه بشری آفرینش معلمی است که اولاً در سایه دریافت حقیقی پیام وحی و آراسته شدن به بالاترین مدارج کمال برترین شخصیت عالم امکان است و از همین زاویه و منظر می‌تواند پیام الهی را برای فهم و دریافت مسیر حرکت به انسان ابلاغ کند. ثانیاً به عنوان تجسم عینی و خارجی حق به عنوان یک اسوه به معنای واقعی کلمه، فراروی او قرار گیرد. «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ»^۱ اگر انسان طالب آن است که مظهر صفات جمال و جلال خدای متعال شود، اگر می‌خواهد در قرب به خدای متعال و کمال علی الاطلاق به بالاترین مدارج قرب نائل شود که ظرفیت آن را دارد که به مقامی برسد که خدای سبحان در توصیف او بگوید: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»^۲ و امام معصوم تفسیر کند و بفرماید: «دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى»،^۳ اگر می‌خواهد مظهر صفات جمال و جلال حق شود و به این قله‌های کمال نزدیک گردد، باید مظهر عالی صفات جمال و جلال حق را فراروی خود مشاهده کند و این موجود اقدس، پیامبر ﷺ و امام معصوم علیه السلام است.

اگر بشر در مسیر تربیت خود گام بردارد، این حقیقت را دریافت خواهد کرد که

۱. احزاب: ۲۱.

۲. نجم: ۸-۹.

۳. المزار، ص ۵۸.

تنها مسیر هدایت او و رسیدنش در کوتاه‌ترین زمان ممکن به بالاترین مقام انسانی در سایه شناخت امام و تسلیم شدن در برابر کسی است که تسلیم به معنای واقعی کلمه در برابر خداست. «يَدُوْرُ حَيْثُمَا دَارَ». ^۱ او با حق، یک حقیقت واحدند در دو چهره متفاوت. قرآن، توصیف پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان معصوم عليهم السلام است و اولیای حق، تجسم عینی و خارجی قرآن در صحنه زندگی بشرند. اگر شما قرآن ناطق را فراروی خود داشتید، حق را بهتر و شفافی‌تر می‌یابید و با عزم و اراده راسخ‌تر می‌توانید در مسیر حق گام بردارید. اگر انسان در مسیر تربیت گام برداشت قطعاً به یک منتظر راستین وجود اقدس امام تبدیل خواهد شد. اگر دغدغه ظهور را داریم، باید برای تربیت خود و جامعه، با عزم و اراده حرکت کنیم. کسانی منتظران راستین مصلح هستند که خود صالح باشند؛ کسانی منتظران راستین مقدم امام عادلند که به عدالت عشق می‌ورزند و دغدغه آراسته شدن به عدالت در حیات فردی و شکل‌گیری عدالت در صحنه حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دارند. انسان تربیت شده یک منتظر راستین است و با رسیدن به حد نصاب در خلقت و آفرینش و شکل‌گیری چنین انسان‌هایی زمینه حضور فراهم می‌شود.

شاید در نشست سال گذشته در این جمع اشاره کردم که حضرت آیت الله بهجت این منتظر راستین مقدم مبارک امام عصر ﷺ می‌فرمودند: «شخصی در مسجد جمکران به محضر مبارک امام عصر (ارواحنا فداه) شرفیاب شد.» البته اعتقاد حقیر آن است که شخص ایشان مانند تشریف‌های فراوان، این تشریف را داشتند. این که عرض می‌کنم تشریف فراوان، شاید از این مطلب بتوان استفاده کرد که روزی به حقیر فرمودند: «شخصی را در حرم مطهر حضرت موسی بن جعفر ﷺ دیدم که دانستم به محضر امام عصر ﷺ شرفیاب شده است.» یعنی اظهار داشتند هر کسی به محضر امام عصر ﷺ شرفیاب شود، در او تغییری و تکاملی رخ می‌دهد که من این تغییر و تکامل را تشخیص می‌دهم. فرمودند: «به او نزدیک شدم و با او

۱. الفصول المختارة، ص ۹۷.

صحبت کردم؛ انکار می‌کرد، نهایتاً اقرار کرد.» این جز در سایهٔ یک ارتباط نزدیک به دست نمی‌آید. دیدار با وجود مقدس امام زمان علیه السلام در سایهٔ تهذیب و اصلاح نفس و ترک گناه، راهی جز ترک معصیت ندارد؛ برای این کار، راهی جز بندگی خدای سبحان نیست؛ همهٔ راه‌ها باطل است. به نام‌ها و شعارهای گوناگون ما را فریب ندهند. تنها راه برای تقرب به خدا و ولی او وجود دارد و آن فقط راه بندگی است و راه بندگی، انجام اوامر دین است؛ واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات؛ راه دیگری نیست؛ همهٔ راه‌های دیگر باطل و انحرافی است و راهی است که مراجع و فقهای عالی قدر و اسلام‌شناسان سالخورده از قرآن و از کلام معصومین علیهم السلام به دست آورده‌اند و فراروی ما قرار داده‌اند.

حاجت واقعی ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) به میزان و مرتبه‌ای است که انسان تربیت شود. این انتظار در وجود او شکل می‌گیرد و به کمال می‌رسد و به معنای واقعی، طلب ظهور می‌نماید و این طلب را علاوه بر عمل و رفتار و سلوک در دعای خویش قرار می‌دهد. لذا می‌توان در تکمیل بیانات و نقشهٔ راهی که برادر ارجمندم آیت الله اراکی فرمودند، با نگاه به همین مقوله و همین هدف آرمانی، برای دعای جدی جهت ظهور منجی عالم بشریت و رسیدن جهان به قله‌های کمال و بسط عدالت، با همفکری، روزی یا ساعتی را برگزید که جامعهٔ جهانی در آن روز به دعا برای ظهور منجی عالم بشریت از ظلمات ظلم و ستم به نور عدالت بنشینند. به امید آن که این ایده و نگاه، فضای جوامع انسانی را که طالب و تشنهٔ این روز هستند، فراگیرد و بستر ظهور آن حضرت را فراهم آورد. لذا اگر طالب ظهوریم، باید به تربیت خویش همت بگماریم.

شاید مناسب باشد با این نتیجه عرائضم را به پایان برسانم که نتیجهٔ آراسته شدن انسان به تربیت عقلانی و وحیانی، رسیدن به مقام سلام است؛ «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا».^۱ نتیجهٔ آن، رسیدن به دار سلام است؛

۱. مریم: ۳۳.

«يُدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ». می‌توان از آیات نورانی قرآن و از پیام‌های انبیای الهی که در کتب آسمانی آمده است، «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرَانِ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، به این نتیجه نیز رسید که زمین روزی دارالسلام خواهد شد. آن‌گاه که انسان‌های صالح مدیریت جهان را در دست گیرند با دارالسلام روبه‌رو خواهیم بود و برای رسیدن به این نکته باید به سلامتی روح خود همت گماریم.

بنده گاهی از عبادت بزرگ نماز، این بهره را برده‌ام. به محضر شما عرض می‌کنم، تصحیح کنید که نتیجه ورود در نماز با تکبیر الاحرام، خروج از نماز با مقام سلام است. انسانی که از نماز خارج می‌شود برای جامعه بشری پیام سلامت دارد؛ «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»^۱. او از این پا را فراتر می‌گذارد: «السَّلَامُ عَلَيْنَكُم»؛ سلام بر کل جامعه بشری، کل حیات، کل عالم. کسی که اهل نماز است، کسی که نماز را به پا می‌دارد، قطعاً برای جامعه بشری پیام آور سلام است. او جامعه را به سوی سلام دعوت می‌کند.

خاطره‌ای یادم آمد که با بیان آن، کلام را به پایان ببرم. یکی از نمایندگان صلیب سرخ (شاید مدیر ارشد آن‌ها) در آشنایی با آزادگان و اسرای عزیز و سید آزادگان، مرحوم اخوی بزرگوار، در این معنا تأکید می‌کردند، پیام ایشان را می‌گرفتند و پنهان از نگاه مأموران عراقی، پیام اخوی را برای اردوگاه‌های دیگر می‌بردند و به نماینده ایشان می‌رساندند. سخن ایشان این بوده که این پیام، حاوی سلام است. این پیام به هر اردوگاهی برود سلامت و امنیت می‌آورد؛ دشمن را به یک بازو برای انجام مأموریت خود مبدل می‌کند و یکی از این نمایندگان صلیب اظهار داشته بود که اگر در اروپا، دوا بوترابی می‌داشتیم، می‌دیدید با چه تحولی روبه‌رو می‌شدیم. این معنای انتظار مصلح است.

امروز نظام جمهوری اسلامی این پیام را با خود همراه دارد. قطعاً پیام رهبر معظم انقلاب برای جامعه بشری این پیام است و استکبار جهانی رویاروی این پیام

۱. انبیاء: ۱۰۵.

ایستاده و مانع از آن است که این پیام توسط جامعه جهانی شنیده شود. پیام انقلاب اسلامی، پیام انتظار مصلح است. تمام دغدغه جامعه ای که پیام انتظار مصلح را دارد، تربیت انسان صالح است. زدودن ظلم و بسط عدالت با دفاع مقدس، پیام انقلاب برای بسط سلام و قطع نمودن دست ایادی کفر و استکبار بود.

امیدوارم خدای سبحان در سایه بندگی و عبودیت، ما را به این مقام که ثمره تسلیم بودن در برابر خداست «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۱ به این مقام نایل گردیم و با تربیت و اصلاح خویش و دریافت رحمت الهی برای جامعه بشری پیام آور سلام و رحمت و امنیت و آسایش باشیم. از این که افتخار عرض ادب یافتم خدا را شاکرم و برای همه شما آرزوی توفیق دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱. شعراء: ۸۸ - ۸۹.

سخنرانی کشیش آنطوان ضوء

سلام بر توای اباصالح، و سلام بر نماینده‌ات امام خامنه‌ای و سلام و درود بر همه شما حضار گرامی.

به شما از لبنان دوستی و محبت و همزیستی مسلمانان و کشور مکاتب مذهبی درود می‌فرستم؛ از لبنان مقاوم در برابر صهیونیست‌هایی که همه تکفیری‌ها و جنایتکاران را برای ضربه زدن به این کشور بسیج کرده‌اند، درود می‌فرستم. از دست‌اندرکاران این کنفرانس تشکر می‌کنم که برای شرکت‌کنندگان درباره تربیت صحبت کردند و درباره فرهنگ خیلی کم گفتند.

ما به فرهنگ نیاز داریم تا درباره حضرت مهدی علیه السلام صحبت کنیم. همچنین نیازمند فرهنگ گفت‌وگو و راه درست هستیم که ما را به تربیت خوب می‌رساند. فرهنگ باعث باز شدن درهای عقاید ما به روی همه جهانیان می‌شود و در عین حال، باید هویت و فرهنگ خود را حفظ کنیم. در واقع فرهنگ مهدوی مبین اسلام واقعی و مبین حق و عدالت است و همه ما باید در چنین جلساتی شرکت کنیم.

امام مهدی علیه السلام مرد طاعت است و همه باید تسلیم او باشیم؛ زیرا حضرت مهدی علیه السلام همه بشر را نجات خواهد داد و همه ما برادریم و همه از آن خدا هستیم. خداوند می‌فرماید که همه چیز را آفریده و خود به همه چیز آگاه است و بهترین شما نزد او باتقواترین شماست.

درهای این کنفرانس آینده را برای مشارکت در آن و نه تنها حضور در آن، باز کنید. خداوند می‌فرماید: «آن‌هایی که گناه کرده‌اند، اگر توبه کنند خداوند گناهان آنان را خواهد بخشید.» اگر ما از حضرت مهدی علیه السلام با اشک استقبال کنیم، نباید فراموش کنیم که همه مسلمانان و مسیحیان، امت خدا هستند و مسلمانان در همه جهان پخش و منتشر شده‌اند و حضور دارند. بار دیگر حضرت مهدی علیه السلام را ناپدید نکنید و در غیبت فرارنده‌اید. باید بین شما همزیستی و دوستی و محبت باشد و بدانید فرهنگ شیعه، فرهنگ اجتهاد و فرهنگ خلاقیت و ابداع است.

حضرت مهدی علیه السلام از اسلام و مسیحیت جدایی ناپذیر است و مهدویت در واقع یک مکتب تصوفی، حتی برای غیرمسلمانان به شمار می‌رود. در واقع مدرسه مهدویت، مکتب وحدت، همزیستی، محبت و گفت‌وگوست و مهدویت، جهادی در راه ایجاد وحدت میان مسلمانان و مسیحیان و همه جوامع بشری است. مهدویت جهادی در راه رسیدن به حق و عدالت و همکاری و همزیستی میان تمام افراد بشر است. امام مهدی علیه السلام نه تنها برای نجات شیعه‌ها می‌آید، بلکه می‌خواهد صلح و دوستی و عدالت را در همه جا ترویج و پخش کند.

مسیحیان با شما هم صدا و شریک هستند. ما به مهدویت احترام می‌گذاریم و طرفدار آرمان آن هستیم و در این طرفداری، دست‌کمی از شیعیان نداریم. این جنگ و ستیز و خصومت و دشمنی که الآن در جهان شاهد آن هستیم، هیچ جایی در آینده مهدویت ندارد و برخلاف آن است. تمدن جهانی اسلام باعث شده که مسلمانان و مسیحیان و همچنین اعراب و فارس‌ها و همه قومیت‌ها با یکدیگر متحد شوند. بنابراین مهدی را از این اسارت تاریخی خارج کنید و اسلام را از اسارت بعضی از اسلام‌نماهای تکفیری رها سازید. ما به آن‌ها می‌گوییم: بیایید وارد این بیداری شوید و اسلام را درک کنید و بیایید گفت‌وگو کنیم. حضرت مهدی علیه السلام به ما این دوستی و برادری را می‌آموزد. مسیحیان، شیعیان و مسلمانان را دوست دارند. اگر از دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت کنید، ما شما را دوست داریم؛ زیرا

خداوند می‌فرماید: «بعضی از نصارا افراد صالحی هستند و به آن چه که خدا به شما می‌گوید گوش فرادهید.»

در انجیل، نور هدایت وجود دارد و همچنین به فرموده قرآن، کسی که بر حسب آن چه خدا دستور داده است عمل نکند، دشمن خداست و کافر به شمار می‌آید. به همهٔ لبنان از شیعه و سنی و مسیحی و همهٔ افراد مخلص و برادران ما در جبل العامل و در تهران می‌گوییم: خدایا، فرج آقا امام زمان علیه السلام را برسان! والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سخنرانی مادر شهید داغر

(از شهدای آزادسازی شهر القصیر سوریه)

از این جا شروع می‌کنم؛ از زمین شهدا و شهادت که برای دولت و حکومت عدل الهی زمینه‌سازی کردند.

به نام خانواده‌های شهدا در لبنان و بالأخص خانواده‌های شهدای شهر القصیر، شهدای دفاع مقدس. درود می‌فرستم به امام خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، و درود می‌فرستم به سید حسن نصرالله رهبر عالی قدر حزب الله. تبریک می‌گویم به مناسبت ولادت حضرت مهدی عج، نجات دهنده بشریت، ولادت صاحب زمان که سلام و درود بر ایشان و پدرانش.

حضرت صاحب زمان عج اسامی مختلفی دارد. قیام حضرت مهدی عج در کنار حضرت مسیح یک وعده الهی حتمی است که حضرت مهدی عج همه فاسدان و کافران و ظالمان را نابود خواهد کرد و دین خدا را به پیروزی خواهد رساند و این در آیات قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است و پیامبر ص نیز فرمود: «اگر از این دنیا یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا کسی که نامش همانند نام من است ظهور کند و این دنیا را پراز عدل و داد نماید، بعد از آن که پراز ستم شده است.» بنابراین ظهور حضرت مهدی عج به دو مسئله بستگی دارد: یکی این که باید علیه ظلم مقاومت و مبارزه کنیم و مسئله دوم این که باید از جهات جسمی، روحی، معنوی، نظامی و اجتماعی زمینه‌سازی نماییم. برای تحقق حکومت عدل الهی حضرت مهدی عج باید در همه عرصه‌ها زمینه‌سازی کنیم و

روش صحیح انتظار این است که نسل‌های خوبی پرورش دهیم و تربیت نماییم که بتوانند در کنار حضرت مهدی علیه السلام و منتظر قیام آن حضرت باشند. ما نباید تنها دست بسته بنشینیم و منتظر ظهور حضرت باشیم، بلکه باید برای سرنگونی سردمداران کفر و ظلم و مستکبران تلاش کنیم؛ باید به مبارزات خود علیه آنان ادامه دهیم و وحدت خود را حفظ کنیم. باید پیرو حضرت مهدی علیه السلام باشیم و از صاحب‌الزمان حمایت کنیم.

خدایا، به ما کمک کن که صبر و تحمل داشته باشیم و در برابر ظالمان بایستیم. ما حاضریم فداکاری کنیم و قربانی بدهیم و فرزندان و جگرگوشه‌های خود را تقدیم راه تو و راه همه مستضعفان جهان کنیم.

ای زنان و مردان مستضعف جهان، ای فرزندان عیسی و موسی و محمد علیهم‌السلام، ای ستم‌دیدگان و ای مظلومان، شما در طول تاریخ به دلیل پیروی از دین و اطاعت از پیامبران الهی و به دلیل حمایت از دین خدا، این همه ظلم را تحمل کردید. از شما می‌خواهم که پابرجا باشید و به نبرد و مبارزات خود علیه ظالمان، فاسدان، منحرفان و مستکبران جهان ادامه دهید تا زمانی که - ان شاء الله - حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند. شعار ما در امسال «لبیک یا صاحب‌الزمان، لبیک یا مهدی.»

از آنان که این فرصت را به ما دادند که در این کنفرانس حضور یابیم و در برابر شما بزرگان صحبت کنم تشکر می‌کنم. خداوند در روز قیامت (که جز کار خوب و کار نیک چیزی به درد انسان نمی‌خورد) به شما اجر خیر دهد! و دعا می‌کنم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و نماینده‌ی او در لبنان، سید حسن نصرالله بر دشمنان خود پیروز گردند. به نمایندگی از خانواده‌های شهدا می‌گویم که خود و فرزندانمان و هر چه داریم فدای شما خواهیم کرد و در راه شما بر طبق اخلاص خواهیم گذاشت. ما با شما هستیم و برپیمان و عهدی که با شما بستیم پایدار می‌مانیم.

در پایان می‌گویم: خدایا، به ما صبر بده و ما را بر راه حق و دین خودت پایدار بفرما و بر دشمنان خودت و ظالمان پیروز گردان.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور؛ اصول و الزامات

سیداحمد رهنمایی*

چکیده

خداوند اراده فرمود دین مبین خود را بر همهٔ ادیان برتری بخشد، گرچه این حقیقت کافران و مشرکان را خوش نیاید. او همچنین اراده فرمود بر مستضعفان منت گذارد و آنان را وارث زمین و زمان قرار دهد، گرچه این امر بر مستکبران جهان سخت و تنگ آید. افزون بر این، سنت حتمی و تردیدناپذیر الهی بر این تعلق گرفته که با ظهور حجتش، جهان را از عدل و قسط و احسان سرشار فرماید، پس از آن که از جور و ستم و جفا مالا مال گردیده است. از آن گذشته، مشیت الهی بر این است که امور مزبور همگی به صورت عادی و از راه متعارف - و نه به طور مرموز یا اعجازگونه - تحقق یابد. بدیهی است جریان این سنت و تحقق آن مشیت در جهان، مستلزم فراهم آمدن شرایط و اوضاع و احوال مناسب و متناسبی است که فرجام خوشش فرج اسلام و مسلمانان، آن هم با ظهور سرور آفرین و بهجت‌افزای امام زمان علیه السلام خواهد بود. در همین راستا می‌توان گفت تربیت زمینه‌ساز بیشترین سهم را در فراهم کردن آن شرایط و اوضاع مسرت‌زا و سرعت بخشیدن به تحقق این فرجام شیرین بر عهده دارد. تبیین اصول و الزامات

* دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام (مدیر گروه علوم تربیتی)
rahnama@qabas.ir

چنین تربیتی دغدغه اصلی این نوشتار است. از این رو اموری همچون مقام و منزلت آخرین پیشوای الهی انسان و جهان، عدالت جهانی، برترین‌ها برای برترین پیشوای عصر و جهان در دوره آخرالزمان، رسالت خطیر نجات و سعادت‌مندی انسان، کمال نهایی بشر، تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور، حق تقوا، حق جهاد، تربیت زمینه‌ساز با الهام از زیارت عاشورا و جایگاه اراده و مشیت الهی در اثربخشی تربیت زمینه‌ساز، سرلوحه اندیشه و تدبیر برنامه‌ریزان، مجریان و متصدیان تربیت زمینه‌ساز قرار می‌گیرد. توجه به این امور اهمیت تربیت زمینه‌ساز را در نظر مربیان صدچندان می‌کند. از این مضامین بلند و حیاتی که به نوعی حد نصاب لازم در فرایند تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌روند، اصول و الزامات ده‌گانه فوق، با محوریت: ۱. جایگاه امام زمان (عج) و رسالت جهانی ایشان، ۲. هنگامه ظهور و تحولات چشم‌گیر و فراگیر، ۳. مسئولیت خطیر تربیت یافتگان عصر ظهور برای ورود به عصر ظهور، به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد اسنادی قابل استنباط و استخراج هستند.

واژگان کلیدی

اصول و الزامات و شاخص‌های تربیت زمینه‌ساز، منزلت شایسته‌ترین پیشوای انسان و جهان، برترین‌ها برای بهترین پیشوای صالحان، رسالت الهی و جهان‌شمول امام زمان (عج) عصر ظهور و تحولات آن، دولت شایستگان.

مقدمه

تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور به مثابه بازپروری تمامی استعدادها و خلاقیت‌های افراد و جوامعی است که با اعتقاد کامل، اشتیاق فراوان، به طور هدفمند و با بصیرت کافی منتظر ظهور کامل‌ترین انسان و برجسته‌ترین پیشوای جهان در دوره آخرالزمان هستند. آخرالزمان نیز به دوره‌ای اطلاق می‌شود که بشر، پس از قرن‌های متمادی و طولانی، تجربه‌های لازم را برای کمال‌یافتگی و سعادت‌مندی کسب کرده و

شایستگی خود را از همه زوایا و جنبه‌ها برای درک حضور و ولایت و زعامت آخرین پیشوای انسان و جهان که صاحب عصر است و امام زمان، احراز داشته باشد. اسلام عزیز به دورانی می‌اندیشد که شأنیت و شخصیت تربیت یافتگانش آن قدر بالا رود که لایق ظهور و شایسته همراهی و همگامی و خدمت به جوامع بشری در مقیاس جهانی باشند؛ رویدادی که تا آن زمان دنیا نمونه‌اش را به خود ندیده است. در عصر ظهور، بناست از میان آحاد و جوامع انسانی، شیعیان - آن هم خواصی از شیعیان - همراه حضرت مهدی علیه السلام و در دولت ایشان فرمان‌روایان روی زمین و عالی‌رتبگان جهان باشند. بزرگی، بزرگواری، توانمندی، استعداد، شایستگی و عالی‌رتبگی، هریک از این خواص با داشته‌های چهل نفر برابری می‌کند.^۱ از آن گذشته، چنان‌که از فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام برمی‌آید، بناست جوانان تربیت یافته، پرهیزکار، برومند، از جان گذشته و پاک‌باخته امت اسلام با قوت تمام مسئولیت یاری‌رسانی به امام زمان علیه السلام و همراهی با ایشان را بر عهده گیرند تا به پشتیبانی آن جوانان، حضرت قیام فرماید. بر این اساس، سال‌خوردگان در جمع یاران حضرت مهدی آن قدر اندکند که به تعبیر روایات همچون سرمه در چشم می‌مانند و نمک در توشه و طعام.^۲

از همین بیان توصیفی و این گزارش روایی به دست می‌آید که شاخص‌های

۱. قال ابو عبد الله علیه السلام: «یکون من شیعتنا فی دولة القائم سنام الأرض و حکامها، يعطی کل رجل منهم قوّة اربعین رجلاً شیعیان ما در دولت حضرت قائم بزرگان و فرمان‌روایان روی زمین هستند. هر مردی از آنان نیروی چهل مرد را داراست.» (مفید، ۱۴۱۸: ۸)

قال علی بن الحسین علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ اَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند هر درد و رنجی را از شیعیان ما بزداید و دل‌هایشان را همچون آهن تفتیده قرار دهد و نیروی هر مردی از آنان را برابر چهل مرد گرداند. شیعیان در آن زمان فرمان‌روایان و بزرگان روی زمین هستند.» (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۴۱)

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ سَبَابٌ لَا كَهْوَلُ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمُلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقَلُّ الزَّادِ الْمُلْحُ؛ یاران حضرت قائم جوانانند و کهنسالان در جمع آنان نیستند، مگر به میزان سرمه در چشم و نمک در توشه، و البته کمترین توشه نمک است.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

تربیت انسان‌ها برای عصر ظهور چقدر باید ظریف، لطیف، راه‌گشا و مؤثر باشند، به گونه‌ای که تربیت یافتگان بتوانند از عهدهٔ مسئولیت‌ها و رشادتهای مورد نیاز آن عصر به خوبی برآیند و گام به گام با صاحب و سالار زمان و جهان همراهی کنند. تربیت زمینه‌ساز باید به مثابهٔ تربیت یک نفر برابر چهل نفر باشد تا غرض الهی از ظهور حاصل گردد و منویات خداوندی تحقق یابد. چنین تربیتی دارای اصول و الزاماتی است که بدون در نظر گرفتن آن‌ها نتیجهٔ شایسته‌ای حاصل نخواهد گشت. انجام رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز بیش از همه مستلزم همت متعالی مربیان و مربیانی است که لحظه به لحظه خود را در انتظار و اشتیاق ظهور می‌بینند و درنگ و تسویف را در امر آماده‌سازی خویش برای ظهور جایز نمی‌شمرند. هر چند اینان به شمارش اندکند، اما به قابلیت‌ها فراوانند و کارهای بسیار مهم از آنان سر می‌زند. برای شکوه و عظمت اینان همین بس که با تمام وجود بناست در خدمت پیشوایی باشند که خود محور و قطب عالم است^۱ و تحقق بخش آمال و آرمان‌های پیامبران الهی و اوصیای ربانی آنان خواهد بود؛ همو که با ظهور و حضور نورانی و نوید بخش خود، انسان‌ها و جهان را به فرجام شیرینشان رهنمون خواهد شد. این نتیجهٔ استقرار دولت کریمهٔ اهل‌البیت علیهم‌السلام است که هرگاه خداوند اراده فرماید و مشیتش بدان تعلق گیرد، آن دولت را ظاهر خواهد ساخت.^۲

منظور از اصول و الزامات در این مقال، باید‌هایی مستند به واقعیات و حقایق مرتبط با عصر ظهور و سازگار با روح حاکم بر آن عصر درخشان الهی است. واقعیات و حقایق مزبور منشأ انتزاع و استنباط و صدور و انشای اصول و الزامات تربیتی متناسب با آن هنگامهٔ عظیم به شمار می‌روند. به عبارتی، اصول و الزامات تربیت زمینه‌ساز در این نوشتار سلسله‌ای از باید‌های برجستهٔ اخلاقی - رفتاری و فرهنگی - ارزشی است که در روند تربیت زمینه‌ساز از نقش بسیار برجسته‌ای برخوردارند.

۱. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ.» (قمی، بی‌تا: زیارت‌نامهٔ حضرت مهدی علیه‌السلام)

۲. قال الصادق علیه‌السلام: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۱۴۰)

امام محوری، عدالت منشی، نجات اندیشی، سعادت طلبی، کمال انگاری، تحول مداری، عاشوراگرایی و... از جمله اصول و الزاماتی هستند که مریبان این عرصه درگام نخست پیش از هرکس و پیش از هراندیشه و اقدامی باید به آن‌ها اذعان کنند تا بتوانند فراگیران را به تناسب و اقتضای آن‌ها تربیت کنند. برای استخراج و استنباط هر یک از این اصول و الزامات کافی است به واقعیت‌های حتمی الوقوع و تردیدناپذیری اشاره کرد که فلسفه انتظار فرج را تعریف و تبیین می‌نمایند و عصر و دوران ظهور را سرآمد همه عصرها و دوران‌ها می‌سازند. مریبان و متریبان تربیت زمینه‌ساز باید در همین راستا به اصول و الزامات ده‌گانه‌ای که شرحش در ادامه می‌آید توجهی ویژه مبذول دارند.

۱. تربیت بر محور مهدویت و وجود امام زمان علیه السلام، برجسته‌ترین شاخص تربیت زمینه‌ساز

نگاه به مقام والای پیشوایی که برای او وجود خود را تربیت می‌کنیم و به یمن قدوم او دل و جان را آباد و مهیا می‌سازیم، با عنایت به برترین‌هایی که برای وی و ظهور مبارکش در نظر گرفته می‌شود بسیار شوق برانگیز است. اولیا و مریبان از رهگذر عشق و علاقه و آفری که نسبت به امام خویش در وجود خود احساس می‌کنند فرزندان و فراگیران خویش را به پاس داشت حریم عشق و ولایت او تربیت می‌نمایند. با وجود چنین رهبر و پیشوای عظیم‌الشأنی که بر قلعه رفیع ولایت و هدایت خلق تکیه زده است، باید برخورد بالید و به ولایت‌مداری خویش مباحثات کرد که به شکرانه الهی به پای چنین پیشوایی و برای چنین مقامی می‌خواهیم پروراندن شویم و بپرورانیم.^۱

نگاه ما به امام خویش در تربیت زمینه‌ساز به افق‌های ویژه‌ای دوخته می‌شود و

۱. برای مطالعه درباره ابعاد شخصی و شخصیتی امام زمان علیه السلام نک: طبرسی نوری، ۱۴۱۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱؛ طاهری، ۱۳۸۰؛ مجلسی، ۱۴۱۷؛ ج ۵۳.

مطالعه ما در این زمینه از زوایای گوناگونی چون آفاق دوگانه انسانی و ربانی یا ملکی و ملکوتی یا زمینی و آسمانی امام صورت می‌پذیرد. در افق انسانی یا ملکی و زمینی امام، باید به عواملی چون عوامل متعارف انسانی در محیط جسمانی و روانی و روحانی امام، غیبت و ظهور امام، آمال و آرزوهای امام، نیازمندی‌های امام، سبک زندگی و معیشت روزمره امام و سایر امور شخصی و شخصیتی که به ساحت انسانی امام مربوط می‌شود توجه کرد. در افق ربانی یا ملکوتی و آسمانی امام باید به عواملی چون سامان‌دهی امر فرج امام و تقدیر امور ایشان به مشیت و اراده الهی، امام و بندگی خداوند، امام و خلافت الهی ایشان، امام و امدادهای غیبی شامل حال ایشان، نقش فرشتگان و روح القدس در محافظت و حراست و تأیید آن حضرت، امام و رفع هرگونه سلطه و اقتدار از ناحیه هر کسی و از جانب هر عاملی بر ایشان، امام و دریافت اذن خداوند بر جهاد با کفار و منافقین، و سرانجام، امام و تحقق منویات الهی و شکوفایی آرمان‌های پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان به دست با برکت و با کفایت ایشان و اموری از این دست توجه کرد.^۲

۱. برای درک بهتر نسبت به حقیقت خلافت الهی، نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲. «اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبيائك و رسلك و حقّه بملائكتك و أتيد به روح القدس من عندك و اجعله من بين يديه و من خلفه رصداً يحفظونه من كل سوء و أبدله من بعد خوفه أمنا يعبدك لا يشرك بك شيئاً و لا تجعل لأحد من خلقك على وليك سلطاناً و أذن له في جهاد عدوك و عدوه و اجعلني من أنصاره أنك على كل شيء قدير؛ بارالها امر فرج بنده و خليفه خود را به سامان برسان، به همان تدبیری که امر پیامبران و فرستادگان را به سامان رساندی؛ و او را با فرشتگان دربر بگیر و به روح القدس خویش او را مؤید فرما؛ و از پیش رو و پشت سرش حفاظی ایجاد کن که او را از هر ناخوشایندی محافظت کنند؛ و پس از هراس و نگرانی‌اش او را آرامش ده؛ او تو را می‌پرستد و به تو شرک نمی‌ورزد؛ و خداوندا، هیچ‌یک از بندگان را بر او مستولی نفرما؛ و فرمان جهاد با دشمن خود و دشمنش را برای او صادر کن؛ و مرا از ایزان او فرارده که تو بر هر چیزی توانایی.» (ابن طاووس، ۱۳۶۱: ۲۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۸: ۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۸۶، ۲۵۱)

روایت شده است امام رضا علیه السلام این دعای فرج را در قنوت نماز جمعه می‌خواند و به شیعیان نیز سفارش می‌فرمود این دعا را در قنوت نماز جمعه بخوانند. این دعا مشتمل بر مضامین و حقایق بسیار بالایی است که بیان‌گر شأن و منزلت امام زمان علیه السلام در پیشگاه خداوند و الطاف و عنایات خاص خداوند در حق ایشان است. به بخشی از این امور در متن بالا اشاره شده است.

به امامی می‌اندیشیم که از جمله عزیزترین عزیزان خداست؛ به سوی خداوند دعوت می‌کند و با تمام وجودش مظهر و تجلی صفات کمال و جمال الهی است؛ گفتارش روایت آیات حکمت و عظمت و رحمت و رحمانیت و رحیمیت خداوندی است و بیانش ترجمان قدس و معنویت و صلابت و ایمان ربانی است.^۱ به امامی می‌نگریم که در فصل ظهور نورانی‌اش برکل هستی ولایت دارد؛ جهان سراسر ظلم و جنایت را سرشار از عدل و داد می‌فرماید و به فرمان خداوند و به اذن او بر تمام جهان به عدالت تمام فرمان می‌راند.^۲ امام ما کسی است که تمامی انبیا و اوصیا و اولیا به وجود نازنینش بر خود می‌بالند و انتظار فرجش را بهترین و بافضیلت‌ترین اعمال^۳ در پیشگاه خداوند می‌دانند و خدمت در رکابش را آرزوی دیرینه خود برمی‌شمارند.^۴ رهبر و پیشوای ما در هر زمان و مکان، در فصل غیبت و به هنگام ظهور و پس از آن شخصیت و الاتباری است که بزرگواری چون پیامبر برگزیده خداوند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام با مباحثات تمام در نماز به او اقتدا و در جهاد مقدس او را همراهی می‌کند.

امام ما با داشتن چنین مقاماتی - که بخش ناچیزی از عظمت بی‌منتهای اوست - به اذن خداوند برزنده کردن مردگان به خصوص مردگان روح و روان و درمان و شفای کران و کوران و لالان و معلولان به ویژه کران و کوران و لالان روحی و روانی

۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجَمَانَهُ.» (قمی، بی‌تا: زیارت آل بس)

۲. قال الحسين بن علي عليه السلام: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتَهُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ چنانچه از عمر دنیا یک روز بیش نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌فرماید تا مردی از فرزندانم ظهور کند و دنیا را سرشار از عدل و قسط فرماید، پس از آن که از جور و ستم پر شده است.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ب: ج ۱، ۴۳۴-۴۳۵)

۳. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۲۱، ۱۲۸)

۴. قال الباقر عليه السلام: «إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرْتُهُ.» (همو: ج ۵۲، ۱۲۶)

قال الصادق عليه السلام: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵)

تواناست. همو به اذن خداوند می‌تواند انواع و اقسام بیماری‌های ظاهری و باطنی را شفا بخشد و کوردلان را بینادل و ناهشیاران را هشیار و خفتگان را بیدار، ناهلان را اهل و بی‌خردان را خردمند، مسلمانان را اهل ایمان و مؤمنان را روشن ضمیر و قوی دل فرماید. به امامی مباحثات می‌کنیم که به عیار وجودش، ناشایستگان عیار شایستگی، نابهنجاران عیار هنجاری، کوردلان عیار بصیرت، بی‌خدایان عیار خدایی، ناراستان عیار راستی، ضعیفان عیار توانمندی و مستضعفان عیار سروری می‌یابند.

اکنون پرسش اصلی این جاست که به پاس مقدم چنین امام همامی چگونه بی‌پروانیم و پروانده شویم؟ به نظر می‌رسد باید منت‌های شایستگی‌ها را به کارگرفت تا شاید بتوان بخشی از حق آن بزرگوار را ادا نمود. به برکت چنین پیشوای راستینی باید از ناخالصی‌ها و کجی‌ها و هرگونه انحراف ریزیا درستی مبرا شد، تا نشان لیاقت خدمت به دربارش را به دست آورد. از این رو، باید به تربیت کامل‌ترو کارآمدتر اندیشید و از جنبهٔ ثبوتی و اثباتی شایستگی‌های لازم را دارا شد. برای تحقق این مهم باید به قله اندیشید؛ جایگاه رفیعی که برای امام در نظر گرفته می‌شود؛ امامی که چراغ فروزان هدایت بندگان خداوند است؛ خداوندی که بر اساس لطف و عنایت خویش به بندگان خود اجازت فرمود تا با تلاش و همت خود سهمی در زمینه‌سازی ظهور و هنگامهٔ قیام حضرت امام مهدی علیه السلام ایفا کنند.

گفتنی است در الگو قرار دادن امام، هرگز نظر بر این نیست که کسی مثل و همانند امام بیندیشد و همچون ایشان رفتار کند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نامهٔ تنبیهی خود به عبدالله بن حنیف انصاری یادآور این نکته شد که شما نمی‌توانید همچون من زندگی کنید و همانند من به قرص نان خشکی برای طعامتان بسازید و به تکه پارچه‌ای برای پوششتان بسنده کنید. اما شما می‌توانید امام خود را یاری رسانید، آن هم با پرهیزکاری، پاکدامنی، تلاش و محکم‌کاری! دربارهٔ امام زمان نیز

۱. «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يُقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيَه

هرگز نمی‌توان همچون مولا شد و همانند ایشان زیست و رفتار کرد، اما می‌توان آن بزرگوار را با تقوای پیشگی، خویشتن‌داری، پاکی، خلوص، ثبات، پایداری و محکم‌کاری یاری رساند.

۲. عدالت منشی؛ عدالت جهانی و اهمیت جایگاه آن در تربیت زمینه‌ساز

روایات رسیده از ساحت اهل بیت علیهم‌السلام در جریان رسالت جهانی امام زمان بر کمتر موضوع و مسئله‌ای همچون اجرا و استقرار عدالت روی زمین تأکید ورزیده‌اند. قرآن نیز یکی از سرآمدترین انگیزه‌های بعثت پیامبران و فروفرستادن کتب آسمانی و میزان و غنی‌سازی زمین و منابع زمینی و زیرزمینی از جمله آهن را استقرار عدالت و قسط بر روی زمین و در میان نفوس انسانی دانسته است.^۱

عدالت، روحی است که باید در خلق و خوی انسان‌ها و در کالبد رفتار و حرکات و سکنات آنان دمیده شود تا به برکت چنین روحیه‌ای ملکه عدالت در وجود آحاد بشر نهادینه گردد و آثار با برکت خود را در هر زمینه و مرتبط با هر موقعیتی در زندگی فردی و اجتماعی به ظهور برساند. به نظر می‌رسد قسط در واقع تقسیط داده‌ها و موهبت‌های الهی در نظام آفرینش و جهان طبیعت میان انسان‌هاست، به گونه‌ای که هر ذی‌حقی به حق مسلم خود برسد و هر مستحقی آن‌چه را شایسته و نیازمند است دریافت نماید. همه آحاد انسانی باید به اندازه ظرف و جود خود دارای روحیه عدالت و عدل‌پروری گردند.

وَمِنْ طَعْمِهِ يُعْزِئِهِ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْمَى نَبِي بَوْرَجٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقْفَةٍ وَسَدَادٍ؛ آگاه باشید که هر پیروی را رهبری است که به وی اقتدا می‌کند و از نورانیت دانش او روشن و منور می‌گردد. آگاه باشید که امام شما (علی) از [پوشش] دنیای خویش به دو تکه پارچه و از خوراک دنیایش به دو قرص نان بسنده کرده است. آگاه باشید که شما بر این سیره طاققت ندارید، پس مرا با پارسامنشی و تلاش و پاکدامنی و محکم‌کاری یاری رسانید.» (شریف رضی، ۱۴۱۵: نامه ۴۵)

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵).

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن: ۷-۹)

درحقیقت، عدالت یک حالت و وصف درونی است پیش از آن که اقدامی بیرونی به شمار رود. شخص عادل کسی است که به ملکه عدالت دست یافته است، خواه فرصت و امکان عمل به عدالت و رفتار عادلانه را پیدا کند، خواه چنین فرصت و امکانی را به دست نیاورد. هرچه باشد، عدالت وصف درونی اوست که همیشه و در هر شرایط و احوالی آن را دارد و به وقت خود از آن استفاده می‌کند و به دیگران بهره می‌رساند. این درحالی است که قسط و قیام به قسط، رسالت کسانی است که علاوه بر شایستگی‌های لازم در برخورداری از ملکه عدالت، از نعمت قدرت بر تصمیم‌گیری و توانایی بر اجرای عدالت و قیام به قسط نیز برخوردار هستند. در واقع، بهره‌مندی از همان روحیه عدالت و عدل‌پروری است که زمینه‌ساز تحقق قسط میان انسان‌ها می‌گردد. به بیانی، عدل و روحیه عدالت‌پروری جنبه ثبوتی قیام به قسط است، درحالی که قسط و برپایی قسط، جنبه اثباتی عدالت به شمار می‌رود. تا عدالتی در وجود انسان‌ها مفهوم ارزش نیابد، قسطی بر روی زمین متحقق نمی‌شود و برپایی قسط و قیام به قسط بی‌جاست و تا قیام به قسط در جهان به ظهور نرسد، مفهوم ارزش عدالت تجلی نمی‌یابد. به تعبیری دیگر، قسط برون‌سازی همان روح عدالت‌پروری است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد تا این برون‌سازی مفهوم ارزش پیدا کند. آن خصلت ممتاز و برجسته عدل و اعتدال و تعادل درونی است که به قیام به قسط و برپایی آن می‌انجامد. در نگاه تمثیلی، عدالت به مثابه روغن سوخت و روشنایی چراغ است و قسط به مثابه فتیله‌ای که از این روغن ذخیره می‌گیرد و روشنایی می‌بخشد و گرمی و حرارت می‌دهد.^۱

۱. تفاوت بین عدل و قسط چیست؟ برای شناخت معانی واژگان زبان عرب باید به فرهنگ لغت همان زبان مراجعه کرد، اما چنان‌چه واژه مورد نظر در قرآن و روایات نیز کاربرد فراوانی پیدا کرده باشد، ضروری است موارد به کار رفتنش در این منابع نیز بررسی شود تا ابعاد دقیق تر مسئله را بتوان دریافت. دو واژه «عدل» و «قسط» نیز با همین شیوه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و اینک نتیجه مطالعات صورت گرفته تقدیم می‌گردد:

(الف) عدل:



۱. **تعریف عدل:** حالتی است بین افراط و تفریط، به گونه‌ای که در این حد وسط زیادت یا نقصانی قرار نداشته و اعتدال کامل مراعات شده و به سبب همین مفهوم است که از میان روی، مساوات، سازوکاری و استقامت به «عدل» تعبیر گردیده (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ۵۵).

۲. **گونه‌شناسی عدل:** در قرآن و روایات از واژه «عدل» به تعدد یاد شده و از موارد گوناگون به کار رفتن آن می‌توان انواع «عدل» را شناسایی کرد:

عدالت در اندیشه و حکم: چندان که از انحراف، ضعف یا شدت به دور باشد (نساء: ۵۸).
عدالت در روحيات و صفات نفسانی: چندان که اخلاق باطنی اش نه چنان کم مایه باشد و نه آن چنان پرمایه که موجب مشکل گردد (مائده: ۱۰۶).

عدالت در اعمال: فقط بر محور حق است، همانند آن چه در آیات قرآن از آن یاد شده است (نک: مائده: ۱۱۵ و ۱۵۲؛ نساء: ۳؛ شوری: ۱۵).

۳. **ویژگی واژه عدل:** گذشته از آن که عدل، حالت بین افراط و تفریط تعریف شده، دارای نکته و ویژگی خاصی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آن چنین تعبیر نموده: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل، هر چیزی را به جای خود قرار می‌دهد» (شریف رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۴۳۷).

یعنی: نتیجه و هدف عدل و شاخصه اصلی آن این است که هر چیز در جای خود قرار گیرد و هر کس بدان چه شایسته است برسد. در این مفهوم، هر موجود به آن چه استحقاق و لیاقت داشته نایل گردیده و اگر لیاقت یک موقعیت و حالت برتر را نداشته باشد، هرگز آن رتبه به او داده نمی‌شود؛ همچنان که ممکن است به موجودی (مثل ائمه اطهار علیهم السلام) عنایاتی شود که به دیگران این مقدار تفضل نگردد و این توجه خاص، منوط به لیاقت، شأن و آمادگی برتر آن موجود است. ره‌آورد چنین ویژگی آن است که عدل بر سه نوع است:

یکم. عدل در آفرینش: خداوند هراستعدادی را که شایستگی ایجاد بود را خلق فرموده و مثلاً آدم را آدم آفرید چون لیاقت همین را داشت و سنگ را سنگ آفرید چون برابر با قابلیتش است.

دوم. عدل در قانون‌گذاری: خداوند در تکالیف به طاقیت انسان نظر فرموده و دستوری فراتر از ظرفیت به او نداده است.

سوم. عدل در جزاء: خداوند بین اصلاح‌گرو مفسد مساوات برقرار نکرده و قانون «هر چه بکاری همان بدروی» را اجرا می‌کند.

ب) قسط:

۱. **تعریف قسط:** این کلمه از آن جهت که در بردارنده مفهوم «اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط» است با عدل هم معناست؛ اما یکی از تفاوت‌هایش با عدل آن است که «قسط» جنبه تطبیق مفهوم عدالت و اجرای آن در مصادیق و مواردش را دارد و وقتی «عدل» بخواهد تحقق و بروز داشته باشد از آن به «قسط» تعبیر می‌گردد. شاهد این تفاوت، آیه نهم از سوره حجرات است که دو واژه عدل و قسط در کنار هم آمده و طبیعتاً باید این دو، متفاوت باشند.

۲. **تفاوت‌های مفهومی و مصادیقی عدل و قسط:**

یکم. قسط، اجرا و تحقق عدل است و پیامدش نیز تطبیق عدل بر موارد و جایگاه‌های خارجی آن است.



اکنون با توجه به مفهوم برداشتی که از قسط و عدالت به دست آمد، به روشنی پیدا است که تربیت زمینه‌ساز تا چه اندازه باید در راستای پرورش روح عدالت و ایجاد ملکه عدل در نهاد نسل عصر ظهور گام بردارد. معنای بسنده کردن به کمتر از حد نصاب عدالت، مرگ قسط و عدالت است و در نتیجه به نقض غرض از ظهور منجی عالم بشریت می‌انجامد. چنان‌چه مریبان در این راستا موفق نباشند، زمینه‌ای برای قیام به قسط و برپایی آن در سطح جهانی و در میان آحاد انسانی فراهم نخواهد شد. بدیهی است در این صورت هنوز ظهوری تحقق نیافته، غرض ظهور مخدوش می‌گردد.

پیشوای عادل به منظور ایجاد روحیه عدالت و اجرای همه‌جانبه قسط در میان جوامع بشری نیازمند کارگزاران و کارفرمایان و کاربران عادل است که درست به مفاد دستور و احکام او در راستای تحقق عدالت فراگیر و همگانی و قسط همه‌جانبه و همه‌جایی قیام می‌کنند. از آن گذشته، قسط و عدالت تنها از راه الگوبرداری و فرمان‌برداری صرف از دیگران حاصل نمی‌گردد. قسط و عدالت خصلت و توانی است که فرد عادل قائم به قسط خود باید به حد کمال و تمام از آن دوبهره‌مند باشد تا بتواند برای تحقق آن‌ها میان انسان‌ها اقدام کند.

برخی از صفات شخصیتی را چه بسا بتوان از راه یادگیری و الگوبرداری از صاحبانش فراگرفت و به کار بست، هرچند در وجود و درون خود فرد نهادینه نگردیده باشند. مهارت‌هایی نظیر سخنوری، نویسندگی، هنرپیشگی، رسم و نقاشی، بافندگی و... از جمله امور تجربی هستند که با نگاه به صاحبان و برخورد ارانش می‌توان از آنان فراگرفت، الگوبرداری کرد و به کار بست. اما صفاتی چون نظم، ایمان، تقوا، صبر، شکر، توکل، بردباری و عدالت، از جمله اموری درونی

دوم. قسط، عدلی است که ظهور یافته و محسوس شده و از همین روست که ترازو کردن اشیا را قسط می‌گویند؛ چون عدل و تعادل را به صورت آشکارا نمایش می‌دهد (عسکری، ۱۳۸۹: ۴۲۸). منبع: نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها؛ پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز جهانی آل البیت علیه السلام

هستند که تنها با نگاه به دارندگانش یا با الگوبرداری از احوال و رفتار آنان نمی‌توان به کار بست، مادام که این صفات در وجود شخص نهادینه نگردیده باشند. این دسته از صفات حتماً باید ملکهٔ فرد شوند تا در روح و روان جامعه نفوذ یافته، زمینهٔ پیاده‌سازی در سطوح گوناگون را پیدا کنند. بدین بیان، تربیت برای قسط و عدالت، اسباب، وسایل و سازوکارهای خاص خود را دارد و البته نیازمند حضور مربیان متخصص و چیره‌دستی است که خود ارزش قسط و عدالت را یافته‌اند و به احکام و الزامات قسط و عدالت پایبندند.

۳. برترین‌ها برای شایسته‌ترین پیشوای عصر جهان در دورهٔ آخرالزمان

در تربیت مهدوی، شاخص تربیت قلهٔ رفیعی است که تنها و تنها توسط امام زمان علیه السلام فتح گردیده است و کسی دیگر را جزایشان یارای چنین فتح ظفرمندی نیست. در قلمرو این تربیت، توجه مربیان و فراگیران بیش از هر عاملی به وجود امامی است که با تمام ابهت و صلابت و درخشندگی و شایستگی بر مسند حاکمیت جهانی تکیه زده است و هیچ‌کسی را یارای گردن‌افرازی در برابر او نیست؛ پیشوای با شرافت و شایسته‌ای که هر انسان شرافتمندی در پیشگاه با عظمت او خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته خاضع و تسلیم عظمت و شرافت و منزلت و آقایی و بزرگواری اوست.^۱

صاحب عصر و زمان و امام جن و انسان در دورهٔ آخرالزمان قدرتمندترین و در عین حال مهربان‌ترین، داناترین و با این وجود بردبارترین، داراترین و با این وصف بخشنده‌ترین، بلند مرتبه‌ترین، ولی مردمی‌ترین پیشوایی است که جهان به خود دیده و شنیده است. او عادل‌ترین، حکیم‌ترین، پرهیزکارترین، با بصیرت‌ترین، شکوهمندترین، متخصص‌ترین، با عظمت‌ترین، بزرگووارترین، خوش خلق‌ترین و دلسوزترین فرمان‌فرما و فرمان‌روایی است که نمونه‌اش را به جز در وجود سایر

۱. «وَبَخَّ كُلُّ شَرِيفٍ لِسِرْفِكُمْ.» (قمی، بی‌تا: زیارت جامعهٔ کبیره)

معصومان علیهم السلام در وجود احدی از بهترین های جهان نمی توان یافت. دولت و سلطنت او نیز بدین منوال از پاینده ترین، استوارترین، مقتدرترین، ارجمندترین، شکست ناپذیرترین، آسیب ناپذیرترین، جهانی ترین، پیراوزه ترین، با بهت ترین، دوست داشتنی ترین، آرام بخش ترین، آسایش دهنده ترین و مردم سالارترین دولت و سلطنتی است که از آغاز آفرینش تا فرجام آن می شود مشاهده کرد. کشور و کیان و مملکت او گسترده ترین، پهناورترین، آبادترین، برخوردارترین، امن ترین، مرفه ترین، زیباترین، دانش پرورترین و عالم خیزترین کشور و کیان و مملکتی است که تا آن زمان در سطح جهان به منصفه ظهور رسیده است. امت او اداناترین، خردمندترین، بردبارترین، خوش خوترین، هشیارترین، روشن ترین، ماهرترین، فعال ترین، قوی ترین، فرمان بردارترین، مؤدب ترین، متدین ترین، وفادارترین، امین ترین و معتدل ترین امتی است که گواه همه امت ها بوده و تاریخ جوامع و امام انتظاران را می کشیده است.^۱ کارگزاران دولت او با نشاط ترین، بشاش ترین، خوش خلق ترین، خوش برخوردترین، کارگشادترین، گره گشادترین، امانت دارترین، وقت شناس ترین، وظیفه شناس ترین، کارآمدترین، همراه ترین، قانع ترین و خدمت گزارترین عوامل و نیروهایی هستند که می توانند الگو و سرمشق همه دولت ها و کارگزاران دولتی قرار گیرند. در یک کلام، اهل ایمان با انتظار فرج، ظهور دولتی را آرزو می کنند که ارجمند و باشکوه و شکست ناپذیر است؛ دولتی که عزت بخش اسلام و مسلمانان و ذلت بخش نفاق و منافقان است. مؤمنان به انتظار دولتی نشسته اند که به برکت ظهورش و با افتخار تمام، در سایه لوای آن مردم را به جانب خداوند و فرمان برداری از او فرا بخوانند و به راه درست خدا راهبری شان کنند. چنین دولت کریمه و حقی به مرحمت الهی کرامت و سعادت دنیا و آخرت را روزی اهل ایمان

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْضَاهُمْ؛ آن گاه که قائم ما قیام فرماید دست مبارک خویش بر سر بندگان خداوند قرار می دهد، پس عقولشان به حد اعلامی رسد و بردباری شان به حد کمال.» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۲۵)

خواهد ساخت.^۱

برترین‌هایی که گفته شد، در واقع رهین رشد و کمالات علمی دوران ظهور در سطوح متعالی تربیت، اخلاق، ادب، معرفت و دانش و فناوری است. به بیانی دیگر، تمامی پیشرفت‌هایی که در جوامع بشری در سطح کلان جهانی تا پیش از ظهور حضرت روی خواهد داد مستند به رشد و تعالی و تکامل بشر در همه موارد فوق است. این در صورتی است که تا پیش از ظهور امام زمان علیه السلام انسان‌ها تنها به دو بخش از شعبه‌های بیست و هفت‌گانه دانش دست یازیده‌اند. هنگامی که امام زمان ظهور فرماید، همه بیست و هفت جزء دانش از مکتب ایشان و به دست با کفایت آن بزرگوار در سطح جهان و میان انسان‌ها انتشار خواهند یافت و به خدمت گرفته خواهند شد.^۲

اکنون با توجه به همه برترین‌ها و توصیفاتی که یادآور شدیم، باید دید چگونه تربیت شویم و تربیت کنیم تا در مسیر برخورداری از این برترین‌ها، شایسته این برترین‌ها شویم، یا دست‌کم به آن‌ها نزدیک گردیده، با آن‌ها هم‌مرز باشیم؟! تربیتی زمینه‌ساز ظهور است که در نگاه نخست این برترین‌ها و بالاترین‌ها را در افق دید خود داشته باشد. تحقق و تجلی همه این برترین‌ها باید چشم‌انداز روشن تربیت

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّا نُوَعِّبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ نُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ نُذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ نَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ نُزَوِّقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (همو: ج ۳، ۴۲۴؛ قمی، بی‌تا: دعای افتتاح)

۲. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ جُزْءً أَفْجَمِيعٌ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءٌ إِنْ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْجُزْءِينِ (الحرَفين) فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعَشْرينَ جُزْءً (حرفاً) فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءِينِ (الحرَفين) حَتَّى يَبَيِّنَهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرينَ جُزْءً (حرفاً)؛ دانش بیست و هفت جزء (حرف) است که تمام آن چه را پیامبران [برای بشر تا وقت ظهور به ارمغان] آورده‌اند دو جزء (دو حرف) است. بنابراین، مردم تا فرارسیدن روز موعود به غیر از این دو جزء (دو حرف) معرفت دیگری به چنگ نخواهند آورد. اما آن‌گاه که قائم قیام فرماید بیست و پنج جزء (حرف) دیگر را ارائه خواهد داد و در میان مردم منتشر خواهد ساخت و آن دو جزء پیشین را به آن‌ها ضمیمه خواهد کرد تا همه بیست و هفت جزء (حرف) منتشر گردد.» (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۴۱؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۲۳۳۶)

مهدوی باشد تا مریبان، آنی از نگاه به آن چشم برندارند و لحظه‌ای از حرکت در سمت و سوی آن دیده برنتابند. اما این‌که چنین تربیتی نیازمند چه تدابیر و سازو کارهایی است مبحث درخور توجهی است که نمی‌توان از آن غافل ماند. با این وجود، مهم‌تر از آن پی‌گیری پاسخ این پرسش است که مریبان و متصدیان چنین تربیت زمینه‌سازی چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌ها، برجستگی‌ها و امتیازاتی باید باشند؟

از آن گذشته، نیازمند این هستیم بدانیم چه کسانی را با چه ویژگی‌های ذاتی و شخصیتی و فطری و طبیعی می‌توان به تربیت مهدوی آراست تا به طور پویا و پایدار به مفاد و ملزومات آن تا زمان ظهور و پس از آن تا آخرین لحظه حیات خود در عصر ظهور پایبند و متعهد بمانند. آیا این مسئله‌ای است که می‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و به آسانی آن را نادیده انگاشت و بدون ایجاد سامانه‌ای مطمئن و نویدبخش نسبت به آن غفلت ورزید؟ آیا اگر چنین مسئولیت و رسالت عظیم و خطیری بر عهده غرب و نامسلمانان گذاشته شده بود، آنان بی‌خیال می‌شدند و به حال خود رها می‌ساختند؟ اهل ایمان چه باید کنند که بی‌خیال این مسئله نشوند و بی‌امان و بی‌درنگ در صدد کشف راهبردها و راهکارهای تربیت کارآمدی برآیند که به خوبی زمینه‌ساز ظهور آن رسالت خطیر و سهمگین و آن دولت فاخر و ممتاز باشد؟

می‌بینید اکنون که سیاست‌مداران و کارگزاران فرهنگ و سیاست غرب چنین ایمانی ندارند، چگونه با هزاران ترفند و شیطننت، از جمله از راه تولید فیلم و سریال تلاش می‌کنند دکترین نجات و آخرالزمان و حتی مهدویت را به نفع سیاست و اغراض شیطنانی خود مصادره نمایند.^۱ رسانه‌های اطلاعاتی به ویژه

۱. تنها هالیوود در آمریکا تاکنون بیش از ده فیلم در این راستا تولید کرده و به نمایش گذاشته است. به عنوان نمونه می‌توان به فیلم‌های «ماتریکس»، «آمگا کد ۲ (مگیدو)»، «هری پاتر»، «صهیون»، «پسر جهنمی»، «آرماگدون»، «روز استقلال» و نیز بازی رایانه‌ای «یا مهدی» با نام اصلی «جهنم خلیج

فضای سایبر^۱ شبانه روز در خدمت اهداف و اغراض شوم و ننگین کارگاه‌های سیاست‌پرداز غربی قرار دارند؛ چه بسا شاهد بسیاری از بی‌حرمتی‌های سایبریک در حق ارزش‌ها و مقدسات مهدوی بوده و هستیم. آیا می‌توان در برابر این همه هجوم‌های رنگارنگ ساکت ماند و از شرافت و حیثیت امام زمان و آیین نجات مهدوی دفاع نمود و از حریم مهدویت پاسداری نکرد؟ مگر نه این است که امت اسلام به ویژه شیعیان در زمینه‌سازی برای ظهور از هر ملت و ملیتی شایسته‌ترند؟ چه جمعیت و مردمی سزاوارتر از شیعیان باید در مسیر زمینه‌سازی و هرچه نزدیک‌تر سازی ظهور گام بردارند؟ تصدی این امر عظیم هم حق شیعیان است و هم تکلیف آنان. شیعه باید هم برای احقاق این حق الهی تلاش کند و هم حق چنین تکلیف‌ستری را خوب ادا نماید.

از میان همه اقدامات خوب و مناسبی که باید در مسیر تربیت زمینه‌ساز عهده‌دار شد و مسئولیت آن را برای خدا و جلب رضای الهی پذیرفت و لوازمش را به جان خرید، بیش از همه رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز جلوه‌گری می‌کند. تربیت زمینه‌ساز در واقع تربیت در راستای ظهور شایسته‌ترین منجی عالم و تحقق بخشیدن به آرمان‌های مقدس و مبارک مهدوی است.

۴. نجات‌اندیشی و سعادت‌طلبی؛ جایگاه رسالت خطیر نجات و سعادت‌مندی انسان در تربیت زمینه‌ساز

تربیت‌یافتگان به تربیت مهدوی باید به چه چیزی جز به نجات جهان و انسان از شرکفر و گمراهی و شقاوت بیندیشند؟ آیا هرکسی را یارای اندیشیدن در این جایگاه است؟ بی‌گمان این رسالت بی‌اندازه مهم و حیاتی نیازمند عنایات خداوندی است؛ عنایاتی که به صورت آشکار و نهان، باید مبذول شود تا جوامع انسانی را از

فارس» اشاره کرد. فیلم «تا پایان جهان» تولید مشترک کشورهای آلمان، فرانسه و استرالیا نیز به مضامین مرتبط با آخرالزمان پرداخته است.

1. cyber-space

فضیلت خاص و توفیق مخصوص همراهی و همگامی با امام و پیشوایشان بهره‌مند گرداند. انسان عصر ظهور نه تنها برای نیل به سعادت خود تلاش می‌کند، بلکه نسبت به سعادت دیگران نیز به شدت حساس است. او می‌داند که سعادت هر فردی از امت مهدوی به سعادت سایر افراد وابسته است و از این رو در آن فضای نورانی یک نفر هم نباید مسیر شقاوت را بپیماید. هر کسی می‌کوشد برای اصلاح خود و دیگران گام‌های جدی و مستحکمی بردارد.

در عصر ظهور آحاد مردم هرگز از یکدیگر غافل نمی‌مانند و نسبت به درد ورنج همدیگر حساس هستند و یار و غمخوار یکدیگرند. در آن جامعه ایثار، مواسات، وفاداری، شفقت، مهر، محبت، مودت، یک‌رنگی، صفا، صمیمیت، چاره‌درد بیچارگان کردن، همه و همه فلسفه خود را بازمی‌یابند و در اندیشه، خیال، رفتار، منش و خلق و خوی افراد موج می‌زنند. این‌ها همه به برکت رسالت بزرگی است که مؤمنان عصر ظهور در مسیر تأمین سعادت خود و دیگران بردوش خویش احساس می‌کنند.

اهتمام به رسالت نجات و سعادت آخرالزمانی ایجاب می‌کند هر کسی مسئولیت تربیت و سازندگی خود را بر عهده گیرد و به سختی تمام بکوشد لحظه‌ای از امر خطیر تربیت خویش غافل نماند و در این راستا هرگز قصور نورزد. این رسالت به قدری مهم و معتبر است که تقریباً همه مکاتب و مذاهبی که در طول تاریخ تا این زمان به ظهور رسیده‌اند ادعا می‌کنند رسالتشان نجات انسان‌هاست. این مسئله آن‌چنان بارز و اعتبار آفرین است که می‌بینیم دولت امریکا ملت‌های عراق، افغانستان، سوریه و سایر کشورها و جوامع را مورد تهاجم بی‌رحمانه قرار می‌دهد و با قساوت تمام آنان را به خاک و خون می‌غلتاند و اموال، شرف، ناموس، حیثیت، دارایی، منابع و معادن این کشورها را به یغما می‌برد و مغزهای متفکرشان را می‌رباید یا به جوخه‌های ترور می‌سپارد. با این وصف، دولت مردان امریکا با کمال بی‌شرمی بانگ برمی‌دارند که ما برای نجات این ملت‌ها قیام کرده‌ایم!

این مورد از نظر دورنمانده است که جرج دبلیو بوش پسر، در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۰ با اختلاف بسیار اندکی از رقیبش آل گور پیشی گرفت و سرانجام با تصمیم نهایی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا نظر هیئت اکثرال را برای تأیید ریاست جمهوری اش جلب نمود (ویکی پدیا: جورج دبلیو بوش). در این شرایط بود که کارپردازان سیاسی آمریکا پیرو سیاست مزورانه منجی تراشی و جاسازی اندیشه دروغین نجات انسان و جهان، ترفندهای مرموز و کاملاً ویژه‌ای درباره معرفی جرج بوش به عنوان رئیس جمهور منجی به عمل آوردند. در نتیجه، حاکمیت سیاسی - ایدئولوژیک آمریکا بر اساس این ترفندها با بی‌اعتنایی به فاصله اندک آرای دورقیب، حکم به ریاست جمهوری بوش داد تا اهداف خود را در پس دکترین نجات به دست کسی که در تبلیغات گسترده، منجی بشر و جهان معرفی شده بود دنبال کند.

جورج بوش متدیست^۱ خودش نیز بر این باور و وهم بود که وی مسیح موعود است و به مثابه یک منجی برای نجات آمریکا و جهان ظهور کرده است.^۲ در دور اول ریاست جمهوری بوش، آمریکا نظرناتورا برای عملیات گسترده نظامی در جهان اسلام از جمله در عراق و افغانستان به انگیزه نجات مردم این دو کشور و حاکمیت لیبرال - دموکراسی در آن‌ها جلب کرد. هدف اصلی تهاجم در نظر آتش افروزان جنگ، ایران اسلامی بود. آمریکا در نظر داشت جنگ در عراق و

۱. در سال ۱۷۳۸ فرقه متدیست‌ها (Methodists) منشعب از کلیسای پروتستان در انگلستان پایه‌گذاری شد و در ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالت مریلند کار خود را در آمریکا به طور رسمی آغاز کرد. در این فرقه اسقف اعظم توسط پیروان انتخاب می‌شود و به صورت مادام‌العمر فعالیت می‌کند. در این مذهب تفسیرهایی بر اساس سنت، عقل و تجربه وجود دارد که همگی از انجیل استنباط شده است. متدیست‌ها به شدت به این نکته معتقدند که زندگی اجتماعی آینده تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست، مگر این که در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد. (ویکی پدیا: متدیست)

۲. سیمور هرش، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی در گفت‌وگو با روزنامه زمان چاپ ترکیه، به نقل از پایگاه خبری آینده روشن.

افغانستان نوعی دست گرمی و آماده شدن برای تهاجم همه جانبه و ازهرسوبه ایران باشد. به روشنی، این هجمه ها بنا بود زمینه های لازم را برای حمله گسترده به ایران فراهم سازد. عملیات نظامی و تهاجم های تسلیحاتی علیه این کشورها تنظیم گردید، گرچه همه این لشکرکشی ها با انگیزه نجات انسان ها تدارک دیده شده بود. در داخل امریکا نیز همزمان با این ترفندها و جنایت ها، به اذهان مردم امریکا رفته رفته القا شد که بوش منجی انسان هاست و اقدامات جنگ افروزانۀ او درست و بجاست. حتی در مدارس ابتدایی، ذهنیت کودکان را به این اظهارات سخیف آغشته ساختند. در فیلم مستند «اردوگاه مسیح»، در یک مدرسه ابتدایی، خانم معلمی به نام بکی فیشربه کودکان درس معنویت و دعا می دهد و آداب دعا کردن به درگاه خداوند را به آنان می آموزد. در این اثنا که ذهنیت کودکان معصوم با مفهوم دعا و آداب دعا کردن آشنا می شود، یکی از همکاران فیشربه ناگاه تصویر مقوایی بزرگی از جرج بوش پسررا در مقابل کودکان قرار می دهد و به آنان چنین القاء می کند که هرچه تا به حال از خدا درخواست می کردید از جناب بوش بخواهید که این است آن منجی که جهان را نجات خواهد داد!^۱

۱. نگاهی به فیلم مستند «اردوگاه مسیح»، با نقد سعید مستغانی:

اردوگاه مسیح (Jesus Camp) ساخته هایدی اوینگ و راشل گریدی مستندی صریح، بی واسطه و تکان دهنده درباره تبلیغ تفکروانجلیستی در میان کودکان آمریکایی است؛ تفکری که بنیادش بر آموزه های صهیونیستی قرار داشته و پیروانش به آخرالزمانی مبتنی بر نبرد آرمادگدون براساس برپایی مملکت اسرائیل معتقدند تا مسیح موعودشان که به غیر از حضرت مسیح صلی الله علیه و آله معرفی شده، پس از آن جنگ مهیب و ویران کننده - که به قول خودشان در آن، کره زمین تقریباً نابود شده و دوسوم اهالی آن به جز یهودیان و او انجلیست ها از بین خواهند رفت - نزول اجلال فرموده و یهودیان باقی مانده که به وی می گروند را نجات بخشد! کمپ تابستانی بچه ها روی آتش در کنار دریاچه شیطان در اداکوتای شمالی امریکا، کمپی است که زن واعظ او انجلیستی به نام بکی فیشران را تأسیس کرده و کودکان را از شش سالگی به آن جا می آورد و با آموزش های شبانه روزی می خواهد آن ها را به سربازانی برای نبرد آرمادگدون تبدیل کند. گفتنی است در فرهنگ سیاسی امروز، او انجلیست ها به صهیونیست های مسیحی نیز معروفند.

هایدی اوینگ و راشل گریدی، سه کودک به نام های لوی، ریچل و توری را انتخاب کرده و بنا دنبال کردن آن ها به طور موازی، تماشاگر را با فضای کمپ، ایده های سیاسی و مذهبی خانم فیشرو سیستم

آموزش مذهبی او و مکانیسم تلقین و شستشوی مغزی کودکان در این کمپ آشنا می‌سازد. این کودکان به‌طور داوطلبانه و با رضایت والدینشان در این اردوگاه شرکت کرده و تحت تعالیم اوانجلیستی فرار می‌گیرند.

در فیلم مشاهده می‌کنیم، خانم فیشر به بچه‌ها می‌گوید که وظیفه دارند جهان را به مسیح موعود بازگردانند و کلید این کار در دست آن‌هاست. او مأموریت خود را مبارزه معنوی می‌خواند و تلاش می‌کند کودکان را از نظر فیزیکی و ذهنی بی‌اختیار کرده و تحت کنترل تام خود درآورد و به این ترتیب آن‌ها را آماده پذیرش ایده‌های صهیونیستی خود کند. هدف وی از ایجاد این کمپ تنها هدایت کودکان در مسیر مذهب نیست، بلکه او می‌خواهد از آن‌ها سربازانی برای آینده بسازد؛ سربازانی برای امثال جورج بوش که بکی فیشر درباره‌اش می‌گوید: خداوند او را برای نجات دنیا و بازگرداندن آن به دست مسیح فرستاده است.

کاملاً روشن است که خانم فیشر اهداف نئوکسنروتیوهای حاکم بر آمریکا را دنبال می‌کند که هرگز طرح و نقشه‌های جنگ افزوانه خود را برای حمایت از بقای اسرائیل و پیشرفت صهیونیسم در دنیا پنهان نکرده‌اند. از یاد نمی‌بریم که همین جناب جورج بوش در اوایل حاکمیتش بر کاخ سفید، آریل شارون (نخست‌وزیر پیشین اسرائیل و قصاب کشتارهای دسته‌جمعی فلسطینیان) را پدر روحانی خویش خواند!

خانم بکی فیشر در صحبت‌هایش گرایش خود به ایده‌های جورج بوش را انکار نمی‌کند و آشکارا آن را در سخنانش تبلیغ می‌کند. او با لحنی پرشور و هیجان‌انگیز حرف می‌زند تا بتواند کودکان خردسال را تحت تأثیر قرار داده و جذب ایده‌های سیاسی خود سازد. او از جنگ فرهنگی حرف می‌زند و کودکان را از نفوذ شیطان بر حذر می‌دارد. بکی فیشر از روش‌های سمبلیک و ابزارهای ساده مثل بادکنک و عروسک برای جسمیت بخشیدن به مفاهیم خیر و شر استفاده می‌کند. بچه‌ها با چکش، فنجان‌هایی را که نام شیطان روی آن‌ها نوشته شده، می‌شکنند و نام مسیح را فریاد می‌زنند. آن‌ها با شنیدن حرف‌های تهییج‌کننده بکی فیشر، از خود بی‌خود شده، دست‌ها را به سمت آسمان دراز کرده و به نحو هیستریکی ضجه می‌زنند و دوربین همه‌جا با آن‌ها و در کنار آن‌هاست، بدون این که لحظه‌ای توجه آن‌ها را به خود جلب کند یا مزاحمشان باشد.

اردوگاه مسیح، مستندی بدون شرح است؛ هیچ تفسیر و توضیحی در کار نیست؛ هیچ نریشنی وجود ندارد؛ فیلم‌سازان مطلقاً خود را نشان نمی‌دهند و حضور خود را به رخ نمی‌کشند یا نسبت به حرف‌هایی که در فیلم زده می‌شود، موضع‌گیری نمی‌کنند. به جای آن سعی دارند هر قدر که می‌توانند خود را به بکی فیشر، کودکان و والدین آن‌ها نزدیک ساخته و تأثیر هولناک حرف‌های فیشر و یاران او در کمپ روی کودکان معصوم و بی‌گناه را به نمایش گذارند.

آغاز فیلم «اردوگاه مسیح»، دوربین از بزگراهی می‌گذرد که تابلوی «خدا آمریکا را حفظ کند» در آن کاملاً توجه تماشاگر را جلب می‌کند و صدای مایک پاپانتونیوبروی این تصویر شنیده می‌شود که می‌گوید: در واقع این مذهب صهیونیست‌های مسیحی است که این کشور را هدایت می‌کند و حاکمان ادعا دارند که همه آن‌چه که انجام می‌دهند، به نام خدا و برای خداست. او می‌گوید: به مردم آمریکا می‌گویند که جورج بوش مرد مقدس و برگزیده خداوند است و آمده است جامعه مسیحی را



افزون براین، غرب استعماری، در سه دههٔ اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کوشیده است با تولید فیلم‌های هالیوودی دارای مضامین مرتبط با دکترین آخرازمان و آیین نجات، همچنین با نشر و ترویج مکاتب و مذاهب و فرقه‌هایی که هریک به گونه‌ای سنگ نجات انسان و جهان در آخرازمان را به سینه می‌زند، فهم و درک جهانی را به جانب غرب به مثابهٔ عامل نجات جهان و انسان جلب کند.

اکنون با عنایت به مفهوم نجات و منجی و با توجه به سوءاستفاده‌های کلانی که از دکترین نجات می‌شود، باید آن را یکی از مدارهای تربیت زمینه‌ساز قرارداد و شرایط و اوضاع و احوال تربیتی را براساس آن تنظیم کرد. بدیهی است کسانی که برای زمینه‌سازی در راستای نجات انسان‌ها تربیت می‌شوند باید خود از جمله نجات‌یافتگانی باشند که مراحل کمال انسانی را با تمام توان و با انگیزهٔ عالی طی کرده باشند، وگرنه

ذات نایافته از هستی بخشش کی تواند که شود هستی بخش؟ پیامبران الهی همه عاشق نجات انسان‌ها بودند. اوصیای آن بزرگواران از جمله اوصیای خاتم آنان نیز در راه نجات انسان‌ها از هیچ کوشش و فداکاری و شهادت طلبی دریغ نمی‌کردند. با این وصف، انبیا و اوصیای آنان آگاه بودند که رسالتشان در راستای زمینه‌سازی برای ظهور منجی آخرازمان است؛ منجی، همان

نه تنها در امریکا، بلکه در تمام جهان ایجاد کند. لوی نوجوانی ۱۲ ساله‌ای است که مانند کشیش‌ها حرف می‌زند و قصد دارد در آینده کشیش شود. او در یکی از وعظ‌های خود در کمپ می‌گوید که نسل او نسلی است که می‌تواند مسیح را بازگرداند. توری نیز دختر ۱۲ سالهٔ یک افسر امریکایی است که به موسیقی‌های هوی متال و راک علاقه مند است. در صحنه‌ای از فیلم، یکی از خدمتگزاران اردوگاه، شمایل مقوایی بزرگی از جورج بوش را در مقابل بچه‌ها قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد او را دعا کنند. بچه‌ها نیز دست‌هایشان را به سمت بوش دراز کرده و برای او دعا می‌خوانند؛ حرکتی که بیشتر به پرستش شبیه است تا دعا.

در فیلم گفته می‌شود، این کودکان ارتش مسیحی جمهوری خواهان هستند و باید برای نجات امریکا از شر دشمن و نیروهای ضد مسیح آماده شوند. واعظان کمپ مسیح در سخنان خود آشکارا از تجهیز نظامی این ارتش ایدئولوژیک صهیونیستی در قدم بعدی سخن می‌رانند.

Hamshahrionline، چهارشنبه، ۱۳۸۷/۱/۱۴، کد مطلب ۴۷۴۴۴، با اندکی حذف و تصرف

پیشوایی که عصاره تمام پاکی‌ها و سلاله همه پاکان است. آن برگزیدگان الهی به این رسالت خطیر نیز ذل خوش داشتند و با کمال ارادت و اخلاص، به سهم خویش مجاهدت می‌ورزیدند تا مسئولیت الهی خود را به سلامت به انجام رسانند و در این راه موفق بودند.

اکنون به پشتوانه مجاهدت‌های همه بزرگوارانی که در اندیشه نجات انسان‌ها عمر مبارک خویش را به پایان رساندند باید با تلاش و جدیت به همتی متعالی دست یافت و با عشق، ارادت و اخلاص به تربیت نسلی که بتواند یاور امام زمان در تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای ایشان باشد اهتمام ورزید. افزون بر این، همان‌گونه که در دعاها و زیارت‌نامه‌ها آمده است،^۱ باید ملتسانه از خدا خواست که ما را در زمره نجات یافتگان حضرت مهدی قرار دهد؛ نجات یافتگانی که با کمال اخلاص در فرمان‌برداری از مقام آن جناب کوشا هستند.

۵. کمال انگاری؛ توجه به کمال بشر و ملزومات آن در تربیت زمینه‌ساز

میان تربیت زمینه‌ساز و توجه به کمال بشریت ملازمه و همبستگی مثبت برقرار است. هرچه بیشتر به نجات انسان‌ها بیندیشیم کمال انسان‌ها و ملزومات آن بیشتر جلوه‌گری می‌نماید. دوران‌دیشی مریبان ایجاب می‌کند آنان در تدارک تربیت زمینه‌ساز هرگز از نیل تربیت یافتگان خود به کمال الهی و انسانی غفلت نورزند؛ چرا که بی‌توجهی به این عنصر کلیدی تلاش آنان را ناکارآمد خواهد ساخت. دولت کریمه امام زمان علیه السلام به استواری مردان و زنانی استوار و برقرار می‌ماند که در کمال یافتگی، گوی سبقت از اقران خود برده باشند.

چنان‌که گفته شد، تربیت برای نیل به برترین‌ها، بهترین‌ها و مهم‌ترین‌ها از جمله اهدافی است که در فرهنگ تربیت زمینه‌ساز، بیش از حد مهم و حیاتی به نظر

۱. «وأسألك بحرمة وجهك الكريم... وتجعلني في جملة الناجين به والمخلصين في طاعته...» (قمی، بی‌تا: زیارت ائمه سرمن رأی، زیارت امام هادی علیه السلام)

می‌رسد. کمال انسان هم به این است که بر اساس تربیت شایسته و بایسته تا آن جا که میسر است به بهترین‌ها و برترین‌ها دست یابد. عصر ظهور عصر برترین‌ها و بالاترین‌هاست؛ عصر برترین و بالاترین رفتار و منش؛ عصر بهترین شخصیت‌ها برای بالاترین مسئولیت‌ها و مهم‌ترین رسالت‌ها، متناسب با جایگاه نظام و دولت مهدوی. به بیانی دیگر، عصر امام زمان علیه السلام عصر کمال انسان و کمال تاریخ و زمین و زمان است. عصر مهدوی عصری است که همه چیز از جمله طبیعت و انسان و پیشرفت و بلند مرتبگی، همه و همه به اوج کمال خود می‌رسند. شایستگی‌های هر چیز و هر موجودی بناست در این عصر به منصف ظهور برسد. این اراده حتمی و محکم الهی است که به اذن خداوند تحقق خواهد یافت. در این عصر حتی زمین و آنچه روی زمین یا درون آن است کمال و شایستگی‌های خود را بروز خواهد داد تا چه برسد به انسان که همه امور برای او تنظیم و مستقر شده است.

اما تا کنون حریم کمال انسان و تاریخ و جهان از دستبرد شبیخون فرهنگی غرب درامان نمانده است، تا جایی که عوامل فرهنگی غرب در تهاجم خود به فرهنگ و ارزش‌های اسلام کوشیده‌اند کمال مادی و معنوی تاریخ را به نفع فرهنگ غرب مصادره و تئوریزه کنند. به عنوان نمونه، به دیدگاه فرانسیس فوکویاما توجه فرمایید که به استناد اندیشه دیالکتیک هگل و در تکمیل آن تلاش کرده است ثابت کند در آستانه هزاره سوم میلادی، همه شاهد شکوفایی و کمال معنوی و مادی جهان و انسان خواهیم بود. فوکویاما بر این عقیده است که هگل فلسفه کمال مادی تاریخ را رقم زد و آن را توجیه و تأیید نمود. پس از آن تا زمان حاضر انسان در تدارک و تأمین کمال معنوی تاریخ بوده است. تاریخ بدین منوال با شکوفایی نظام لیبرال - دموکراسی در غرب شاهد ظهور و بروز کمال معنوی خود است. لیبرال - دموکراسی به سرکردگی غرب قدرتمندی چون امریکا بناست به مثابه جامع کمال مادی و معنوی تاریخ، فصل الخطاب همه نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها در سطح و گستره جهان باشد و سرمشق همه دولت‌ها قرار گیرد. فوکویاما تأکید می‌کند که با

رشد و توسعه اندیشه هگل و شکوفایی لیبرال - دموکراسی در غرب و انتشار آن در جهان، تاریخ به فرجام و سرآمد مطلوب و در نتیجه به کمال مادی و معنوی خود رسیده است (نک: لاریجانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳ و ۲۶۹ - ۲۸۰).

این نمونه‌ای از خروارها ترفندهای شیطانی است که توسط غرب تولید و ترویج می‌شود تا اذهان و افهام بشر از همه جا منصرف و به جانب غرب به اصطلاح لیبرال - دموکرات منصرف گردند. این اندیشه‌های اهریمنی چندین بار تا کنون از جانب غرب استعمارگر با شیوه‌های گوناگون و فنون رنگارنگ بازتولید و بازسازی شده و به افکار عمومی جهانیان بی‌خبر تزریق گردیده است. این‌ها نشان می‌دهد که تا چه اندازه باید با بصیرت بود و هشیارانه عمل کرد، مبادا ذهن و خیال ما در هجمه فرهنگ و اندیشه غرب تخریب و تضييع شود. اکنون می‌فهمیم چرا معصومین علیهم‌السلام این همه ما را از غفلت و درگیر شدن در اندیشه و رفتار بیگانگان بر حذر داشته و نسبت به فتنه‌های بزرگ آخر الزمان هشدار داده‌اند (برای مثال، نک: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۱، ۶۸-۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۵۸؛ ابن حماد، ۱۹۹۷: ۲۸؛ مقرئ دانی، ۲۰۸: ۳۵).

در برابر تمام ترفندها و فتنه‌های ویران‌گر، عصر ظهور را باید از سویی عصر شکست هیمنه شیطان و عصر ابطال همه فتنه‌ها دانست و از سوی دیگر، عصر شکوفایی همه کمالات و برجستگی‌های ممتاز انسان برشمرد. با توجه به چنین رویداد عظیم و بلند مرتبه‌ای است که تربیت زمینه‌ساز از هم اکنون تا زمان ظهور باید کمال محور باشد و در هر زمینه و با هر گرایش و به هر شیوه‌ای به مراحل کمی‌تر از مرحله کمال یافتگی بسنده نکند.

۶. تحول مداری؛ تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور

تحولات جهانی در آستانه ظهور و پس از ظهور آن چنان چشمگیر و خیره‌کننده و بدون سابقه هستند که گویا جهان از نو تولد یافته است. فکر و اندیشه و هنر و

معرفت انسان‌ها نیز آن چنان بالنده و کمال یافته است که گویا انسان‌ها از نوبه دنیا آمده‌اند. جهان آلوده به کفر و کافر، جهان مرده‌ای بیش نیست. وقت ظهور که کفر و کافران جهان رخت بریندد، زمین زندگی دوباره می‌یابد.^۱ در روایات مربوط به عصر مهدویت عباراتی به چشم می‌خورد که مضامینی چون بهار انسان‌ها و خرمی دوران‌ها،^۲ تولد دوباره، تجدید حیات، نوآوری، شکوفایی و نظایر آن را تداعی می‌کنند. این گزاره‌ها و واژه‌ها با مضامینی که ترویج می‌کنند بیان‌گر این واقعیتند که با ظهور امام زمان علیه السلام، اسلام و قرآن و ارزش‌ها و مسلمانی و زمین و زمان و مکان حیات دوباره می‌یابند.

تعبیر به حیات دوباره از این منظر است، که نمی‌توان پیشینه‌ای برای تحولات شگرفی که در اندیشه و سبک زندگی بشر روی زمین رخ می‌دهد پیدا کرد. هر چه هست به برکت سرآمدن فرج و ظهور و حضور حجت خدا بر روی زمین است. حضرت ولی عصر علیه السلام از این نظر که وجود مبارکش مظهر و تجلی اسم اعظم الهی است، تمام کمالات را داراست و از این رو مایه تأمین حیات معنوی و سرچشمه آب زندگانی و به بیانی حقیقت آب حیات هستند (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، اسلام از غربت دیرینه خود نجات می‌یابد و حقایقی از اسلام که تا آن زمان برای همه کس پوشیده مانده است آشکار می‌گردد و اسلام رنگ و روی تازه می‌گیرد تا آن جا که به خیال عده‌ای امام زمان علیه السلام دین جدیدی ارائه داده است! (همو: ۲۶۵)^۳

اساساً سیره امام زمان علیه السلام برای این است که همچون جد بزرگوار خود با تمامی خرافه‌ها و موهوم‌پرستی‌ها مبارزه کند و سنت‌های جاهلی را که به نام اسلام رواج

۱. قال الباقر علیه السلام: «يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا [يَعْنِي] بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرِ مَيِّتٌ.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ج: ۲، ص: ۳۸۵)

۲. «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْبَاءِ وَنَضْرَةَ الْأَيَّامِ؛ سَلَامٌ بِرَبِّهِمْ أَنْسَانِهَا وَخَرْمِ دَوْرَانِهَا.»

۳. قال الباقر علیه السلام: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰)

یافته و ساحت دین را مخدوش ساخته است ابطال فرماید و اسلام را به صورتی نو و طرحی جدید ارائه دهد. اسلام در عصر ظهور با شکل و طرح جدید خود از جذابیت‌های ویژه‌ای برخوردار است که هرگز نمی‌توان نمونه و مثالی برایش در نظر گرفت (نک: همو).^۱

با توجه به چنین برداشت‌هایی است که تربیت زمینه‌ساز ظهور بسیار موضوعیت می‌یابد و حساسیت بالایی دارد. مگر می‌شود به یک چنین واقعیت‌هایی امیدوار بود، اما متناسب با ظهور و بروز آن‌ها تدارکی ندید و برنامه‌ای تنظیم نکرد؟ برنامه‌های تربیتی همیشه تابعی از اهداف و اغراض و مقاصد تربیتی هستند. مریبان بسته به این که چه هدفی را از تربیت انسان‌ها دنبال می‌کنند، برای تربیت آنان برنامه‌ریزی می‌نمایند. به عبارتی، برنامه‌های تربیتی درست باید در راستای تأمین اهداف تربیتی باشند. بدین ترتیب، هنگامی که بناست به استقبال ایام فرخنده و پرافتخاری برویم که زمین و زمان و انسان و جهان تازه می‌شوند، باید به فکر چاره بود و برای ورود به چنین ایام مبارکی خود را آماده ساخت و به منظور تحقق هرچه سریع‌تر چنین دوران خرم و بهاری، خویشتن را تربیت نمود. تربیتی بر این اساس زمینه‌ساز است که روند تازه و سرآمدی را نسبت به همه روندهای جاری و متعارف آغاز کند و نتایج آن در تحقق منویات و مقاصد امام زمان علیه السلام مؤثر باشد. هنگامی که حضرت ظهور فرماید، دین مبین اسلام شاخ و برگ تازه می‌آورد. در این صورت، تمامی علف‌های مزاحم و هرزی که در طول دوران غیبت کبرا به دامن اسلام چسبیده‌اند ریشه‌کن گردیده، از تنه استوار اسلام ناب زدوده می‌شوند. به منظور پاسداری از درخت پاکیزه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در عصر ظهور، لازم است نسلی تربیت شوند که توانایی درک این موقعیت و توان و لیاقت و قابلیت حراست از چنین هنگامه عظیمی را داشته باشند. این امر میسر نمی‌شود مگر به

۱. قال الصادق علیه السلام: «... يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰)

مدد تربیتی که منتظران ظهور و فرج امام زمان متناسب با وضعیت و تربیت جدید به دست آورده‌اند.

از همه گذشته، جوامع بشری پس از دوران متمادی تجربه‌های بی‌شمار، در انتخاب الگو و شیوه زندگی به نقطه‌ای می‌رسند که احساس می‌کنند باید فضای تازه‌ای را گشود و در هوای تازه‌ای نفس کشید. به یمن ظهور و به برکت نفس قدسی امام زمان علیه السلام روح تازه‌ای در کالبد جهان دمیده می‌شود، اسلام و قرآن از نو حیات و خرمی می‌یابند^۱ و به انسان و جهان حیات دوباره می‌بخشند. تربیت زمینه‌ساز از یک منظر می‌خواهد زمینه‌ساز و تحقق‌بخش چنین عصر و هنگامه با عظمتی باشد؛ هنگامه‌ای که صاحبش به حق بهار خلاق و خرمی روزگاران است.

۷. رعایت حق التقوی؛ تربیت زمینه‌ساز بر اساس تقوای گام به گام و فراگیر

در نقطه مقابل دام‌ها و گام‌های شیطانی، آن‌چه مریبان تربیت زمینه‌ساز باید از عهده انجامش برآیند و فرگیران مستعد را به مفاد آن و به منظور تحقق ارزش‌های برگرفته از آن تربیت کنند، عبارت است از تربیت به مفاد آیه قرآن که اهل ایمان را به رعایت حد اعلای تقوای الهی و پایداری بر اسلام و مسلمانی سفارش می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾. (آل عمران:

۱۰۲)

حق التقوی مراعات همه الزامات تقوایی‌گی در تمامی احوال و شرایط و مناسبت‌هاست؛ تقوا در ارتباط با خداوند، تقوا در ارتباط با خود، تقوا در ارتباط با دیگران، تقوا در ارتباط با آفرینش و آفریده‌ها و اشیا و پدیده‌ها. از اهل ایمان خواسته شده است حق التقوی را - آشکارا و نهان - از همه جنبه‌های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مراعات کنند.

۱. «السلام عليك يا ابا الإمام المنتظر الظاهرة للعاقل حجته ... والمعید ربنا به الإسلام جدیداً بعد الإنطماس والقرآن غضبا بعد الإندراس.» (قمی، بی‌تا: مفاتیح الجنان، زیارت ائمه سرمن رأی، زیارت امام حسن عسکری علیه السلام)

حق التقوی شعار تقوایب‌پیشگی در همهٔ ساحت‌ها و از تمامی جنبه‌های زندگی است، به‌گونه‌ای که نه تنها اعمال و رفتار اعضا و جوارح را دربر می‌گیرد، بلکه مشتمل بر تقوا در ناحیهٔ خیال، اندیشه، احساس، هیجانات، عواطف، امیال و آرزوها نیز هست. با این بیان، رعایت حق التقوی در کنار سایر اصول، حد نصاب لازم برای تربیت زمینه‌ساز محسوب می‌گردد. قرآن در ادامهٔ سفارش به حق التقوی، فرمان به اعتصام به حبل المتین الهی می‌دهد که به تعبیر روایات منظور همان توسل و چنگ زدن به ریسمان محکم و راستین قرآن و ولایت اهل‌البيت علیهم‌السلام است.^۱

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

به طور قطع، رعایت تقوای الهی در ارتباط با خداوند، پیامبران، امامان و اولیای الهی، به‌ویژه نسبت به شخص و شخصیت حضرت ولی عصر علیه‌السلام و خلافت و ولایت و حکومت جهانی آن حضرت از جمله مصادیق و موارد بارز و برجستهٔ حق التقوی به‌شمار می‌رود. از همه مهم‌تر، آن‌گونه که از ادامهٔ آیات قرآنی به دست می‌آید، پابندی به دین حنیف اسلام با همهٔ لوازم و آثار آن، همچنین چنگ زدن به حبل متین الهی - به بیانی که گذشت - همه در راستای نیل به حقیقت تقوا و زمینه‌سازی برای عصر ظهور، از لوازم روشن حق التقوی به‌شمار می‌روند.

۸. التزام به حق الجهاد؛ تربیت زمینه‌ساز تربیت مجاهدان راستین

تحقق هنگامهٔ عظیمی چون ظهور امام زمان علیه‌السلام بیش از هر عاملی در گرو همت

۱. برای مثال نک: روایتی از امام صادق علیه‌السلام که ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام را حبل المتین الهی می‌داند، آن‌جا که می‌فرماید: «نَحْنُ حَبْلِ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِيهِ: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾» (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۸۲). در روایتی دیگر، حضرت با اشاره به دو نمونهٔ حبل الهی و انسانی مورد نظر قرآن، «حبل من الله» را قرآن و «حبل من الناس» را امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام معرفی می‌کند: «عن ابی عبد الله علیه‌السلام فی قوله: ﴿أَلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ قال: الحبل من الله كتاب الله والحبل من الناس هو علی بن ابی طالب علیه‌السلام. (همو: ج ۳، ۳۸۳).

والای مجاهدان راستین راه خداست؛ مجاهدانی که نه تنها از مال و جان وهستی خود که حتی از نام و نشان و اعتبار و تمامی آن چه رنگ خودی و خودپرستی دارد می‌گذرند تا رضای الهی را به دست آورند. اینان همواره در میدان جهاد اکبر، در جدال با هواهای نفسانی و امیال شیطانی، چه پیش از جهاد اصغر و مبارزه با دشمنان بیرونی و چه پس از آن، موفق و سربلند و پیروزند. اینان مورد تحسین و تجلیل پیامبرند که در گرامی داشتشان فرمود:

آفرین بر مردمی که جهاد کوچک‌تر را [با موفقیت] به انجام رساندند و [رسالت] جهاد بزرگ‌تر همچنان بردوششان باقی مانده است.^۱

این مجاهدان سرافراز می‌توانند از مصادیق بارز این آیه از قرآن باشند که فرمود:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ أُتِغَاءَ مَرْصَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره: ۲۰۷)

و از میان مردم کسی هست که خویشتن را به بهای دریافت خشنودی خداوند [با وی] معامله کند و خداوند نسبت به بندگانش بسیار مهربان است.

این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام و دربارهٔ ایثار و فداکاری ایشان در لیلۃ المبیت نازل شده است (نک: سبحانی، ۱۳۷۴: ۴۵ - ۵۷؛ امینی، ۱۳۹۸: ج ۲، ۴۹ - ۴۷؛ غزالی، بی تا: ج ۳، ۳۷۸؛ ابن جوزی، بی تا: ۳۵؛ حاکم حسکانی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۱۲۳، ش ۴)، با این وصف شامل حال مجاهدانی نیز می‌تواند باشد که بسته به ظرفیت وجودی خود برای مجاهدت خویش جز رضای الهی منظور دیگری در سر نمی‌پروارند. کسانی از مجاهدان راه خدا که به این مقام برسند، به مقامی که جز خدا را درک نکنند و جز به رضایت او نیندیشند، در حقیقت حق جهاد الهی را ادا کرده‌اند و به این سفارش قرآن پاسخ مثبت داده‌اند که فرمود:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. (حرعاملی، ۱۴۱۴: کتاب الجهاد، باب جهاد النفس و ما یناسبه، ح ۱)

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾. (حج: ۷۸)

مترجمان قرآن کریم، «جاهدوا فی الله» را به مثابه «جاهدوا فی سبیل الله» برشمرده اند، گویان که در مقام ترجمه «فی الله» کلمه «سبیل» را مستتر دانسته اند. هر چه باشد تعبیر «فی الله» به جای «فی سبیل الله» تعبیر بسیار ظریفی است که هرگز نباید از این ظرافت و فلسفه آن غافل ماند. ظرافت چنین تعبیری در این است که بیان گر شدت تعلق خاطر مجاهدان راستین به خداوند بوده، ذوب شدن آنان در وجود خداوند را مورد تأکید و توجه قرار می دهد. پیرو برداشت از آیه بالا، این تعلق خاطر به خداوند در واقع شرط اساسی سرافرازی مجاهدان راستین خدا، راه ورود به ملیت و آیین حنیف پدر آیین های الهی حضرت ابراهیم علیه السلام، معیار سنجش اعتبار مسلمانی مسلمانان به اسلام ابراهیمی، ملاک شأنیت گواه مردم دنیا واقع شدن و رمز پذیرش ولایت الهی و توفیق درک نصرت خداوندی به شمار می رود. در آیه فوق به این امور ویژه اشاره رفته است؛ اموری که با اصول و مقاصد تربیت زمینه ساز نیز تناسب و سنخیت دارند و برای تدارک عصر ظهور بسیار حیاتی و مهم به نظر می رسند. در تربیت زمینه ساز چنان چه حق جهاد در راه خدا آن چنان که شایسته و بایسته است ادا نشود، ثمره ای به بار نخواهد نشست و ظهور و فرجی به وقوع نخواهد پیوست. بدین ترتیب، یکی دیگر از حد نصاب های لازم در تربیت زمینه ساز رعایت حق جهاد و آماده سازی تن و جان و روان برای معامله با خداوند است؛ حقیقتی که یاران و همراهان حضرت ولی عصر علیه السلام به آن آراسته و پایبندند.

۹. عاشوراگرایی؛ تربیت زمینه ساز با الهام از زیارت عاشورا

اگر کسی بخواهد با فرهنگ شیعه آشنا شود، لازم است به زیارت عاشورا

مراجعه کند؛ چون زیارت عاشورا پیش از آن که زیارتنامه‌ای برای شیعه باشد، فرهنگ بسیار والا و راستین تشیع ناب است؛ زیارت عاشورا پیش از آن که دفتری از حوادث باشد، دانشگاهی سرشار از ارزش‌ها و فضیلت‌های باشکوه و استوار است. برداشت از مکتب متعالی قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام بدون توسل و توجه به زیارت عاشورا و بدون تمسک به فرهنگ عاشورایی ایترو ناتمام است. در زیارت و فرهنگ عاشورا، روح و شور حسینی در جریان است و از این رو چنین زیارتی مهد پرورش مرام، سیرت، خلق و خو، ادب، کمال، جلال و جمال حسینی بوده، هست و خواهد بود. زهی سعادت شیعیان که از برکات فراوان فرهنگ عاشورایی برخوردارند و از مضامین بلند آن بهره می‌برند و در همهٔ امور، به ویژه به هنگام تنگناها و در رویارویی با چالش‌ها و بحران‌ها به مدد آن به پا می‌خیزند و با الهام از آن، رسالت الهی خویش را در هر نقطه‌ای از جهان و در هر قطعه‌ای از زمین به انجام می‌رسانند!

از جمله مهم‌ترین و درعین حال مخاطره‌انگیزترین رسالت‌های شیعیان، فراهم‌سازی زمینه‌ها برای تحقق عصر ظهور و وقوع پیوستن فرج پیشوای منصور و ظفرمند زمین و زمان و راهبر و راهنمای خلق جهان، حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام است. همان گونه که یار و جان‌نثار حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام بودن و زمینه‌سازی برای قیام الهی ایشان شرایط و لوازمی دارد، یار امام زمان علیه‌السلام بودن و وفاداری نسبت به ساحت قدسی آن بزرگوار و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت نیز منوط به شرایط و لوازم ویژه‌ای است که از زیارت عاشورا و سیرهٔ حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و یاران باوفای ایشان الهام می‌گیرد. زیارت عاشورا هم از این جنبه مورد توجه و استناد است که همهٔ این شرایط و لوازم را یک جا در بر دارد.

شرایط و لوازم مزبور دارای مضامین بلندی است که در راستای تربیت زمینه‌ساز از اعتبار و کارآمدی خاصی برخوردار است. از این رو، زیارت عاشورا را باید بهترین الگو و کامل‌ترین سند برای استنباط، تبیین و تفسیر ارکان اساسی تربیت زمینه‌ساز

دانست. چه بسا رازتوصیه و تأکید حضرت ولی عصر علیه السلام بر مداومت بر زیارت عاشورا به همین معنا و حقیقت برگردد. در این زیارت بلند مضامین، حقایق دوسویه‌ای چون عاشورای حسینی و قیام مهدوی، غیبت و ظهور، شهادت و انتظار، حسینی بودن و مهدوی شدن با شکوه تمام در تجلی است. گوا این که زیارت عاشورا پیش نیاز اصلی، بلکه اساسنامه تربیت زمینه‌ساز است. در این جا با مروری به زیارت عاشورا، به مهم‌ترین موارد از این حقایق دوسویه اشاره می‌کنیم و تفصیل مطالب را به مجال دیگری وامی‌گذاریم. به بیانی روشن‌تر، روحیه، احساس، اندیشه و رفتار انسان‌های تربیت یافته به تربیت مهدوی در پرتوی زیارت فرهنگ‌ساز عاشورا با اوصاف و ویژگی‌های زیرتوصیف می‌گردد:

۱. ولایت‌مداری نسبت به امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛^۱
۲. برائت‌جویی از دشمنان امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛^۲
۳. شهادت‌طلبی در راه تحقق آرمان‌های امام؛^۳
۴. سلم و وفا با هر کس نسبت به امام تسلیم و وفادار است؛^۴
۵. جنگ و ستیز با هر کس با امام در جنگ و ستیز است؛^۵
۶. در آرزوی قیام در رکاب امام زمان علیه السلام برای خون‌خواهی خون سیدالشهدا علیه السلام؛^۶
۷. باگام‌های راستین و استوار در پیروی از امام زمان علیه السلام؛^۷

-
۱. «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ»؛ «وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُؤَالَاتِكُمْ»؛ «إِنِّي ... وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ» و ...
 ۲. «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَتَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ ...»؛ «تَبَرَّأْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ»؛ «وَ رَزَقْنِي الْبِرَّائَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» و ...
 ۳. «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْ ... مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...
 ۴. «إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَلَمَكُم».
 ۵. «إِنِّي ... حَوْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُم».
 ۶. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكَ ...»؛ «وَ أَسْأَلُهُ ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكُمْ ...».
 ۷. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ ... أَنْ يُنْفِثَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ «وَ تَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقِي عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ...».

۸. تمنای آبرومندی ووصول به مقام قرب و همجواری با امام؛^۱
۹. در اندیشه گزینش الگوی سبک زندگی با الهام از حیات و شهادت اهل بیت علیهم السلام؛^۲
۱۰. در انتظار فرجامی شایسته و شکوهمند برای پیروزی حق بر باطل و اعتلای حق و سرنگونی باطل.^۳
- موارد بالا و موارد دیگری از این دست، یک به یک باید در دستورالعمل مدرسان و مربیان و فراگیران تربیت زمینه ساز قرار گرفته، موبه مواجرا گردند و به مفاد آن ها عمل شود تا نسلی متناسب با عصر ظهور پدید آید و هنگامه ظهور سعادت آفرین مهدوی فرا رسد.

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ».

۲. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْبِبَّيَّ مَحْبِبَّيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و...

۳. «... وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مَتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ لَكُمْ» (قمی، بی تا: زیارت اربعین)

«... وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (همو: زیارت حضرت عباس علیه السلام).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَانِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ انصُرْ وَاَنْتَصِرْ لِدِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ اعْذِرْ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْتِنِعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَطْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ اتَّيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخذَلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفْرَانَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْجِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ اِنلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَطْهَرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ اتَّبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ ارْزُقْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمَلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ» (همو: دعای امام حسن عسکری علیه السلام)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً تَامِمَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤْتَمِلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ... اسْتَحْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبَدْلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنَا... وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا...»؛ «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَرِّبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْبَغْيَ وَ أَهْلَهُ...» (همو: دعای افتتاح)

۱۰. باور راسخ به اراده و مشیت الهی؛ تربیت زمینه‌ساز به انتخاب الهی

بایان بخش و بسیار تعیین کننده و با اهمیت این که حکومت جهانی امام زمان علیه السلام به مثابه حاکمیت الهی در همه عرصه‌ها و ساحت‌های زندگی این جهانی و آن جهانی بشری است. قلمرو تربیت زمینه‌ساز نیز باید دست کم بخش وسیعی از این عرصه‌ها و ساحت‌ها را پوشش دهد. ما برای باوریم که هرچند بسیاری از امکانات و لوازم تربیت زمینه‌ساز در اختیار مریبان و متریبان قرار دارد، اما تجلی روح و مفاد و حقیقت تربیت زمینه‌ساز هرگز با معیارهای انسانی قابل درک و سنجش و ارزیابی نیست. از این رو، تحقیق و تحصیل آن در چارچوب خواست و تأمل و طرح و برنامه انسانی نمی‌گنجد. سرآمدن انتظار و فرارسیدن هنگامه ظهور و تحقق امور و جریان‌های وابسته به آن، همچون سایر سنن الهی از اول هم بنا نبوده در اختیار بشر قرار گیرد، بلکه از اساس مربوط به اراده و مشیت خداوندی است؛ اراده و مشیتی که ذهن بشر از درک آن کوتاه و ناتوان است. اموری چون امداد‌های الهی و عنایات و الطاف ویژه خداوندی، همچنین جریان‌هایی که جز به قدرت یا کرامت و اعجاز الهی پدیدار نمی‌شوند، همه از جمله مواردی است که هیچ عامل انسانی یا طبیعی را یارای پرداختن به آن‌ها نیست.

در مجموع، یک سلسله از افعال و اعمالی که مستقیماً به خود خداوند نسبت داده شده است، همه از حد و توان درک و فهم و توانایی بشر خارج است. این که وقت ظهور کی و چگونه خواهد بود، این که یاران حقیقی امام زمان علیه السلام و تربیت یافتگان عصر ظهور چه تعداد و چه کسانی خواهند بود و این که حضرت ولی عصر علیه السلام به چه سبکی جهان را اداره خواهد فرمود و چگونه احکام و قوانین الهی را در گستره جهانی اش اجرا خواهد کرد، همه از جمله امور و برنامه‌هایی است که از ساحت و قلمرو درک و توانمندی انسانی فراتر است. این که خداوند هرگاه مشیتش تعلق گیرد ظهور تحقق می‌یابد، این که خداوند زمین را پر برکت می‌گرداند، این که نیروی هرانسان مؤمن پرهیزکار با نیروی چهل نفر یا بیشتر برابری کند، این که

عقل و درک معرفت بشر بسیار بالا خواهد رفت، این که ۲۵ رشته علمی باقی مانده از ۲۷ رشته به اراده و اذن خداوند به دست مبارک امام زمان علیه السلام رمزگشایی خواهد شد، این که بسیاری از راز و رمزهای عالم به تدبیر و خلاقیت ایشان آشکار خواهد شد و... همه بیان‌گر شگفتی‌هایی است که عقل بشر عادی به آن نمی‌رسد و ذهن قاصر انسانی از احاطهٔ بر آن عاجز و درمانده است.

تجلی آثار و مظاهر تربیت زمینه‌ساز نیز از جمله اموری است که مشیت الهی در آن تأثیر دارد؛ زیرا مشیت الهی نه تنها پایان بخش سلسلهٔ اسباب و عوامل تربیت زمینه‌ساز است، بلکه همچون روح در کالبد همهٔ آن‌ها سریان و جریان دارد. سنت الهی سبب و مسبب^۱ همهٔ امور عالم را بر مدار توحید و ولایت الهی مستقر می‌سازد، به گونه‌ای که هیچ امری پدید نمی‌آید، مگر بسته به اسباب و عواملی که آن اسباب و عوامل به جای خود به ارادهٔ الهی و اذن و مشیت خداوندی سامان می‌یابند و سامان بخش امور مرتب بر خود هستند. از منظر توحیدی، این حقیقت بدین معناست که همهٔ امور تنها و تنها به خواست و ارادهٔ خداوند ایجاد می‌شوند و جریان می‌یابند. از آن گذشته، حتی کوچک‌ترین تغییری در گوشه‌ای از جهان رخ نمی‌دهد، مگر به مشیت و اذن الهی. این سنت حتمی و قانون خدشه‌ناپذیر به نوبهٔ خود مشتمل بر نکات بسیار دقیق و ظریفی است که درک و فهم آن‌ها در تربیت روح و روان متفکران و خردمندان بسیار مؤثر است. به گزاره‌های زیر توجه فرمایید:

- خداوند در تمامی صحنه‌های عالم حضور فعال و با اراده دارد.

- افعال خداوند اصول‌مند و قانون‌مند است.

- خداوند بر همهٔ اسباب و عوامل اشراف و نظارت دارد.

- خداوند سلسلهٔ اسباب را با حکمت بالغهٔ خویش تدبیر می‌کند.

- خداوند هر سببی را متناسب با پیامدش به کار می‌بندد.

۱. اشاره به سنت الهی «أبی الله أن یجری الأمور الا بأسبابها». (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۹۰، ۲، ح ۱۴ و ۱۵،

- خداوند هرگز از تدبیر و اداره امور و اسباب آن‌ها غافل و عاجز نبوده و نخواهد بود.

این‌ها همه از جمله اموری است که نه تنها روح ایمان به خدا و توکل بر ذات اقدس او را در جسم و جان و روح و روان انسان می‌دمد و در برابر بحران‌ها و حوادث سهمگین به وی نوید و صیانت می‌بخشد، بلکه او را در برابر غرور و خودپسندی و خودپرستی قرنطینه و ضربه‌ناپذیر می‌سازد. کسانی هستند که از روی تکبر و غرور، خود را همه‌کاره می‌دانند و برای خداوند هیچ نقش و ارزش وجودی قائل نیستند؛ این افراد خیال می‌کنند کیستند که این همه غرور دارند و جاه طلبند؟

به هر حال، انسان تربیت یافته برای عصر ظهور همواره خود را در محضر الهی و تحت اشراف و نظارت و اراده و تدبیر او می‌بیند و آنی حتی یک چشم به هم زدنی از یاد او غافل نمی‌ماند. وی وجود و دارایی و هستی‌اش را عین الربط به خداوند می‌داند و هرگز نه برای خود، که برای هیچ‌کس و هیچ موجودی استقلال وجودی قائل نیست. باورهای ایمانی و روحیه ربانی و توان جوارحی و جوانحی چنین شخصی مثال زدنی خواهد بود و وجود و رفتارش اسوه اهل ایمان و نسل منتظر قرار خواهد گرفت. او همواره با رعایت حق التقوی و با استعانت از خدا و توسل به اولیای الهی، در راه آن ذوالجلال و الإکرام بی‌وقفه تلاش می‌کند و خویشتن را به خدا وامی‌گذارد و ثمرات و نتایج مترتب بر حق الجهاد را از درگاه الهی مسئلت می‌نماید.

نتیجه

نسل‌هایی که برای امام زمان علیه السلام و تحقق اهداف متعالی و منویات عالیة ایشان خود را تربیت کرده‌اند، مجاهدان پاکبازی هستند که در هر دو عرصه پیکار بی‌امان با کفر و نفاق بیرونی و درونی مدال پرافتخار جهاد اصغر و جهاد اکبر را برگردن خود آویزان کرده‌اند. اینان مشمول عنایات الهی و الطاف حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و

اینان به کار می‌آید و تعریف و تمجید قرآن و اهل‌البيت علیهم‌السلام از مؤمنان حقیقی در وجود اینان مصداق می‌یابد. جهان به یمن قدوم اینان آفریده شده است و انسانیت به گل وجود ایشان شرافت و کرامت یافته است و فرشتگان با زیارت اینان در درگاه خداوندی نسبت به پرسشی که در برد و آفرینش انسان کرده‌اند مجاب وقانع گشته‌اند.^۲

اگر چنین تربیت یافتگان زمینه‌سازی نمی‌بودند، ظهور و فرجی در میان نمی‌بود و رقی به زمین و زمان و عالم امکان نمی‌خورد. اینان هستند که یک نفرشان برابر یک ملت است و از عهده اداره یک ملت به خوبی و شایستگی تمام برمی‌آید. بنا نبوده و نیست که حضرت بقیه الله الاعظم علیه‌السلام از راه اعجاز و کرامت جهان را اداره کنند. آن چه مقدر الهی است این است که جهان با امامت امام زمان علیه‌السلام به طور متعارف و با همراهی و کمک یاران باوفای ایشان اداره شود. تعداد اندک این یاران هرگز موجب نمی‌شود اکثریت جهان بر آنان مستولی شوند و عرصه را برایشان تنگ کنند. هنگامی که کارگزاران حضرت در جنبه‌های گوناگون اداره جهان خود ساخته و خود پرداخته باشند، آحاد فراوانی را به تحرک و پویایی وامی‌دارند. گفته شده است: «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۱۰۲، ۷) انسان‌ها نوعاً پیرو دین و کیش پادشاهان و بزرگان خود رفتار می‌کنند. پس بسته به این که خلق و خو و رفتار و رویه بزرگان نشان چگونه باشد، مردم به تنظیم رفتار و رویه و خلق و خوی خود می‌پردازند. خوبی، هر چه باشد از انسان‌های والامقام دارای شأن و ویژه که سرزند خوب‌تر و شایسته‌تر است. بدی نیز هر چه باشد از انسان‌های والامقام صاحب مکانت خاص که سرزند بدتر و ناشایسته‌تر است.

که پرچم سپاه را در جنگ با اصحاب جمل به وی می‌سپرد)

۱. اشاره به اوصاف متقین در خطبه مشهوره به خطبه همام. (همو: خ ۱۹۳)

۲. اشاره به پرسش فرشتگان از خداوند درباره آفرینش انسان: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰).

امام صادق علیه السلام برای شیعیان خویش به حکم شیعه جعفری بودن، مکانت و شرافت و جایگاه خاصی را منظور داشته‌اند که به موجب آن پیروان حضرتش لازم است بیش از همه مراقب حرمت و شأنیت امام و رهبرشان باشند.^۱ این جایگاه از جمله عوامل ایجاد شأنیت و شخصیت است که به مفاد آن صاحب جایگاه باید بکوشد مبدا برخلاف شأن و جایگاه ویژه‌ای که از جهت انتسابش به امام دارا گردیده است اسباب بی حرمتی و بی اعتباری خود و امامش را فراهم سازد. تربیت زمینه‌ساز ایجاب می‌کند رهروان تربیت یافته هرگز از حکم و مرام و منش ائمه هدی علیهم السلام - به ویژه امام زمان علیه السلام - تخطی نوزند و همگام و ملازم با ایشان حرکت کنند و هیچ‌گاه نه بر آنان پیشی گیرند و نه از آنان عقب افتند.^۲

با این لحاظ، تربیت زمینه‌ساز نیازمند نهاد فراگیر و گسترده‌ای است که همچون یک دانشگاه عظیم و فاخر، با مدیریت منسجم و یک پارچه و انسجام بخش در همهٔ ساحات‌های فوق بر تربیت زمینه‌ساز همت گمارد. چنان‌چه وجود چنین تشکل تربیتی میسر نباشد، گزینهٔ بعدی این است که مراکز و نهادهای متعددی - البته در ارتباط و انسجام فکری و علمی با یکدیگر - از عهدهٔ تربیت زمینه‌ساز، هر کدام در یک یا چند ساحات ویژه برآیند. بدیهی است مفهوم این سخن این نیست که محصول تربیتی مراکز و نهادهای مزبور مستقیماً با عصر ظهور سروکار می‌یابند و با زمان ظهور معاصرت خواهند داشت. چه بسا خدا می‌داند که نسل‌های متمادی یکی پس از دیگری بیابند و هنر نسلی حدی از کمالات مربوط به حق التقوی را احراز نماید تا رفته رفته آن نسلی که به عصر ظهور می‌انجامد آمادگی‌های لازم را از هر جهت و از هر جنبه برای حضور در رکاب امام زمان علیه السلام و مجاهدت در جوار ایشان به

۱. امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «یا شقرانی! إن الحسن من کل أحد حسن، وإنه منك أحسن لمكانك منا، وإن القبیح من کل أحد قبیح وإنه منك أقبیح لمكانك منا.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۴۷، ۳۴۹ - ۳۵۰)

۲. در صلوات شعبانیه چنین آمده است: «المتقدّم لهم مارق، والمتأخّر عنهم زاهق، واللازم لهم لاحق.»

دست آورد. هرچه باشد باید از هم اکنون شروع کرد. گرچه ندانیم عصر ظهور کی و چگونه و چه زمانی خواهد بود!

تربیت زمینه ساز در حقیقت زمینه های تحقق آن دسته از اهداف و آرمان های الهی را که بناست با سرآمدن دوران انتظار، به استناد و برکت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و به دست مبارک ایشان به منصفه ظهور برسد، فراهم می آورد. در این صورت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بر تمامی ادیان برتری خواهد یافت^۱ و مستضعفان وارث و فرمان روای زمین و زمان خواهند شد.^۲ با ظهور حضرت، فتنه ها و فتنه گران از روی زمین برچیده خواهند شد و انحرافات اخلاقی و سیاسی و اعتقادی رنگ خواهند باخت و منحرفان یا هدایت خواهند شد و یا به هلاکت خواهند رسید. این جاست که به اراده و امداد الهی خورشید عصر طلایی اسلام از افق ولایت و عدالت مهدوی طلوع خواهد کرد و روشنایی و فروغ جاودانه اش همه آفاق را در خواهد نورید.

۱. «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۲ - ۳۳)
«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء: ۱۰۵ - ۱۰۶)

قال الحسين عليه السلام: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَآخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صدوق، ۱۳۹۶ - الف: ج ۱، ۶۸، ح ۳۶)

۲. «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)
«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)

«وَرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)

منابع

- ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى، *تذكرة خواص الامة فى خصائص الائمة*، تهران، مكتبة النينوى الحديثة، بى تا.
- ابن حماد، ابو عبد الله نعيم، *الفتن*، تحقيق: مجدى بن منصور بن سيد الشورى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٧م.
- ابن طاوس، رضى الدين ابى القاسم على بن موسى بن جعفر بن محمد، *جمال الأسبوع لكمال العمل المشروع*، قم، منشورات الشريف الرضى، ١٣٦١ش.
- امينى (علامة)، عبد الحسين، *الغدیر*، بيروت، دارالكتاب العربى، ١٣٩٨ق.
- جوادى آملی، عبد الله، *امام مهدى؛ موجود موعود*، قم، مركز نشر اسراء، ١٣٩٠ش.
- حاكم حسکانى، عبيد الله بن عبد الله، *شواهد التنزيل لقواعد التفصيل فى الآيات النازلة فى اهل البيت*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٩ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم، انتشارات مهر، ١٤١٤ق.
- راوندی، قطب الدين، *الخراج والخراج*، قم، مؤسسه امام مهدى عليه السلام، ١٤٠٩ق.
- سبحانى، جعفر، *فروع ولايت*، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٧٤ش.
- شريف رضى، محمد بن حسين بن موسى، *نهج البلاغه*، تحقيق: صبحى صالح، بيروت، دار الأسوه، ١٤١٥ق.
- صافى گلپايگانى، لطف الله، *منتخب الأئمة فى الإمام الثانى عشر*، قم، نشر سپهر، ١٤٢١ق.
- صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه، *الخصال*، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦٢ش.
- _____، *عيون أخبار الرضا*، ترجمه: عبد الحسين رضى و محمد باقر ساعدى، تصحيح: على اكبر غفارى، تهران،

انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۶ ق - الف.

_____، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران،

انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۶ ق - ب.

- طاهري، حبيب الله، *سيمای آفتاب*، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.

- طبرسي نوري، حسين، *النجم الثاقب في احوال الإمام الحجة الغائب* عليه السلام، بيروت، دار القول الثابت، ۱۴۱۵ ق.

- طبرسي، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تحقيق وتعليق: سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۹۰ ق.

- طوسي، ابي جعفر محمد بن حسن بن علي، *مصباح المتجهد وسلاح المتعبد*، تهران، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.

- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ش.

- عسکری، ابي هلال حسن بن عبد الله، *معجم الفروق اللغوية الحاوي لكتاب ابي هلال العسكري وجزء من كتاب السيد نورالدين الجزائري*، تحقيق: بيت الله بيات زنجاني، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۹ ش.

- غزالی، محمد بن محمد، *احياء علوم الدين*، بيروت، دارالهادی، بی تا.

- قمي، عباس، *مفاتيح الجنان*، بی جا، بی نا، بی تا.

- کلینی، ابي جعفر محمد بن علی یعقوب بن اسحاق، *الكافي*، تصحيح: علی اکبر غفاری، بيروت، دار صعب - دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.

- لاریجانی، محمد جواد، *کاوش های نظری در سیاست خارجی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.

- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بيروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۷ ق.

- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

- مفید، عبدالله محمد بن نعمان، *الإختصاص*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- مقرّی دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة و أشراتها*، تحقیق: رضاء الله المبارکفوری، ریاض، دارالعاصمة، ۲۰۰۸م.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق.

پایگاه‌های خبری و اطلاع‌رسانی

- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه: hazah.net
- پایگاه خبری آینده روشن: fnews.ir
- شیعه آنلاین: Shie-online
- ستاد زیارت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری: zaaer.ir
- مرکز جهانی اطلاع‌رسانی آل‌البتیت علیهم‌السلام: al-shia.org , Aalulbayt.org
- ویکی‌پدیا: fa.wikipedia.org
- همشهری آنلاین: Hamshahrionline

بررسی تحلیلی - نظری راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت زمینه ساز ظهور

یوسف ادیب*

اسکندر فتحی آذر**

اصغر ابراهیمی هرستانی***

چکیده

تربیت زمینه ساز در اسلام، جایگاهی بسیار والا دارد. حکومت اسلامی همچون دیگر امور جامعه، مسئول این گونه تربیت، نیز هست. روایات متعدد از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام درباره وظایف منتظران و جایگاه آنان نزد خداوند، بیان گراهتمام آنان به تربیت زمینه ساز ظهور است.

پژوهش ها بر ضعف عملکرد نهادهای تربیتی در تربیت، با این رویکرد اذعان دارند. بر همین اساس، هدف این نوشتار، بررسی راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جامعه در تربیت زمینه ساز ظهور، بر اساس نظریات محققان و صاحب نظران این حوزه است. در این نوشتار، پس از بررسی پژوهش های مربوط به این موضوع، با روش

* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز.

** استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز.

*** دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

(ebrahimi9090@yahoo.com)

تحلیلی - استنتاجی به پرسش‌هایی دربارهٔ راهکارهای نهادهای جامعه در تربیت زمینه‌ساز ظهور، روش‌های پیشنهادی برای عملی کردن راهکارها و میزان امکان عملی شدن آن‌ها پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی

راهکارها، تربیت زمینه‌ساز، نهادهای تربیتی.

مقدمه

امروزه با توجه به فراگیر شدن ناتوی فرهنگی دشمن که با در اختیار داشتن رسانه‌ها و ابزار گوناگون، به مقابله با فرهنگ مهدویت برخاسته است و نمی‌خواهد ارزش‌های اسلامی هیچ اثری باقی بماند، توجه به تربیت زمینه‌ساز بسیار اهمیت دارد. اگر این تربیت، از کودکی و نوجوانی انجام شود، در وجود فرد نهادینه می‌گردد و در دوره‌هایی همچون نوجوانی و جوانی که بحران‌های مهمی در مقابل آنان قرار دارد، از آن استفاده می‌کند و در شکل‌گیری شخصیت فرد مؤثر است.

از آن جایی که در دورهٔ غیبت حضرت مهدی علیه السلام با تشکیل حکومت اسلامی امور جامعهٔ اسلامی به حکومت واگذار شده است و همان‌گونه که مسئولیت سایر امور این جامعه بر عهدهٔ حکومت اسلامی است، مسئولیت تربیت زمینه‌ساز ظهور نیز مطرح است و توجه به تربیت زمینه‌ساز در جامعه بر اساس قرآن و عترت مسئولیتی مهم و زمینه‌ساز ظهور است و همهٔ اقدامات شیاطین را خنثی می‌کند.

پرورش روحیهٔ انتظار در تربیت زمینه‌ساز کارکردهای تربیتی فراوان و مهمی برای فرد و جامعه دارد. محبت حضرت ولی عصر علیه السلام یکی از عوامل مهم ترک اعمال ناشایست است؛ زیرا محبت به حضرت سبب می‌شود انسان از اعمالی که این محبت را از بین می‌برد، بپرهیزد و هماهنگ با خواستهٔ محبوب خود عمل کند. اگر محبت به حضرت گسترش یابد، بسیاری از معضلات اجتماعی و فردی حل می‌شود و لازم نیست هزینه‌های گزافی صرف جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی گردد. محبت به اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام زمان علیه السلام زمینهٔ پذیرش دیگر احکام دین

است و پایه‌های خانواده را مستحکم می‌کند و آینده فرزندان را در زندگی خانوادگی تضمین می‌کند (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵: ۱۳۹ - ۱۴۰).

اهمیت تربیت زمینه‌ساز ظهور در قرآن و عترت علیهم‌السلام

از جمله مهم‌ترین شرایط ظهور آن است که مردم به حقیقت و منزلت امام زمان علیه‌السلام پی ببرند، تا بتوانند به درستی به ایشان اقتدا کنند. در دین اسلام اهمیت مودت و معرفت به ائمه اطهار علیهم‌السلام برای سعادت مسلمانان، به حدی است که خداوند با ابلاغ وحی به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای هدایت انسان‌ها بر آن تأکید فرموده است:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ سَبِيلًا﴾
(فرقان: ۵۷)

بگو: بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز این که هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛ (شوری ۲۳)
بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.

با تأمل در این که در هر دو تعبیر کلمه «إِلَّا» مطرح شده است - یعنی مزد من تنها همین مورد است - مشخص می‌شود که باید راه خدا و مودت اهل بیت یکی باشد و اگر دوتا باشد تناقض است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طرف خداوند یک بار مأمور می‌شود که به مردم بگوید: مزد من تنها انتخاب راه خداست، و بار دیگر مأمور می‌شود که بگوید: مزد من فقط مودت قربی است. در واقع باید این دو درخواست یکی باشد؛ یعنی راه خدا، همان مودت به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱۰، ۳۹۵ - ۳۹۷).

امام محمد باقر علیه‌السلام در همین باره فرموده است:

يٰۤاَيُّهَا عَلِيُّ بْنُ اَبِي تَالِبٍ وَ يٰۤاَيُّهَا عَلِيُّ بْنُ اَبِي تَالِبٍ وَ يٰۤاَيُّهَا عَلِيُّ بْنُ اَبِي تَالِبٍ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ (کلینی، ۱۳۶۳: کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۱۰)

به واسطه ما خدا بندگی می شود و به وسیله ما خدا شناخته می گردد و از طریق ما توحید خداوند متعال تحقق می یابد و حضرت محمد ﷺ حجاب (واسطه) خدای متعال است.

شناخت خدا به وسیله شناخت ائمه علیهم السلام صورت می پذیرد و هدایت و راه سعادت، منوط به شناخت ائمه علیهم السلام است و در غیر این صورت، خداوند شناخته نخواهد شد. اگر انسان، حضرت مهدی ﷺ را نشناسد، خدا را نخواهد شناخت. خداوند در قرآن کریم دستور داده اند که برای قرب الی الله وسیله ای برای تقرب به او بجویید که اهل بیت علیهم السلام همان ریمان محکم و وسیله تقرب به خداوند هستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۳).

اولین اصل در اصول دین، توحید است و بر اساس قرآن و فرامین ائمه هدی علیهم السلام راه رسیدن به خداوند و اعتقاد به توحید از طریق ائمه اطهار علیهم السلام است و دین داری تنها از این راه ممکن می شود. امام هادی علیهم السلام در همین باره در زیارت جامعه کبیره می فرماید:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبِيلَ عَنكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ؛ (قمی، ۱۳۷۸: ۹۷۵)

هرکس خدا را خواست به وسیله شما آغاز کرد، و هرکس او را یکتا و بی همتا شناخت از ناحیه شما آن را پذیرفت، و هرکس آهنگ او کرد به وسیله شما توجیه شد.

حضرت در ادامه می فرماید:

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ؛ (همو: ۹۷۸)

و کسی که شما را دوست بدارد، حقیقتاً خدا را دوست داشته است.

بنابراین راه رسیدن به خداوند تنها در بستر مودت اهل بیت علیهم السلام است و به سبب

۱. «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ». (مائدة: ۳۵)

این مودت، فروع دین مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد، چنان‌که امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره فرموده است:

وَيُؤَالِيكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ...؛ (همو: ۹۷۷)

و به سبب مودت شما [اهل بیت] طاعت مفروض، پذیرفته می‌شود و مودت واجب، مخصوص شماست.

بنابراین برای عبادت خداوند، مودت به چهارده معصوم علیهم السلام به‌ویژه در زمان حال، مودت به حضرت مهدی علیه السلام واجب است و عمل به مودت به ایشان، منتظر ظهور بودن و انجام وظایف و حقوقی است که نسبت به حضرت مهدی علیه السلام باید ادا کنیم که این حق همان زمینه‌سازی برای ظهور است.

مؤمن برای این‌که تکلیف خود را در مودت به حضرت مهدی علیه السلام انجام دهد و در مسیر بندگی خداوند قرار گیرد، ابتدا باید به تربیت خویش برای زمینه‌سازی ظهور اهتمام ورزد و سپس نسبت به تربیت زمینه‌ساز ظهور در خانواده، دوستان، آشنایان و جامعه همت گمارد. بنابراین لازمه مودت، کسب معرفت و ادای حقوق حضرت است و حصول این دو، منوط به تربیت زمینه‌ساز است و بدون برخورداری از تربیت زمینه‌ساز امکان عمل به مودت ممکن نیست.

بنابراین توجه به تربیت زمینه‌ساز برای رسیدن به مودت حضرت مهدی علیه السلام واجب است و عمل به وظایف نسبت به زمینه‌سازی ظهور، لازمه پذیرش اعمال مربوط به اصول و فروع دین اسلام است. لذا لازمه دین‌داری زمینه‌سازی برای ظهور است. بر این اساس، هویت مسلمان بودن انسان و اسلامی بودن جامعه، با میزان اقداماتی که برای زمینه‌سازی ظهور انجام می‌دهد، مشخص می‌گردد و لازمه هر جامعه و حکومتی برای اخذ هویت اسلامی، زمینه‌سازی برای ظهور است. تربیت زمینه‌ساز در اسلام، جایگاه بسیار والایی دارد. در روایتی می‌خوانیم:

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءَ أَوْ

جَاهِلِيَّةٌ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟ قَالَ: جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَصَلَالٌ؛ (كلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، باب من مات و لیس له الامام، ح ۳)

حارث بن مغیره می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پیغمبر فرموده است: هر کس بمیرد و پیشوایش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: آری. عرض کردم: جاهلیت کامل یا جاهلیتی که امامش را نشناسد؟ فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.

بنابراین اگر حجت خدا شناخته نشود، گمراهی به دنبال دارد.^۱ معرفت به امام عصر علیه السلام و عمل به وظایف در این راستا، برترین عبادت است و نقشی اساسی در بندگی خداوند دارد.^۲

منتظران حقیقی و جایگاه آنان

انتظار واقعی با تلاش در زمینه سازی ظهور و میثاق با آرمان های بالنده مهدویت تجلی می یابد. حرکت برای زمینه سازی تبلور همه خوبی ها و رخت بر بستن همه بدی ها است. حقیقت انتظار، زمینه سازی برای ظهور است. زمینه سازی ظهور یعنی فراهم ساختن مقدمات ظهور به گونه ای که شرایط مناسب برای تحقق ظهور فراهم باشد. امام صادق علیه السلام در همین باره می فرماید:

هنگامی که شکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید، چهل صبح به درگاه خداوند ضجه و گریه کردند. خداوند به موسی و هارون فرمود که آن ها را از دست فرعون خلاص کنند. از چهار صد سال رنج و زحمت مقدر، صد و هفتاد سال از آن ها برداشته شد. همچنین شما اگر این گونه عمل می کردید، حتماً خداوند بر ما گشایش می داد، ولی اگر این چنین نکنید،

۱. امام صادق علیه السلام در جواب زواره که پرسیده بود، اگر دوران غیبت را درک کردم چه وظیفه ای دارم، این دعا را فرمودند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي». (همو: کتاب الحجة، باب فی الغیبة، ح ۵)

۲. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ: برترین عبادت انتظار فرج است» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: فصل ۱۰، باب ۳، ح ۱۶).

همانا این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد. (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۱۵۴، ح ۴۹)

در روایات برای انسان منتظر ظهور، جایگاه‌های والایی همچون اجر هزار شهید مانند شهدای بدر واحد، بهترین انسان‌های طول تاریخ، به منزله مجاهدان با شمشیر پیشاپیش رسول خدا ﷺ، بندگان خالص خدا، شیعیان حقیقی، دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار، بزرگ‌ترین مردم از جهت یقین، فاضل‌ترین مؤمنان و برداران پیامبر اعظم ﷺ بیان فرموده‌اند (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۶ - ۱۴۷). این روایات بیان‌گر اهتمام پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر تربیت زمینه‌ساز ظهور است.

با توجه به مطالب فوق - که بیان‌گر اهمیت بسیار زیاد تربیت زمینه‌ساز ظهور است - مهم بدانیم جایگاه تربیت زمینه‌ساز ظهور در نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران چیست؟! یکی از مهم‌ترین نهادهای تربیتی خانواده است. وضعیت کنونی خانواده‌های جامعه اسلامی ما گویای این مطلب است که خانواده‌ها کمتر کوششی در زمینه تربیت فرزندان خود انجام می‌دهند (سالم، ۱۳۸۹: ۱۲۸) و معمولاً تربیت فرزندان خود را به آموزش و پرورش واگذار نموده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۰: ۲۴۵). متأسفانه پرداختن به مشکلات زندگی و تلاش برای رفاه و لذت بیشتر، بسیاری از والدین را از وظایف مهم تربیتی دور کرده است (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). با توجه به این که بیشتر خانواده‌ها به دلایلی به وظیفه خود در تربیت زمینه‌ساز ظهور به خوبی عمل نمی‌کنند، رسالت تربیتی نظام آموزش و پرورش در این زمینه بیشتر می‌شود.

مرزوقی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی میزان اهتمام و توجه نهاد آموزش و پرورش کشور به مقوله انتظار و فلسفه مهدویت، گسترش در اهداف کلی و اصول طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اهداف آموزش و پرورش در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی، فارسی

و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی، کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره راهنمایی و کتاب‌های قرآن، دین و زندگی و دانش اجتماعی پرداخته و به این نتیجه رسیده که در منابع مذکور، توجه نظام مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره گسترش تفکر مهدویت وجود ندارد.

میرزا محمدی و رسولی (۱۳۸۹) اذعان می‌دارند که در برنامه‌های درسی تربیت دینی در مدارس و دانشگاه‌ها، متأسفانه هنوز معنا و توجه به جایگاه ولایت به طور روشن تبیین نشده است و هیچ‌گاه آن‌گونه که در اصل دین و اعتقادات شیعه، بیان گردیده، به این مسئله اهمیت داده نشده است. به باور آنان اگر برای حل این معضل هرچه سریع‌تر اقدامات لازم صورت نپذیرد، به تدریج عموم جامعه با تضادها و تناقض‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند و با محوریت نفس به پیش خواهند رفت. در نتیجه نه تنها جامعه را به هلاکت و نابودی و فساد اخلاقی می‌کشاند، بلکه با توجه به نیاز روحی، زمینه را برای نفوذ اعتقادات خرافی و تبلیغ و ترویج ادیان منحرف نیز فراهم می‌کند. در این صورت، نه تنها برای نزدیک شدن ظهور و وقوع عبادت تامه و تحقق ولایت الهی کامل قدمی برداشته‌ایم، بلکه سبب دوری هرچه بیشترش نیز شده‌ایم.

پژوهش‌ها بیان‌گر ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در تربیت اسلامی دانش‌آموزان است و برنامه‌های درسی تربیت دینی دانش‌آموزان در شرایط فعلی پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیست (نک: حسینی: ۱۳۸۰؛ نساجی زواره: ۱۳۸۸؛ رهنمایی: ۱۳۸۰ و...). این در حالی است که در آمریکا حدود نود درصد از همه مدارس ابتدایی و متوسطه خصوصی و مستقل، مدارس کاتولیک‌هاست و هدف آرمانی این مدارس کاتولیک، تشویق و هدایت جوانان به کلیسای کاتولیک و از طریق کلیسا به تعالیم حضرت عیسی علیه السلام است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) و مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آماگدون تنها حادثه‌ای است

که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد و این واقعه‌ای بسیار نزدیک است، به تبلیغ این دیدگاه می‌پردازند. اما هنوز ما خود و نسل آینده را برای ظهور آماده نکرده‌ایم. توجه به این آمادگی در سطوح روانی، عقلی و جسمانی به منظور زمینه‌سازی بسیار مهم است (شیرودی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

با توجه به اهمیت ویژه تربیت زمینه‌ساز ظهور و با عنایت به این پژوهش‌ها که بر ضعف عملکرد نهادهای تربیتی به تربیت زمینه‌ساز ظهور اذعان داشته‌اند، هدف این پژوهش، بررسی راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جامعه در تربیت زمینه‌ساز ظهور، بر اساس آرای محققان و صاحب‌نظران این حوزه است. در این مطالعه، پژوهش‌های مربوط به این موضوع، با روش نظری - تحلیلی بررسی و به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. چه راهکارهایی برای نهادهای جامعه درباره تربیت زمینه‌ساز ظهور

مطرح است؟

۲. این راهکارهای پیشنهادی به کدام یک از نهادهای جامعه مربوطند؟

۳. روش‌های پیشنهادی بر عملی نمودن این راهکارها چیست؟

۴. این راهکارها چقدر ممکن و عملی هستند؟

بدین منظور ابتدا پژوهش‌های در دسترس در زمینه مهدویت (حدود سیصد پژوهش) شناسایی و مطالعه شده و از بین آن‌ها، ۳۴ عنوان پژوهش که راهکارهایی در این زمینه بیان نموده بودند، مورد استفاده قرار گرفت. سپس، این پژوهش‌ها با روش نظری - تحلیلی بررسی شدند.

ابتدا راهکارهایی که در زمینه تربیت زمینه‌ساز ظهور قابل طرح بودند، از متون بررسی شده استخراج گردید که در جدول ۱، همراه با عنوان پژوهش و نام یا نام‌های پژوهش‌گران خلاصه شده است و به این صورت بیان شد که اولین پژوهش کد ۱۱۰ گرفت و به همین صورت کد پژوهش‌های بعدی ۱۲۰ و ۱۳۰ و... قرار داده شد. راهکارهای هر پژوهش نیز با عدد ۱ و ۲ و... به کد عنوان پژوهش اضافه گردید. از این

۳۴ پژوهش، در مجموع ۱۵۷ راهکار استخراج شد که در جدول ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. راهکارهای مطرح در متون پژوهشی در زمینه تربیت زمینه ساز

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۱۰. وظایف سازمان‌ها و نهادها در ترویج فرهنگ مهدویت	قرائتی	۱۱۰۱. برگزاری برنامه‌های ویژه در روز نیمه شعبان توسط سازمان‌ها، ۱۱۰۲. برگزاری سخنرانی درباره مهدویت در مناسبت‌های مختلف، ۱۱۰۳. برگزاری احیاء در شب نیمه شعبان و برگزاری جشن و اطعام، ۱۱۰۴. برگزاری کلاس درباره مهدویت در مساجد، ۱۱۰۵. پخش برنامه‌های مختلف درباره مهدویت در صدا و سیما، ۱۱۰۶. پشتیبانی از فیلم‌هایی درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ۱۱۰۷. تولید برنامه‌های برون مرزی درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ۱۱۰۸. توجه به حکومت جهانی آینده در کتاب‌های معارف دانشگاه، ۱۱۰۹. اهدای کتاب به روحانیان درباره مهدویت، ۱۱۱۰. برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت، ۱۱۱۱. برگزاری مراسم‌های مختلف در طول سال درباره امام <small>علیه السلام</small>
۱۱۲. چشم‌اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت	معین‌الاسلام	۱۱۲۱. برخورداری از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی افرادی که عهده‌دار انتقال اطلاعات مهدوی هستند، ۱۱۲۲. استفاده از فرهنگ مهدویت به عنوان مؤثرترین ابزار برای تربیت دینی نسل جوان، ۱۱۲۳. انتخاب مباحث امیدبخش و رعایت اصول تعیین محتوا برای نهادهای ساز و درونی‌سازی این ارزش
۱۱۳. دولت زمینه ساز	پورسیدآقایی	۱۱۳۱. اساس کار قرار گرفتن دکترین ظهور در همه اقدامات، ۱۱۳۲. اعتقاد راسخ به فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۱۴. ارزش‌های خبری در حاکمیت موعود	حاج محمدی	۱۱۴۱. ارزش‌آفرینی و تقویت ایمان مردم و ارزش‌های دینی در این راستا، ص ۱۲۳
۱۱۵. بررسی مؤلفه غایت‌شناختی الگوی هنجاری رسانه‌های جدید اسلامی	باهنر، صمدی	۱۱۵۱. توجه رسانه به شناساندن امام به مخاطبان خود، ص ۱۵۳
۱۱۶. بررسی تطبيقی شخصیت انسان منتظربا شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال	پورسیدآقایی	۱۱۶۱. دقت درانتخاب همسر و توجه به عوامل دینی و اخلاقی ۱۱۶۲. انتقال محبت حضرت با عمل به دستورات اهل‌البیت و نهادینه کردن محبت در درون کودکان متناسب با فهم آنان، ص ۱۱۰ و ۱۱۱
۱۱۷. نقش خانواده درانتقال محبت حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small> به فرزندان	بیاری، چراغی	۱۱۷۱. انتقال محبت اهل‌بیت <small>علیهم‌السلام</small> به فرزندان توسط خانواده و نظام تربیتی - آموزشی جامعه به ویژه محبت و عشق به حضرت حجت <small>علیه‌السلام</small> ، ص ۱۳۸، ۱۱۷۲. انتقال محبت حضرت حجت <small>علیه‌السلام</small> به فرزندان به گونه‌ای که در رأس نیازهای فرزندان به آن توجه شود، ص ۱۳۹، ۱۱۷۳. اخلاص درانتقال محبت حضرت به فرزندان، ۱۱۷۴. استمرار محبت حضرت به فرزندان از کوچکی تا بزرگسالی، ص ۱۴۴، ۱۱۷۵. دقت درانتخاب همسر، ص ۱۴۵، ۱۱۷۶. توجه به لقمه حلال قبل و بعد از تولد فرزندان و رعایت آداب زمان بسته شدن نطفه، آداب بارداری، آداب شیردادن، ص ۱۴۶، ۱۱۷۷. الگو بودن والدین در محبت به حضرت و گرایش دادن فرزند به الگوهای خوب در دوستان،

راهکارها	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	عنوان پژوهش
<p>آشنایان و محیط‌های آموزشی، ۱۱۷۸. بیان زیبایی‌های اخلاقی و رفتاری حضرت، ص ۱۴۷، ۱۱۷۹. بیان جایگاه والای امام در نظام عالم و فواید امام، ۱۱۸۰. بیان زیبایی‌های دوران ظهور، ۱۱۸۱. دقت والدین در نام‌گذاری برای فرزندان، ص ۱۴۸، ۱۱۸۲. برگزاری جلسات یاد حضرت در منزل، ۱۱۸۳. تشویق فرزندان برای اعمالی که بیان‌گر محبت به حضرت است، ۱۱۸۴. حضور در مکان‌ها و مجالس مربوط به حضرت، ۱۱۸۵. دعا به فرزندان برای ایجاد محبت حضرت در وجود آن‌ها، ص ۱۴۹، ۱۱۸۶. هدیه دادن به فرزندان در مناسبت‌های مربوط به حضرت، ۱۱۸۷. بیان ویژگی‌های حضرت در قالب داستان، کتاب، لوح فشرده و... به فرزندان، ص ۱۵۰</p>		
<p>۱۱۹۱. ترغیب فرزندان به امام‌باوری و ایجاد انگیزه در وجود آنان با تشریح انتظار و امامت، ص ۷۵، ۱۱۹۲. تمسک به تقلید ص ۷۶، ۱۱۹۳. کسب معرفت به حضرت و توجه به خودسازی ص ۷۷، ۱۱۹۴. تحکیم ارزش‌های دینی و تقویت باورهای مهدوی، ص ۷۸، ۱۱۹۵. صبر و پایداری خانواده‌ها در این مسیر و دعوت یکدیگر به استقامت، ۱۱۹۶. استمداد از حضرت و التزام به پیروی و یاری حضرت، ۱۱۹۷. ایجاد روابط خانوادگی با صالحان، ص ۸۰، ۱۱۹۸. ترویج فرهنگ صدقه برای سلامت حضرت برای ایجاد رابطه قلبی، ص ۸۱، ۱۱۹۹. مداومت در توسل به امام عصر <small>علیه السلام</small> و برگزاری مراسم به نام ایشان در منازل، ص ۸۲</p>	<p>نجفی لیواری، محمدنیا، گالش کلامی</p>	<p>۱۱۹. واکاوی شاخصه‌های خانواده منتظر</p>

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۲۰. مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت‌امام زمان <small>علیه السلام</small> با تأکید بر خانواده	سالم	۱۲۰۱. منتظر ظهور بودن والدین و تربیت فرزندان منتظر ص ۱۲۸، ۱۲۰۲. انتخاب همسر مناسب که عشق و محبت به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در او نهادینه شده باشد، ص ۱۲۹، ۱۲۰۳. زن و شوهر همدیگر را به ولایت‌پذیری حضرت ترغیب نمایند، ۱۲۰۴. توجه به آداب هنگام انعقاد نطفه، ص ۱۳۲، ۱۲۰۵. علقه عاطفی مادر باردار با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ، ص ۱۳۳، ۱۲۰۶. رعایت آداب حین تولد و نام‌گذاری فرزند و دوران شیردهی در ارتباط با مودت به امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ص ۱۳۲، ۱۲۰۷. تعمیق محبت نوجوانان به حضرت و توجه به مسائل بلوغ جنسی نوجوانان و جوانان، ص ۱۳۸
۱۲۱. سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار	مرزوقی	۱۲۱۱. بازنگری و اصلاح رویکرد تربیت دینی در آموزش و پرورش کشور بر اساس فلسفه مهدویت، ۱۲۱۲. توجه اساسی به اهداف رویکرد انتظار و فلسفه مهدویت در مجموع اهداف نظام آموزشی و دوره‌های تحصیلی، ۱۲۱۳. توجه به ترسیم سیمای مطلوب از مهدویت در کتاب‌های درسی، ۱۲۱۴. طراحی محتوای متناسب با درک و فهم دانش‌آموزان در پایه‌ها و سطوح مختلف تحصیلی، ۱۲۱۵. سازماندهی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های فوق برنامه در زمینه گسترش تفکر و فرهنگ مهدویت، ص ۱۳۵
۱۲۲. مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل‌دهی جامعه مهدوی	معصومه صمدی	۱۲۲۱. ایجاد بصیرت در فراگیران نسبت به امام مهدی <small>علیه السلام</small> و بیان رسالت ایشان در برپایی حکومت عدل جهانی، ۱۲۲۲. سرلوحه اهداف قرار دادن حقیقت مهدویت، ص ۶۵، ۱۲۲۳. تبیین نقش‌های سازنده اعتقاد به مهدویت در جریان زندگی فردی، اجتماعی و تاریخی و

راهکارها	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	عنوان پژوهش
<p>مسئولیت شیعه در دوران غیبت، ۱۲۲۴. بازنگری عملکرد آموزش و پرورش در محتوا و روش، ص ۶۵، ۱۲۲۵. ارائه محتوای متناسب با فهم دانش‌آموز، ۱۲۲۶. معرفی کمالات و قابلیت‌های یاران حضرت در کتاب‌های درسی، ص ۶۸، ۱۲۲۷. نظریه‌سازی فرهنگ مهدویت و ارائه در کتاب‌های درسی، ص ۶۹، ۱۲۲۸. ایجاد ادبیات جدید در تبیین و انتشار مهدویت، ۱۲۲۹. جهت‌گیری و ترویج گفتمان تبلیغی در تشریح ادبیات و اهداف ظهور در سطوح مختلف جامعه به خصوص در مراکز علمی، دانشگاهی، اماکن مذهبی، نهادها و ارگان‌های متولی امور فرهنگی، ص ۷۰، ۱۲۳۰. برخورداری از تربیت مهدوی و باور به مهدویت سیاست‌گذاران آموزشی، ۱۲۳۱. طراحی برنامه‌های تعلیم و تربیت در دوحوزه تبیین و ترویج مهدویت، ص ۷۲</p>		
<p>۱۲۴۱. احیای فرهنگ مهدوی در جامعه و نهادینه‌سازی آن ص ۱۳۵</p>	<p>قنبرعلی صمدی</p>	<p>۱۲۴. بایسته‌های ظهور</p>
<p>۱۲۵۱. پرورش حس زیبادوستی و زیبایی‌خواهی در کودکان و نوجوانان برای تبیین زیبایی‌های حیات طبیعه مهدوی، ۱۲۵۲. تبیین و تفهیم غیبت، انتظار و ظهور و علل و عوامل مؤثر مربوط به هر کدام در مراکز آموزشی و رسانه ملی، ۱۲۵۳. بیان آموزه‌های اصیل مهدویت و انتظار متناسب با سطح مخاطبان، ۱۲۵۴. معرفی و تبیین مباحث مهدویت از تمام جوانب در مباحث و موضوعات درسی مختلف به فراخور موضوع، ۱۲۵۵. ارائه احادیث صحیح به افراد و تبیین آن به طور صریح، ص ۵۰</p>	<p>نوروزی، نجفی، هاشمی</p>	<p>۱۲۵. موانع و آفات انتظار</p>

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۲۶. شکل‌گیری بهاییت و پیوند با صهیونیسم	حسن لو	۱۲۶۱. شناخت دقیق مبانی و علل شکل‌گیری صهیونیسم و بهاییت برای برنامه‌ریزی و مقابله در مسائل فرهنگی و اجتماعی، ۱۲۶۲. شناسایی آسیب‌هایی که سبب نفوذ فرقه‌های انحرافی در بین جوانان و قشرهای اجتماعی شده و آماده‌سازی ابزارهایی برای مقابله و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتذال، ۱۲۶۳. به‌کارگیری تدابیر لازم توسط مسئولان فرهنگی برای مقابله با گرایش جوانان به مشروبات الکلی، مواد مخدر و آلودگی‌های جنسی، ۱۲۶۴. تربیت صحیح از دوران کودکی و در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، ۱۲۶۵. گرایش به فرهنگ اسلامی و تزریق آن در جامعه، از مهد کودک تا دانشگاه توسط مسئولان کشور، ۱۲۶۶. تربیت متولیان امین و متعهد فرهنگی، ۱۲۶۷. اطلاع‌رسانی در رسانه‌های عمومی در بازسازی فرهنگی و احیای هویت اسلامی، ۱۲۶۸. شناساندن فرقه‌ها برای روشن‌گری در قشر جوان، ۱۲۶۹. حرکت مراکز تبلیغی در مسیر بالا بردن عقلانیت جامعه با استفاده از سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> ، ص ۱۹۸
۱۲۷. بررسی آسیب‌های مهدویت‌گرایی	بیاری	۱۲۷۱. اجتماعی کردن افراد از همان کودکی با باور به حضرت مهدی <small>عجل‌الله‌فرجه</small> و عمق بخشی به آن، ص ۱۵۳
۱۲۸. موعودگرایی و جهانی شدن فرهنگی	درویشی متولی	۱۲۸۱. طراحی، تدوین و اجرای راهبردی قوی برای تبیین و عرضه نظریه موعودگرایی مهدوی، ۱۲۸۲. ترویج فرهنگ موعودگرایی به عنوان نقشه راه ملت‌ها برای دستیابی به صلح و توسعه، ۱۲۸۳. برقراری پیوند نظری بین نظریه‌های گفت‌وگویی تمدن‌ها و جهانی‌سازی مهدویت، ۱۲۸۴. شناسایی و همکاری با نخبگان دیگر کشورها به منظور تبیین نظریه موعودگرایی، ص ۷۵-۷۸

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۲۹. راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی	فیروزآبادی	۱۲۹۱. ترغیب اجتماعی مردم به مهدویت در راستای معرفت‌افزایی برای مسئولیت‌پذیری، ص ۵۷، ۱۲۹۲. تعهد و مجاهدت برای برپایی جامعه منتظر، ۱۲۹۳. قرارگیری همه راهبردها و کارکردهای دولت زمینه‌ساز بر پایه توسعه معنویت و موعودگرایی، ۱۲۹۴. التزام به طراحی، تبیین و استقرار برای فهم و مورد استفاده قرار گرفتن مکتب موعودگرایی و گسترش اشتیاق ظهور عدالت جهانی، ص ۶۰
۱۳۰. نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی	داوودپور	۱۳۰۱. نهادینه‌سازی فرهنگ انتظار به طور صحیح در مدارس، گروه‌های سیاسی و به طور کلی در جامعه، ص ۴۳
۱۴۰. راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، براساس مدل SWOT	پورسیدآقایی، قاسم‌زاده، عمرانی	۱۴۰۱. ساخت فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های مفید درباره مهدویت و افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای معرفی دکتین مهدویت به زبان‌های گوناگون
۱۴۱. شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار حکومت مهدوی براساس رویکرد استراتژیک	فروزنده، بهمنی، صفیان امیری	۱۴۱۱. اشاعه فرهنگ مهدویت از طریق آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها با بازنگری در سرفصل دروس و متون درسی و گنجاندن مباحث مهدویت، ۱۴۱۲. ساخت برنامه‌های ارزشی با رویکرد اسلامی و با تأکید بر مهدویت، ۱۴۱۳. ایجاد ساختاری مناسب و هماهنگ برای برنامه‌های اشاعه فرهنگ مهدویت در وزارتخانه‌های فرهنگی
۱۴۲. روش‌های اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر	دیرباز	۱۴۲۱. مرتبط ساختن تمامی جلسات و مجالس دینی به یاد حضرت، ۱۴۲۲. تهیه برنامه‌های مناسب درباره امام عصر <small>علیه السلام</small>

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۴۳. تبیین ضرورت‌های رویکرد راهبردی به آموزه مهدویت	عرفان	۱۴۳۱. تحول در شیوه‌های تبلیغ، ۱۴۳۲. فراهم‌سازی نظام آموزش مجازی مهدویت، ۱۴۳۳. تهیه متون آموزشی مهدویت برای مدارس کشور، ۱۴۳۴. تولید فیلم‌های مهدوی، ۱۴۳۵. تأسیس کرسی مهدی‌شناسی در دانشگاه‌ها، ۱۴۳۶. برگزاری دوره‌های مهدویت برای دانشجویان و پژوهش‌گران
۱۴۴. حکومت جهانی واحد رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی الهی	رهنمایی	۱۴۴۱. اطلاع‌رسانی کافی از طریق بیان روشن‌گرو توجه به تربیت مهدوی در نظام خانواده، آموزش و پرورش، نهادهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، کشوری و لشکری، ص ۸۳
۱۴۵. تحول مأموم، زمینه‌ساز ظهور	حاج محمدی	۱۴۵۱. پرورش خرد مردم به منظور ایجاد اراده اصلاح در درون مردم با استفاده از اقلام فرهنگی و مداحان، ص ۱۶۴
۱۴۶. بررسی رسالت‌ها و راهبردهای فرهنگی - تربیتی دولت زمینه‌ساز	کریم زاده، ملایی	۱۴۶۱. تلاش در ایجاد رغبت عمومی به حکومت مهدوی، ص ۲۰۵، ۱۴۶۲. برنامه‌ریزی دولت برای همه نهادهایی که به نحوی در تربیت نقش دارد در ارتباط با تربیت زمینه‌ساز ظهور، ص ۲۰۹، ۱۴۶۳. شناسایی، جذب و تربیت نیروهای مستعد مهدی‌باور، ص ۲۱۲، ۱۴۶۴. تهیه متون درسی مهدوی از دبستان تا دانشگاه، ص ۲۱۵
۱۴۷. زمینه‌سازی تربیتی مهدویت	احسانی	۱۴۷۱. تعلیم دعاتی مربوط به ظهور به فرزندان، ص ۸۷، ۱۴۷۲. پرورش فرزندان با فرهنگ مهدویت و آشناسازی آنان با امام زمان (عج)، ص ۸۸، ۱۴۷۳. شرکت دادن فرزندان در مراسمی که به نام حضرت برگزار می‌شود، ص ۸۹، ۱۴۷۴. استقرار فعالیت‌های نوشتاری، مطبوعاتی، هنری، سمعی و بصری بر محور ترویج فرهنگ مهدویت، ۱۴۷۵. استفاده از رسانه ملی برای آشنا سازی مردم با حضرت و تهیه فیلم‌های مناسب در این زمینه بر محور متون اسلامی، ص ۹۰

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۴۸. بایسته‌های ظهور	صمدی	۱۴۸۱. نهادینه‌سازی فرهنگ مهدوی، ص ۱۳۵، ۱۴۹۱. ایجاد بستر ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت با استفاده از رسانه ملی با رویکرد ایجاد عشق و محبت به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۴۹. طراحی فضای سناریوی ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی	موسویان	۱۴۹۲. زمینه‌سازی استدلالی برای آشنا کردن مخاطبان با جایگاه امام و ارائه اصول و مصادیق دشمن‌شناسی، ص ۱۷۱
۱۵۰. بسط گفتمان خوش فرجام‌انگاری جهان بر مبنای گفتمان فرج و موعودگرایی با عاملیت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران	احمدی	۱۵۰۱. تهیه و پخش برنامه‌ها و فیلم‌های سینمایی و پویانمایی مناسب برای مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج فرهنگ اصیل اسلامی و مهدوی برای مقابله با مفاسد اجتماعی و آشنایی تمامی اقشار جامعه با شخصیت امام، فلسفه غیبت و عوامل زمینه‌ساز، ۱۵۰۲. برگزاری مسابقاتی درباره آشنایی با امام برای کودکان و نوجوانان، ۱۵۰۳. تولید میان برنامه‌های متعدد مهدوی در همه شبکه‌های رسانه ملی و محدود نکردن به شبکه قرآن، ص ۱۴۳، ۱۵۰۴. تهیه، تأمین و پخش برنامه‌های متعدد در قالب‌های متعدد مستند، خبری، آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، سریال، سینما، مسابقات، گزارش‌ها و مباحثات علمی برای تبیین معارف مهدوی در شبکه‌های داخلی و بیرون مرزی، ص ۱۴۶
۱۵۱. اهداف دولت زمینه‌ساز	کریمی تبار	۱۵۱۱. طراحی همه فعالیت‌های فرهنگی بر اساس آموزه مهدویت، ص ۱۱۹، ۱۵۱۲. برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت در سطوح مختلف آموزشی، ۱۵۱۳. راه‌اندازی شبکه مهدویت در سطح داخلی و بین‌المللی، ص ۱۳۶، ۱۵۱۴. حمایت از مبلغان مهدویت، ۱۵۱۵. ارائه معارف مهدوی به جامعه از طریق

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
		دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های دولتی، ۱۵۱۶. برگزاری همایش‌های داخلی و بین‌المللی در زمینه مهدویت و حمایت ویژه دولت از آن‌ها، ص ۱۳۷، ۱۵۱۷. تألیف و تدوین کتاب‌ها و نشریات با بهره‌گیری از منابع اصلی و متقن شیعه برای گروه‌های مختلف سنی و قشرهای مختلف اجتماعی جهت آشناسازی افراد به وظایف و تکالیفشان درباره امام، ص ۱۳۸
۱۵۲. کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی	ربانی	۱۵۲۱. طرح مباحث مهدویت و انتظار امام زمان (عج) در کتاب‌های درسی دینی توسط آموزش و پرورش و پرداختن به مسائل اصلی و ریشه‌ای انتظار، ۱۵۲۲. استفاده از وسایل ارتباط جمعی در جامعه‌پذیر کردن فرهنگ انتظار، ۱۵۲۳. طرح مباحث و میزگردهایی درباره مهدویت و انتظار و آثار انتظار مثبت در وسایل ارتباط جمعی، ۱۵۲۴. طرح مباحثی درباره فرهنگ انتظار و مهدویت در قالب میزگردهای علمی، ۱۵۲۵. پخش دعاهای منسوب به حضرت مهدی (عج) همچون دعای ندبه، دعای عهد، زیارت آل یس و...، ۱۵۲۶. تهیه فیلم‌هایی با موضوع مهدویت و انتظار و آثار سازنده آن، ۱۵۲۷. چاپ و انتشار مجله‌هایی درباره بحث انتظار و مهدویت (اعم از ماه‌نامه و فصل‌نامه)
۱۵۳. تربیت ولایی؛ اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی	میرزا محمدی، رسولی	۱۵۳۱. تبیین، تفهیم و گسترش هرچه بیشتر مبانی روشن و دقیق حقیقت «ولایت» و وظایف انسان نسبت به آن در جامعه و بیدارسازی غافلان غیرمعاند، ۱۵۳۲. تألیف جامع مبانی تربیت دینی و «ولایت» به مثابه اصلی‌ترین مبنا در تربیت دینی توسط پژوهش‌گران و نخبگان دینی و دانشگاهی متعهد، ۱۵۳۳. تدوین و تألیف کتب آموزشی در سطوح گوناگون برای افراد مختلف متناسب با سطوح سنی و معنوی و معرفتی آن‌ها با مبانی یکسان، با گفتارها و

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
		زبان هرگروه، ۱۵۳۴. آموزش دادن و آشنا کردن معلمان، مربیان، استادان و مسئولان، ۱۵۳۵. گسترش رسمی معارف مربوطه در نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، ۱۵۳۶. تولید برنامه‌ها و انواع مختلف کارهای هنری در این زمینه و گسترش آن در نظام‌های آموزشی، ۱۵۳۷. تبیین، توصیف و حمایت هرچه بیشتر از طریق رسانه‌های جمعی برای عموم مردم
۱۵۴. مدرسه مهدوی	موسوی	۱۵۴۱. تدوین آموزش و پرورش با نگاه به مؤلفه مهدویت و انتظار و تأثیرگذاری مستقیم در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی، ص ۹۲، ۱۵۴۲. تأسیس مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱۱
۱۵۵. تأملی در هویت برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت <small>علیهم‌السلام</small>	ابراهیمی هرستانی، پیری	۱۵۵۱. قرار دادن تربیت زمینه‌ساز به عنوان روح حاکم بر نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۵۵۲. برگزاری دوره‌های معرفت‌افزایی برای معرفی دین اسلام و ائمه اطهار <small>علیهم‌السلام</small> و به ویژه حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small> برای همه دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران به ویژه دست‌اندرکاران آموزشی و فرهنگی، ۱۵۵۳. حمایت پژوهش‌گران حوزه مهدویت و علوم تربیتی برای تدوین برنامه‌های درسی تربیت زمینه‌ساز ظهور برای نظام آموزش و پرورش، ۱۵۵۴. توجه ویژه به تربیت معلمان در این راستا، ۱۵۵۵. تدوین محتوا و تألیف کتب درسی و همه مؤلفه‌های تربیت اسلامی بر اساس تربیت زمینه‌ساز ظهور، ۱۵۵۶. ارائه محتوای تربیت زمینه‌ساز به صورت تلفیقی در سایر کتب درسی به ویژه در کتاب‌های مربوط به ادبیات فارسی، علوم اجتماعی، تاریخ، هنر، عربی و توجه ویژه از لحاظ کمی و کیفی در کتاب‌های مربوط به تربیت اسلامی

در ادامه، راهکارها و روش‌های مربوط به نهادهای مرتبط طبقه‌بندی گردید؛ بدین منظور، ابتدا راهکارها و روش‌هایی که همپوشانی و تشابه معنایی و محتوایی با یکدیگر داشتند، تحت یک عنوان مشترک آمده و در نهایت با بررسی و تحلیلی که انجام شد، راهکارهای اساسی مربوط به نهادهای مسئول در این زمینه، مشخص گردید و روش‌های عملی کردن این راهکارها ارائه شد. این راهکارها بر اساس بیشترین فراوانی، نهاد آموزش و پرورش، خانواده، دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی، رسانه ملی، مساجد، هیئت‌ها، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. این راهکارها و روش‌ها به این صورت طبقه‌بندی شده‌اند که در پژوهش‌ها به آن‌ها اشاره گردیده بود. در ادامه راهکارهای و روش‌های مربوط به نهادها و فراوانی آن‌ها ارائه می‌شود.

نهاد آموزش و پرورش

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد آموزش و پرورش با فراوانی ۴۲ در جدول ۲، نشان داده شده است.

جدول ۲. راهکارهای مربوط به نهاد آموزش و پرورش

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۲۱	ترغیب نخبگان برای تدوین نظریه	تحول
۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵	برنامه درسی تربیت زمینه‌ساز ظهور	بنیادین در
۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰	برای نظام آموزش و پرورش، استفاده	نظام
۱۲۳۱، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳	از آن به عنوان روح حاکم بر نظام	آموزش و
۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵	آموزش و پرورش، تربیت مهدوی	پرورش بر
۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۴۱۱	همه دست‌اندرکاران از	اساس
۱۴۳۳، ۱۴۶۴، ۱۵۲۱، ۱۵۳۳	سیاست‌گذاران تا معلمان و تبیین،	رویکرد
۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷	توصیف و کسب حمایت هرچه	تربیت
۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۵۱، ۱۵۵۳	بیشتر عموم مردم از طریق	زمینه‌ساز
۱۵۳۲، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶	رسانه‌های جمعی برای استقرار این	
۱۲۱۱	نظام	

بیشترین راهکار برای نهاد آموزش و پرورش ارائه شده است که بیان‌گر این است که از دیدگاه پژوهش‌گران این حوزه، نهاد آموزش و پرورش رسالت بیشتری در تربیت زمینه‌ساز دارد و در این زمینه باید نقش خود را بهتر ایفا کند. نهاد آموزش و پرورش حدود ده میلیون دانش‌آموز شیعه دارد که اگر به وظیفه خود به خوبی عمل کند، این معارف وارد خانواده‌ها می‌شود و باعث بهره‌گیری هر چه بیشتر جامعه از آن می‌گردد.

آگاه‌سازی خانواده در این زمینه می‌تواند باعث هم‌افزایی در تربیت زمینه‌ساز دانش‌آموزان شود. لازمه عملی شدن این راهکارها، اتخاذ نگرش مؤمنانه به قرآن و عترت علیهم‌السلام توسط مسئولان آموزش و پرورش است. کسب معرفت حقیقی به ائمه اطهار علیهم‌السلام ضروری است.

با توجه به این که هویت برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم‌السلام تربیت زمینه‌ساز ظهور است، توجه به این راهکارها متضمن تربیت اسلامی دانش‌آموزان و تحقق هدف غایی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است^۱. در این راستا با توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی، ضروری است آموزش و پرورش برای عمل به رسالت خود، به عملی کردن راهکارها و روش‌های اشاره شده همت گمارد.

نهاد خانواده

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد خانواده با فراوانی ۳۸ در جدول ۳، نشان داده شده است.

۱. گفتنی است طبق قانون، اقلیت‌های دینی در نظام آموزش و پرورش با توجه به دین خود، کتاب‌های ویژه در تربیت دینی دارند.

جدول ۳. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد خانواده با فراوانی ۳۸

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۶۲، ۱۱۶۱	توجه به انتخاب همسر، لقمه حلال قبل و بعد از	کسب معرفت به
۱۱۷۲، ۱۱۷۱	تولد فرزندان، رعایت آداب زمان انعقاد نطفه،	حضرت
۱۱۷۴، ۱۱۷۳	آداب بارداری، نام‌گذاری برای فرزندان، آداب	مهدی <small>علیه السلام</small> و
۱۱۷۶، ۱۱۷۵	شیردادن در ارتباط با مودت به امام زمان <small>علیه السلام</small>	منتظر بودن و
۱۱۷۸، ۱۱۷۷	الگو بودن والدین در محبت به حضرت و	تربیت فرزندان
۱۱۸۰، ۱۱۷۹	ترغیب فرزندان و ایجاد انگیزه با بیان	منتظر و محب
۱۱۸۲، ۱۱۸۱	زیبایی‌های دوران ظهور حضرت متناسب با	حضرت
۱۱۸۴، ۱۱۸۳	فهم آنان از کودکی تا بزرگسالی، توجه به مسائل	
۱۱۸۶، ۱۱۸۵	بلوغ جنسی نوجوانان و جوانان، گرایش دادن	
۱۱۹۱، ۱۱۸۷	فرزند به الگوهای خوب در دوستان، آشنایان و	
۱۱۹۳، ۱۱۹۲	محیط‌های آموزشی، تشویق اقدامات مربوط به	
۱۱۹۵، ۱۱۹۴	محبت حضرت، مداومت در توسل به حضرت و	
۱۱۹۷، ۱۱۹۶	برگزاری جلسات یاد ایشان در منزل، حضور در	
۱۱۹۹، ۱۱۹۸	مکان‌ها و مجالس مربوط به امام عصر <small>علیه السلام</small>	
۱۲۰۲، ۱۲۰۱	اخلاص در عمل تربیتی و دعا به فرزندان برای	
۱۲۰۴، ۱۲۰۳	ایجاد محبت، بیان ویژگی‌های حضرت در	
۱۲۰۶، ۱۲۰۵	قالب داستان و کتاب ولوح فشرده، ایجاد روابط	
۱۴۷۱، ۱۴۷۰	خانوادگی با صالحان، ترویج فرهنگ صدقه	
۱۴۷۳، ۱۴۷۲	برای سلامت حضرت جهت ایجاد رابطه قلبی، تعلیم دعا‌های مربوط به ظهور برای فرزندان	

نخستین نهاد تربیتی که هرانسانی در آن قرار می‌گیرد، نهاد خانواده است. راهکارهای مربوط به خانواده بیان‌گر این است که زن و مرد برای عمل به وظیفه خود در تربیت زمینه‌ساز، باید از همان ابتدا که تصمیم به تشکیل خانواده می‌گیرند، به این راهکارها توجه کنند و از ابتدا در انتخاب همسر دقت نمایند که عشق و محبت به حضرت مهدی علیه السلام در او نهادینه شده باشد و به طور مداوم برای معرفت‌افزایی به امام زمان علیه السلام تلاش کنند و از منتظران حقیقی باشند. سپس همه اقدامات زندگی خود را بر پایه مودت به حضرت مهدی علیه السلام بنا گذارند و به تربیت خود و فرزندان در

این زمینه همت گمارند و الگوی فرزندان باشند. خانواده و مدرسه با عمل به وظیفه خود، عملکرد یکدیگر را تقویت کنند.

نهاد دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی با فراوانی ۳۸ در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۳۱، ۱۱۲۲	استقرار فعالیت‌های نوشتاری،	معرفت‌افزایی همه
۱۵۱۱، ۱۱۲۳، ۱۵۱۷	مطبوعاتی، هنری، سمعی و بصری بر	دست‌اندرکاران نظام
۱۴۷۴، ۱۴۴۱	محور ترویج فرهنگ مهدویت،	جمهوری اسلامی
۱۴۶۲، ۱۵۱۶	اجتماعی نمودن افراد از همان کودکی با	ایران به ویژه
۱۵۲۷، ۱۵۳۱	باور به حضرت مهدی <small>عج</small> و	دست‌اندرکاران
۱۴۱۳، ۱۱۳۲	عمق بخشی به آن، ترغیب اجتماعی	آموزشی و فرهنگی به
۱۲۸۴، ۱۲۸۳	مردم به مهدویت در جهت	حضرت مهدی <small>عج</small> و
۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳	معرفت‌افزایی برای مسئولیت‌پذیری،	فرهنگ مهدویت و
۱۲۹۴، ۱۳۰۱، ۱۵۵۲	انتخاب مباحث امیدبخش و رعایت	تعهد و مجاهدت
۱۲۲۹، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳	اصول تعیین محتوا برای نهادینه‌سازی	برای نهادینه‌سازی
۱۲۶۱، ۱۴۳۲، ۱۲۴۱	و درونی‌سازی این ارزش، تألیف و	فرهنگ انتظار در
۱۲۷۱، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲	تدوین کتاب‌ها و نشریات با بهره‌گیری	جامعه و ترویج
	از منابع اصلی و متقن شیعه برای افراد	فرهنگ موعودگرایی
	در سنین مختلف و قشرهای گوناگون	به عنوان نقشه راه
	اجتماعی برای آشناسازی افراد به	ملت‌ها برای
	وظایف و تکالیفشان درباره امام،	دستیابی به صلح و
	اطلاع‌رسانی کافی از طریق بیان روشن‌گر	توسعه و اساس کار
	و توجه به تربیت مهدوی در نظام	قرار دادن تربیت
	خانواده، آموزش و پرورش، نهادهای	زمینه‌ساز در همه
	فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی،	اقدامات فرهنگی با
	کشوری و لشکری، حمایت ویژه دولت	طراحی، تدوین و
	از بزرگاری همایش‌های داخلی و	اجرای راهبردی قوی
	بین‌المللی در زمینه مهدویت، چاپ و	در تربیت زمینه‌ساز و

<p>توجه به برنامه ریزی برای همه نهادهایی که به نحوی در تربیت و فرهنگ نقش دارند</p>	<p>انتشار مجله‌هایی درباره بحث انتظار و مهدویت (اعم از ماه‌نامه و فصل‌نامه)، ایجاد ساختاری مناسب و هماهنگ برای برنامه‌های اشاعه فرهنگ مهدویت در وزارتخانه‌های فرهنگی، برگزاری دوره‌های مهدویت و ترویج گفت‌وگو در سطوح مختلف جامعه، شناسایی علل نفوذ فرقه‌های انحرافی در جامعه، آماده‌سازی ابزارهایی برای مقابله و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتدال، اتخاذ تدابیر لازم برای مقابله با گرایش جوانان به مشروبات الکلی، مواد مخدر و آلودگی‌های جنسی، شناخت دقیق از دشمنان برای برنامه‌ریزی و مقابله در مسائل فرهنگی و اجتماعی، فراهم‌سازی نظام آموزش مجازی مهدویت</p>
--	--

دولت و سازمان‌های فرهنگی - تربیتی، وقتی مهدی‌یاور می‌شوند که مهدی‌باور باشند. هنگامی که مهدی‌باور شدند، نه تنها در همه اقدامات فرهنگی و تربیتی، به تربیت زمینه‌ساز ظهور توجه می‌کنند و این امر محور اقدامات قرار می‌گیرد، بلکه در سایر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات نیز از زمینه‌سازی برای ظهور غافل نمی‌شوند. دولت و سازمان‌های فرهنگی - تربیتی برای عمل به تربیت زمینه‌ساز ظهور، ابتدا باید نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام و به خصوص حضرت مهدی علیه‌السلام و جایگاه آن‌ها در هدایت انسان‌ها، معرفت لازم را کسب نمایند. در این صورت وظیفه خود را درک می‌کنند و می‌توانند برای تربیت زمینه‌ساز ظهور با توجه به راهکارها و روش‌های اشاره شده، اقدام کنند.

نهاد رسانه ملی

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد رسانه ملی با فراوانی ۲۵ در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد رسانه ملی با فراوانی ۲۵

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۴۱، ۱۱۴۱، ۱۱۵۱، ۱۴۰۱، ۱۴۱۲، ۱۴۲۲، ۱۴۳۴، ۱۴۷۵، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۱۵، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶، ۱۵۲۵، ۱۲۵۲، ۱۵۱۳	تهیه، تأمین و پخش برنامه‌های متعدد و متنوع مانند دعاها، مستند، خبری، آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، سریال، سینما، مسابقات، میزگردها، پویانمایی مناسب برای مقاطع سنی مختلف، گزارش‌ها و بحث‌های علمی در همه شبکه‌های داخلی و بیرون مرزی، افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای به زبان‌های مختلف، راه‌اندازی شبکه مهدویت در سطح داخلی و بین‌المللی	کسب معرفت لازم به معارف مهدوی و ارائه این معارف برای تمامی اقشار جامعه بر محور متون اسلامی با رویکرد تربیت زمینه ساز ظهور

رسانه ملی به عنوان نهادی که از آن به عنوان دانشگاه عمومی یاد می‌شود و بیشتر افراد جامعه را پوشش می‌دهد، نقشی بسیار مهم در تربیت زمینه ساز ظهور در داخل و خارج کشور می‌تواند ایفا کند. لازمه عملی کردن این راهکارها، این است که دست اندرکاران رسانه ملی، معرفت لازم به ائمه اطهار و امام زمان علیه السلام کسب کنند و از این طریق، به وظیفه خود در این زمینه آگاه می‌شوند و در این صورت، لحظه‌ای از این رسالت مهم غافل نخواهند شد. راهکارهای بالامی‌تواند برای رسانه ملی در عمل به رسالت خود، مفید باشد.

نهاد‌های مساجد، هیئت‌ها و حوزه‌های علمیه

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد‌های مساجد، هیئت‌ها، حوزه‌های علمیه با فراوانی ۱۷ در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. راهکارها و روش‌های مربوط به نهادهای مساجد، هیئت‌ها و حوزه‌های علمیه با فراوانی

۱۷

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۰۹، ۱۴۳۱، ۱۴۵۱، ۱۴۸۱، ۱۱۱۱، ۱۴۲۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۱، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۱۰، ۱۱۲۱، ۱۴۶۳، ۱۵۱۲، ۱۵۱۴، ۱۴۶۱، ۱۲۶۹	برگزاری مراسم‌های مختلف در طول سال درباره امام، مرتبط ساختن تمامی جلسات و مجالس دینی به یاد حضرت، برگزاری سخنرانی درباره مهدویت در مناسبت‌های مختلف، برگزاری برنامه‌های ویژه نیمه شعبان همچون احیاء در شب نیمه شعبان و برگزاری جشن و اطعام، برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت در سطوح مختلف آموزشی، استفاده از اقلام فرهنگی، شناسایی، جذب، حمایت و تربیت نیروهای مستعد مهدی باور و مداحان برای اخذ صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برای مبلغ مهدویت و توجه به شیوه‌های تبلیغ مناسب برای پرورش خرد مردم در این راستا	ایجاد رغبت عمومی به منظور ایجاد اراده اصلاح در درون مردم و نهادینه‌سازی فرهنگ انتظار و تربیت مهدی‌یاوران

از آن جا که خداوند مودت ائمه اطهار علیهم‌السلام را بر مسلمانان واجب کرده و در رأس اصول و فروع دین قرار داده است و پذیرش سایر اعمال عبادی منوط به مودت به ائمه اطهار علیهم‌السلام است، مودت حضرت مهدی علیه‌السلام زمینه‌سازی برای ظهور به شمار می‌رود که تبلور زمینه‌سازی برای ظهور در تربیت زمینه‌ساز است. بنابراین ضروری است که اساس اقدامات نهادهای مذکور، تربیت زمینه‌ساز ظهور باشد.

دانشگاه‌ها

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دانشگاه‌ها، با فراوانی ۵ در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دانشگاه‌ها

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۰۸، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۱۱، ۱۵۳۵	بازنگری در سرفصل دروس و متون درسی معارف دانشگاه و گنجاندن مباحث مهدویت در این کتاب‌ها، تأسیس کرسی مهدی‌شناسی در دانشگاه‌ها، برگزاری دوره‌های مهدویت برای دانشجویان	اشاعه فرهنگ مهدویت در دانشگاه‌ها و متوجه کردن دانشگاهیان به حکومت جهانی آینده

بیشتر دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران در سطوح مدیریتی و اجرایی مختلف، از دانشگاه‌ها به این جایگاه‌ها رسیده‌اند و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها با قشر عظیمی از ملت در ارتباط و در جامعه تأثیرگذارند. بنابراین توجه به تربیت زمینه‌ساز برای دانشگاهیان می‌تواند در کل جامعه اثرگذار باشد. توجه دست‌اندرکاران به این راهکارها می‌تواند در تربیت زمینه‌ساز که لازمه تحقق دانشگاه اسلامی است، مفید واقع شود.

نتیجه

با توجه به فراگیر شدن ناتوی فرهنگی دشمن در مقابله با فرهنگ مهدویت، تربیت زمینه‌ساز بسیار مهم است و مسئولیت تربیت زمینه‌ساز ظهور نیز همچون دیگر امور جامعه اسلامی بر عهده حکومت اسلامی قرار دارد. در دین اسلام مودت به اهل بیت علیهم‌السلام واجب است و رسیدن به توحید و دیگر اصول دین و پذیرش اعمال مربوط به فروع دین، به سبب مودت به ائمه اطهار علیهم‌السلام است. عمل به مودت امام زمان عجل‌تعالیه تربیت زمینه‌ساز ظهور است و بر هر مسلمانی واجب است. جامعه‌ای اسلامی است که برای تربیت زمینه‌ساز به گونه‌ای صحیح اقدام کند.

متأسفانه در نظام آموزش و پرورش به مهدویت بسیار کم توجه می‌شود، در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران هنوز جایگاه و اهمیت تربیت مهدوی دانش‌آموزان با وجود اهمیت بسیار آن، درک نشده است و مسئولان، آن گونه که

شایسته است به وظیفه خود عمل نمی‌کنند.

با توجه به این که اصلاح هر جامعه‌ای به اصلاح آموزش و پرورش آن جامعه است، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان جامعه‌ای که به منظور زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام انقلاب کرده است، مجاهدت در استقرار نظام آموزش و پرورش بر اساس رویکرد تربیت زمینه‌ساز، بسیار اهمیت دارد.

به رغم تأکیدهای مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، تلاش‌های بسیاری در وزارت آموزش و پرورش در زمینه تدوین اسناد بالادستی صورت گرفته است، اما متأسفانه مشاهده و بررسی اسناد آموزش و پرورش بیان‌گر کم‌توجهی به تربیت زمینه‌ساز است. علت این وضعیت، این است که به تربیت آن‌گونه که در قرآن و عترت علیهم السلام مطرح است، نپرداخته‌اند (میرزا محمدی و رسولی: ۱۳۸۹). این بی‌توجهی، حتی در حجم انبوه پژوهش‌های مربوط به تربیت اسلامی که در توصیف از تربیت اسلامی ارائه شده، مشهود است. در بیشترین پژوهش‌ها، به جایگاه تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام که خداوند در قرآن فرموده، توجه نشده است و توجه به تربیت زمینه‌ساز ظهور به عنوان روح حاکم بر نظام تربیت اسلامی مغفول مانده است. در بیشتر پژوهش‌ها به ارائه دیدگاه درباره فرایندها و مفاهیم در تربیت اسلامی تأکید شده است ولی از تربیت زمینه‌ساز ظهور که تبلور تربیت اسلامی در آن است، غافل شده‌اند.

پژوهش‌ها بر ضعف عملکرد نهادهای تربیتی در تربیت زمینه‌ساز ظهور اذعان دارند. توجه به این راهکارها، یاری‌رسان نهادهای تربیتی جامعه، در عمل به رسالت عظیم تربیت زمینه‌ساز ظهور است.

لازمه فعالیت و اقدام در تربیت زمینه‌ساز ظهور، کسب معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام بر اساس قرآن و عترت است و سپس تحول بنیادین در نظام‌های تربیتی - فرهنگی جامعه، با این رویکرد که تربیت زمینه‌ساز ظهور در رأس سایر اقدامات نظام اسلامی در بعد تصمیم‌گیری و اجرا در جنبه‌های مختلف تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قرار گیرد.

منابع

- احسانی، محمد، «زمینه‌سازی تربیتی مهدویت»، مجله معرفت، سال بیستم، ش ۱۶۰، ۱۳۹۰ ش.
- احمدی، ظهیر، «بسط گفتمان خوش فرجام‌انگاری جهان بر مبنای گفتمان فرج و موعودگرایی با عاملیت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، ش ۱۸، ۱۳۹۰ ش.
- باهنر، ناصر؛ صمدی، مجتبی، «بررسی مؤلفه غایت‌شناختی الگوی هنجاری رسانه‌های جدید اسلامی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال چهارم، ش ۱۶، ۱۳۸۹ ش.
- بیاری، علی‌اکبر، «بررسی آسیب‌های مهدویت‌گرایی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- بیاری، علی‌اکبر؛ چراغی، اسماعیل، «نقش خانواده در انتقال محبت حضرت مهدی (عج) به فرزندان»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
- پورسیدآقایی، سیده زهرا، «بررسی تطبیقی شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۲، ۱۳۸۸ ش.
- پورسیدآقایی، سید محسن و دیگران، «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال چهارم، ش ۱۵، ۱۳۸۹ ش.
- پورسیدآقایی، سید مسعود، «دولت زمینه‌ساز»، مجله انتظار موعود، ش ۱۵، ۱۳۸۴ ش.
- تصدیقی، محمدعلی و فروغ، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی

ایران»، *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.

- جوانمردی و پورشافعی، «مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام و دلالت های آن در آموزش متوسطه»، *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.

- حاج محمدی، علی، «ارزش های خبری در حاکمیت موعود»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال چهارم، ش ۱، ۱۳۸۹ ش.

- حاج محمدی، علی، «تحول مأموم، زمینه ساز ظهور»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.

- حسن لو، امیرعلی، «شکل گیری بهائیت و پیوند با صهیونیسم»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۶ ش.

- حسینی، افضل السادات، «راهبردهای اساسی و روش های کارآمد در برنامه های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش آموزان»، *خلاصه مقاله های همایش آسیب شناسی تربیت دینی*، ۱۳۸۰ ش.

- داوودپور، مرتضی، «نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه های سیاسی - اجتماعی»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.

- درویشی متولی، حسین، «موعودگرایی و جهانی شدن فرهنگی»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.

- دیرباز، عسکر، «روش های اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر»، فصل نامه *پژوهش های مهدوی*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۹۰ ش.

- ربانی، محمدصادق، «کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی»، *مجله انتظار موعود*، ش ۲۵ - ۲۶، ۱۳۸۷ ش.

- رهنمایی، سید احمد، «تربیت دینی، اصلاحات، مشکلات و آسیب ها»، *مجله*

- تربیت اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- _____، «حکومت جهانی واحد رویارویی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- _____، «مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان علیه السلام با تأکید بر خانواده»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال یازدهم، ش ۱۰، ۱۳۸۹ ش.
- سعیدی رضوانی، محمود، «بررسی وضع مطلوب و موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان و تبیین آن با توجه به عوامل درون دادی و فرایندی، اسناد بالادستی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش»، www.sanad.ir، ۱۳۸۹ ش.
- _____، سعیدی رضوانی، محمود؛ بیهقی، تقی، «تأملی درباب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی»، *تربیت اسلامی (ویژه آسیب شناسی تربیت دینی)*، ۱۳۳ - ۱۰۵، ۱۳۸۰ ش.
- _____، شیروزی، مرتضی، «مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشیریت»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
- _____، صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام*، قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ ق.
- _____، صمدی، قنبرعلی، «بایسته های ظهور»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دوم، ش ۵، ۱۳۸۷ ش.
- _____، صمدی، معصومه، «مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی»، *مجله علوم انسانی*، سال پانزدهم، ش ۶۶، ۱۳۸۷ ش.
- _____، طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- _____، عرفان، امیرمحسن، «تبیین ضرورت های رویکرد راهبردی به آموزه مهدویت»، فصل نامه *پژوهش های مهدوی*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۹۰ ش.

- عصاره، علیرضا، «کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ۱۳۸۰ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)*، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة الاسلامیة، بی‌تا.
- فروزنده، لطف‌الله و دیگران، ۱۳۹۰. شناسایی عوامل موثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، شماره ۱۹
- فیروزآبادی، سید حسن، «راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
- فیض کاشانی، محسن، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
- _____، «وظایف سازمان‌ها و نهادها در ترویج فرهنگ مهدویت»، مجله *انتظار موعود*، ش ۵، ۱۳۸۲ ش.
- قلی‌زاده برهانی، لیلا، «بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درس دینی به هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهرا - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳۸۵ ش.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ ش.
- کریم‌زاده، اصغر؛ ملایی، حسن، «بررسی رسالت‌ها و راهبردهای فرهنگی - تربیتی دولت زمینه‌ساز»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- کریمی‌تبار، مریم، «اهداف دولت زمینه‌ساز»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق*

- موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دوم، ش ۶، ۱۳۸۷ ش.
- کشاورز، سوسن، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دوفصل‌نامه تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۶، ۱۳۸۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
- مرزوقی، رحمت‌الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دوفصل‌نامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- معین‌الاسلام، مریم، «چشم‌اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، مجله انتظار موعود، ش ۱۱ - ۱۲، ۱۳۸۳ ش.
- ملکی، حسن، «تعلیم و تربیت دینی: برنامه‌ریزی و آموزش»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ۱۳۸۰ ش.
- مهرمحمدی، محمود، *برنامه‌دستی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*، مشهد، به‌نشر، ۱۳۹۰ ش.
- مهرمحمدی، محمود؛ صمدی، پروین، «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، سال دوم، ش ۳، ۱۳۸۲ ش.
- موسوی، سیدمهدی، «مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز ظهور»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- موسویان، سیدمرتضی، «طراحی فضای سناریوی ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، ش ۱۸، ۱۳۹۰ ش.
- میرزاحمدی، محمدحسن؛ رسولی، رحیمه، «تربیت ولایی، اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی»، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۹ ش.

- نجفی لیواری، مریم؛ محمدنیا، نرگس، «واکاوی شاخصه‌های خانواده منتظر»، مجله معرفت، سال بیست و یکم، ش ۱۷۶، مرداد ۱۳۹۱ ش.
- نساجی زواره، اسماعیل، «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- نوروزی، رضاعلی و دیگران، «موانع و آفات انتظار»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، ش ۱۷، ۱۳۹۰ ش.

چیستی و چرایی «سبک زندگی» و نسبت آن با دین و مهدویت

سیدرضی موسوی گیلانی*

چکیده

«سبک زندگی» به معنای مجموعه رفتارهایی برآمده از نگرش‌ها، هنجارها و باورهای فردی و اجتماعی است. سبک زندگی در هر جامعه‌ای شخصیت و هویت فردی و جمعی را آشکار می‌سازد، به طوری که می‌توان تمایز فرهنگی و تمدنی جوامع را با یکدیگر براساس سبک زندگی آنان تشخیص داد. این نگرش‌ها و باورها در هر جامعه متأثر از عوامل متفاوتی می‌تواند باشد که در جامعه دینی، برآمده از مجموعه عوامل تمدنی است که یکی از اساسی‌ترین آن‌ها، باورداشت به آموزه‌های دینی است. افزون بر این، در جوامع شیعی اعتقاد به مفهوم امامت و مهدویت، به ویژه مفهوم غیبت در عصر فقدان امام معصوم نیز از جمله مهم‌ترین جهت‌گیری‌های اعتقادی را در سبک زندگی تشکیل می‌دهد. این نوشتار درصدد است جایگاه و ضرورت در نظرگرفتن این مؤلفه اعتقادی را در سبک زندگی شیعیان در عصر غیبت مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، مهدویت، عصر غیبت، گفتمان دینی، شریعت.

* استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه غیرانتفاعی هنر و اندیشه اسلامی قم
(s-razi2003@yahoo.com)

سبک زندگی^۱ به معنای شیوه رفتاری فرد یا گروه در الگوهای متفاوت زندگی است و سبک زندگی گروهی و جمعی به معنای وفاداری عمومی و همگانی افراد جامعه به مجموعه‌ای از شیوه‌ها، عادات، سلیقه‌ها، علایق و تنفرهاست که این مجموعه رفتارها نمادی از نگرش‌ها، هنجارها و باورهای جمعی و نظام‌مند در میان افراد جامعه است و افراد یک جامعه را از افراد دیگر جوامع متمایز می‌کند؛ رفتارهایی که در میان توده مردم نهادینه شده است و به صورت یک سنت و شیوه رفتاری در میان اعضای جامعه حضور دارد. منظور از سبک زندگی مجموعه الگوهای انسان در اعمال، احساسات، عواطف و افکار است؛ الگوی افراد در اموری همچون لباس، غذا، تفریحات، روابط با یکدیگر، طلاق و ازدواج، معیشت و کسب و کار، مسکن، معماری و شهرسازی، هنر و ادبیات و امثال آن‌ها. در واقع سبک زندگی، رفتار فرد یا جامعه را از رفتار افراد یا جوامع دیگر متمایز می‌سازد و بیان‌گر شیوه‌های گوناگون فرهنگی است.

انسان‌ها گاه با وفاداری و تعلق به گروه‌ها و نهادهای کوچک همچون خانواده، طایفه، گروه همسالان، گروه هم‌شغلی‌ها و امثال آن‌ها از قوانین، روش‌ها، رسوم و عادات و سبک و شیوه خاصی در رفتار برخوردارند و گاه سرزمین یک کشور، به افراد هویت مشترک می‌دهد و افراد جامعه به وسیله آن، سبک و شیوه مشترک زندگی خود را برمی‌گزینند، به گونه‌ای که انسان‌ها با همزیستی بر اساس نژاد، زبان، قبیله، مذهب، جغرافیا، ملیت، نوع حکومت و دیگر عوامل زندگی جمعی، ناخودآگاه از سبک زندگی یکسان و مشترک برخوردار می‌شوند، به طوری که با بررسی جوامع گوناگون بر اساس عناصر پیشین، رفتارها و سبک زندگی مشترک میان توده مردم شکل می‌گیرد. نگاهی به شیوه و سبک زندگی انسان‌ها در کشورها و جوامع متفاوت گویای این است که چگونه افراد در طول زمان در هر جامعه، شیوه یکسان

1. Life style

رفتاری داشته‌اند و نسبت به دیگر جوامع متفاوت می‌شوند. به نظر می‌رسد عوامل مذکور تا حد زیادی در ایجاد هویت واحد و سبک زندگی یکسان مؤثر است و در دسته‌بندی و تفکیک جوامع به ماکمک می‌کند. افزون بر عوامل یادشده، حتی گذر زمان و ویژگی‌های هر دوره در به وجود آمدن سبک خاص زندگی نیز مؤثر است؛ برای مثال، سبک زندگی انسان‌ها در دوران مدرن یا پسامدرن با ویژگی‌های انسان ماقبل مدرن و پیش از دورهٔ رنسانس یا شکل‌گیری عصر مدرنیته متفاوت است. در دورهٔ مدرنیته، صنعت و تکنولوژی یا رسانه‌ها بر زندگی انسان و سبک و شیوهٔ زیست او اثرگذار بود و به وجود آمدن وسایل صنعتی و رفاهی به شدت برکنش و رفتار انسان تأثیر نهاد، به طوری که استفاده از وسایل صنعتی همچون یخچال، تلویزیون، فاکس، تلفن، خودرو و هواپیما، و در دورهٔ پسامدرن کاربرد امکانات رسانه‌ای همچون کامپیوتر، ماهواره، اینترنت و امثال آن‌ها الگوی خاصی از شیوهٔ زندگی را در میان تودهٔ مردم به وجود آورد که با دوره‌های پیشین خود بسیار متمایز است. استفاده از وسایل صنعتی و فراصنعتی در دوران مدرن و پسامدرن در تحصیل، برنامه‌های روزانه، تعامل و مناسبات افراد خانواده و خویشان، تفریحات و سرگرمی‌ها، رفتارهای مذهبی، لباس، آداب معاشرت، اوقات فراغت، شیوهٔ غذا خوردن، طرز سخن گفتن و محاوره، تربیت کودکان و دیگر امور، تغییراتی جدی به وجود آورد و شیوهٔ زندگی او را از جهت رفتاری، احساسی، عاطفی، اندیشه و تخیل نسبت به گذشته متفاوت ساخت.

اندیشمندان علوم اجتماعی بر این باورند که گاه سبک زندگی می‌تواند علاوه بر بیانی از وضعیت دوران، بیان‌گر طبقهٔ اجتماعی فرد باشد؛ برای مثال، وقتی فردی لباسی گران‌قیمت می‌پوشد و غذاهای اشرافی می‌خورد، با این شیوه می‌خواهد طبقه، گروه اجتماعی یا خانوادگی خویش را به رخ دیگران بکشد و این شیوه، نمادی برای بیان مفاهیم دیگر به شمار می‌رود.

براین اساس برخی اندیشمندان بر این باورند که سبک زندگی یکی از مهم‌ترین

راهکارهای شناخت خودی از بیگانه است و سبب می شود افراد همسو و همفکر را از افراد غیر همسو تشخیص دهیم. به ویژه در دوران پسامدرن که تکثرگرایی و یکسان‌گرایی از ویژگی‌های آن است و شخصیت آدم‌ها چندپاره، چهل‌تکه و برآمده از فرهنگ‌های گوناگون و گاه متضاد است (شایگان، ۱۳۸۴: ۱۴)، مسئله سبک زندگی راهکاری در وحدت بخشی افراد جامعه به شمار می‌آید. از این رو، ماکس وبر معتقد است سبک زندگی ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی است که به گروه احساس هویت جمعی می‌بخشد (توسلی، ۱۳۷۳: ۶۲).

تأثیر آموزه‌های دینی بر شکل‌گیری تمدن اسلامی

به نظر می‌رسد شکل‌گیری تمدن اسلامی در فرهنگ اسلامی به این صورت نبوده است که حضرت محمد ﷺ صنف‌های گوناگون فرهنگی را گرد آورد و برای هر گروه، جلسه‌ای جداگانه بگذارد و توصیه‌های خاصی متناسب با شغلشان ارائه دهد؛ برای مثال بگوید: روزهای دوشنبه اهل هنر بیایند تا با آن‌ها سخن گفته شود، یا این‌که روزهای سه‌شنبه صنعت‌گران بیایند و... البته وجود اصحاب سر و طرح سخنان گران‌بهای حکمی برای عده‌ای مخصوص در نزد پیشوایان دینی دلیل دیگری داشته و آن این است که این دسته از سخنان، برای توده مردم مناسب نبوده است و باید به افراد خاص گفته می‌شد. از این رو تا به امروز عرفان، راهکاری خاص برای عده‌ای ویژه است و از عمومی شدن آن پرهیز می‌شود. اما در دیگر عرصه‌های زندگی، شیوه پیامبر اسلام ﷺ این چنین بوده است که ایشان در گام نخست تلاش کرد با تکیه بر معارف و مبانی اسلامی، در انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مسلمانان تحولی به وجود آورد و نخستین کاری که پیامبر در شکل‌دهی تمدن اسلامی به آن همت گمارد، این است که کوشید اندیشه، رفتار و احساس مسلمانان را تغییر دهد، به طوری که با این تحول، فرهنگ اسلامی بدون نظارت شخص پیامبر اسلام ﷺ به سمت فرم و اسلوبی ویژه رفت که به

شکل‌گیری فرهنگ خاصی انجامید که گاه از آن به تمدن اسلامی تعبیر می‌شود. در واقع آموزه‌های اسلامی سبب جهت‌گیری به سمت وسویی شد که مسلمانان و یا به تعبیر عالمان دینی، متشرعه، هنر و ویژه‌ای را برگزیدند؛ معماری خاصی را شکل دادند، در مناسبات و اقتصاد به سوی رفتار، خرید و فروش و تجارت خاصی حرکت کردند و در همه عناصر فرهنگ، جهت‌گیری ویژه‌ای پیدا کردند که این امر با سنجش تمدن اسلامی با تمدن مسیحی یا تمدن سکولار خود را بازمی‌نمایاند. برای مثال، مسلمانان در پاکی و نجاست، غذاهای حلال و حرام، تجارت درست و نادرست و به تعبیر دیگر در معاملات و اقتصاد جهت‌گیری ویژه‌ای دارند و بازار اسلامی با بازار غیراسلامی متفاوت است؛ یا این که هیچ‌گاه مسلمانان در هنر، به سمت هنر تصویری، شمایل‌نگاری و برهنه‌نگاری نرفتند، ولی به سمت هنرهای تزئینی گرایش داشتند؛ زیرا با مبانی دینی آنان سازگار بود. در بین هنرهای تجسمی، نمایشی، ادبی و موسیقایی، به سمت هنر ادبی گرایش بیشتری یافتند و دیگر هنرها را به اندازه‌ای که با موازین شرع ناسازگار نبود، پذیرفتند. از این رو حتی برخی از هنرهای تجسمی همچون نقاشی و نگارگری در ذیل هنر ادبی یا کتاب‌آرایی شکل گرفت. در واقع مسلمانان با پالوده شدن از اندیشه‌های پیش از اسلام و آراسته شدن به آموزه‌های اسلامی، خود می‌توانستند با تکیه بر علایق دینی، تکیه‌گاه‌های اسلامی و اندیشه‌های نبوی، هنر اسلامی را بدون آن که پیامبر اسلام در زمان شکل‌دهی آنان حضور داشته باشد، شکل دهند. در بسیاری از مسائل فقه نیز چنین است و فقها با تکیه بر عموومات و سخنان پیشوایان دینی، به شکل‌دهی فرهنگ اسلامی در طول تاریخ همت گماشتند. در واقع نه عمر پیامبر اسلام ﷺ و نه وسعت مسائل انسانی و تمدنی متأخر از آن حضرت این امکان را به وجود می‌آورد تا رسول خدا ﷺ خود به طور مستقیم در این مسائل نظر دهند. در واقع پیامبر ﷺ جاده‌ای را صاف نمودند تا اندیشمندان دینی و توده مردم، خود با تکیه بر عموومات و مبانی دینی، در عرصه‌های گوناگون اظهار نظر کنند. از این رو عالمان دینی در طول

تاریخ اسلام، به ویژه در فرهنگ شیعی - که به مقولهٔ اجتهاد و استخراج نظریات دینی در عرصه‌های گوناگون معتقد است - توانستند نگرش اسلامی را تبیین کنند. بنابراین می‌توان گفت منظور از هنر اسلامی، طب اسلامی، اقتصاد و مدیریت اسلامی و امثال آن، به این معنا نیست که درآموزه‌های دینی سخنانی مستقیم دربارهٔ این موضوعات باشد و دین دربارهٔ هر یک از علوم اولین و آخرین که در دوران جدید هر کدام از آن‌ها به ده‌ها علم ورشته تقسیم شده است، نظر مستقیم و مستوفی داده باشد؛ بلکه به این معناست که دین بستروزمینه یا به تعبیر دیگر، تمدن و سبک زندگی اسلامی را آفرید، به طوری که مسلمانان در هر یک از عناصر و مؤلفه‌های تمدن و علم، سمت و سوی خاصی گرفتند و از دیگر تمدن‌ها متفاوت گشتند.

تنوری جنگ تمدن‌ها از دیدگاه هانتینگتون بدون آن که مطلوب یا برخوردار از مشروعیت باشد، حاکی از این واقعیت است که امروزه جوامع، اندیشمندان و متفکران پذیرفته‌اند که نمی‌توان از عنصر دین به عنوان جدی‌ترین عنصر تمدن و فرهنگ به راحتی گذشت و در واقع این مؤلفه‌های دینی است که رفتار، مشی، سیاست‌ها و الگوهای اجتماعی را تعیین می‌کنند و جوامع را تشکیل می‌دهند و نکتهٔ دارای اهمیت این است که نه تنها کشورهای شرقی - که همواره تمدنشان با مذهب و آیین‌های دینی گره خورده بود، به اصالت دین و اهمیت آن در زندگی وفادار هستند - بلکه حتی در جوامع غربی نیز - که پس از رنسانس، به جای آن که مذهب تعیین‌کنندهٔ هویت آنان باشد، مدرنیته و عناصر مدرنیته به آنان هویت واحد داده است - مذهب از عناصر مورد توجه است.

در دورهٔ قرون وسطی، به کشورهای غربی در برابر کشورهای اسلامی، کشورهای مسیحی گفته می‌شد؛ زیرا مذهب عنصر اصلی فرهنگ آنان بوده است و تنها پس از رنسانس است که به تعبیر ادوارد سعید، به سبب سیطره یافتن تفکر مدرنیته، به آنان کشورهای غربی اطلاق می‌گردد. با توجه به این بستر تاریخی و وضعیت جهان

غرب و سرزمین‌های مسیحی، امروزه نظریه پردازان بر این باورند که حتی در جهان غرب نیز بازگشتی به سوی دین شده است و گویی مذهب هویت بخش جوامع گردیده است و با وجود این که در دوره جدید، عناصر بسیاری در رفتار فردی و اجتماعی تأثیرگذار بوده و رفتار انسان‌ها تابع آن‌ها شده است، اما بازگشتی به سوی الگوهای برگرفته از مذهب، صورت پذیرفته است.

رابطه سبک زندگی با فرهنگ و تمدن

چنان‌که اشاره شد، پس از رنسانس از همه کشورهای غربی - با وجود داشتن اندیشه‌ها و مذاهب گوناگون - با عنوان غرب یاد شده است و به سبب اشتراک در عناصری چون رشد و توسعه علمی، تکنولوژی، صنعت، فلسفه و دیگر عرصه‌های علمی و معرفتی، از ساختار و هویت مشترکی برخوردار شده‌اند که گاه از آن به فرهنگ و ادبیات مدرنیته یاد می‌شود و با این ویژگی از کشورهای شرقی متمایز می‌گردند.

امروزه اصطلاح غرب برای شرقیان، به معنای شناخت همه کشورهای است که فراتر از دین مشترکشان یعنی مسیحیت، به سبب تأثیرات و آثار رنسانس از جمله تکنولوژی، رشد و توسعه، علوم تجربی، صنعت و مدرنیسم، هویت مشخص و یکسانی دارند. از این رو در این اصطلاح، فراتر از مسیحیت به دیگر وجوه مشترک فکری، فرهنگی و سیاسی آن کشورها توجه می‌گردد و این کلمه، هم بر کشورهای اروپایی اطلاق می‌شود و هم کشورهای امریکایی و اقیانوسیه را دربر می‌گیرد. در واقع پس از رنسانس، عالم مسیحیت به مفهوم غرب تبدیل شد و دین به عنوان عامل وحدت بخش جای خود را به مفهومی داد که از آن به تمدن غرب تعبیر می‌شود و کلمه غرب از کاربردش در مفهومی جغرافیایی، به مفهومی فرهنگی تبدیل شد که عناصر خاصی را داراست.^۱ اما در برابر تمدن غرب هیچ‌گاه تمدن اسلامی،

۱. اصلاح دینی پروتستان و ظهور امپراتوری عثمانی سبب تبدیل عالم مسیحیت به «غرب» شد. در



محوریت دین را در زندگی خود از دست نداد و به رغم این که بعد از رنسانس، سرزمین های اسلامی تا حدی تحت تأثیر تمدن غرب و مدرنیته قرار گرفتند، اما همچنان مهم ترین ممیّزه و ویژگی ای که کشورهای شرقی را از یکدیگر تفکیک می کند، مذهب است؛ برای مثال، گفته می شود: کشورهای اسلامی. این امر نشان می دهد بزرگ ترین مؤلفه فکری مسلمانان بر پایه دین و سبک زندگی دینی آنان است.^۱

هر تمدن و فرهنگ از مجموعه عوامل تاریخی، جغرافیایی، زبان، تاریخ، ادبیات، مذهب، آداب و سنت و امثال آن ها تشکیل شده و سبک زندگی، زیرمجموعه فرهنگ و تمدن است که از مجموعه عوامل موجود در آن ها ارتزاق می کند، به طوری که گاه بعضی از این عوامل تمدنی در نسبت با سبک زندگی با یکدیگر همپوشانی پیدا می کنند؛ به طوری که ممکن است دو کشور که در جغرافیا، نژاد و حکومت با یکدیگر تفاوت دارند، به سبب اشتراک در مذهب، نژاد، زبان و... در بخشی از سبک و شیوه زندگی با یکدیگر وحدت داشته باشند. برای مثال، در همه کشورهای اسلامی با وجود تفاوت های مذکور، مذهب موجب وحدت در بخشی از شیوه و سبک زندگی می گردد و به عنوان یکی از مهم ترین عناصر فرهنگ، تا حد زیادی افراد را به شیوه خاص رفتاری وفادار می سازد؛ زیرا در آموزه های مذهبی، نگرش، هنجار و ارزش جایگاه مهمی دارد و بخش اساسی سبک زندگی مسلمانان

قرون هفدهم و هجدهم، «غرب» عمدتاً عنوانی جغرافیایی بود و مترادف «اروپا» یا «باختر» به شمار می رفت. اصطلاح «اروپا» سابقه طولانی تری داشت و به یونانیان و رومیان باستان برمی گشت و رواج بس بیشتری داشت. تمدن غربی معیاری شد که با آن تمدن ها و فرهنگ های شرقی سنجیده می شدند. مقوله مفهومی «غرب» به مبارزه با مفهوم «شرق» برخاست. (سردار، ۱۳۸۶: ۷-۸)

۱. در این دوره تاریخی، بعضی از متفکران غربی برایین باور بودند که اگر می خواهیم با اندیشه های اسلامی مبارزه کنیم، باید به سستی و وهن کتاب مقدسشان - قرآن - بپردازیم و تناقضات و اشتباهات این کتاب را نشان دهیم. شورای وین به صراحت اعلام کرد که مسلمانان را با استدلال نمی توان اقناع کرد. از این رو تشکیل کرسی های شرق شناسی را در کشورهای اروپایی، امری ضروری خواندند.

برگرفته از آن است. برای مثال، گرایش یکسان مسلمانان به اعمال دینی، عبادات، پاکی و نجاست، حلال و حرام، لباس، غذا و دیگر عناصر دینی، امری است که سبب می‌شود مسلمانان در همه دنیا، وحدت رفتاری داشته باشند و تا حدی از سبک زندگی یکسانی برخوردار گردند. بنابراین بخشی از سبک زندگی که برگرفته از دین است، در نزد پیروان آن دین مشترک است، اما بخشی دیگر از جمله لباس، آداب بومی و محلی، معماری، شهرسازی، عناصر منطقه‌ای و محیطی و... بر اساس شرایط محیطی و جغرافیایی می‌تواند متفاوت باشد.

رابطه میان سبک زندگی با شریعت و فقه

عناصر سبک زندگی دینی در جوامع اسلامی در بردارنده مهم‌ترین عناصر مذهبی و اجتماعی هستند که در آن‌ها جامعه مورد پیروی توده مردم قرار می‌گیرد. اگر در جامعه مذهبی سبک زندگی بر اساس عناصر دینی و مذهبی شکل گیرد، وجود عناصر ملی در این جامعه بر کلیت و تمامیت سبک زندگی دینی لطمه‌ای نخواهد زد و وجود عناصر کلان دینی، بر دیگر عناصر غیر دینی و ملی سایه خواهد انداخت و بر آن‌ها حاکم خواهد بود.

سبک زندگی برخلاف تصور برخی، با مفهوم آداب دینی مساوی نیست، بلکه سبک زندگی در جوامع مسلمان بر اثر عمل به آداب، اخلاق و اعتقادات دینی به دست می‌آید و در نتیجه عمل به آموزه‌های دینی حاصل می‌شود. در واقع در سبک زندگی دینی می‌خواهیم بدانیم که احاد و طبقات متفاوت اجتماعی در یک جامعه مسلمان از جمله کارگران، مهندسان، پزشکان و دیگر صنوف مسلمان در موقعیت‌های گوناگون از جمله کار، تفریح، لباس، غذا، مناسبات و روابط اجتماعی و خانوادگی و امثال آن‌ها، چگونه عمل می‌کنند. بدیهی است سبک زندگی مسلمان بر اثر اعتنا و توجه به دین شکل می‌گیرد. امروزه اگر سبک زندگی مطرح است و گاه دیده می‌شود که مرز سبک زندگی ما با سبک زندگی غربی

مشخص نیست، از آن روست که به سنت دینی به درستی عمل نمی‌شود و آن‌گاه که محور امور زندگی بر اساس دین و اعمال دینی نباشد، قطعاً سبک زندگی نیز شکل دینی به خود نخواهد نگرفت.

اگر در دوره جدید، مسلمانان، بیش از تأثیرپذیری از فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، تحت سیطره دیگر فرهنگ‌ها باشند یا احیاناً تفکری سکولار داشته باشند و بر اساس سبک زندگی مدرن که خاستگاه آن در میان مردم اروپاست، رفتار کنند، آیا می‌توان رفتار و کنش آنان را از مصادیق سبک زندگی اسلامی دانست؟ آیا واقعاً رفتارها یا آثاری که به وسیله مسلمانان پدید می‌آید، با خلیقات و رفتارهای دیگر مذاهب یا دیگر سرزمین‌ها هیچ تفاوتی ندارد و به صرف مباح بودن و برخورداری از قلمرو حداقلی فقه، از عنوان اسلامی بودن برخوردار می‌گردد؟

به نظر می‌رسد تفاوت میان فقه با سبک زندگی این است که فقه قلمرو مجاز و مشروع دین را معین می‌سازد، اما لزوماً هر چه به این قلمرو مشروع و مباح تعلق دارد، برگرفته از روح آموزه‌های اسلامی نیست. برای مثال، فقه برخی از امور را مباح می‌داند و فقیه با تکیه بر فقه در پاسخ به کسی که از او می‌پرسد: آیا عمل جراحی کردن بینی برای زن مجاز است یا نه؟ در پاسخ می‌گوید: این کار مجاز است؛ یا این که کسی از فقیه می‌پرسد: آیا نقاشی کردن بر اساس سبک امپرسیونیسم یا سوررئالیسم مباح است یا خیر؟ باز فقیه در جواب می‌گوید: این کار مباح و مشروع است. اما در پاسخ به این پرسش که عمل جراحی بینی یا نقاشی بر اساس سبک‌های برآمده از سنت غربی، از مصادیق سبک زندگی اسلامی یا هنر اسلامی است، نمی‌توان نظر مثبت داد. در واقع قلمرو مجاز و مباح، گسترده‌تر از سبک زندگی مبتنی بر سنت و مبانی معرفتی اسلامی است و مبانی معرفتی اسلام نسبت به قلمرو فقهی، شرایط دیگری دارد.

قطعاً هر پدیده، زمانی می‌تواند اسلامی باشد یا از مصادیق سبک زندگی اسلامی به شمار رود که در معارف و سنت اسلامی ریشه داشته باشد. در واقع سبک زندگی

اسلامی، آن بخش رفتارهایی است که افزون بر آن که نباید با فقه و شریعت مخالف باشد، باید از منظومه فکری، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مسلمانان برآید. بی‌تردید برای بی‌همتایی و منحصر به فرد بودن سبک زندگی اسلامی، نیازمند ویژگی‌های مشترک موجود در همه سرزمین‌های اسلامی یا بخشی از آن‌ها هستیم که بر مبنای و سنت یک پارچه مسلمانان متکی باشد. این ویژگی‌ها فراتر از زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به هویت خاصی از فرهنگ اسلامی می‌انجامند. در واقع فقه در شناخت قلمرو و حدود رفتاری که به اسلام منتسب است و در تعریف نهادی، از سبک زندگی اسلامی به ماکمک می‌کند و سبب می‌شود از جنبه سلبی، قلمرو سبک زندگی اسلامی شناخته شود و آن‌چه را که از مصادیق آن نیست، بشناسیم؛ اما تنها با فقه نمی‌توان مصادیق ایجابی سبک زندگی اسلامی یا ویژگی‌های آن را شناخت. در واقع نمی‌توان گفت هرچه موافق فقه و شریعت اسلامی است، چون حلال است، لزوماً از سنت اسلامی و سبک زندگی اسلامی است، هر چند می‌توان گفت هرچه با فقه مخالف است، حلال نیست و قطعاً از سبک زندگی اسلامی به دور است.

در واقع در تعریف سبک زندگی اسلامی نیازمند شاخص‌هایی هستیم تا مرز میان سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی مسیحی یا سکولار را مشخص سازد، نه این‌که تنها منطقه مجاز رفتار و اعمال را برای ما بیان کند. قلمرو حلیت و جواز لزوماً به معنای اسلامی بودن نیست و عنوان اسلامی بودن تنها براموری صادق است که ویژگی‌ای از معرفت و اندیشه اسلامی در آن وجود داشته باشد. از این رو برای تعریف سبک زندگی اسلامی نمی‌توان تنها به آن بسنده کرد و افزون بر آن، به چیز دیگری هم نیاز داریم. در واقع سبک زندگی اسلامی اصطلاحی است که تنها بر بخشی از رفتارها و کنش‌ها صادق می‌کند، نه بر هر رفتار و اعمال مجاز؛ و فقه که عهده‌دار کشف مرزها و چارچوب‌های مجاز و حلال در فعالیت‌های انسان از متون دینی است، به تنهایی در صدد تحقق بخشی و تبیین اصول و روش‌های سبک زندگی

اسلامی نیست و نسبت به سبک زندگی اسلامی و به وجود آمدن این دسته از اعمال، خنثی است. از این رو شاید مباحث فقهی در تبیین قلمرو شرعی سبک زندگی کمک کند، اما شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی نیازمند کوشش اندیشمندان مسلمانی است که به توصیف مبانی اسلامی در رفتار و کنش مسلمانان بپردازند.

بنابراین اشتباه است که فکر کنیم سبک زندگی دینی بدین معناست که در جزئیات چگونه باید به آداب و احکام دینی عمل کرد؛ زیرا سبک زندگی با فقه و شریعت متفاوت است و به یک معنا نیستند. در واقع سبک زندگی بر اساس شریعت شکل می‌گیرد و در سبک زندگی، شریعت نقش دارد و ناگزیر بر اساس سبک زندگی تمدن شکل می‌گیرد؛ اما سبک زندگی دینی به این معناست که در هر موقعیت، باید چه روشی را به کار گرفت که دربردارنده آموزه‌ها و مبانی دینی باشد. در واقع احکام و آداب دینی یا شریعت به ما کمک می‌کند تا سبک و شیوه رفتار دینی و متناسب با آن موقعیت را به دست آوریم و سبب شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی می‌گردد و بر اساس آن می‌توانیم شیوه زندگی را بسازیم و الگو و چگونگی رفتار انسان مسلمان را در موقعیت‌های گوناگون فردی - اجتماعی مشخص می‌کند.

برای مثال، اعمال عبادی همچون نمازهای پنج‌گانه در روز، وضعیت رفتارهای انسان را در موقعیت‌های روزانه مشخص می‌کند. همچنین روزه و حج در دو ماه از سال، بخشی از کنش و رفتار آنان را جهت می‌بخشد. شعائر دینی همچون محرم، ایام شهادت، ایام تولد و مناسبت‌های دینی نیز بخشی از الگوی رفتاری شیعیان را تعیین می‌کنند و بر سبک زندگی آنان تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که در سبک زندگی اسلامی، در ایام شهادت معصومان علیهم‌السلام ازدواج صورت نمی‌پذیرد، یا در ایام ولادت پیشوایان دینی، جشن و سرور و ازدواج صورت می‌گیرد و مسلمانان رفتار خود را با این مناسبت‌ها جهت می‌بخشند.

گفتمان دینی و سبک زندگی

هر فعالیتی در قالب تعاملات فرهنگی که به تبادل معنا بینجامد، در چارچوب گفتمان قابل بررسی است. به عبارت دیگر، در قدم نخست ارتباط با دیگران در حوزه زبان و سخن تجلی می‌کند و علایق، سلیقه‌ها و ابعاد فکری و شخصیتی خود را از طریق زبان انجام می‌دهیم؛ علاوه بر سخن، گاه می‌نویسیم، بحث می‌کنیم و حتی چه بسا ایده‌های خود را با هنر و ادبیات شامل سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، ادبی و موسیقایی و توسط ابزار و آلات مجسم می‌سازیم. همه شکل‌های ارتباط فرهنگی می‌توانند به عنوان گفتمان تلقی شوند، بدین معنا که دربرگیرنده انسان‌هایی است که به تبادل معانی درباره جهان پیرامون خود می‌پردازند. اصطلاح «گفتمان»^۱ از چند دهه پیش در علوم انسانی، هنر و ادبیات کاربرد وسیعی پیدا کرده است. تا پایان قرن نوزدهم این واژه به معنای نظام ارائه بحث درباره مسئله‌ای خاص به کار می‌رفت و محدوده آن تقریباً به نوشتار منحصر بود و تا حدودی به شیوه بیان مربوط می‌شد. اما در زبان‌شناسی جدید، بعد از فردینان دوسوسور، این واژه به معنای کاربرد فردی زبان یا فعلیت یافتن آن به کار رفت (برنز، ۱۳۷۳: ۸).

بر اساس سخن بعضی از اندیشمندان علوم اجتماعی، گفتمان به وسیله اعمال رفتاریا همه عناصر فرهنگی - که گاه قوی‌تر از زبان هستند - به وجود می‌آید. بنابراین اگر علایق، اهداف و آرمان‌ها در حوزه رفتار، سبک زندگی و همه عناصر فرهنگی مسلمانان مشخص نشود و به سبک زندگی دینی تبدیل نگردد، آن اهداف و آرمان‌ها، ماندگار و اثرگذار نخواهند بود؛ چه بسا گاه ممکن است جنبه زبانی و ادعای شفاهی در بیان افکار و اعتقادات در جامعه شدیدتر از جنبه رفتاری باشد. طبیعی است در جامعه‌ای که معماری، شهرسازی، پوشش، مناسبات، هم‌زیستی

1. Discourse

و دیگر عناصر فرهنگ متأثر از افکار و اعتقادات نباشد، بیان زبانی نوعی تظاهر و ریا تلقی می‌گردد و تنها اکتفا کردن به شعار و زبان و استفاده نکردن از هنر، ادبیات، معماری، شهرسازی، نوعی نقیصه به شمار می‌آید.

البته به نظر می‌رسد حتی با وجود قرابت‌ها و همسانی‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر از منظر رفتاری، گفتاری و پوششی در میان جوانان مسلمان با جوانان اروپایی که محصول جهانی شدن و عصر ارتباطات است، باز با دو الگوی زندگی میان جوان مسلمان و جوان اروپایی روبه‌رو هستیم و این تفاوت را میان سبک زندگی آن‌ها حس می‌کنیم و هر قدر جوانان در فرهنگ دینی از سنت تاریخی و اسلامی خود فاصله گرفته یا به سنت مدرن نزدیک شده باشند، باز تفاوت‌های بسیاری میان شخصیت آنان با شخصیت جوانان در دیگر فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد و شباهت‌ها نمی‌تواند دلیل بر یکسان بودن همه عناصر شخصیتی باشد. از این رو شایسته است اهالی فرهنگ در خلق هر نوع اثر فرهنگی، این تفاوت‌ها و تمایزها را در همه نمادها، رموزها و عناصر پیرامونی اثر خود مورد توجه قرار دهند و به این امر التفات داشته باشند که سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی اروپایی متفاوت است. برای مثال، کسی که در جامعه اسلامی یا در یک جامعه هند و زندگی می‌کند، آموزه‌های مذهب خاص او بخشی از رفتارها و مناسبات اجتماعی او را شکل می‌دهند، به طوری که نمی‌تواند از خط قرمز این امور عبور کند و اگر هم بخواهد مدل و الگویی را طراحی کند، باید به آن‌ها توجه نماید و سازگاری میان الگو و طرح خود با مذهب، سنت و دیگر ویژگی‌های فرهنگی خویش را ایجاد کند.

سبک زندگی شیعی و مهدوی

در دوران جدید، برخی از اندیشمندان و اهالی فرهنگ، به نقد دوران مدرنیته و عناصر فکری آن همچون سکولاریسم، فردگرایی، علم‌گرایی افراطی، عقل‌گرایی افراطی و دیگر مبانی آن می‌پردازند. با این حال بعضی از مخاطبان‌شان گاه به اشتباه

چنین تصویری کنند که نقد مدرنیته و دنیویت حاصل از آن، به معنای بازگشت به زمان گذشته و دوران تاریخی پیش از عصر مدرن است و تصویری کنند اگر در یک رویکرد سلفی، به زمان گذشته برگردند به آرامش خواهند رسید. در برابر این تلقی، نگرشی دیگر مبتنی بر این اندیشه است که تضاد و کُنتراست میان مدرنیته و سنت به معنای تضاد دوزمان نیست، بلکه تضاد میان محتوای این دو دوران است. در واقع از این منظر در برابر مدرنیته، زمان گذشته وجود ندارد یا به عبارت دیگر سنت به معنای گذشته نیست، بلکه به معنای دورانی است که در آن عناصر و مبانی فرهنگی برگرفته از ادیان و سنت‌های دینی است، به طوری که در عرصه‌های گوناگون فرهنگی از جمله معماری، شهرسازی، نجوم، علم، ادبیات، هنرهای تجسمی، مناسبات انسانی و اجتماعی و... ریشه‌های دین و مؤلفه‌های برگرفته از آن دیده می‌شود. از این رومی توان گفت که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مدرنیته در برابر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دوران سنت قرار دارد و هر یک از این دو دوره، دارای عناصر متفاوت فرهنگی هستند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد؛ به طوری که می‌توان از نظر زمانی در دوران مدرنیته زندگی کرد، اما از جنبه و ویژگی‌ها، دوران سنت را که به معنای احیای عناصر دینی است، احیا کرد. بنابراین برای عبور از دوران مدرنیته نیاز نیست که از جهت زمانی گذشته گرا بود، بلکه می‌توان به زمان حال وفادار ماند، اما شیوه و سبک زندگی سنتی به معنای سنت دین را بازآفرینی کرد.

سزاوار است همان‌طور که روایت ما شرقیان از زندگی، برآمده از شیوه و سبک زندگی، شرقی و اسلامی است و با روایت یک انسان غربی متفاوت است، در سبک زندگی و فرهنگ نیز الگویی از روایت اسلامی به تصویر کشیده شود. انسان‌ها در ضمن تعلیم و تربیت، بسیاری از الگوهای رفتاری خود را از محیط یاد می‌گیرند، به طوری که چه بسا پس از چند دهه، بتوان نسلی را تربیت نمود که بسیاری از قالب‌ها، علایق و سلیقه‌های خویش را از تمدن اسلامی و الگوهای شیعی اقتباس

کند و چه بسا بدون آن که بداند، ناخودآگاه رفتارهایی متناسب با تفکر شیعی را در خود نهادینه کند.

مسلمانان و حتی دیگر تمدن‌های شرقی همچون شبه‌قاره هند، تمدن چین و ژاپن و... در پاسخ به نیازها و پرسش‌های خود از تاریخ دیرینه فلسفی، کلامی و زیستی برخوردار هستند و می‌توانند جدای از نظام فلسفی غرب به پرسش‌های خود پاسخ دهند. امروزه در جامعه ما بسیاری از اندیشمندان در پاسخ به پرسش‌های فکری و عقلانی می‌کوشند با تکیه بر فلسفه‌های تحلیلی و قاره‌ای به این پرسش‌ها پاسخ دهند و گویی این امر برای فیلسوفان و متفکران علوم اجتماعی در سده‌های پس از رنسانس عادت شده است که نسبت به پرسش‌های کلامی، اعتقادی و شیوه زندگی با تکیه بر اندیشه‌های کانتی، هگلی، هایدگری و... پاسخ‌گو باشند، در حالی که تاریخ و پیشینه فرهنگ فکری و فلسفی مسلمانان اقتضا می‌کند با تکیه بر نظام فکری و اعتقادی خود به مسائل زندگی پاسخ دهند و این امری اجتناب‌ناپذیر است که هر جامعه‌ای بر اساس فرهنگ و تمدن خود می‌زید و پاسخ و واکنش‌های او منطبق بر تاریخ زندگی سرزمین خود است. از این رو گرایش کورکورانه، نه داد و ستد علمی و فرهنگی، امری نامطلوب و گاه ناممکن به شمار می‌رود.

بی‌تردید مؤمنان و دین‌داران در جهان اسلام و همه کشورهای شرقی و وفادار به تمدن‌های دینی بعد از رنسانس و شکل‌گیری مدرنیته، با مؤلفه دیگری در سبک زندگی مواجه بوده‌اند که آن تمدن سکولار غرب است و این عنصر در کنار سنت اسلامی بر کنش مسلمانان اثرگذارده و گاه گسست فرهنگی و دور شدن از فرهنگ خودی را به ارمغان آورده است. اما در دهه‌های اخیر، بازگشت به هویت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی، گرایش به سنت‌های دینی را افزایش داده است و نوعی همگرایی و بازگشت به خویشتن را در سنت اسلامی در همه کشورهای اسلامی کم و بیش شاهد هستیم.

از جمله وظایف اندیشمندان در جامعه دینی به ویژه در عصر جدید، طرح و

تبیین نظری الگوهای زندگی است، به این معنا که باید دربارهٔ چگونگی تربیت کودکان و نوجوانان، شیوهٔ شهرسازی و معماری، مناسبات خانوادگی، اجتماعی و سازمانی، ویژگی‌های فردی و جمعی و دیگر ساحت‌های زندگی بیندیشند و الگوهای درست زندگی را که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، برای جامعه طرح کنند. از سوی دیگر، افزون بر طرح تئوریک و نظری از جانب اندیشمندان و عالمان دینی، نیازمند آن هستیم که نهادها و سازمان‌هایی متولّی باشند تا به اجرای طرح‌ها و الگوهای نظری زندگی بپردازند که این بخش از فعالیت‌ها تنها در جوامعی قابلیت اجرای کامل دارد که دارای حکومت دینی و حاکمانی دغدغه‌مند نسبت به امور اعتقادی باشند؛ چنان که در جوامع امروز که بسیاری از حاکمان کشورهای اسلامی سکولار هستند و چه در مقام نظریا در مقام عمل عرصهٔ دین و اخلاق را از عرصهٔ سیاست و حکومت جدا می‌دانند، طبعاً کشوری همچون ایران که برخلاف این تفکر می‌اندیشد، از فرصتی استثنایی و منحصر به فرد برخوردار است؛ زیرا شاید کمتر کشوری همچون ایران باشد که حاکمان و آنان که در عرصهٔ عملیاتی کردن تئوری‌ها هستند، ارتباطی تنگاتنگ با اندیشمندان داشته و دست‌نیاز به سوی آنان دراز کنند تا به طرح مدل‌ها و الگوهای نظری بپردازند. از این‌رو می‌توان گفت ایران فرصت و شرایط خوبی دارد تا بتواند در آن به تربیت نسل‌هایی از انسان بپردازد که در آینده می‌توانند با الگو و سبک زندگی دینی به حیات خود ادامه دهند؛ چنان که امروزه در برخی کشورهای توسعه‌یافته می‌بینیم فرزندان پس از تولد در محیط‌هایی که برای آنان آماده شده است و نحوهٔ زیست مشخصی را برایشان تعیین می‌کنند، تربیت می‌شوند و بسیاری از گرایش‌ها، علایق، هنجارها و ارزش‌های خود را ناخودآگاه از الگوهای برمی‌گیرند که دیگران برای آنان تهیه کرده‌اند. در جامعهٔ شیعی ایران می‌توان توقع داشت که متفکران به طرح سبک زندگی شیعی در عرصه‌های گوناگون فرهنگ بپردازند، به طوری که پس از بیست سال می‌توان تصور کرد که فرزندان این جامعه و نسل آینده - که نیمی از جمعیت دو

دهه بعد را تشکیل می دهند - بر اساس آن الگوتربیت شوند.

امروزه در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام باید به دنبال الگویی از سبک زندگی شیعی بود که مبتنی بر باورداشت به مسئله انتظار و بازگشت امام باشد. شیعه در عصر غیبت با یکی از جدی ترین مفاهیم حیات طولانی تاریخ امامت، یعنی مهدویت و غیبت گره خورده است و دو مفهوم مهدویت و غیبت، با مفهوم سوم، یعنی انتظار ارتباط تنگاتنگ دارد؛ به گونه ای که این سه مفهوم سبک فکر و زندگی شیعه را تبیین کرده است. اعتقاد به حقانیت و مشروعیت امام مهدی علیه السلام و انتظار بر شکل گیری جامعه توحیدی - که مبتنی بر حاکمیت ایشان است - تنها عامل مشروعیت بخشی به همه جریان های فکری و اجتماعی در عصر غیبت است و این امر نخستین اصل و مبنای فکری شیعه در ارائه سبک زندگی شیعی است. بنابراین با استخراج عناصر اصلی ایده مهدویت و پرورش الگوهایی مبتنی بر این اندیشه، می توان نحوه زیست شیعیان را تعیین کرد و نسلی را پرورش داد که اعتقاد به امامت و مهدویت از مؤلفه های اساسی فکر اوست و نه تنها در شعائر و مناسبات، بلکه در اهداف و آرمان های خود به سوی امام معصوم توجه و گرایش دارد و جهت زندگی خویش را به سمت انسان کامل معطوف می سازد.

از جمله الگوها و سبک زندگی متأثر از مهدویت، در سلوک عرفانی عارفان است، به طوری که از جمله عناصر اصلی و تربیتی عارفان - که شاگردان و سالکان را همواره به سمت آن توجه می دهند - مسئله انسان کامل و اعتقاد به حضور امام مهدی علیه السلام است. آنان بر این باورند که حتی استادان سلوک، معرفت و مشروعیت هدایت گری خود را از امام معصوم می گیرند و معتقدند حتی اگر استادان سلوک دارای ولایت قمریه باشند، امام مهدی علیه السلام دارای ولایت شمسیه است، به طوری که استاد را جانشین او می دانند. این امر سبب می شود که سالکان عارف همیشه در اعمال و رفتار خود و در سلوک و مشی زندگی خویش متوجه حضرت ولی عصر علیه السلام باشند و از ایشان در مسیر رفع رذایل و به دست آوردن صفات اخلاقی مدد جویند،

به طوری که این امر نوع سلوک خاصی را در زندگی آنان دامن می‌زند و آنان را همواره متوجه امام مهدی عج می‌سازد.

نتیجه

با پذیرش این نکته که تفکر مذهبی سبب شکل‌گیری بینش‌ها و گرایش‌هاست، می‌توان انتظار داشت در جوامع شیعی سبک زندگی شیعی شکل گیرد. با محوریت یافتن آموزه‌های شیعی در عرصه اعتقادات، اخلاقیات و آداب دینی می‌توان به دنبال شکل‌دهی شیوه خاصی در زندگی جوامع شیعی بود که تا حدی متمایز از سبک زندگی غیرشیعی است. همان‌طور که بچه باید به مدرسه عادت کند، یا این‌که باید روش درست زندگی کردن را در سال‌های نخست زندگی به کودکان آموخت و شخصیت آنان در سال‌های نخستین زندگی شکل می‌گیرد، می‌توان بسیاری از الگوهای درست شیعی را در جامعه نهادینه کرد.

شایسته است محوریت امام و مهدویت نه تنها صرفاً در شیوه و سبک زندگی عرفا، بلکه در زندگی همه شیعیان مورد توجه قرار گیرد و به دنبال ارائه طرح‌هایی تربیتی در عرصه‌های گوناگون فرهنگ باشیم که همه از عهده این وظیفه برآیند. در واقع باید به دنبال طرح الگوهای با تکیه بر اخلاق منتظرانه بود که محوریت زندگی در عصر غیبت بر شخصیت امام مهدی عج و غیبت او باشد.

منابع

- برنز، اریک، میشل فوکو، ترجمه: بابک احمدی، تهران، انتشارات نسل قلم، ۱۳۷۳ش.
- توسلی، غلام عباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ش.
- سردار، ضیاء الدین، شرق شناسی، ترجمه: محمد علی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶ش.
- شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه: فاطمه ولیانی، تهران، نشر فرزانه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.

تأملی در هویت برنامه‌درسی تربیت اسلامی

مبنتی برقرآن و عترت علیهم‌السلام

دکتر اسکندر فتحی‌آذر، *دکتريوسف ادیب*

دکتر موسی پیری، ***اصغرابراهیمی هرستانی***

چکیده

هدف غایی نظام آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی ایران، دست‌یابی مرتبی به مراتبی از قرب الی‌الله، خلافت الهی، عبودیت خدا و حیات طیبه است. از این‌رو اگر دانش‌آموزان به علوم متداول مسلط باشند، ولی از تربیت اسلامی متناسب با سن خود بی‌بهره بمانند، هدف غایی نظام آموزش و پرورش محقق نشده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام شده درباره وضعیت تربیت اسلامی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش، برنامه‌های درسی تربیت اسلامی دانش‌آموزان در شرایط فعلی پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیست؛ زیرا نظام آموزش و پرورش، آن‌گونه که در اصل دین و اعتقادات شیعه بیان شده، به برنامه‌های درسی تربیت اسلامی

* استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز

** دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز

*** استادیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

**** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

(ebrahimi99@yahoo.com)

دانش‌آموزان نپرداخته است. بنابراین تحول بنیادین در این زمینه، بسیار مهم و ضروری است.

در این پژوهش چگونگی بازنگری در برنامه درسی تربیت اسلامی مورد توجه قرار گرفت. برای این اساس، به این مهم پرداخته شد که هویت برنامه درسی تربیت اسلامی براساس قرآن و فرامین ائمه اطهار علیهم‌السلام چیست؟

در این راستا با استفاده از روش تفسیری و با اتکا به کتاب‌های تفسیری مورد تأیید علما، به قرآن و فرامین چهارده معصوم علیهم‌السلام مراجعه شد. نتایج حاکی از آن است که لازمه تحقق هدف غایی آموزش و پرورش، توجه اساسی به تربیت زمینه‌ساز ظهور به عنوان روح حاکم بر نظام برنامه‌ریزی درسی است. از این رو تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، منوط به ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، براساس این رویکرد است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، عترت علیهم‌السلام، هویت برنامه درسی تربیت اسلامی، تربیت زمینه‌ساز ظهور.

مقدمه

تربیت در آموزش و پرورش اسلامی برحسب ارزش‌های مورد نظر خود، هویت هنجاری و تجویزی دارد. در تفکر اسلامی، مفهوم تربیت براساس غایت آفرینش آدمی تعریف می‌شود. هدف نهایی تربیت در اسلام، عبادت خداوند برای نایل آمدن به سعادت دنیا و آخرت است. در نظام جمهوری اسلامی ایران - با توجه به این‌که هدف از خلقت انسان عبادت خداوند است - هدف غایی نظام آموزش و پرورش، دست‌یابی متربی به مراتبی از قرب الی الله، خلافت الهی، عبودیت خدا و حیات طیبه به شمار می‌رود. تربیت اسلامی دانش‌آموزان به منظور پرورش افرادی آگاه به دین و عامل به آن، اهمیتی ویژه دارد. پرورش دینی و اخلاقی نسل جدید از

مهم‌ترین اصولی است که پیشرفت هر کشور در ابعاد گوناگون بدان وابسته است. اگر دانش‌آموزان به علوم متداول مسلط باشند، ولی از تربیت اسلامی متناسب با سن خود بی‌بهره بمانند، هدف غایی نظام آموزش و پرورش محقق نشده است. سرمایه‌گذاری در زمینه تربیت اسلامی دانش‌آموزان یک جامعه، امری زیربنایی به شمار می‌آید که پیشرفت جامعه در جنبه‌های گوناگون به آن وابسته است. نظام آموزش و پرورش به منظور محقق ساختن شرایط مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و دین‌مدار، موظف است با برنامه‌های تربیتی سالم و اصولی، این امکان را فراهم کند (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۲). از آنجایی که امروزه والدین دغدغه تربیت دینی و اخلاقی فرزندان را ندارند و تربیت دینی فرزندان خود را به نظام آموزش و پرورش واگذار کرده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۰: ۲۴۵) و با توجه به این که هجده نسل از فرهنگ دشمن، بیشتر متوجه دانش‌آموزان و آینده‌سازان جامعه اسلامی است، لازم است عمده رسالت برنامه‌های تربیت اسلامی، جاری کردن دین و قابل استفاده نمودن محتوای آیات و احادیث، در زندگی فراگیران باشد تا به فرهنگ‌سازی و الگوگیری آنان بینجامد و فرهنگ دینی از نفوذ فرهنگ بیگانه پیش‌گیری کند و نیز هویت فرهنگی و دینی و تمامیت ارضی و اقتدار ملی را تضمین نماید (یزدانی، ۱۳۸۰: ۲۱۰).

به‌رغم اهمیت تربیت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌ها بیانگر این است که با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز تربیت دینی دانش‌آموزان با کاستی‌هایی مواجه است (نساجی زواره، ۱۳۸۸؛ تصدیقی، ۱۳۸۸) و هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام آموزش و پرورش به تربیت دینی اهمیت داده، اما نه تنها نتیجه‌ای مطلوب به دست نیامده است؛ دانش‌آموزان نه تنها دین‌مدار نشده‌اند، بلکه گاهی فاصله‌ها بیشتر شده و نتیجه معکوس به بار آمده است (حسینی، ۱۳۸۰: ۵۲). کتاب‌های درس دینی، کمترین تأثیر را در تعمیق ارزش‌های دینی آنان دارند (قلی‌زاده برهانی، ۱۳۸۵) و تنها شامل محفوظاتی

هستند که دانش‌آموزان آن‌ها را پس از امتحان فراموش می‌کنند (عصاره، ۱۳۸۰: ۱۲۵). این دروس به دروس رسمی فاقد بارتربیتی تبدیل شده‌اند (سعیدی رضوانی و بیهقی، ۱۳۸۰) و دلیل مشاهده ضعف در رفتارهای دینی افراد و بروز مشکل اساسی در اجرای دین به عنوان برنامه زندگی، در طراحی و تولید برنامه‌های درسی سطحی، احساسی و کم‌عمق است (ملکی، ۱۳۸۰: ۱۸۳). تحولات صورت گرفته، در برخی از ابعاد وارد نشده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۰: ۲۲۹)؛ بازنگری در ساختار، رویکرد و جهت‌گیری‌های برنامه درسی تربیت دینی ضروری است و ادامه وضع موجود، تربیت دینی را در نظام آموزش و پرورش به یکی از مؤلفه‌های پوچ برنامه درسی تبدیل می‌کند (مهرمحمدی، صمدی، ۱۳۸۲). در زمان کنونی، بیش از هر زمان دیگر نیاز به توجه و بازنگری در آموزه‌های اخلاقی، دین و تربیت دینی احساس می‌شود (جوانمردی و پورشافعی، ۱۳۸۸: ۳۰۹ - ۳۱۰). نگاه دوباره نظام آموزش و پرورش به عملکرد خویش در این زمینه و تجدید نظر و اصلاح در راهبردهایش ضروری است (کشاوری، ۱۳۸۷). نتیجه بسیاری از تحقیقات، هیچ برتری و تفوقی را در گروه تحصیل کرده نسبت به گروه با تحصیلات پایین‌تر یا بی‌سواد در عملکرد دینی و اخلاقی نشان نمی‌دهد و حتی در برخی از موارد، شاهد عملکردی به مراتب سطح پایین‌تر هستیم. نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی، نقطه قوت برجسته‌ای ندارد و عملکرد آن ضعیف یا نسبتاً ضعیف است و می‌توان با اطمینان، اذعان کرد که عملکرد دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان نظام آموزش و پرورش در ابعاد عملکردی - رفتاری بسیار پایین‌تر از ابعاد شناختی (معرفتی) است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹)؛ زیرا متأسفانه هنوز معنا و توجه به جایگاه ولایت (کما هو حقّه) به طور روشن تبیین نشده و هیچ‌گاه آن‌گونه که در اصل دین و اعتقادات شیعه بیان شده، به این مسئله اهمیت داده نشده است و اگر برای حل این معضل هرچه سریع‌تر اقدامات لازم صورت نپذیرد، به تدریج عموم جامعه با تضادها و تناقض‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند و با محوریت نفس به پیش خواهند

رفت. در نتیجه نه تنها جامعه را به هلاکت و نابودی و فساد اخلاقی می‌کشاند، بلکه با توجه به نیاز روحی، زمینه را برای نفوذ اعتقادات خرافی و تبلیغ و ترویج ادیان منحرف نیز فراهم می‌کند. در این صورت، نه تنها برای نزدیک شدن ظهور و وقوع عبادت تامه و تحقق ولایت الهی کامل، قدمی برنداشته‌ایم، بلکه دوری هرچه بیشترش را نیز موجب شده‌ایم (میرزا محمدی و رسولی، ۱۳۸۹).

بیان مسئله

با توجه به اهمیت و ضرورت استقرار نظام تربیت اسلامی، بدان گونه که در اصل دین و اعتقادات شیعه بیان شده است و تحول بنیادین در برنامه درسی تربیت اسلامی دانش‌آموزان در این باره، در این پژوهش چگونگی بازنگری در برنامه درسی تربیت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. به این منظور، به قرآن و فرامین چهارده معصوم علیهم‌السلام مراجعه می‌شود تا با برنامه‌ای که خداوند برای هدایت انسان، جهت رسیدن به قرب الی الله طراحی کرده است، شناخت واقعی کسب گردد. برای این اساس، در این پژوهش به این مهم می‌پردازیم که هویت برنامه درسی تربیت اسلامی بر اساس قرآن و فرامین معصومان علیهم‌السلام چیست؟

روش پژوهش

در این راستا، برای پاسخ به سؤال پژوهش با استفاده از روش هرمونتیک و با اتکا به کتاب‌های تفسیر قرآن کریم که مورد تأیید علمای بزرگ - همچون آیت الله علم الهدی، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله قرائتی - قرار گرفته است، بررسی این مسئله، در تعدادی از آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

قرآن، هدایتگر انسان‌های متقی به سوی قرب الی الله

در آغاز سوره بقره می‌خوانیم:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ (بقره: ۲)

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت تقوایندگان است.

خداوند قرآن را با دو ویژگی معرفی می‌کند؛ نخست این که در حقانیت آن جای هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد و دوم این که قرآن هدایتگر پرهیزکاران است. اگر دست اندرکاران نظام برنامه‌ریزی می‌خواهند بر اساس قرآن عمل کنند و از هدایتگری آن در برنامه‌ریزی درسی بهره‌گیرند، باید به بهره‌گیری از دستورات کتاب خدا اهتمام ورزند و در برنامه‌ریزی درسی، از به‌کارگیری رویکردهایی که با قرآن مغایر است و مسیر تربیتی انسان را به بیراهه می‌کشاند پرهیزند.

در قرآن کریم آمده است:

﴿وَيُرِي الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ﴾؛ (سبأ: ۶)

و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند، می‌دانند که آن چه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است.

برنامه‌ریزان درسی نیز مصداق این آیه شریفه هستند و از حقانیت قرآن و جایگاه آن به عنوان سند اساسی برنامه تربیتی آگاهند. از این رو انتظار می‌رود در نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش، با نگاهی جامع‌بینانه و مؤمنانه به قرآن و فرامین اهل بیت علیهم‌السلام - که قرآن ناطق و مفسران حقیقی آنند - از این دو امانت گران‌بهای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفتی حقیقی کسب کنند و به استفاده عملی از آن مبادرت نمایند.

صفات انسان‌های پرهیزکار

بی‌گمان قرآن برای انسان‌های پرهیزکار، هدایتگر است و همه عوامل و عناصر دخیل در تربیت انسان را بیان می‌کند. البته لازمه بهره‌گیری و استفاده از هدایت قرآن، متقی بودن است. خداوند در آغاز سوره بقره، صفات پرهیزکاران را به ترتیب اهمیت، ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، ایمان به قرآن و کتبی که از جانب

خداوند پیش از قرآن فرستاده شده و باور به عالم آخرت برمی شمرد. در واقع می توان گفت این صفات پرهیزکاران به منزله اهداف واسطه ای است که نایل آمدن به هدف واسطه ای اول، لازمه تحقق هدف های بعدی است و تحقق این اهداف واسطه ای، انسان پرهیزکار را به هدف غایی که قرب الی الله است می رساند.

خداوند ویژگی های پرهیزکاران را چنین بیان می کند:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره: ۳)
آنان که به غیب ایمان می آورند، و نماز را برپا می دارند، و از آن چه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.

در ادامه با استفاده از تفاسیر، به بررسی صفات پرهیزکاران در این آیه می پردازیم.

ایمان به غیب

در تعریف ایمان، روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده که فرمود:

الایمان هو التصدیق بالقلب والاقرار باللسان والعمل بالارکان؛ (کاشانی،
۱۳۳۶: ج ۱، ۶۳)

ایمان، پذیرش قلبی، اقرار زبانی و عمل به آن با اعضا و جوارح است.

بر این اساس، ایمان عبارت است از تصدیق و پذیرش حقیقت و تسلیم در برابر آن همراه با عشق و علاقه و عمل. غیب، ضدّ شهود و حضور است و امور غیبی، یعنی اموری که به واسطه حواس ظاهره ادراک نشود و از نظر پنهان باشد. بنابراین ایمان به غیب، ایمان به اموری است که از راه حواس ظاهری پیدا نشود (طیب، ۱۳۷۸).

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

پرهیزکاران شیعیان علی علیه السلام هستند و منظور از غیب، حجت غایب است.

همچنین آن حضرت می فرماید:

من آمن بقیام القائم علیه السلام آتیه حق؛ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۱۰)
کسی که به قیام قائم علیه السلام ایمان می آورد برحق است.

حضرت صادق علیه السلام در ادامه تفسیر، آیه بیستم سوره یونس را تلاوت نمود
که می فرماید:

﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْعَجِبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾

و می گویند: چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو:
غیب فقط به خدا اختصاص دارد. پس منتظر باشید که من هم با شما از
منتظرانم.

در تفاسیر آمده است که مقصود از غیب در این آیه، غیبت حضرت حجت علیه السلام
است. جابر بن عبد الله انصاری در همین باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که پس
از ذکر نام دوازده امام علیهم السلام تا به اسم حضرت مهدی علیه السلام رسید، فرمود:

آخرین آن ها، حجت قائم است که خوشا به حال کسانی که در غیبت
او صبر کنند و بر محبت او ثابت باشند. خداوند آنان را در کتاب خود
به ایمان آورندگان به غیب، حزب خدا و کسانی که غلبه با آنان
است، وصف می فرماید. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۲۴ - ۱۳۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵:
ج ۱، ۳۱ - ۳۲)

بر این اساس، منظور خداوند از غیب، مهدی اَمّت است که غایب از دیده
انسان هاست. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾؛ (نور: ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده
داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛
همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرارداد.

پیامبر اعظم ﷺ درباره این آیه می فرماید:

اگر از دنیا به جز یک روز نماند، خدای عزوجل آن روز را طولانی می گرداند تا مردی از فرزندان من بیاید. نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. زمین را پراز عدل می کند پس از آن که پراز جور باشد. (رازی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۱۰۴)

بنابراین کسی به غیب ایمان دارد که منتظر ظهور حضرت مهدی ﷺ باشد و وظایف خود را در این راستا به خوبی انجام دهد.

مقام منتظران ظهور از نظر ائمه اطهار علیهم السلام

ایمان به غیبت حضرت مهدی ﷺ و عمل به وظایف مربوط به آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در روایات برای انسان منتظر ظهور، جایگاه هایی والا همچون دارای اجر هزار شهید مانند شهدای بدر واحد، بهترین انسان های طول تاریخ، به منزله مجاهدان با شمشیر پیشاپیش رسول خدا ﷺ بندگان خالص خدا، شیعیان حقیقی، دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکارا، بزرگ ترین مردم از جهت یقین، فاضل ترین مؤمنان، برادران پیامبر اعظم ﷺ بیان شده است (طیب، ۱۳۷۸، ج: ۱، ۱۴۹-۱۵۱).

ایمان مؤمنان در دوره غیبت، ایمان به غیب است؛ چون آنان زمان پیغمبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام را درک نکرده اند و امامشان هم در پرده غیبت به سر می برد و چون غیبت آن حضرت و طول عمر و بودنش در بین مردم و عدم مشاهده ایشان، همه بر خلاف عادت است، ایمان به او، ایمان حقیقی و بالاترین مراتب ایمان به شمار می رود و کسانی که معترف به ایشان باشند، به همه عقاید حق معترف و مؤمن هستند (همو: ۱۴۹).

پیامبر اعظم ﷺ برترین عبادت را انتظار فرج امام عصر علیه السلام بیان فرموده^۱ که بیانگر نقش اساسی و محوری معارف مهدویت در نظام تربیت اسلامی است (صافی

۱. «أفضل العبادة، انتظار الفرج»

گلیایگانی، بی تا: فصل ۱۰، باب ۳، ح ۱۶).

ایمان به غیبت، هدف واسطه‌ای برای نایل شدن به سایر اهداف برنامه درسی تربیت اسلامی

برنامه درسی تربیت اسلامی به گونه‌ای است که از همان ابتدا به ترتیب اولویت، مهم‌ترین اهداف لازم که باید توسط متربی کسب شود، بیان می‌گردد و لازمه تحقق هدف غایی، تحقق این اهداف واسطه‌ای به ترتیب اولویت و اهمیت است. براساس آیه سوم سوره بقره و با توجه به تفسیر این آیه، در برنامه درسی تربیت اسلامی، ایمان به غیبت حضرت بقیة الله ﷺ لازمه ایمان داشتن به سایر اصول و فروع دین است و با توجه به تفاسیر و روایات بسیاری که وجود دارد، اگر متربی در همه ویژگی‌ها همچون ایمان به توحید، نبوت، معاد، عدالت و حتی امامت، سرآمد باشد و در این موارد بسیار تلاش کند و نیز همه اعمال مربوط به اصول و فروع دین را انجام دهد، ولی به غیبت امام عصر ﷺ و عمل عاشقانه به ویژگی‌ها و وظایف یک منتظر در ارتباط با آن حضرت ایمان نداشته باشد، هرگز جزو متربیانی نیست که بتواند از هدایتگری قرآن بهره‌گیرد و از ایمانی که خداوند در آیه مذکور فرموده است، بی‌بهره است. کسی که به غیبت امام زمان ﷺ ایمان نداشته باشد، دیگر اعمال او - همچون نماز و انفاق - نیز از سوی خداوند پذیرفته نمی‌شود، حتی اگر بسیار به این امور مبادرت ورزد (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۷۲).

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

اگر شخصی شب‌ها به عبادت برخیزد و روزهایش را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سال‌های عمرش حج خانه کعبه انجام دهد، ولی ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او انجام پذیرد، حق ثواب در نزد خداوند برای او نیست و او از اهل ایمان نبوده است. (کلینی، بی تا: ج ۱، ۱۸۵؛ همچنین نک: حدیث مشهور «سلسلة الذهب» از امام رضا علیه السلام)

چگونگی دستیابی به مراتبی از قرب الی الله

شناخت خدا و هدایت و قرار گرفتن در راه سعادت، منوط به شناخت ائمه علیهم السلام است، وگرنه شناخت خداوند حاصل نخواهد شد. اگر مرتبی، حضرت مهدی علیه السلام را - که حجت خداوند است - نشناسد، خدا را هم نخواهد شناخت. امام محمد باقر علیه السلام در همین باره فرموده است:

بَيَّنَّا عِبَادَ اللَّهِ وَبَيَّنَّا عَرِفَ اللَّهِ وَبَيَّنَّا وَجِدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ (کلینی، بی تا: کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۱۰)
به وسیله ما خدا پرستش شد و به وسیله ما خدا شناخته شد و به وسیله ما خدای تبارک و تعالی را یگانه شناختند و محمد صلی الله علیه و آله پرده دار خدای تبارک و تعالی است [تا واسطه میان او و مخلوقش باشد].

خداوند در آیات متعدد به حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله راه قرب الی الله را ابلاغ فرمود تا مسیر هدایت الهی برای کسانی که می خواهند مرتبی برنامه درسی تربیت اسلامی باشند، به روشنی هویدا گردد.
خداوند در این باره می فرماید:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛ (فرقان: ۵۷)

[ای پیامبر! بگو: برای [رسالت] اجری از شما طلب نمی کنم، جز این که هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.

و در آیه ای دیگر فرموده است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾؛ (شوری: ۲۳)

بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان [و اهل بیت].

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چندین بار از سوی خداوند با کلمه «قُل» مأمور شد تا از مردم تقاضا کند. البته این درخواست ها تنها به نفع مردم و برای استفاده از اجر معنوی است؛ چنان که در آیه ای دیگر آمده است:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوْ لَكُمْ﴾؛ (سبأ: ۴۷)
بگو: هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان!

براساس این آیات، مزد رسالت پیامبر ﷺ یکی انتخاب راه خدا و دیگری دوستی با خاندان رسول خداست.

با تأمل به این که در هر دو تعبیر، کلمه «إِلَّا» بدین معنای که مزد من تنها همین مورد است مطرح شده، مشخص می شود که باید راه خدا و مودت اهل بیت یکی باشد و اگر دو تا باشد تناقض است؛ چرا که نمی توان گفت من فقط روزها مطالعه می کنم و بار دیگر گفت من فقط شب ها مطالعه می کنم؛ بلکه محصور باید یک چیز باشد. پیامبر اسلام ﷺ از طرف خداوند یک بار مأمور می شود که به مردم بگوید: «مرد من تنها انتخاب راه خداست» و بار دیگر باید بگوید: «مزد من تنها دوستی با خاندانم است». در واقع باید این دو درخواست یکی باشد؛ یعنی راه خدا، همان مودت اهل بیت پیامبر ﷺ است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱۰، ۳۹۵-۳۹۷).

امام حسن علیه السلام نیز در ذیل ادامه آیه ۲۳ سوره شوری که می فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِرْفَ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ فرموده است:

اقتراف الحسنه مودتنا اهل البيت؛ (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱۰، ۳۹۸)
کسب نیکی، دوستی با ما اهل بیت است.

بنابراین دوستی با اهل بیت علیهم السلام برجسته ترین حسنه است که سبب دریافت پاداش بیشتر و مغفرت می شود؛ زیرا خداوند قدر دان کسانی است که به وظیفه خود در مودت اهل بیت عمل می کنند (همو: ج ۱۰، ۳۹۸).

با توجه به این که مسیر قرب الی الله، مودت به اهل بیت علیهم السلام است، معرفت به این خاندان اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا تا انسان کسی را نشناسد، نمی تواند به او عشق ورزد و مودت بدون اطاعت، نوعی ریاکاری و دروغ است.

شناخت امام عصر علیه السلام لازمه دین داری

بنابراین چه گفته شد، دین داری متربی حتی با اراده و اختیار خود، بدون

شناخت امام عصر علیه السلام و پذیرش عملی ولایت آن حضرت ممکن نیست؛ زیرا دین داری همان دستیابی به معرفت ائمه اطهار علیهم السلام و پذیرفتن ولایت آن بزرگواران است. امام باقر علیه السلام ذیل آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) در این باره می فرماید:

التَّسْلِيمُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بِالْوَلَايَةِ؛ (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۶۰۵)
[اسلام همان] تسلیم شدن به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام با پذیرش ولایت ایشان است.

شناخت امام، روشنی بخش و هدایتگر مسیر قرب الی الله است و کسانی که به امامت حضرت مهدی علیه السلام معتقدند، برای باقی ماندن بر این عقیده و آسان شدن پذیرش احکام ائمه علیهم السلام باید دارای یقینی محکم و معرفتی درست باشند.
امام سجاد علیه السلام می فرماید:

أَنَّ لِقَائِمٍ مِّنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ
أَمَدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ
بِقِيْنِهِ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَاسَلَّمَ لَنَا أَهْلُ
الْبَيْتِ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۳ - ۳۲۴، ۸ح)

قائم ما دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است ... و اما غیبت دیگر طولانی می شود تا به غایتی که بیشتر معتقدان به آن امام از این امر بازگردند و بر آن ثابت نمانند، مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و در دلش حرجی از آن چه حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.

جایگاه تربیت زمینه ساز ظهور در تحقق هدف غایی نظام آموزش و پرورش

تربیت زمینه ساز در اسلام، جایگاهی بسیار والا دارد؛ به گونه ای که در روایتی چنین آمده است:

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ
مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: جَاهِلِيَّةٌ جَهْلَاءٌ أَوْ

جَاهِلِيَّةٌ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟ قَالَ: جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَضَلَالٌ؛ (کلینی، بی تا: ج ۲، باب من مات و لیس له الامام، ح ۳)

حارث بن مغیره می گوید: به امام صادق گفتیم: آیا رسول خدا ﷺ فرموده: هر کس امام خود را شناخته بمیرد، به مردن جاهلیت مرده؟ فرمود: آری. گفتیم: جاهلیت محض و بی دینی یا جاهلیت نسبت به شناختن امام خود؟ فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.

بنابراین اگر حجت خدا شناخته نشود، گمراهی به دنبال دارد. در روایتی دیگر می خوانیم:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: ... قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي؛

امام صادق علیه السلام در جواب زراره که پرسید: فدایت شوم! اگر دوران غیبت را درک کردم چه وظیفه ای دارم؟ فرمود: ای زراره، اگر به آن زمان رسیدی، با این دعا از خدا بنخواه: خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو خودت را به من نشناسانی، من رسالت را نمی شناسم. خدایا، پیغمبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجت تو را نمی شناسم. خدایا، حجت خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو حجتت را به من نشناسانی، از راه دینم گمراه می شوم. (کلینی، بی تا: کتاب الحجة، باب في الغيبة، ح ۵).

براین اساس، برای دستیابی به قرب الی الله، معرفت و عمل به فرامین و معارف چهارده معصوم علیهم السلام ضروری است. خداوند در قرآن کریم دستور داده که برای قرب الی الله، وسیله ای برای تقرب به او بجویید^۱ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۱۳) که اهل بیت علیهم السلام همان ریسمان محکم و وسیله نزدیک شدن به خداوند هستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۳). بنابراین برای تحقق هدف غایی نظام آموزش و

۱. «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)

پرورش، کسب معرفت، مودت و عمل به فرامین و معارف چهارده معصوم علیهم‌السلام لازم است.

رسالت نظام آموزش و پرورش، تربیت زمینه‌ساز ظهور

با توجه به این که رسالت نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای اسلام مد نظر قرار گرفته است، خانواده‌ها نیز معمولاً تربیت اسلامی فرزندان خود را به آموزش و پرورش واگذار کرده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۰: ۲۴۵). بر این اساس، استقرار نظام آموزش و پرورش بر مبنایی به جز آن چه در قرآن و عترت علیهم‌السلام بیان شده است، از دو بعد، ظلم به افراد جامعه به شمار می‌رود؛ از یک سو تربیت زمینه‌ساز ظهور - که انسان برای تکامل واقعی و معنوی و خدایی شدن به آن نیاز دارد - تحقق نمی‌یابد و مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی ایران - یعنی زمینه‌سازی ظهور که برای آن هزینه‌های بسیاری همچون ریختن خون شهدا شده - عملی نمی‌شود. از سوی دیگر، تربیت اسلامی دانش‌آموزان - به عنوان آینده‌سازان جامعه اسلامی - به درستی انجام نمی‌شود و در سعادت دنیا و آخرت آن‌ها مشکل پیش می‌آید و دچار بی‌هویتی و انحراف‌های گوناگون می‌گردند؛ همچنان که پژوهش‌ها از نا کارآمدی نظام آموزش و پرورش گزارش می‌دهند.

با این اوصاف و با توجه به وضعیتی که در نتیجه ضعف در وضعیت تربیت اسلامی، در جامعه عیان است، بی‌توجهی به برنامه تربیت اسلامی مورد نظر قرآن کریم و معصومان، نه تنها ظلم به انسانیت، بلکه ظلم به تمام هستی است؛ زیرا در عصر ظهور، حقوق محیط زیست کاملاً رعایت می‌شود و حتی موجودات و محیط زیست آن‌ها، در گستره‌هایی به وسعت جهان هستی دچار ارتقا و تکامل در حیات مادی و معنوی گشته و ضمن همراهی رضایت‌مندانه، به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت‌های بالقوه خویش خواهند رسید. عالم هستی نیز از هرگونه آلودگی و آلاینده‌های مادی و معنوی پاک خواهد شد و با نابودی شیطان، تسبیح و ستایش

الهی همه موجودات و حتی جمادات بیش از پیش با انسان متعالی این عصر، هم‌نوا تر خواهند شد. بنابراین محیط زیست و موجودات هستی با این تحول، به وضع اصلی و طبیعی و الهی خود باز خواهند گشت و عدالت درباره آن‌ها اجرا شده، به نهایت اهلیت و سزاواری و تحقق استعدادها و قابلیت‌های خویش دست خواهند یافت (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸).

بنابراین ضروری است نظام آموزش و پرورش از همان ابتدای فرایند تربیت دانش‌آموزان، معارف اسلامی مرتبط با مهدویت را متناسب با فهم و توانایی آنان ارائه دهد و در برنامه‌ریزی درسی به گونه‌ای عمل شود که دانش‌آموز با این معارف ارتباط برقرار کند و متناسب با توانایی‌های خود در هر دوره به تجربه عملی آن‌ها بپردازد. در این رویکرد، دانش‌آموز ضمن آشنایی با معارف پایه‌ای و اساسی اسلام، می‌تواند برای خود فرایندی تربیتی اتخاذ کند که در حیطه شناختی، عاطفی و روانی، با این معارف ارتباط برقرار نماید و در تمام دوران زندگی، مرتبه خود را در قرب الی الله ارتقا دهد و در واقع، چگونگی تربیت خود را نیز فراگیرد.

کارکرد برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم‌السلام

با تدوین و اجرای برنامه درسی تربیت اسلامی، مرتبه‌ی در دوره غیبت امام مهدی علیه‌السلام با کسب معرفت و برقراری ارتباط معنوی با آن حضرت و عمل به وظایف خود، از زمینه‌سازی برای ظهور غافل نمی‌شود و در این راه تلاش می‌کند. همچنین معتقد است اراده خداوند در این باره به وقوع می‌پیوندد.

کسی که در فرایند این برنامه درسی قرار گیرد، با امیدواری منتظر ظهور است و با عشق در مقابل سختی‌ها و مشکلاتی که متوجه اوست، ایستادگی می‌کند. او با عمل به وظیفه خود، از سوی امام زمان علیه‌السلام هدایت می‌شود و بر همه موانع در مسیر تربیت خویش فائق می‌آید.

انتظار در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد، اصلاح، مقاومت،

پیشرفت، بیداری، جنبش و قیام است. انتظارحالتی است که در خود پیام نارضایتی از وضع موجود دارد و چشم داشت به وضع دیگری است که اعتماد و امید برای مبارزه در راه خیر و صلاح را بدون هراس، در انسان ایجاد می کند. همچنین با توجه به ترسیم آینده ای روشن، روح ناامیدی را از بین می برد و اسباب حرکت در راستای آمادگی کامل در همه زمینه های فردی و اجتماعی، عمل به آموزه های اسلام و کسب رضایت امام زمان علیه السلام را فراهم می نماید. البته تنها آگاهی به غیبت امام زمان علیه السلام و وعده الهی، انتظار محسوب نمی شود، بلکه انسان منتظر، در تمام دوران زندگی نباید خود را بی نیاز از تلاش برای کسب معرفت و رضایت امام زمان علیه السلام بداند.

در این رویکرد، متری همه فعالیت های دوره زندگی خود مانند سبک زندگی، خدمت به جامعه، انتخاب همسر، تربیت فرزند، کسب تخصص و مهارت حرفه ای، انتخاب شغل و... را بر اساس خواست و رضایت امام عصر علیه السلام قرار می دهد. او برای رضایت امام زمان علیه السلام در شکوفایی استعداد های خود در ابعاد گوناگون تلاش می کند و با رعایت شعائر و احکام الهی و دوری از معاصی، نفس خود را تهذیب می نماید و با عشقی که به امام مهدی علیه السلام دارد، می کوشد افکار، گفتار و رفتار خود را در راستای رضایت آن حضرت - که رضایت خداوند در آن است - قرار دهد و روز به روز ارتباط معنوی خویش را با حضرت مهدی علیه السلام افزایش دهد و خود را آماده ظهور کند.

انسان منتظر ظهور، با خود سازی مورد نظر حضرت ولی عصر علیه السلام برای زمینه سازی ظهور توانایی می یابد تا هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم با انجام کارهای شایسته - که برگرفته از روح انتظار در وجود اوست - در اطرافیان تأثیر گذار شود و در کسانی که استعداد دارند، برای قرار گرفتن در این مسیر هدایت الهی رغبت ایجاد کند.

منتظر از همه خودخواهی‌ها، بداخلاقی‌ها، انحراف‌ها و دنیاپرستی - که سبب فساد و ظلم و جور در جامعه می‌شود - به دور است و با عمل به وظیفه خود، زمینه را برای ظهور امام زمان علیه السلام فراهم می‌کند. چنین فردی ویژگی‌های یک متربی مورد تأیید خداوند را دارد و همه کارهای مربوط به اصول و فروع دین را انجام می‌دهد خود قضاوت می‌کند که آیا کارهای او مورد تأیید حضرت بقیة الله علیه السلام است؟ او امام را حاضر و ناظر بر رفتار خود می‌داند و نظارتی درونی بر اعمال او حاکم می‌شود؛ به گونه‌ای که همواره به انجام کارهایی گرایش دارد که رضایت خداوند و امام زمان علیه السلام در آن است.

در نتیجه اجرای این برنامه درسی، متربی می‌داند که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت او - که سراسر محبت و خیر است - می‌تواند به خوبی زندگی کند و قطعاً به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد و به مراتب قرب الی الله خواهد رسید. در نتیجه، برای تحقق چنین شرایطی، می‌کوشد زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد.

نقش امام در تربیت متربی منتظر ظهور

مقام امامت، مقام تحقق بخشیدن به اهداف مذهب و هدایت به معنای «ایصال به مطلوب» و نه فقط «ارائه طریق» است. افزون بر این، «هدایت تکوینی» - یعنی تأثیر باطنی و نفوذ روحانی امام و تابش شعاع وجودش در قلب انسان‌های آماده و هدایت معنوی آن‌ها - را نیز دربر می‌گیرد. امام از این نظر همچون خورشید با اشعه زندگی بخش خود گیاهان را پرورش می‌دهد و به موجودات زنده جان می‌بخشد. نقش امام در حیات معنوی نیز همین است و در تربیت افراد مستعد و آماده و خارج ساختن آنان از ظلمت جهل و گمراهی به سوی نور هدایت، تأثیری عمیق دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۳۸).

در بسیاری از آیات قرآن کریم، همراه «امامت» مفهوم «هدایت» بیان شده است؛

چنان که می فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾

(سجده: ۲۴)

و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند.

این هدایت به معنای ارائه طریق نیست؛ زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام پیش از این، مقام نبوت و رسالت و هدایت بدین معنا را داشته است. مقام امامتی که پس از امتحانات مشکل و بیمودن مراحل یقین و شجاعت و استقامت به حضرت ابراهیم علیه السلام بخشیده شد، غیر از مقام هدایت به معنای بشارت و ابلاغ و انداز بوده است. از این رو هدایتی که در مفهوم امامت است، چیزی جز «ایصال به مطلوب»، «تحقق بخشیدن روح مذهب» و پیاده کردن برنامه های تربیتی در نفوس آماده نیست (همو: ۴۳۹).

وظیفه امام، اجرای دستورات الهی است؛ در حالی که وظیفه رسول، ابلاغ این دستورات است و به تعبیر دیگر، رسول «ارائه طریق» می کند، ولی امام «ایصال به مطلوب» می نماید. بنابراین متریبانی که ویژگی های لازم را داشته باشند، حتی در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سبب زمینه مستعدی که دارند، با یک اشاره آن حضرت به مراتب هدایت و الاتری رهنمون می شوند.

نتیجه

از آن جا که هدف غایی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، دستیابی متربی به مراتبی از قرب الی الله و حیات طیبه است، برای نایل آمدن به این هدف، ضرورت توجه به دستورات خداوند و برنامه های او، اهمیت ویژه ای دارد و مؤمنان معتقدند که خداوند متعال، تربیت انسان ها را به حال خود واگذار نکرده و به وسیله دو امانت گران بهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم همه موارد لازم در مسیر تربیت انسان را به طور

کامل بیان نموده است. در این زمینه در نظام برنامه‌ریزی درسی جمهوری اسلامی ایران، نیازی به استفاده از مکاتب اومانیسیم و تفکرات این‌چنینی وجود ندارد. در این پژوهش مشخص شد که در برنامه درسی تربیت اسلامی، شرط اساسی و اولیه ایمان به خدا، ایمان به غیبت حضرت مهدی علیه السلام و عمل به وظایف در این باره است و راه قرب الی الله، مودت به چهارده معصوم علیهم السلام به شمار می‌آید. در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام لازمه مودت، کسب معرفت به آن حضرت و تبلور همه ویژگی‌هایی منتظر ظهور در مرتبه است. بر این اساس، لازم است رویکرد نظام آموزش و پرورش، بر محور توجه همه‌جانبه به تربیت زمینه‌ساز ظهور اتخاذ گردد و همه فعالیت‌های نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش، باید در راستای زمینه‌سازی ظهور قرار گیرد که این راهبرد، متضمن تحقق همه اهداف تربیت اسلامی است.

نظام آموزش و پرورش با ارائه برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم السلام در پاسخ به درخواست اساسی خانواده‌هایی که خواهان تربیت اسلامی فرزندانشان هستند، به خوبی انجام وظیفه خواهد کرد.

ارائه برنامه درسی زمینه‌ساز ظهور، از همان ابتدای ورود دانش‌آموزان به نظام آموزش و پرورش متناسب با توانایی‌های آن‌ها، برای تأمین سعادت دنیا و آخرت دانش‌آموزان و ادای حق حضرت مهدی علیه السلام ضرورتی انکارناپذیر است.

مهم‌ترین راهکار پیشنهادی این است که پژوهشکده‌های اسلامی برای استخراج برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم السلام با نگرش مؤمنانه به حمایت و ترغیب پژوهشگران حوزه مهدویت و علوم تربیتی مبادرت کنند و این برنامه برای اجرا، به مسئولان حکومت اسلامی ارائه شود.

ارائه هرگونه راهکار عملی منوط به استخراج کامل برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم السلام است و بر اساس آن، راهکارهای عملی برای همه عوامل و عناصر مربوط به این فرایند تربیتی مشخص می‌شود. اما به طور کلی لازم است به

بحث تربیت معلم در این راستا توجهی ویژه شود. در تدوین محتوا و تألیف کتب درسی، باید همه مؤلفه‌های تربیت اسلامی بر اساس تربیت زمینه‌ساز ظهور تدوین گردد. همچنین ضمن ارائه محتوای مربوط به تربیت زمینه‌ساز به صورت تلفیقی در سایر کتب درسی به ویژه کتاب‌های ادبیات فارسی، علوم اجتماعی، تاریخ، هنر و عربی، در کتاب‌های مربوط به تربیت اسلامی نیز به خوبی از لحاظ کمی و کیفی به این مهم پرداخته شود. اما متأسفانه در کتاب‌های درسی مربوط به تربیت اسلامی به این موضوع بسیار اساسی، به خوبی توجه نشده است. در کتاب‌های قرآن و تعلیمات دینی، راه شناخت خداوند از راه توجه به مخلوقات خداوند همچون نگاه به ماه، خورشید، روز، شب، کوه، دریا و... بیان شده است (قرآن و تعلیمات دینی ۱، اول دبیرستان، ۱۳۹۱: ۴۴)؛ در جایی دیگر، راه رسیدن به ایمان و تقویت آن را تفکر درباره آیات خدا در گستره هستی، توجه دائم به خداوند و ذکر و یاد او (همان: ۷۹)، توجه به نعمت‌های خدا، انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان (همان: ۸۰) مطرح شده و به گونه‌ای که خداوند در زمینه ایمان و راه قرب الی الله بیان فرموده، عمل نشده است.

عنوان یکی از دروس، «رسول خدا و اهل بیت ایشان الگوی ما، در راه زندگی» است. در متن درس آمده است که «پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام برنامه دقیقی برای زندگی خود داشته‌اند و سفارش‌های بسیاری به یاران خود کرده‌اند که آنان نیز زندگی با برنامه و هدفمندی طراحی نمایند.» در ادامه همین جمله می‌خوانیم: «ائمہ اطهار علیهم السلام اوقات خود را به چند قسمت تقسیم می‌کردند و خوب است ما هم این کار را انجام دهیم» (همان: ۱۳۱)، یا این که «از نظر امامان، دوست خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟» (همان: ۱۶۸) اما در این کتاب به بحث مهدویت اشاره‌ای نشده است.

در کتاب قرآن و تعلیمات دینی دوم دبیرستان، تنها یک جمله از حضرت مهدی ﷺ بیان شده (۱۳۹۱: ۳۹) و در کتاب قرآن و تعلیمات دینی سوم دبیرستان، در

دو درس به مهدویت پرداخته شده است. حاصل سخن این که در کتاب‌های درسی، آن‌گونه شایسته است به جایگاه والای ائمه اطهار علیهم‌السلام - که اساساً وجود آن‌ها برای تربیت انسان است - توجه نشده است و این موضوع مهم، مغفول مانده است. از این رو برگزاری دوره‌های معرفت‌افزایی، برای معرفی دین اسلام و جایگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام و به ویژه حضرت مهدی علیه‌السلام برای دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش، ضرورتی انکارناپذیر است.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، «آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست»، مجله *انتظار موعود*، ش ۱۷، ۱۳۸۸ ش.
- انصاری، طاهره، «راهکارهای اساسی و روش های کارآمدی در برنامه های پرورش برای نیل به تربیت مناسب دانش آموزان»، خلاصه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ۱۳۸۰ ش.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- تصدیقی، محمدعلی و فروغ، «آسیب شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی ایران»، *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ص ۶۴۸ - ۶۸۷، ۱۳۸۸ ش.
- جوانمردی و پورشافعی، مبانئ تربیت دینی از دیدگاه اسلام و دلالت های آن در آموزش متوسطه، *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- حسینی، افضل السادات، «راهبردهای اساسی و روش های کارآمد در برنامه های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش آموزان»، *خلاصه مقاله های همایش آسیب شناسی تربیت دینی*، ص ۵۲، ۱۳۸۰ ش.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- رهنمایی، سید احمد، «تربیت دینی، اصلاحات، مشکلات و آسیب ها»، مجله *تربیت اسلامی*، ۲۲۷ - ۲۵۴، ۱۳۸۰ ش.
- سعیدی رضوانی، محمود، *بررسی وضع موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان و ارزیابی آن بر اساس مؤلفه های اصلی آموزش و پرورش*، تهران، دفتر سند ملی آموزش و پرورش، ۱۳۸۶ ش.

- _____، «بررسی وضع مطلوب و موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان و تبیین آن با توجه به عوامل درون‌دادی و فرایندی»، *اسناد بالادستی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش*، www.sanad.ir، ۱۳۸۹ ش.
- _____ و تقی بیهقی، «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی»، *تربیت اسلامی ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی*، ۱۰۵ - ۱۳۳، ۱۳۸۰ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر، قم: مرکز نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، بی تا.*
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- عصاره، علیرضا، «کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی»، *خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی*، ص ۱۲۵، ۱۳۸۰ ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- قزائی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
- قلی‌زاده برهانی، لیلا، *بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درس دینی به هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*، دانشگاه الزهراء - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳۸۵ ش.
- کاشانی، ملاًفتح الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتاب‌فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش.

- کشاورز، سوسن، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دوفصل‌نامه تربیت اسلامی، سال سوم ش ۶، ص ۹۳ - ۱۲۲، ۱۳۸۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه: حاج سید جواد مصطفوی، ۴ جلد، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، چاپ اول، بی‌تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ملکی، حسن، «تعلیم و تربیت دینی: برنامه‌ریزی و آموزش»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ۱۳۸۰ ش.
- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۲ ش.
- مهرمحمدی، محمود، و پروین صمدی، «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، سال دوم، ش ۳، ۹ - ۳۴، ۱۳۸۲ ش.
- میرزاحمدی، محمد حسن، و رحیمه رسولی، «تربیت ولایی؛ اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی»، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، ش ۱، ۷ - ۴۵، ۱۳۸۹ ش.
- نساجی زواره، اسماعیل، «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ص ۴۹۷ - ۵۲۱، ۱۳۸۸ ش.
- یزدانی، جواد، «برنامه‌ریزی تربیت دینی»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ۱۳۸۰ ش.

موانع تربیت زمینه‌ساز

سید محمد مرتضوی*

چکیده

در اندیشه دینی پایان تاریخ، دوران استقرار عدالت و حاکمیت مستضعفان است که این تحول جهانی به دست حضرت مهدی علیه السلام و یاران مخلص او انجام می‌گیرد. در روایات اسلامی از یاران مهدی علیه السلام با ویژگی‌هایی یاد شده است، که تا این یاران یافت نشوند و خداوند نخواهد، آن حرکت آغاز نخواهد شد. به جز امام که معصوم و دارای عنایت ویژه خداوندی است، یاران او از بین همین انسان‌ها برمی‌خیزند.

نوشتار حاضر درباره موانع تربیت زمینه‌ساز چنین یارانی است که با تعریفی خاص از تربیت اسلامی و عوامل آن، از موانع تربیت زمینه‌ساز در حوزه افکار، گفتار و رفتار بحث می‌کند. همچنین با استناد به آیات و روایات اسلامی، در حوزه اندیشه و ارتباط با خداوند از کفر و شرک به عنوان دو مانع مهم، در حوزه ارتباط با امام عصر علیه السلام از نشناختن جایگاه حقوقی آن حضرت به عنوان مانعی مهم، و در ارتباط با خود از نداشتن بصیرت دینی به عنوان مانع مهم تربیت زمینه‌ساز یاد شده است.

در حوزه گفتار از بین موانع متعدد، به ده مانع اشاره شده است و در حوزه رفتار از تبعیت از هوای نفس، دل‌بستگی به دنیا، ضعف بینش

اسلامی، ضعف ولایت‌پذیری و... به عنوان موانع تربیت زمینه‌ساز یادشده است.

واژگان کلیدی:

تربیت اسلامی، عوامل تربیتی، موانع فکری تربیت زمینه‌ساز، موانع گفتاری تربیت زمینه‌ساز، موانع رفتاری تربیت زمینه‌ساز.

مقدمه

در اندیشه دینی پایان تاریخ، دوران استقرار و زندگی مسالمت‌آمیز بشر است. این تحول جهانی به دست حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد که او را در این راه، یارانی همراهی و کمک می‌کنند. یاران مهدی علیه السلام از بین همین انسان‌ها برمی‌خیزند و با ایمانی استوار و عزمی راسخ با تمام وجود در خدمت آن حضرت به اجرای اوامر او مشغول می‌شوند که در نتیجه تلاش امام عصر علیه السلام و یاران او و امداد غیبی، حکومت جهانی مستضعفان استقرار خواهد یافت. پرسش اساسی این نوشتار این است که در زمینه تربیت نیروی زمینه‌ساز آن حکومت جهانی چه موانعی وجود دارد که مانع تربیت چنین نیروهایی می‌شود.

تعریف تربیت اسلامی

پیش از بیان موانع تربیت زمینه‌ساز باید تعریفی روشن از تربیت دینی ارائه کرد تا موانع آن مشخص شود. باید توجه داشت تربیت دینی بر اساس اندیشه‌ای خاص شکل می‌گیرد. بنابراین با تربیت عمومی یا تربیت بدون اندیشه دینی تفاوت دارد و نمی‌تواند تعاریفی که از طرف دانشمندان غربی درباره تربیت انسان ارائه شده است مورد استفاده قرار گیرد. از این رو باید تعریف تربیت اسلامی را از متون دینی استخراج کرد.

اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین مربی، و قرآن دارای بالاترین دستورات تربیتی است، تعریف تربیت اسلامی را می‌توان از این جمله که به عنوان هدف بعثت

رسول خدا ﷺ بیان شده است در آورد. حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

قَبَعَتِ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَىٰ عِبَادَتِهِ، وَمَنْ طَاعَةَ الشَّيْطَانَ إِلَىٰ طَاعَتِهِ، يُقْرَأَنَّ قَدْ بَيَّنَّهُ وَأَحْكَمَهُ، لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَاهَلُوهُ، وَلِيَقْرُوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَحَدُوهُ، وَلِيُثْبِتُوهُ بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوهُ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۵: خ ۱۴۷)

خداوند پیامبر را با قرآن مبعوث کرد تا بندگان را از عبادت بت‌ها خارج کند و به عبادت خدا برساند و از اطاعت شیطان خارج کند و به اطاعت خدا در آورد؛ تا بندگان رب خود را که نمی‌شناختند بشناسند و به ربوبیت او اعتراف کنند، پس از آن که به زبان قبول نداشتند و تا این که خدا را تثبیت کنند پس از آن که انکار کرده بودند.

بنابراین تربیت اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: به کارگیری اصول و روش‌هایی برای شناخت و اعتراف به ربوبیت خدا و بریدن از ربوبیت غیر خدا و ثابت ماندن در این مسیر.

چنان که می‌بینیم، در این تعریف عناصری وجود دارد:

(الف) شناخت خدا به عنوان تنها رب هستی؛

(ب) انتخاب و اعتراف به این که خدا تنها رب هستی است؛

(ج) کنار گذاشتن ربوبیت هر چه غیر خداست؛

(د) ملتزم شدن به اصول و دستوراتی که انسان را در مسیر این اثبات و نفی یاری

می‌کند (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۱۶).

با دقت در واژه‌هایی که در این تعریف به کار رفته‌اند از جمله: شناخت، اعتراف و ثابت ماندن در مسیر، مشخص می‌شود که حوزه تربیتی اسلامی افکار، گفتار و رفتار انسان است که باید این سه حوزه در یک مسیر خاص قرار گیرد تا به نتیجه رسد، که اگر به نتیجه برسد محصول آن عبد صالح خواهد بود. عبد صالح است که در رکاب انسان کامل می‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی باشد و بدون وجود و تربیت چنین نیروهای صالحی امکان تشکیل حکومت جهانی وجود ندارد.

عوامل تربیتی

در تربیت انسان از جمله تربیت دینی عوامل متعددی دخالت دارند که به طور فهرست وار می توان از این عوامل که در چهار مرحله قابل طراحی خواهد بود، یاد کرد:

۱. خانواده

نخستین محیطی که انسان در آن قدم می گذارد خانواده است. در خانه عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان عبارتند از:
الف) رفتار اعضای خانواده؛ ب) گفتار اعضای خانواده؛ ج) فرهنگ خانواده؛
د) عقاید مذهبی خانواده؛ ه) اقتصاد خانواده.

۲. مدرسه

پس از خانواده، نخستین محیطی که انسان در آن پا می گذارد مدرسه است. هر نوع محیط آموزشی - از مهد تا دانشگاه - مدرسه نام دارد. در مدرسه عوامل تأثیرگذار بر تربیت انسان عبارتند از: الف) معلم؛ ب) کتب آموزشی؛ ج) مدیر.

۳. جامعه

پس از خانواده و مدرسه، دیگر عامل تأثیرگذار بر تربیت انسان، جامعه است. عوامل تأثیرگذار بر تربیت انسان در جامعه عبارتند از: الف) نوع حکومت؛ ب) مطبوعات؛ ج) کتب منتشره؛ د) صدا و سیما؛ ه) فیلم های موجود؛ و) دوستان و همشینیان.

۴. فرد

گرچه خانواده، مدرسه و جامعه عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان هستند، ولی آخرین عامل تأثیرگذار، اراده خود فرد است که تصمیم بگیرد تأثیر این عامل را بپذیرد یا نه. با توجه به این که اراده فرد، آخرین عامل تأثیرگذار در تربیت است، در

تمام نظام‌های حقوقی دنیا مسئولیت رفتار و گفتار انسان به عهده خود شخص خواهد بود. در اندیشه دینی هم انسان مکلف است که اگر دیگران برای تربیت او کاری انجام نداده‌اند خودش اقدام به این کار نماید. برای مثال، امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ صَرَوَةِ عَادَاتِهَا: (شریف رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۳۵۹)

ای مردم، مسئولیت تربیت خود را به عهده بگیرید و از عادت‌ها که بدان حریص است آن را بازدارید.

باید توجه داشت که تربیت درست وقتی انجام می‌گیرد که تمام عوامل تأثیرگذار بر تربیت هماهنگ باشند. گرچه هماهنگی کامل عوامل یادشده امکان ندارد، ولی دست کم هماهنگی نسبی آن‌ها ضروری است. اما آن‌چه کار را آسان می‌کند این است که آخرین عامل تأثیرگذار، اراده فرد است. بنابراین اگر همه آن عوامل هم برخلاف اراده او باشد، می‌تواند تأثیر آن‌ها را کنترل کند (مرتضوی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۱ - ۵۰).

تربیت زمینه‌ساز

مقصود از تربیت زمینه‌ساز نوعی تلاش تربیتی درباره انسان است که محصول و خروجی آن سربازانی فداکار برای امام عصر علیه السلام در آماده‌سازی انسان‌ها برای آن قیام جهانی است.

موانع تربیت زمینه‌ساز

مقصود از موانع، هر نوع تلاش تربیتی است که مانع تحقق تربیت زمینه‌ساز باشد. با توجه به تعریف تربیت اسلامی که باید انسان به توحید در همه ابعاد برسد، به ویژه توحید ربوبی که باید به جایی رسد که بپذیرد در نظام هستی «لا مؤثر الا الله» و در رفتار، گفتار و افکار خود به جایی رسد که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده است

که خود باید چنین باشد؛

﴿لَقَدْ لِكَ فَادَعُ وَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾؛ (شوری: ۱۵)

بنابراین به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوس های آنان را پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست؛ میان ما و شما خصومتی نیست؛ خدا میان ما را جمع می کند، و فرجام به سوی اوست.

و اَمّت را نیز باید به آن راه ببرد؛

﴿فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ (هود: ۱۱۲)

پس همان گونه که دستوریافته ای ایستادگی کن، و هر کس با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آن چه انجام می دهید بیناست.

اگر این تربیت اتفاق بیفتد نتیجه آن چنین خواهد شد که خداوند به پیامبر

دستور می دهد؛

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ * قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ (انعام: ۱۶۰-۱۶۲)

هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود. بگو: آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است؛ دینی پایدار، آیین ابراهیم حق گرای! و اواز مشرکان نبود. بگو: در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

پیش تر گفتیم که حوزه تربیت دینی، سه محور افکار، گفتار و رفتار را در بر می گیرد.

بنابراین موانع نیز در سه حوزه یاد شده قابل طرح است:

۱. موانع فکری

افکار انسان سه حوزه کلی دارد:

الف) در ارتباط با خدا

نوع نگاه انسان به مبدأ هستی، نقشی اساسی در تربیت انسان دارد. در این حوزه چند مانع جدی تربیت زمینه ساز را تهدید می کند:

۱. افکار کفرآلود: یکی از موانع جدی تربیت زمینه ساز در حوزه اندیشه انسان در ارتباط با مبدأ هستی، افکار کفرآلود است. اندیشه کفرآلود انکار وجود مبدایی برای هستی است که خداوند این اندیشه را چنین بیان می کند:

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (جاثیه: ۲۴)

وگفتند: «غیر از زندگی دنیای ما [چیز دیگری] نیست؛ می میریم و زنده می شویم، و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند.» [ولی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی سپرند.

باید توجه داشت انکار مبدأ، تنها یک اندیشه خالی نیست، بلکه این اندیشه در رفتار و گفتار و افکار انسان نیز تأثیر گذاشته و خود یک جهان بینی است. از این رو خداوند به رسولش دستور می دهد که از گناهکاران اطاعت نکند:

﴿وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (احزاب: ۴۸)

و کافران و منافقان را فرمان مبر، و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می کند.

این نوع نگاه در بین مسلمانان مطرح نیست؛ چرا که یک انسان مسلمان مبدأ هستی را پذیرفته است، ولی در تربیت انسان باید به آن توجه داشت؛ زیرا بازگشت انسان از ایمان به کفر امری ممکن است و در تاریخ نیز بسیار رخ داده که باید از این حالت به خدا پناه برد؛ زیرا آینده هیچ انسانی قابل پیش بینی نیست که چه خواهد بود که در اصطلاح دینی از چنین حالتی به ارتداد تعبیر می شود (راغب اصفهانی،

در قرآن کریم درباره این تحول و بازگشت انسان مؤمن به کفرده‌ها آیه وارد شده است؛ به عنوان نمونه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ حُجُّهُمْ وَمُجْبَوُّهُ أَدَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَءَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگرا] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] برکافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هرکس بخواهد می‌دهد، و خدا گشایش‌گرداناست.

با بازگشت به کفر تمام اعمال دوران ایمان نیز از بین می‌رود. خداوند این واقعیت را چنین بیان می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَرَالُونَ يَفَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فِيمَتِمْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ (بقره: ۲۱۷)

از تو درباره کارزار در ماه حرام می‌پرسند. بگو: «کارزار در آن، گناهی بزرگ و بازداشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او [و بازداشتن از] مسجد الحرام [حج] و بیرون راندن اهل آن از آن جا، نزد خدا [گناهی] بزرگ‌تر، و فتنه [شرک] از کشتار بزرگ‌تر است.» و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا - اگر بتوانند - شما را از دینتان برگردانند. و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمانند، کردارهای آنان در دنیا و آخرت تباه می‌شود، و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.

۲. افکار شرک‌آلود: از جمله موانع اساسی تربیت زمین‌ساز در حوزه اندیشه انسان

در ارتباط با مبدأ هستی، پذیرش مبدأ به صورت شرک آلود است. این مانع به چند صورت تصویری شود:

یکم. پذیرش چند مبدایی: یعنی ضمن پذیرش اصل مبدأ برای هستی معتقد به چند مبدأ برای هستی باشد. خداوند این نوع اندیشه را چنین نقد می‌فرماید:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾؛ (نساء: ۱۷۱)

ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید، و درباره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه‌گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است از آن اوست، و خداوند بس کارساز است.

این مانع نیز برای مسلمانان قابل تصویر نیست، مگر آن که همانند مانع کفر از توحید به شرک برگردند که در این زمینه نیز خداوند به پیامبر هم اعلام می‌نماید اگر او هم به حالت شرک برگردد تمام اعمالش از بین می‌رود. برای مثال:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ (زمر: ۶۵)

و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است: اگر شرک ورزی حتماً کدورت تباہ می‌شود و مسلماً از زیانکاران خواهی شد.

دوم. پذیرش چند ربّی: یعنی با این که در مقام خلقت به توحید معتقد است، ولی در بحث اداره و مدیریت هستی قائل به ارباب متنوع و متعدد شود که خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد بگوید ربّ همه هستی یکی است:

﴿قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ كُلَّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ

وَأَزْرَةً وَزَرًّا أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيَبَيِّنُ لَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾
(انعام: ۱۶۴)

بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با این که او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس جز بر زبان خود [گناهی] انجام نمی دهد، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی دارد، آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس شما را به آن چه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد کرد.

در اندیشه دینی، شرک به دو بخش جلی و خفی تقسیم شده است که مسلمانان به شرک جلی که بتی از سنگ و چوب و... را پرستش کنند مبتلانیستند، ولی شرک خفی غالباً دامن گیر آن هاست و آن شرک در ربوبیت است. به عنوان مثال، «ریا» رفتاری که از بعضی سر می زند و به عده ای تا وقتی مسئول هستند احترام خاص قائل می شوند و از آنان تعریف و تمجید می کنند و هنگامی که آن فرد از مسئولیت کنارتافت، دیگر از آن احترام ها خبری نیست. ظاهراً این نوع رفتار، احترام است، ولی لایه دوم و باطن آن این است که این شخص باور دارد که مدیر و مسئول بدون اذن خداوند می تواند سرنوشت او را تغییر دهد. از این رو به او احترام می کند تا دلش را به دست آورد و توجه او را به خود جلب کند. این همان شرک خفی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ إِنَّهُ مِنْ عَمَلِ الْبَشَرِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ؛ (طبرسی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۲۸۵)

هر ریایی شرک است. بدون تردید هر کس برای مردم کار کند مزد او نیز با مردم است و هر کس برای خدا کار کند مزدش با خدا خواهد بود.

بنابراین مهم ترین مانع تربیت زمینه ساز در حوزه افکار، شرک خفی است که در واقع از نداشتن شناخت صحیح خداوند سر در می آورد. بر همین اساس زراره در گفت و گویی با امام صادق علیه السلام درباره غیبت امام عصر علیه السلام هنگامی که بحث به غیبت طولانی آن حضرت رسید، به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنْ أَدْرَكَتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ! إِذَا أَدْرَكَتُ

هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي؛ (كلیلی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۳؛ نعمانی، بی تا: ۱۶۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۰: ج ۲، ۴۰۶)

قربانت شوم! اگر من به آن زمان رسیدم چه کارکنم؟ فرمود: ای زراره، اگر به آن زمان رسیدی، با این دعا از خدا بخواه: خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو خودت را به من نشناسانی، من رسولت را نشناسم.^۱ خدایا تو پیغمبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجت تورا نشناسم.^۲ خدایا، حجت خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو حجتت را به من نشناسانی، از طریق دینم گمراه می شوم.

با توجه به نقش شناخت صحیح خداوند در تربیت زمینه ساز، یکی از ویژگی های یاران مهدی علیه السلام شناخت درست خداوند است. امام علی در این زمینه می فرماید:

عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۸۴)

[مردانی هستند که] خداوند را به درستی شناخته اند و آنان یاران مهدی در آخر الزمان هستند.

ب) در ارتباط با دیگران

یکی از ابعاد فکری انسان، نوع نگاه به دیگران است که در تربیت زمینه ساز تأثیری مهم دارد؛ ولی با توجه به گستردگی این بحث، تنها آن را درباره نوع نگاه به امام عصر علیه السلام مطرح می کنیم.

۱. چون هر کس خدا را شناخت، براو لازم می داند که از راه لطف بندگان را هدایت کند و کسی که خدا را نشناخت، فرستاده او را هم نمی شناسد.

۲. چون امام جانشین پیغمبر و دست نشانده او به دستور خداست و مقام و ارزش جانشین مربوط به مقام و ارزش جانشین گذار است. از این رو شیعه می گوید: امام باید از لحاظ علم و عمل و اخلاق و عصمت مانند پیغمبر باشد.

مانع تربیت زمینه ساز در این زمینه، شناختن جایگاه امام در نظام هستی است. باید توجه داشت شناخت امام دو مرحله دارد:

یکم. شناخت شخصی: یعنی این که نامش چیست، پدرش کیست، مادرش کیست، کجا به دنیا آمده است، چند سال عمر کرده است و... این نوع شناخت نیز لازم است، ولی کافی نیست، بلکه باید این نوع شناخت مقدمه‌ای برای شناخت کامل باشد.

دوم. شناخت حقوقی: مقصود از شناخت حقوقی، شناخت جایگاه امام در نظام معرفتی شخص، شناخت جایگاه امام در معارف دین، شناخت وظایف امام و شناخت وظایف شخص در برابر امام است. تا انسان جایگاه امام را به عنوان نماینده خداوند و وصی پیامبر اسلام نشناسد، وظایف خود را در برابر او نخواهد شناخت و تا وظیفه‌اش را نشناسد نمی‌تواند به آن عمل کند. درباره این نحوه شناخت از امام، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَأَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ، إِلَّا دَرَجَةَ النَّبَوَّةِ وَوَارِثَهُ، وَأَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَطَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّدُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ؛
(اصفهانى، ۱۳۹۸: ج ۲، ۱۹)

کمترین شناخت امام این است که بدانی او موازی و همکار پیامبر است و تنها مرتبه پیامبری را ندارد. و این که بدانی امام وارث پیامبر است. اطاعت کردن از او، اطاعت کردن از خداوند و پیامبر خداست و این که بدانی در هر مسئله‌ای باید تسلیم او باشی و در هر مسئله اختلافی باید به او مراجعه کنی و نظر او را برگزینی.

آنچه در این روایت بیان شده، شناخت لازم برای هدایت به صراط مستقیم الهی است. شناخت امام مراتب بالاتری نیز دارد که نیازمند قابلیت‌های شخصی است و با تهذیب نفس و تکامل معنوی امکان پذیر است. از این رو در این روایت امام صادق علیه السلام حداقل شناخت امام را بیان می‌کند.

بی‌گمان شناخت پیامبر، امام و... بدون توفیق الهی ممکن نیست و نباید انسان

پندارد با تکیه بر علم خود می‌تواند راه به جایی پیدا کند. بنابراین مهم‌ترین مانع تربیت زمینه‌ساز در ارتباط با امام عصر علیه السلام نشناختن جایگاه حقوقی اوست که متأسفانه بیشتر معتقدان به او نسبت به این جایگاه شناختی ندارند و تنها می‌خواهند او بیاید و مشکلات آن‌ها را حل کند!

ج) در ارتباط با خود

از جمله ابعاد فکری انسان نوع نگاه او به خویش است که در این زمینه نیز چالش‌های بسیاری در بحث تربیت مطرح است. مهم‌ترین مانع این حوزه، نداشتن بصیرت دینی است و دین، همان چیزی است که پیامبران مأمور به تبلیغ آن بودند. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

(آل عمران: ۸۵)

و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز اوست پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.

بدون شناخت دین نمی‌توان وظایف خود را شناخت و بدون شناخت وظایف، انجام دادن آن‌ها ممکن نیست و بدون انجام وظایف، نمی‌توان یار مهدی علیه السلام بود. در روایات اسلامی یکی از ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام دین‌شناسی کامل آنان بر شمرده شده است. امام صادق علیه السلام این ویژگی یاران مهدی علیه السلام را چنین بیان می‌فرماید:

والفقهاء فی الدین؛ (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۸۴)

[یاران مهدی] دین‌شناس هستند.

۲. موانع رفتاری

از دیگر موانع مهم تربیت زمینه‌ساز، موانع رفتاری است که در چند محور قابل طرح است:

الف) غرور

یکی از موانع رفتاری انسان در تربیت زمینه ساز، غرور او به مرحله ای از پیشرفت خود در تکامل نفسانی است؛ زیرا با به وجود آمدن چنین حالتی نه تنها انسان زشتی های خود را نمی بیند، بلکه زیبایی های خود را بیشتر و بهتر از آن چه هست می بیند و چنین حالتی مانع از رشد او در رسیدن به کمالات بیشتر می شود. امام علی علیه السلام این مانع را چنین بیان می فرماید:

مَنْ اغْتَرَّ بِنَفْسِهِ أَشْلَمَتْهُ إِلَى الْمَعَاظِبِ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۰۸)
آن که فریب نفس خود را بخورد، نفس او را به دست تباهی ها می سپارد.

ب) پیروی از هوای نفس

هوای نفس، یعنی رفتاری که پشتوانه منطقی، علمی، شرعی و عقلی ندارد و وقتی از او می پرسند که چرا چنین کرده است، تنها می گوید: دلم خواست! و هیچ توجیهی ندارد. پیروی کردن از چنین تفکری انسان را به نابودی می کشاند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین تفکری را ترسناک ترین خطر برای امت خود دانسته و می فرماید:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهُوَى وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا الْهُوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ
وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ؛ (طبرسی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۱۴۸)

بدون تردید ترسناک ترین چیزی که بر ائمتام می ترسم، هوای نفس و آرزوهای طولانی است. اما هوای نفس، پس مانع از حق می شود.

امام علی علیه السلام منشأ تمام فتنه های اجتماعی را تبعیت از هوای نفس می داند و می فرماید:

إِنَّمَا بَدَأُ وَوُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۵: خ ۵۰)
به راستی که آغاز پدید آمدن فتنه ها، پیروی از هواهای نفسانی و احکام بدعت آمیز است.

بر همین اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبارزه با نفس را جهاد اکبر نامید (طبرسی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۱۴۸) و امام صادق علیه السلام فرمود:

اجْعَلْ نَفْسَكَ عَدُوًّا مُجَاهِدَةً؛ (همو: ۱۴۵)

نفست را همانند دشمنی پندار که با او در حال مبارزه هستی.

ج) دلبستگی به دنیا

برای روشن شدن بحث درباره دلبستگی به دنیا، نیازمند به توضیح این دو واژه هستیم.

«دنیا» نام مرحله‌ای پست از هستی است که اکنون انسان در آن زندگی می‌کند. قرآن کریم مراحل زندگی انسان در دنیا - که دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، پیری است - را چنین بیان می‌کند:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهَوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...﴾؛ (حدید: ۲۰)

بدانید که زندگی دنیا، درحقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است....

زندگی دنیا در مرحله‌ای «لعب» است که کارها غرض درست عقلایی ندارد (مانند دوران کودکی، گرچه کودک در کارهایش اهدافی دارد، ولی بزرگان به آن کارها و اهداف می‌خندند و آن‌ها را غیرعقلایی می‌دانند)؛ در مرحله‌ای لهواست که انسان را از کارهای مهم تربازمی‌دارد (مثل دوره نوجوانی) و در مرحله‌ای اهمیت دادن به آرایش و زینت است (مثل دوره جوانی) و در مرحله‌ای فخرفروشی، خودبینی، امتیازات خود را به رخ دیگران کشیدن است و در مرحله‌ای ثروت‌اندوزی و فرزندآوری است (مثل دوره میان‌سالی).

پس از این مراحل - که مرحله رفتن از دنیا است - خداوند ضمن بیان یک مثل می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرٌ نَلِيفٌ أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ (یونس: ۲۴)

در حقیقت، مثلاً زندگی دنیا به سان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم، پس گیاه زمین - از آن چه مردم و دام‌ها می‌خورند - با آن در آمیخت، تا آن‌گاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند، شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این‌گونه نشانه‌های خود را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم.

دل‌بستگی: مقصود از دل‌بستگی به یک شیء این است که انسان برای به دست آوردن آن همه اصول و ارزش‌های اخلاقی خود را زیر پا بگذارد. برای مثال، برای به دست آوردن پول، پُست، قدرت و... دروغ بگوید، غیبت کند، تهمت بزند، ظلم کند، حق دیگران را بخورد و... حتی از ایمان برکفر برگردد.

در متون دینی از دل‌بستگی نداشتن به دنیا، به زهد تعبیر شده است؛ زهد به معنای نداشتن نیست و همچنین به معنای استفاده نکردن هم نیست؛ چراکه خداوند هر چه در زمین است برای انسان خلق کرده است:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾؛ (بقره: ۲۹)

اوست آن کسی که آن چه در زمین است، همه را برای شما آفرید؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت، و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست.

مقصود ما از دنیا، هر چیزی غیر خداست؛ حتی حب نفس و کارهای آن و... که دنیای مذموم در کلام امیرالمؤمنین نیز همین معناست. در تأیید این برداشت به دو سخن از علی علیه السلام استشهاد می‌کنیم:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَابْتَلَىٰ فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَلَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا وَإِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَىٰ بِهَا وَنَعْمَلُ
فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا؛ (برازش، ۱۳۷۱: ۲، ج ۱۲۹۹)

بدون تردید خداوند دنیا را برای بعد از آن خلق کرده است و مردم را در آن

مورد آزمایش قرار داده است، تا مشخص شود که چه کسی بهتر کار می‌کند و ما برای دنیا خلق نشده‌ایم و مأمور به تلاش برای دنیا نیستیم و تنها ما را در دنیا آورده‌اند که مورد آزمون قرارگیریم و برای بعد از دنیا تلاش کنیم.

در کلامی دیگر، حضرت این مسئله را روشن تر بیان می‌فرماید:

إِنَّ الْمَالَ وَالنَّبِيْنَ حَرْثُ الدُّنْيَا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَاحْشَوْهُ خَشِيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ وَاعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلْهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ [لَيْسَ عَمَلٌ لَهُ. تَسْأَلُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَمُعَايِشَةَ السُّعْدَاءِ وَمُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ؛ (شریف رضی: ۱۴۱۵: خ ۲۳)

همانا ثروت و فرزندان، محصول دنیا و فانی شدنی، و عمل صالح زراعت آخرت است، گرچه گاهی خداوند هر دوی آن را به ملت‌هایی خواهد بخشید. از خدا در آن چه اعلام خطر کرده است بر حذر باشید! از خدا آن‌گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید! عمل نیک انجام دهید بدون آن‌که به ریا و خودنمایی مبتلا شوید؛ زیرا هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد. از خدا، درجات شهیدان، و زندگی سعادت‌مندان، و هم‌نشینی با پیامبران را درخواست می‌کنیم.

بنابراین هر نوع تلاشی که رنگ خدایی نداشته باشد مانع تربیت زمینه‌ساز است.

د) ضعف بینش سیاسی

قیام امام عصر علیه السلام را به هر شیوه‌ای تفسیر کنیم، حرکتی سیاسی - دینی به شمار می‌رود که باید با قدرت‌های جهانی درگیر شود. این درگیری، همه‌جانبه و فراگیر است و قدرت‌های جهانی و سیاست‌مداران بین‌المللی و ستمگران تاریخ با شیوه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی و... در برابر آن حضرت و برنامه‌های اصلاحی ایشان مقاومت می‌کنند. بنابراین کسانی می‌توانند در این میدان، یاران امام عصر علیه السلام باشند که دارای بینش سیاسی بوده و نقشه‌ها و طرح‌های دشمن را بشناسند و بی‌اثر کنند و این کار باید با طراحی طرح‌های

سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی انجام گیرد.

باید توجه داشت تربیت زمینه‌ساز برای بعد از قیام امام عصر علیه السلام طراحی نمی‌شود، بلکه - همان‌گونه که از نام آن پیداست - در عصر حاضر و به عنوان آماده شدن برای همکاری در آن قیام جهانی است. بنابراین نیروهایی می‌توانند به عنوان یاران مهدی علیه السلام همکاری کنند که قدرت تحلیل مسائل جهانی را داشته و بتوانند اهداف پنهانی قدرت‌های جهانی را از برنامه‌های به ظاهر انسانی آنان افشا و خنثی نمایند.

د) ضعف ولایت‌پذیری

از دیگر موانع جدی تربیت زمینه‌ساز، عدم ولایت‌پذیری از امام است. مقصود از ضعف ولایت‌پذیری این است که انسان در برابر امام تسلیم محض نباشد، بلکه تنها در برابر دستوراتی که خود تشخیص دهد با شریعت سازگار است تسلیم باشد و آن‌ها را بپذیرد. او در برابر دستوراتی که از نگاهش با شریعت سازگار نیست مقاومت کرده و در برابر نص، اجتهاد می‌نماید. این ضعف در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین بیان شده است:

عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ. فَقُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْحُشْبَ الْمَسْنُونَةَ وَإِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحُرُّ الْقُرْبَى (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۲، ۳۶۲)

فضیل می‌گوید: از امام صادق شنیدم که می‌فرمود: وقتی قائم می‌قیام کند مخالفت با او شدیدتر است از مخالفت با رسول خدا. پرسیدم: چگونه؟ امام فرمود: چون هنگامی که رسول خدا برانگیخته شد مردم سنگ و چوب و مجسمه‌های ساخته شده را عبادت می‌کردند، ولی آن‌گاه که قائم می‌قیام کند همه آن‌ها کتاب خدا را تاویل می‌کنند و با تاویل کتاب با او به مبارزه برمی‌خیزند. سپس فرمود: به خدا سوگند همان‌گونه که سرما و گرما

داخل خانه‌ها می‌شود عدالت او نیز به خانه‌ها راه می‌یابد.

تأویل کتاب خدا همان اجتهاد در برابر نص است. این مسئله هنگامی سخت‌تر خواهد شد که روایات اسلام جدید و امر جدید را نیز مدنظر قرار دهیم. برای مثال، عبدالله بن عطا می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی روش حضرت مهدی علیه السلام پرسیدم:

سَأَلْتُهُ عَنْ سِيَرَةِ الْمُهْدِيِّ كَيْفَ سِيَرَتُهُ؟ قَالَ: يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَهْدِيهِمْ مَكَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمَّرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛ (همو: ۳۵۲)

پرسیدم: عملکرد حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ فرمود: همان‌گونه که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل می‌کرد و آن‌چه را که پیش از خودش هست کنار می‌گذارد، چنان‌که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرهنگ جاهلیت را کنار گذاشت و اسلام را در قالب جدیدی ارائه کرد.

امام باقر علیه السلام روش حضرت را چنین بیان فرموده است:

إِنْ قَامْتُمْ إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ (همو: ۳۳۶)

به راستی هنگامی که قائم ما قیام کند مردم را به فرهنگ جدیدی دعوت می‌کند، همان‌گونه که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین کرده است و همانا اسلام در غربت [تنهایی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] آغاز شده است و در آینده نیز چنین خواهد شد. پس خوشا به حال بی‌یاوران!

در روایتی دیگر، راوی از امام باقر علیه السلام درباره‌ی روش حضرت مهدی علیه السلام می‌پرسد:

إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيَرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ بِسِيَرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ: وَ مَا كَانَتْ سِيَرَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: أَبْطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ؛ (همو: ۳۸۱)

هنگامی که قائم قیام کند چگونه در میان مردم رفتار می‌کند؟ امام فرمود: به روش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل می‌کند تا این‌که اسلام را جهانی کند. پرسیدم: روش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چگونه بوده است؟ فرمود: فرهنگ

جاهلیت را کنار گذاشت و با مردم به عدالت رفتار کرد.

در شرح این روایات که گفته شده «حضرت مهدی علیه السلام امر جدیدی را می آورد» تذکر چند نکته لازم است:

۱. ممکن است مقصود از این که اسلام در قالب جدیدی ارائه می گردد، این باشد که آن حضرت بخش های پنهان دین را که تا به امروز به آن عمل نکرده ایم، بیان می کند و چون تا کنون چنین مسائلی گفته نشده، انسان ها تصور می کنند آن چه او می گوید اسلام جدید و فرهنگ نوینی است، همان گونه که وقتی در این کشور، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام رخ داد، عده ای این حرکت را خلاف شرع ارزیابی می کردند و هنگامی که انقلاب پیروز شد و احکام جدیدی در جامعه مطرح شد آن ها حاضر نبودند بپذیرند.

۲. آن گاه که آن حضرت اسلام را بیان می کند، می پندارند آن چه او می گوید اسلام جدیدی است. در روایت امام باقر علیه السلام به همین نکته اشاره دارد که اسلام از نقطه صفر آغاز شده است که امام از آن به غربت تعبیر می کند و سپس می فرماید:

دوباره اسلام به این غربت دچار می شود.

یعنی مردم آن اندازه از اسلام فاصله می گیرند که گویا چیزی از اسلام نشنیده اند و این که امام باقر علیه السلام می فرماید:

خوشا به حال بی یاوران؛ یعنی خوشا به حال کسانی که در آن دوران غربت اسلام پایبندی خود را به فرهنگ دینی نشان دهند و حاضر باشند برای تبلیغ اسلام از خود مایه بگذارند.

۳. با اندکی توجه به دنیای اسلام و عملکرد متفاوت مسلمانان و بیگانگی بیشتر آنان با فرهنگ دین در بسیاری از موارد، توجه به این نکته لازم است که مخاطب این روایات شیعیان نیستند، بلکه همه کسانی هستند که در دنیا به نام مسلمان زندگی می کنند و چه بسا مسلمان بودن خود را تنها در گفتن شهادتین می دانند و با اسلام هیچ آشنایی ندارند. گاه انسان با کسانی روبه رومی شود که ادعا می کنند

مسلمان هستند، درحالی که شباهت آنان با پیروان ادیان دیگر بیشتر است تا اسلام. بنابراین اسلامی که حضرت مهدی علیه السلام عرضه می‌کند از نگاه آنان امری جدید خواهد بود.

۴. گذشته از موارد یادشده، به این نکته نیز باید توجه داشت که عصر ظهور معلوم نیست در چه زمانی رخ می‌دهد و جامعه اسلامی در آن دچار چه نوع کارکرد و فرهنگی است و مردم چه مقدار با اسلام آشنایی دارند و چه اندازه به آن پایبند هستند.

با توجه به نکات یادشده، اگر رفتار مردم در عصر ظهور با اسلام بیگانه باشد، به صورت طبیعی آن چه را که حضرت بیان می‌کند موضوعی جدید می‌پندارند! مقصود از دین جدید هر یک از این امور باشد، آن چه مهم است ولایت‌پذیری آن است که مسئله را دشوار می‌کند و کسانی می‌توانند در این میدان یاران امام عصر باشند که پیش از وقوع آن قیام ولایت‌پذیری را تمرین و در خود نهادینه کرده باشند. براین اساس، یکی از ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام ولایت‌پذیری آنان است. امام باقر علیه السلام این ویژگی را چنین بیان فرموده است:

هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛ (همو: ۳۰۸)
آنان در برابر امام تسلیم‌ترند از کنیز در برابر اربابش.

هـ) ضعف‌های اخلاقی

ضعف‌های اخلاقی موجود در افراد، مانع پیوستن آنان به امام، یا تلاش در مسیر فراهم کردن مقدمات قیام آن حضرت است. این ضعف‌ها بسیارند که تنها به یک کلام امام علی علیه السلام اشاره می‌کنیم. آن حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر دستور می‌دهد که نباید عده‌ای را به عنوان مشاوران خود انتخاب کند:

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا
يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْحَوْرِفَانِ الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَ
الْجِرْصِ عَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۵: نامه ۵۳)

بخیل را به عنوان مشاور انتخاب نکن که تورا از نیکوکاری بازمی‌دارد و از فقر می‌ترساند؛ و ترسورا به عنوان مشاور انتخاب نکن که تورا از کارها می‌ترساند؛ و حریص را به عنوان مشاور انتخاب نکن که زشتی ظلم را برایت زیبا جلوه می‌دهد. بدون تردید بخل و ترس و حرص صفات متفاوتی است که منشأ آن‌ها بدبینی به خداوند است.

اگر صاحبان چنین اخلاق‌هایی نمی‌توانند به عنوان همکار مالک انتخاب شوند قطعاً نمی‌توانند یاور امام عصر علیه السلام نیز باشند؛ زیرا امام علی علیه السلام یاران مهدی علیه السلام را چنین وصف می‌فرماید:

لا یبالون فی الله لومة لائم؛ (فیومی، ۱۴۲۵: ۵۵۸)

[یاران مهدی کسانی هستند که] در راه خدا از سرزنش سرزنش‌گران واهمه ندارند.

معنای این روایت آن است که آنان از نظر بینش و باور به جایی رسیده‌اند که اگر همه دنیا هم علیه آنان شورش کنند، آنان همچنان ثابت قدم در مسیر خود خواهند بود و به تلاش برای تحقق آن نهضت جهانی ادامه می‌دهند.

۳. موانع گفتاری

این موانع نیز بسیارند، ولی به چند مانع مهم این حوزه اشاره می‌کنیم:

الف، فحاشی

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُبَغِّضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ؛ (حرعاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۶، ۳۲)

راستی که خداوند شخص بدزبان بیهوده‌گوی را دشمن می‌دارد.

با توجه به معنای واژه «متفحش» (این اثیر، ۱۹۸۵: ج ۳، ۴۱۵) مقصود آن است که خداوند ناسزاگوی عمدی و سهوی را دشمن می‌دارد.

ب، دروغ‌گویی

دروغ‌گویی دردها آیه و حدیث مورد نکوهش قرار گرفته است که تنها به ذکر یک

روایت اکتفا می‌کنیم. امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

اتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزْلِ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ؛ (حرانی، ۱۴۰۰: ۳۲۴)

از گفتن دروغ - چه کوچک و چه بزرگ و چه به شوخی و به جدی - بپرهیزید؛ زیرا انسان وقتی دروغ کوچک را گفت برگفتن دروغ بزرگ‌تر جرأت پیدا می‌کند.

ج) مشاجره کردن

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مشاجره کردن با مردم فرموده است:

يَا كُمْ وَمُشَاوَرَةَ النَّاسِ، فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الْغَرَّةَ وَتَدْفِنُ الْعِزَّةَ؛ (بروجردی، ۱۴۰۷: ج ۱۶، ۲۴۹)

از مشاجره کردن با مردم بپرهیزید؛ زیرا مشاجره، کینه‌ها را افشا و عزت انسانی را از بین می‌برد.

د) مرء (مناقشه) کردن

امام صادق علیه السلام به محمد بن نعمان احول می‌فرماید:

يَا ابْنَ النُّعْمَانِ! إِنِّيَاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّهُ يُحِطُّ عَمَلَكَ؛ (همو: ۲۵۲)

ای پسر نعمان، از مناقشه کردن بپرهیز؛ زیرا ارزش کارتورا از بین می‌برد.

ه) جدال کردن

آن حضرت در ادامه فرموده است:

إِيَّاكَ وَالْجِدَالَ فَإِنَّهُ يُؤَبِّقُكَ؛ (همو)

از جدال کردن بپرهیز؛ زیرا تورا گرفتار می‌کند.

تفاوت مشاجره و مناقشه و جدال این است که مرء (مناقشه) بحث و گفت‌وگو پس از روشن شدن حق است، ولی طرف مقابل نمی‌خواهد بپذیرد؛ اما جدال، گفت‌وگو و بحث برای روشن شدن حق، ولی همراه با توهین است. بر همین اساس، در قرآن کریم این امر به جدال احسن مقید شده است - «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» - و مشاجره، گفت‌وگو برای چیزهای بی ارزش است.

۹) خودستایی

خودستایی و تعریف کردن از خود، یکی دیگر از موانع تربیت زمینه‌ساز است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

أَفْحُ الصِّدْقِ تَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۷۹)
زشت‌ترین راستی، ستایش شخص از خودش است.

۱۰) غیبت کردن

غیبت کردن یکی از گناهان کبیره است که آیات و روایات بسیاری بر حرمت و مانعیت تربیتی آن دلالت دارد که تنها به ذکر یک روایت اکتفا می‌کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ؛ (کلینی، ۱۳۹۰: ۴،
۵۹)

غیبت کردن در نابودی دین انسان سریع‌تر از مرض خوره در نابودی بدن عمل می‌کند.

اثر منفی غیبت در معنویات و از بین بردن آن‌ها به قدری زیاد است که گاهی یک غیبت، زحمت چندین ساله انسان را از بین می‌برد. البته نباید از شدت روایات درباره غیبت تعجب کرد؛ زیرا گاهی فرد با یک غیبت، آبروی شخصی را که چندین سال برای یافتن آن زحمت کشیده از بین می‌برد. بنابراین بجاست که همان یک غیبت زحمت چندین ساله غیبت‌کننده را نیز از بین ببرد.

۱۱) ز ادیت کردن مؤمن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره ادیت کردن مؤمن می‌فرماید:

مَنْ اَذَى مُؤْمِنًا اَذَاهُ اللهُ وَ مِنْ اَحْزَنِهِ اَحْزَنَهُ اللهُ؛ (بروجردی، ۱۴۰۷: ج ۱۶، ۳۰۵)
هر کس مؤمنی را ادیت کند خداوند او را ادیت می‌کند و هر کس مؤمنی را غمگین سازد، خداوند او را غمگین می‌کند.

۱۲) مچ‌گیری کردن

مچ‌گیری و عیب‌یابی دیگران به این معناست که رفتار و گفتار افراد را زیر نظر گیرد

و لغزش‌ها و اشتباهاتشان را برای روزمبادا جمع‌آوری کند تا از این لغزش‌ها برای تخریب شخصیت آنان استفاده کند. رسول خدا ﷺ در این باره فرموده است:

لا تطلبوا عثرات^۱ المؤمنین، فاتّه من يتبع^۲ عثرات اخيه يتبع الله عثرته ومن يتبع الله عثرته يفضحه ولو في جوف بيته؛ (فيض کاشانی، ۱۳۹۳: ج ۲، ۵۹۲)

درصدد یافتن لغزش مسلمان نباشید؛ زیرا هرکس درصدد یافتن لغزش مسلمانی باشد، خداوند نیز درصدد یافتن لغزش اوست^۳ و هرکس که خداوند درصدد یافتن لغزش وی باشد آبروی او را خواهد برد، گرچه در خانه اش باشد.

ط) سخن چینی کردن

رسول خدا ﷺ درباره سخن چینی برای تخریب روابط دیگران می‌فرماید:

أَلَا أُتَيْتُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: الْمُنْثَاءُ وَنَ الْتَمِيمَةَ^۴ الْمُنْفَرِقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ الْبَاغُونَ^۵ لِلْبُرَاءِ^۶ الْمَعَايِبِ؛ (صدوق، ۱۴۱۱: ج ۴، ۳۷۵؛ همو، بی تا: ۱۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۴۶۲)

آیا گزارش ندهم به شما که بدترینتان چه کسانی هستند؟ عرض کردند: چرایی رسول خدا. فرمود: آنان که سخن مردم را برای دیگران نقل می‌کنند تا بین دوستان جدایی بیندازند و برای افراد بی‌گناه عیب بتراشند.

نتیجه

برای تربیت نیروهای کارآمد در قیام جهانی امام عصر^{علیه السلام} نیاز به شناخت درست

۱. عثرات: جمع «عثره» به معنای لغزش و خطاست. (طریحی، بی تا: ج ۳، ۳۹۶)
۲. تَتَّبِعُ: التَّطَلُّبُ شَيْئًا شَيْئًا فَشَيْئًا (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ۴۰۱): جست‌وجوی لحظه به لحظه است.
۳. مقصود از تَتَّبِعُ خداوند این است که مانع از شمول لطفش می‌شود و نمی‌گذارد ملائکه گناهان او را بپوشانند. در آن صورت آن مسلمان گرچه در درون خانه اش گناه را انجام دهد و تلاش کند که افشا نشود، چون خداوند از این تلاش او حمایت نمی‌کند به نتیجه نمی‌رسد و رسوا می‌شود.
۴. نَمِيمَةٌ: ریشه اش «نم» و به معنای تلاش است (فیومی، ۱۴۲۵: ۶۲۶). «نمیه» که اسم آن است تلاش برای نقل سخن مردم برای دیگری با انگیزه ایجاد اختلاف و بدبینی است (ابن اثیر، ۱۹۸۵: ج ۵، ۱۲۰).
۵. باغون: ریشه اش «بغی» و به معنای تجاوز از حد است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۱۲۱).
۶. براء: ریشه اش «برء» و «بری» و در لغت به معنای رهایی از آن چه دوست ندارد است.

تربیت دینی و عوامل تأثیرگذار و موانع آن هستیم. با توجه به این که تربیت دینی در سه حوزه افکار، گفتار و رفتار جریان دارد، موانع آن نیز در هر سه حوزه جریان دارد که تنها در حوزه اندیشه در سه محور: ارتباط با خدا، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران مطرح می شود که در ارتباط با خدا کفر و شرک دو مانع مهم، و در ارتباط با خود عدم بصیرت دینی، و در ارتباط با امام عصر علیه السلام عدم شناخت جایگاه حقوقی آن حضرت است.

در حوزه رفتار نیز موانع مهمی وجود دارد که به شش مانع، غرور، تبعیت از هوای نفس، دل بستگی به دنیا، ضعف بینش سیاسی، ضعف ولایت پذیری و ضعف های اخلاقی اشاره شده است.

در حوزه گفتار نیز موانع متعددی وجود دارد که برای رعایت حجم مقاله، به ده مانع: فحاشی، دروغ گویی، مشاجره، مراء، جدال، خودستایی، غیبت کردن، اذیت کردن، میچ گیری و سخن چینی اشاره شده است.

منابع

- ابن اثير، مبارك بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، تحقيق: ابو عبد الرحمن، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٨٥ م.
- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ١٤٠٥ ق.
- اصفهاني، محمد تقى، *مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم*، قم، مطبعة العلمية، چاپ دوم، ١٣٩٨ ق.
- آمدى تيمى، عبد الواحد، *غرر الحكم ودرر الكلم*، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ١٣٦٦ ش.
- برازش، عليرضا، *المعجم المفهرس لالفاظ غرر الحكم ودرر الكلم*، تهران، اميركبير، ١٣٧١ ش.
- بروجردى، سيد حسين، *جامع احاديث الشيعة*، قم، مطبعة علمية، ١٤٠٧ ق.
- جمعى از محققين، *المعجم الوسيط*، استانبول، دارالدعوة، ١٤١٠ ق.
- حر عاملى، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة في تحصيل مسائل الشريعة*، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٢ ق.
- حرانى (ابن شعبه)، حسن بن على، *تحف العقول عن آل الرسول*، تهران، كتاب فروشى اسلاميه، ١٤٠٠ ق.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقيق: صفوان عدنان، قم، طليعة نور، ١٤٢٦ ق.
- شريف رضى، محمد بن حسين بن موسى، *نهج البلاغه*، تحقيق: صبحى صالح، بيروت، دارالأسوه، ١٤١٥ ق.
- صافى گلبايجانى، لطف الله، *منتخب الاثر في الامام الثاني عشر*، تهران، مكتبة الصدر، چاپ سوم، بى تا.
- صدوق، محمد بن على بن بابويه، *الخصال*، تهران، كتاب فروشى اسلاميه، بى تا.

- _____ ، من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسة
النشر الاسلامي، ١٤١١ق.
- طبرسي، ابوالفضل علي بن حسن، مشكاة الانوار في غرر الاخبار، تحقيق: مؤسسة
آل البيت، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤٢٣ق.
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين ومطلع النيرين، تهران، المكتبة المرتضوية، بي تا.
- طوسي، محمد بن حسن، الامالي، قم، دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزيع،
١٤١٤ق.
- _____ ، كتاب الغيبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية،
١٤١١ق.
- فيض كاشاني، محسن، الصافي في تفسير القرآن، تهران، كتاب فروشي اسلاميه،
١٣٩٣ق.
- _____ ، الوافي، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين، ١٣٧٠ش.
- فيومي، احمد بن علي، المصباح المنير، قم، دارالهجرة، ١٤٢٥ق.
- قندوزي، سليمان بن ابراهيم، ينابيع المودة، قم، كتاب فروشي بصيرتي، بي تا.
- كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ترجمه: مصطفىوي، تهران، انتشارات اسلاميه،
١٣٩٠ق.
- مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٩٨٣م.
- _____ ، مرآة العقول، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٤٠٤ق.
- مرتضوي، سيدمحمد، اصول وروش ها در نظام تربيتي اسلام، مشهد، گل نشر،
١٣٧٥ش.
- نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، بي جا، بي نا، بي تا.

مبانی تربیت زمینه‌ساز ظهور

سید محمدرضی آصف‌آگاه*

چکیده

تربیت زمینه‌ساز ظهور به عنوان زیرمجموعه تربیت اسلامی در پی پرورش فرد و جامعه با آموزه انتظار است؛ به گونه‌ای که جامعه اسلامی و جهانی را به سوی جامعه مهدوی سوق دهد. با چنین تربیتی است که جهان آماده ظهور می‌گردد.

برخی از مبانی تربیت اسلامی، بر مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز تأثیر بیشتری دارند. در این نوشتار، برخی از مبانی تأثیرگذار بر تربیت زمینه‌ساز درشش دسته بیان می‌گردد که عبارتند از: مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی جهان‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی و مبانی دین‌شناختی. سپس تأثیر آن‌ها بر اهداف، اصول و روش‌های تربیت زمینه‌ساز به اختصار نام برده می‌شود.

واژگان کلیدی

تربیت اسلامی، تربیت زمینه‌ساز ظهور، مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور.

* عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

معناشناسی تربیت

تربیت از ماده «ربو» یا «ربب» به معنای زیادی است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۵، ۱۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۴۰). این ماده هرگاه به باب تفعیل برود به معنای پرورش دادن و رشد و نمو است (نحلاوی، ۱۹۹۹: ۱۲-۱۴) و شامل رشد و نمو جسمی و روحی می شود. مراد از تربیت در این پژوهش، تربیت در برابر تعلیم است؛^۱ در نتیجه، تربیت یعنی پرورش روحی و معنوی انسان.

تربیت اسلامی^۲ نظریه‌ای است که بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلام بنیان شده و در پی هدایت همه مردم و تدارک یک جامعه سالم است (نک: علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۴۱).^۳

بنابراین تعریف، نظام تربیت اسلامی در پی ایجاد هویت انسانی واحد و اصلاح جوامع متنوع است، هرچند جهت‌گیری آرمانی آن، پرورش مؤمنان است. این تعریف ناظر به دانش تربیت است که در آن، نظام و روند تربیت نیز جای می‌گیرد. از این رو نسبت به تعاریف مشهور، عام‌تر بوده و بدین جهت بر آن‌ها برتری دارد.

تربیت زمینه‌ساز ظهور

تربیت زمینه‌ساز ظهور، زیرمجموعه‌ای از تربیت اسلامی با محوریت امام مهدی علیه السلام برای رسیدن به هدف خاص - یعنی همان ظهور - است.

تربیت زمینه‌ساز، آموزه‌ای است که بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی - مهدوی بنیان شده و در پی هدایت مردم به سوی جامعه واحد عادل جهانی با

۱. برخی تعلیم را وسیله‌ای برای تربیت برشمرده‌اند (نک: مدکور، ۱۴۲۲: ۳۳).

۲. تربیت دینی و تربیت اسلامی متفاوتند و برای تربیت دینی تعاریف گوناگونی بیان شده است (نک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۹-۴۷).

۳. برخی تلاش کرده‌اند تربیت را در سطح نظریه مطرح کنند (نک: گیلانی، ۱۹۷۸؛ فهمی، ۱۹۸۰: ۱۸؛ مور، ۱۹۸۶؛ همچنین برای مطالعه برخی دیگر از تعاریف تربیت، نک: صفیر، ۲۰۱۱: ۳۴-۳۵).

محوریت رهبری الهی است. هرچند این آموزه اکنون بالفعل به صورت دکترین و نظریه معطوف به عمل موجود نیست،^۱ اما باید در این سطح مطرح گردد تا به صورت برنامه عملی برای همه جهان، قابل فهم و عمل شود.

رویکرد این مقاله به تربیت زمینه ساز از سطح یک جریان و روند - که نگاه غالب به تربیت است - ارتقا یافته و در سطح نظریه و دکترین مطرح شده است. این نظریه همانند هر نظریه دیگر دارای مبانی، ادله، اهداف و... است.

در این پژوهش، ابتدا مبانی تربیت زمینه ساز بیان شده و سپس پیامدهای آن‌ها در تربیت بیان می‌گردد. این پیامدها بیشتر به صورت اهداف، اصول^۲ و روش‌ها مطرح می‌شوند.

تربیت زمینه ساز بر سه پایه عقلانیت، احساس متعالی و رفتار عالمانه استوار است. این تربیت به جای تکیه بر عادت، تلقین و تحمیل، با شناساندن حقایق عالم و تکیه بر حقیقت امامت و مهدویت، از عنصر عقلانیت بهره می‌گیرد و بر اساس عقلانیت و شناخت به احساس متعالی می‌رسد. احساس برآمده از معرفت، در برابر احساس زدگی است که از تلقین، عادت یا تحمیل حاصل می‌شود و در نهایت، چنین احساسی به رفتار عالمانه و صالح منتهی می‌شود و در برابر عمل زدگی و پراگماتیسم - که در پی به کارگیری هر چه بیشتر در مقام عمل است - قرار می‌گیرد. بیان دینی این جریان عبارت است از انتقال از اسلام به ایمان و سپس انتقال از ایمان به تقوا.

تربیت زمینه ساز در پی تغییر وضعیت موجود (فرد و جامعه) به وضعیت مطلوب (زمان ظهور) به صورت پایدار است. پایداری هدف، به تغییر بر اساس

۱. از این رو ما از آن به آموزه تعبیر کردیم.

۲. مراد از اصول، گزاره‌های تجویزی است که راهکار رسیدن از مبانی به اهداف را نشان می‌دهد (نک: گروه نویسندگان، ۱۳۹۰: ۶۷، ۳۰۰-۳۲۱، در این کتاب هشت اصل اساسی در تربیت نام برده شده است). برخی نیز دو نوع اصول نام برده‌اند: اصول ناظر به علم و اصول ناظر به عمل (نک: علم الهدی، ۱۳۸۸: ۴۶۴-۴۷۹).

چند مؤلفه بستگی دارد:

۱. **شناخت:** شناخت در تربیت به معنای جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه به معنای بصیرت است؛ یعنی شناختِ دلیل و حکمتِ تغییر و به دست آوردن شاخص‌های وضعیت مطلوب. زمینه‌ساز ظهور باید با امام مهدی علیه السلام اهداف، سیره و عملکرد او آشنا باشد و اصول و شاخص‌های حاکم بر تربیت مهدوی را به درستی بشناسد.

۲. **روش:** تربیت زمینه‌ساز، زمانی تحقق می‌یابد که روش تربیت، معرفت‌زا باشد. از این روش‌هایی مانند عادت^۱، تلقین (باقری، ۱۳۸۴: ج ۲، ۴۵-۴۹ و ۶۲-۶۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۱۰۰۵-۱۰۲۶) و تحمیل که مبتنی بر اقتدار و فشار هستند روش‌های درستی به شمار نمی‌آیند.

۳. **تحول درونی:** در تربیت زمینه‌ساز، شناخت باید به تحول درونی منتهی شود و از بینش، گرایش حاصل گردد. مربی با ترسیم درست واقعیت موجود و هدف مطلوب، جنبه انگیزشی مترتبی را بارور می‌سازد؛ سپس مترتبی بر اساس اختیار خود به ضرورت تغییر پی می‌برد. با چنین گرایش و تحول درونی است که انگیزه تغییر و حرکت به صورت پایدار در فرد و جامعه شکل می‌گیرد. قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾. (رعد: ۱۱)

۴. **تحرك بیرونی:** پس از مرحله بصیرت و تحول درونی، به صورت منطقی، تحرك بیرونی حاصل می‌شود. در این مرحله است که تربیت زمینه‌ساز به بار می‌نشیند و میوه خود را آشکار می‌سازد و یاوران مهدی علیه السلام شکل می‌گیرند؛ آنان که با تربیت

۱. در نقش تربیتی عادت، دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی مانند غزالی، ارسطو و ابن سینا این روش را پذیرفته‌اند؛ برخی دیگر مانند افلاطون، کانت، روسو و دیویی مخالف با روش عادت هستند (نک: صادق‌زاده و حاجی‌دهی، ۱۳۷۹: ۳۴۳-۳۴۴). شهید مطهری با تقسیم عادات به فعلی و انفعالی این تضاد را پایان داده است. وی عادات فعلی را که با تکرار حاصل می‌شوند رد می‌کند و عادات انفعالی که با تأثیر عامل خارجی به دست می‌آیند را در تربیت مؤثر می‌داند (نک: مطهری، بی‌تا: ۸۸-۹۰؛ صادق‌زاده و حاجی‌دهی، ۱۳۷۹: ۳۴۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۵۵-۳۸۴).

درونی خود در پی تربیت افراد، جامعه و جهان هستند و در نهایت دست در دست امامشان گذاشته و جامعه توحیدی و عادلانه را می‌سازند (نک: صفایی حائری، ۱۳۷۹: ۲۶۱-۲۶۸).

رفتار ← احساس ← معرفت = تربیت

تحرك بیرونی ← تحول درونی ← بصیرت = تربیت زمینه ساز

مبانی

مبنا در لغت به معنای پایه و اساس است و در اصطلاح به دسته‌ای از گزاره‌های پایه (مبادی تصدیقی) اطلاق می‌شود که بدیهی بوده یا در دانش‌های دیگر به گونه‌ای به اثبات رسیده و پیش‌نیاز ورود به مباحث یک علم هستند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۰: ۸۴).

ویژگی‌های مبانی

۱. **عدم انحصار مبنا به یک علم:** ممکن است مبانی اعم باشند و در علوم مختلف به عنوان مبنا پذیرفته شوند.

۲. **رابطه میان مبانی:** میان مبانی یک علم ممکن است رابطه طولی یا عرضی باشد؛ در صورتی که برخی از مبانی برای اثبات برخی مبانی دیگر به کار روند، میان آن‌ها رابطه طولی برقرار است و اگر هر یک از مبانی مستقل باشند، رابطه عرضی میان مبانی پدید می‌آید.

۳. **عدم لزوم تبیین و اثبات کامل مبنا:** مبانی باید در دانش‌های خاص خود به اثبات رسند و لزومی به تبیین کامل و اثبات آن‌ها در علمی که به عنوان مبنا به شمار می‌آید نیست.

۴. **تنوع مبانی:** برای ورود به یک علم، پرسش‌های متنوعی پدید می‌آید. از آن‌جا که این پرسش‌ها گوناگونند، مبانی نیز متنوع بوده و حصر عقلی ندارند. از این رو دسته‌بندی آن‌ها در مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و... به نحو استقرایی

است نه عقلی. بنابراین میان مبانی لزوماً تفاوت ماهوی نیست و براساس درجه اهمیت، برخی از مبانی برجسته شده و به عنوان مبنا معرفی می‌شوند. مبانی علم تربیت به گزاره‌های خبری اطلاق می‌شوند که یا بدیهی‌اند یا از دانش‌های دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تبیین مؤلفه‌های علم تربیت همانند اهداف، اصول و روش‌ها به کار می‌آیند (همو: ۶۵).

مبانی تربیت زمینه‌ساز^۱

در یک نگاه، مراد از مبانی تربیت زمینه‌ساز ظهور، هرگونه پیش فرضی است که تربیت زمینه‌ساز بر آن متوقف است؛ به گونه‌ای که امکان تربیت بر آن‌ها مترتب است و پس از اثبات این گزاره‌های توصیفی، ورود به مباحث تربیت زمینه‌ساز ممکن می‌شود (همو: ۸۸).

اما در این پژوهش، مبانی‌ای مطرح می‌شوند که تأثیری بسزا بر مباحث تربیت زمینه‌ساز می‌گذارند. به عبارت دیگر، بیشتر مبانی قریب مورد بحث قرار می‌گیرند؛ مبانی‌ای که از آن‌ها مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز به دست می‌آید. مؤلفه‌های تربیت متعددند؛ آن‌چه در این پژوهش بیشتر مورد اهتمام قرار می‌گیرد، سه امر است:

اهداف، اصول و روش‌ها

برخی از مهم‌ترین مبانی تربیت زمینه‌ساز ظهور عبارتند از:

۱. برخی از پژوهشگران، مبانی اصلی را سه قسم دانسته‌اند: مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی معرفت‌شناختی. آنان مبانی دیگر مانند مبانی فلسفی، مبانی روان‌شناختی و مبانی جامعه‌شناختی را از فروع سه مبنای اول برشمرده‌اند (نک: رهنمایی، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۷؛ علم الهدی، ۱۳۸۸: ۲۹؛ به بعد)؛ اما برخی دیگر پنج مبنا ذکر کرده‌اند (نک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۸۸-۲۰۳).

برخی پژوهشگران نیز مبانی را سه دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. مبانی مؤثر در تعیین اهداف، ۲. مبانی مؤثر در تعیین اصول تربیت، ۳. مبانی مؤثر در روش‌های تربیت (نک: باقری، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۲۵۷).

۱. مبانی معرفت‌شناختی

مبانی معرفت‌شناختی، گزاره‌هایی از دانش معرفت‌شناسی هستند که از آن‌ها مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز همانند اصول، اهداف و... به دست می‌آید. مبانی معرفت‌شناختی تربیت زمینه‌ساز متعددند، اما اساسی‌ترین و قریب‌ترین مبنا، اعتبار معرفت دینی است.

پس از اثبات امکان شناخت و وابستگی معرفت‌های عملی بر معرفت‌های نظری، اعتبار معرفت دینی مهم‌ترین مبنای معرفت‌شناختی است؛ زیرا تربیت زمینه‌ساز برگرفته از متون دینی است که به طور پیشینی باید اعتبار آن‌ها اثبات شده باشد. اعتبار معرفتی کلام معصومان علیهم‌السلام عصمت آنان است. هرگاه کلام معصومان با تواتر به ما برسد یا دلیل قطعی بر صدور آن‌ها از معصوم باشد، چنین نقلی اعتبار دارد. روش فهم معارف دینی، روش فقاها (اجتهاد) است. معارف به دست آمده با روش اجتهاد هر چند یقینی نیستند، اما برای عمل، حجت و معتبرند (مظفر، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۷-۸).

پیامدها

۱. تربیت از معارف عملی و مثبتی بر شناخت نظری است که در معرفت‌شناسی اثبات می‌شود.

۲. معارف مهدوی تنها از راه منابع معتبر اسلامی به دست می‌آیند (تأثیر مبنا بر منبع معرفتی تربیت).

۳. شناخت یقینی معرفت‌های مهدوی کم، اما شناخت معتبر با روش اجتهاد قابل دستیابی است.

۴. آموزه‌های مهدوی که با روش فقاها به دست آیند حجت و معتبرند. از این رو مرجع علمی در مباحث مهدوی، روش فقیهانه است (تأثیر مبنا بر روش تربیتی).

۵. در مباحث مهدویت باید به دنبال اثبات آموزه‌های مهدوی از طریق اصول حاکم و آموزه‌های ثابت برآمده از متون دینی بود، نه روایات ضعیف و تکیه بر خواب و گفته‌های مدعیان رؤیت امام (تأثیر مبنای بر اصل تربیتی).

۲. مبانی هستی‌شناختی

مراد از مبانی هستی‌شناختی، مباحث مربوط به وجودشناسی (الهیات به معنای اعم) است. مبانی هستی‌شناختی تربیت متعددند. در این میان اصل علیت اهمیت بیشتری دارد. پس از اثبات وجود و مراتب آن، نوبت به بیان نوع رابطه میان موجودات می‌رسد. فلاسفه اسلامی رابطه تأثیر و تأثر حقیقی میان موجودات را پذیرفته‌اند که به قانون علیت مشهور است. بنابراین اصل تمام هستی بر اساس یک سلسله علت‌ها و معلول‌ها پدیدار است و هر پدیده، علتی دارد^۱ و با وجود علت تامه، معلول محقق می‌شود. میان علت و معلول باید سنخیت وجود داشته باشد و البته علت‌ها جانشین پذیرند.

پیامدها

۱. غیبت امام زمان علیه السلام به سبب علت یا علت‌هایی صورت گرفت.
۲. ظهور امام علیه السلام نیز نیازمند وجود علت تامه است. گویا مجموعه‌ای از علل باید دست به دست هم دهند تا علت تامه ظهور محقق شود.
۳. از آن‌جا که باید میان علت و معلول سنخیت باشد و هر امری علل خاص به خود را دارد، ظهور نیز علت یا علت‌های خاصی دارد که متناسب با آن است. تنها با پذیرش این مبناست که می‌توان از علل خاص ظهور بحث کرد و تأثیر رفتار اختیاری در ظهور را شناسایی نمود و آن را در تربیت به کار گرفت (تأثیر در عوامل تربیتی).

۱. برخلاف هیوم که اصل علیت را نمی‌پذیرد و آن را به عادت ذهنی به سبب مشاهده پی‌درپی کاهش می‌دهد.

۴. ممکن است برای رسیدن به هدف، عوامل مختلف و جایگزین وجود داشته باشد. در نتیجه باید دست به انتخاب زد و مناسب‌ترین عوامل را برگزید (علل جان‌نشین‌پذیری) و آن را در اهداف و شیوه تربیت به کار گرفت. از این رو در تربیت زمینه‌ساز باید بر مجموعه عوامل آماده‌کننده فرد و جامعه برای حکومت توحیدی و عادلانه سرمایه‌گذاری کرد (تأثیر در اهداف و روش‌های تربیتی).

۳. مبانی جهان‌شناختی

نوع نگرش ما به جهان، پیش‌نیاز ورود به مباحث تربیتی است. مبانی جهان‌شناختی بیانگر نوع نگاه ما به جهان به شمار می‌روند. غایت‌مندی جهان، حرکت دائم هستی و تغییر آن (زنتانی، ۱۹۹۳: ۱۴۳ و ۱۶۰) از مهم‌ترین مبانی جهان‌شناختی هستند. با پذیرش این مبانی، جهانی با نظام احسن تصویر می‌شود؛^۱ نظامی که بیشترین کمال و خیر را دارد و نقایص ذاتی و عرضی موجود در آن برای دستیابی به کمال تعبیه شده است. اقتضای نظام احسن آن است که جهان بر اساس قوانینی خاص حرکت کند. از مهم‌ترین قوانین این جهان، تغییر آن با عمل اختیاری انسان است. در این صورت جهان می‌تواند به بهشت تبدیل شود یا با ظلم، جهنم‌گونه گردد.

پیامدها

۱. باور به حرکت جهان و امکان تغییر در آن، آدمی را از زندگی محدود و گلخانه‌ای بیرون آورده و تفکر تغییر در جهان را در او زنده می‌کند. چنین تفکری تربیت زمینه‌ساز را به ارمغان می‌آورد که منادی دگرگونی متعالی در جهان است (تأثیر در هدف تربیتی: تغییر).

۲. اعتقاد به هدف‌مندی جهان، آدمی را از پوچ‌گرایی رها می‌سازد و زندگی کنش‌گرا و فعال را برای او به ارمغان می‌آورد. چنین نگرشی، پایه تربیت زمینه‌ساز

۱. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷).

ظهور می‌شود (تأثیر در اصل تربیتی: امید).

۳. تربیت فن‌آورانه (نک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۱۰۲۷-۱۰۷۸) در عصر حاضر، جهان را در اختیار انسان معرفی کند تا از آن هرچه بیشتر بهره‌برداری نماید. هدف در این تربیت سیطره بر جهان و توسعه زندگی مادی است. اما تربیت زمینه‌ساز بهره‌مندی از جهان را منوط به زیست متعالی می‌کند. در این نگاه، خدا جهان را برای انسان تسخیر کرده، اما او هرگونه که بخواهد نمی‌تواند در آن تصرف کند، بلکه تصرف انسان باید در راستای رسیدن به سعادت و عدالت باشد (تأثیر در روش تربیتی) (گیلانی، ۱۴۲۳: ۱۲۶-۱۴۴).

۴. مبانی انسان‌شناختی

در تربیت، انسان به عنوان دورکن (مربی و مربی) مطرح است. از این رو شناخت دقیق او یک ضرورت به شمار می‌آید. مراد از مبانی انسان‌شناختی، مبانی مربوط به انسان‌شناسی فلسفی است، نه انسان‌شناسی تجربی.^۱ در انسان‌شناسی تجربی بیشتر به اموری مانند ساختمان بدن، زبان، شخصیت و هنرمی پردازند؛ ولی در انسان‌شناسی فلسفی، مباحثی همانند روح انسان، اختیار و کمال او مورد بررسی قرار می‌گیرند. مبانی انسان‌شناختی تربیت زمینه‌ساز بسیارند؛ اما اثرگذارترین مبانی انسان‌شناختی بر تربیت زمینه‌ساز عبارتند از:

الف) اختیار

انسان موجودی مختار است؛ یعنی می‌تواند بر اساس عقل خود از میان چند چیز، یک چیز را برگزیند. در برابر این مبنا، عده‌ای جبرگرا شده‌اند. جبرگرایان چند دسته‌اند:

۱. جبرگرایی دینی: آنان به دلیل ناسازگاری برخی از آموزه‌های دینی - مانند قضا و

1. anthropology

قدر و علم پیشین خدا - با اختیار انسان، جبرگرا شدند.

۲. **جبرگرایی اجتماعی:** برخی با اصیل شمردن جامعه (جامعه گرایی) به آن هویت مستقل بخشیدند، به گونه‌ای که فرد در برابر آن تسلیم است و از خود اختیاری ندارد.

۳. **جبرگرایان فلسفه تاریخی:** گروهی برای تاریخ مراحل برشمرده‌اند که به صورت جبری تحقق می‌یابد، بدون آن‌که انسان‌ها در آن نقش داشته باشند.

۴. **جبرگرایان طبیعی:** آنان با برجسته کردن عوامل زیستی و وراثتی، تبیین حوادث را تنها بر اساس عوامل زیستی صحیح دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۸۹؛ جعفری، ۱۳۷۹: ۲۱۲؛ رجسی، ۱۳۷۹: ۱۵۷-۱۷۶؛ واعظی، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۳۵).

معتقدان به اختیار، با پذیرش تأثیر عواملی مانند وراثت، محیط و جامعه بر اختیار انسان، برای باورند که این عوامل، انتخاب را دشوار می‌سازد، ولی هیچ‌گاه به سلب اختیار منتهی نمی‌شود. یوسف و آسیه بهترین نمونه‌های قرآنی در این باره هستند (یوسف: ۳؛ تحریم: ۱۱).

پیامدها

۱. مبنای اختیار، در هدف تربیت تأثیر دارد و می‌تواند هدف متعالی (تغییر و حرکت به سوی مطلوب) را به ارمغان آورد. این هدف در تربیت زمینه‌ساز «زیست مهدوی» نام دارد (تأثیر در هدف).

۲. مسئولیت‌پذیری: فرد و جامعه‌ای که معتقد به اختیار هستند، مسئولیت‌پذیر می‌شوند و زندگی خود را در راستای پرورش استعدادها برای آماده‌سازی خود و جامعه برای ظهور صرف می‌کنند (تأثیر در اصل تربیتی).

۳. تأثیرگذاری: انسان بر موجودات عالم از جمله هم‌نوعان خود تأثیر می‌گذارد و از آنان تأثیر می‌پذیرد. آدمی با عملکرد نامناسب خود اسباب فساد را فراهم می‌آورد و با عمل صالح درهای رحمت خدا را می‌گشاید. انسان معاصر با روی آوردن به

دنیا و پلیدی های آن، جهان را به سوی تباهی می کشاند؛^۱ در حالی که اگر به خدا ایمان آورند و پرهیزکاری را پیشه خود سازند درهای رحمت الهی گشوده می شود؛ چنان که خداوند می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

(اعراف: ۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم.

در روایتی این آیه بر زمان ظهور و رجعت تطبیق شده است (تأثیر دراصل تربیتی) (هیئت علمی، ۱۴۲۸: ج ۷، ۱۷۱-۱۷۲).

ب) کمال جویی

انسان فطرتاً در پی دستیابی به کمال است و به سبب پرشماری کمالات، همه انسان ها در جست و جوی کمال بالاترند. در تعیین کمال نهایی دیدگاه های گوناگونی وجود دارد که دیدگاه لذت گرایان، عقل گرایان، اخلاق گرایان و معنویت گرایان از جمله مهم ترین آن ها است. از آن جا که خداوند سرچشمه تمام کمالات است، کمال نهایی در تقرب به اوست. این تقرب، گونه ای از رابطه وجودی میان انسان و خداست که با سیرااختیاری انسان حاصل می شود و به شکل حیات طیبه (نحل: ۹۷) جلوه می کند و از آثار آن، رفع حجاب است.

پیامدها

۱. مبنای کمال جویی این حقیقت را آشکار می سازد که هدف عالی تربیت نمی تواند آسایش یا آرامش تخیلی باشد؛ هدف در تربیت زمینه ساز حیات پاک در پرتو توحید و عدالت فردی، اجتماعی و جهانی است (تأثیر در هدف تربیتی).
۲. کمال جویی با آرمان خواهی رابطه ای تنگاتنگ دارد. حرکت در جهت کمال

۱. ﴿ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾؛ به سبب آن چه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است. (روم: ۴۱)

باید بر اساس آرمان‌ها باشد. آرمان در تربیت زمینه‌ساز، تحقق حکومت صالحان است (تأثیر در اصل تربیتی).

۵. مبانی جامعه‌شناختی

جامعه، مجموعه‌ای از افراد و گروه‌هایی است که وحدت وطن، فرهنگ و دین، آنان را با یکدیگر مرتبط می‌سازد (تومی شیبانی، ۱۹۸۸: ۱۱۸). از میان مبانی جامعه‌شناختی تربیت زمینه‌ساز، مبنای هویت جمعی اهمیت بسیاری دارد (همو).

در اصل فرد یا جامعه، سه نظریه عمده وجود دارد: اصالت فرد، اصالت جامعه، اصالت فرد و جامعه.

بنابر نظریه سوم، همان‌گونه که فرد هویتی به نام هویت فردی دارد، جامعه نیز دارای هویت جمعی است. بنابر تلقی رایج، قرآن هویت جمعی را می‌پذیرد و سنت‌های خود را بر آن به عنوان یک قانون اجتماعی - تاریخی پیاده می‌سازد؛ سنت‌هایی همچون ابتلا، اعراض، استدراج، نصرت، استخلاف، مهلت و هدایت (حاج قاسم، ۱۴۳۳؛ حامد مقدم، ۱۳۷۶).

مهم‌ترین سنت‌ها مربوط به رهبری الهی است (اراکی، ۱۳۹۲: ۴۳). مردم در برابر رهبر الهی دوگونه موضع‌گیری مثبت و منفی دارند و هر یک از این دو موضع‌گیری، پیامدهایی دارد که به صورت سنت الهی در جامعه و تاریخ جریان پیدا می‌کند.

پیامدها

۱. غیبت، نتیجه عملکرد جمعی: جامعه پیش از ظهور با نوع موضع‌گیری در برابر رهبر الهی، از سنت‌های الهی برخوردار می‌شود. در صورت اطاعت از رهبر الهی، سنت‌های استخلاف، هدایت و نصرت شامل حال او می‌گردد و در صورت سرپیچی از فرمان او دچار سنت غیبت می‌شود. سنت غیبت سه‌گونه است: کناره‌گیری، هجرت و استتار (همو) و تا جامعه بشری شایستگی‌های لازم را به

دست نیاورد این غیبت ادامه می‌یابد (تأثیر در موانع تربیتی).

۲. ظهور، نتیجه خواست جمعی: آن‌چه ظهور را تحقق می‌بخشد، هویت جمعی است. بر اساس آیات و روایات، تا جامعه‌ای به شناخت درست از موقعیتی که در آن است نرسد و میل و اراده به جامعه مطلوب در آن ایجاد نشود، خداوند نیز آن را با در اختیار قرار دادن رهبر الهی یاری نمی‌کند (تأثیر در عوامل تربیتی).

۶. مبانی دین‌شناختی

مقصود از مبانی دین‌شناختی، آموزه‌های دینی و اعتقادی به عنوان زیربنای بنیان‌های علم تربیت است و تبیین اصول آن، به اهداف و روش‌های این علم نیاز دارد. مبانی دین‌شناختی، بر علم تربیت مؤثر است و هدف تربیت که قرب الهی است^۱ (تومی شیبانی، ۱۹۸۸: ۳۱۹-۳۴۲) در گرو اثبات مباحث خداشناسی و اعتقادی است. همچنین شیوه تربیت متضمن بایدها و نبایدهایی است که باید با مبانی دینی سازگار باشد و...

در میان مبانی دین‌شناختی تربیت زمینه‌ساز ظهور، چند مبنا اهمیت بیشتری دارند:

الف) توحید ربوبی و افعالی

اداره عالم هستی و موجودات آن با تدبیر الهی را توحید ربوبی می‌گویند و مؤثر نهایی و استقلالی دانستن خدا را توحید افعالی نامند. در نتیجه تمام اراده‌ها در طول اراده الهی قرار می‌گیرد و هیچ فعلی از دایره اختیار الهی خارج نیست (بطلان تفویض).

پیامدها

۱. مهم‌ترین پیامد این مبنا در تربیت، ترسیم هدف اصلی تربیت اسلامی - یعنی

۱. برخی از اندیشمندان اسلامی، قرب و اخلاص را از اهداف تربیت اسلامی به شمار آورده‌اند. (نک:

محبوب، ۱۴۰۸: ۱۶۶؛ برای مطالعه انواع هدف، نک: گروه نویسندگان، ۱۳۹۰: ۲۱۲-۲۸۸)

قرب الهی - است و به تبع آن در هدف از تربیت زمینه ساز - یعنی اداره جهان به محوریت رهبر الهی - اثر دارد^۱ (تأثیر در هدف).

۲. اثر فردی اعتقاد به توحید ربوبی و افعالی در تربیت، ایجاد حالت ترس از خدا، پیدا کردن روحیه دعا، توکل و توسل است (تأثیر در اصل تربیتی: احساس حضور خدا). این مبنا در تربیت زمینه ساز بسیار اثر دارد و فرد را همواره به خدا متوجه می کند. رمز تأکید بر دعا در روایات مهدوی شاید به سبب توجه به توحید ربوبی و افعالی باشد (تأثیر در عامل تربیتی: دعا).

۳. اثر اجتماعی مبنای توحید ربوبی و افعالی در تربیت، استکبارستیزی است (تأثیر در هدف).

ب) هدایت تکوینی و تشریحی

از جمله مبانی مهم دین شناختی، هدایت تکوینی و تشریحی است. بنابراین مبنا، ربوبیت تکوینی و حکمت الهی اقتضا می کند شرایط برای هر موجودی به گونه ای تنظیم شود که بتواند به بالاترین خیر و کمال دست یابد (هدایت تکوینی)؛ اما انسان ها به دلیل محدودیت ها و موانع پیش رو نیازمند راهنمایی هستند. این هدایت توسط پیامبران و کتاب های آسمانی صورت می گیرد (هدایت تشریحی).

پیامدها

۱. بنابر هدایت تکوینی، حرکت عمومی پدیده های جهان در مجموع رو به رشد و کمال است که گاه از آن به حیات تعبیر می شود^۲ و برای سرعت بخشیدن به آن باید در راستای آموزه های رهبران الهی قدم برداشت. این امر در زمان فعلی، حرکت در مسیر تحقق ظهور است که انتظار نامیده می شود (تأثیر در هدف تربیتی).

۱. آباتی که در آن ها کلمه های «تُرید»، «نَمَنَ» و «وَعَدَ اللَّهُ» آمده است، بازگو کننده تعلق اراده خداوند به ظهور هستند.

۲. امام باقر (علیه السلام) ذیل آیه ۱۷ سوره حدید فرمود: «يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرِ مَيِّتٌ» (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۶۸).

۲. امید به آینده: هنگامی که جهان دارای نظام احسن است و تحت هدایت تکوینی الهی به پیش می‌رود و مسیر رسیدن به رشد و کمال فراهم است، باید به آینده امیدوار بود و سیستم تربیتی را به گونه‌ای تعبیه کرد که حس امید را در افراد ایجاد کند^۱ (تأثیر در روش تربیتی).

ج) اضطرار به حجت

بنا بر آیات و روایات (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۶۸، باب الاضطرار بالحجة) هر زمان باید رهبری الهی به نام «حجت» روی زمین باشد. این حجت گاه به صورت رسول و گاه به صورت امام جلوه می‌کند و متصدی تبیین، تبلیغ و اجرای احکام الهی است.

مهم‌ترین مبنای تربیت زمینه‌ساز هم‌این مبناست؛ زیرا وجه امتیاز و برجستگی تربیت زمینه‌ساز نسبت به تربیت اسلامی، اضطرار به حجت و حرکت با محوریت اوست.

پیامدها

۱. حجت الهی، محور حرکت در تربیت زمینه‌ساز ظهور برای رسیدن به زندگی مهدوی است (تأثیر در هدف تربیت: محوریت حجت).

۲. تأثیر در اصل: کسانی که اضطرار به حجت را درک کرده‌اند، باید برای حضور معصوم تلاش کنند. تلاش برای تحقق رهبری حجت را انتظار می‌نامیم و انتظار یکی از اصول مهم تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌رود. در روایات، بر اصل انتظار تأکید بسیاری شده است (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۴۵).

۳. بهترین روش در تربیت زمینه‌ساز، روش الگوپذیری از انسان کامل است؛ زیرا مرتبی با نمادهای اعتقادی، اخلاقی و رفتاری به عینه رودررو می‌شود و نمونه عینی آن چه مطلوب است را درمی‌یابد. آن‌گاه نسبت وجودی و حرکت خود را با

۱. از این رو در روایات آمده است: «الْبَيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۶۹).

امام می‌سنجد و تصحیح می‌کند (تأثیر در روش تربیت: الگوپذیری) (نک: قطب، ۱۴۲۱: ج ۱، ۱۸۰).

نتیجه

برای تربیت زمینه‌ساز ظهور به عنوان نوعی از تربیت اسلامی، می‌توان مبانی گوناگونی برشمرد. این مبانی بر مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز اثرگذارند. در ذیل مهم‌ترین مبانی و پیامد آن‌ها بر اهداف، اصول و روش‌های تربیت زمینه‌ساز بیان می‌شود:

الف) مبنای اعتبار معرفت دینی (مبنای معرفت‌شناختی): این مبنا دست‌کم دو تأثیر مهم بر تربیت دارد:

- تأثیر در منبع معرفت: منبع معرفت تربیت زمینه‌ساز باید منبعی معتبر باشد. از این رو روایات ضعیف، خواب‌ها و گفته‌های مدعیان رؤیت نمی‌تواند منبع تربیت قرار گیرند.

- تأثیر در روش: روش فهم معارف تربیتی باید معتبر باشد. روش فقاهتی روشی معتبر در فهم معرفت‌های تربیتی است.

ب) مبنای تأثیر و تأثر در رهستی (مبنای هستی‌شناختی): این مبنا در اهداف، روش‌ها و عوامل و موانع تربیت زمینه‌ساز اثر می‌گذارد:

- تأثیر در هدف: هدف مرحله‌ای در تربیت زمینه‌ساز، آشنایی فرد و جامعه با نوع تأثیرگذاری عمل‌آزمایی انسان‌ها در هستی و وقایع آن است، به گونه‌ای که می‌تواند مسیر هستی را به نجات و سعادت برساند یا به هلاکت منتهی شود.

- تأثیر در روش: روش تربیت زمینه‌ساز، علت‌یابی است و با بررسی علل غیبت و ظهور می‌توان در برطرف کردن علل غیبت کوشید و عوامل ظهور را فراهم ساخت.

- تأثیر در عوامل: با پذیرش این مبنا می‌توان تأثیر رفتار اختیاری انسان در ظهور را شناخت و آن را در تربیت به کار گرفت (تأثیر در عوامل و موانع تربیت).
 (ج) غایت‌مندی و حرکت دائم (مبنای جهان‌شناختی): این مبنا سه تأثیر مهم بر تربیت دارد:

- تأثیر بر هدف: باور به حرکت مادی و غیرمادی جهان، تفکر تغییر در آن را در انسان زنده می‌کند. تغییر متعالی، از جمله اهداف تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌رود.

- تأثیر در اصل: اعتقاد به هدف‌مندی و تغییر جهان، امید را در دل انسان زنده می‌کند. «امید» یکی از اصل‌های مهم تربیت زمینه‌ساز است.

- تأثیر در روش: روش تربیت فن‌آورانه در عصر کنونی، سیطره بر جهان است؛ اما روش تربیت زمینه‌ساز، زیست متعالی است. در این نگرش بهره‌برداری از جهان منوط به آبادی دنیوی و سعادت اخروی است.

(د) مبنای اختیار انسان (مبنای انسان‌شناختی): این مبنا نیز دست‌کم دو اثر در تربیت زمینه‌ساز دارد:

- تأثیر در هدف: هدف در تربیت اسلامی تقرب به خدا و حیات طیبه است. بنابراین مبنای اختیار در انسان، می‌توان یکی از اهداف تربیت زمینه‌ساز را «زیست مهدوی» دانست که در آن، توحید و عدالت دو مؤلفه اساسی است.

- تأثیر در اصل: از اعتقاد به اختیار انسان، دو اصل تربیت زمینه‌ساز شکل می‌گیرد: تأثیرگذاری و مسئولیت‌پذیری.

(ه) مبنای کمال‌جویی (مبنای انسان‌شناختی): مبنای مذکور در تربیت زمینه‌ساز، دو اثر عمده دارد:

- تأثیر در هدف: کمال آدمی در حیات موحدانه و عادلانه است، نه در زندگی مادی با رفاه و آسایش. بنابراین مبنا، هدف تربیت زمینه‌ساز بسیار متعالی در نظر گرفته می‌شود و به زندگی حیوانی تقلیل نمی‌یابد.

- تأثیر در اصل: کمال جویی باید بر اساس آرمان خواهی باشد. بنابراین، تربیت زمینه ساز با اصل آرمان خواهی تحقق می یابد. آرمان در تربیت زمینه ساز، تحقق حکومت صالحان است.

(و) هویت جمعی (مبنای جامعه شناختی): این مبنا دو تأثیر اساسی بر تربیت زمینه ساز دارد:

- تأثیر در موانع: بنابراین مبنا، غیبت نتیجه عملکرد جمعی است. عمل اجتماعی به دو صورت مقابله با امام یا سکوت در برابر مهاجمان بر امام، به غیبت می انجامد. عوامل غیبت، موانع تربیت زمینه ساز به شمار می آیند.

- تأثیر در عامل: بنابراین مبنا، ظهور، نتیجه خواست جمعی است. شناخت جمعی از موقعیت موجود و اراده جمعی بر تغییر آن به سوی جامعه مطلوب، شرط و عامل اساسی از ناحیه مردم برای تحقق ظهور است.

(ز) توحید ربوبی (مبنای دین شناختی): این مبنا در تربیت زمینه ساز، چند اثر دارد:

- تأثیر در هدف: بنابراین مبنا، اداره عالم با تدبیر الهی است. بر اساس متون دینی، اراده خداوند بر آن تعلق گرفته که جهان با محوریت رهبر الهی اداره می شود. از این رو هدف در تربیت زمینه ساز، تحقق اراده الهی با رهبری رهبران الهی است.

- تأثیر در اصل: از مبنای توحید ربوبی، اصل احساس حضور خدا به دست می آید و باید جامعه اسلامی حضور خدا را با رهبری رهبران الهی درک کند.

- تأثیر در عامل: از آن جا که مؤثر نهایی در عالم خداست، باید از عامل دعا برای تحقق رهبری الهی و ظهور مدد جست.

(ح) مبنای هدایت تکوینی و تشریحی (مبنای دین شناختی): این مبنا در تربیت زمینه ساز دو اثر دارد:

- تأثیر در هدف: بنابراین مبنا، حرکت عمومی پدیده های جهان در مجموع رو

- به کمال است و برای سرعت بخشیدن به آن، باید در راستای آموزه‌های رهبران الهی حرکت کرد. هدف در زمان کنونی، تحقق ظهور است.
- تأثیر در روش: وقتی مسیر کمال فراهم است، سیستم تربیتی باید به گونه‌ای تعبیه شود که حس امید در افراد ایجاد گردد. این شیوه مسیر دشوار حرکت را گوارا کرده و تربیت را همراه با اشتیاق می‌گرداند.
- ط) اضطراب به حجت (مبنای دین‌شناختی): این مبنا مهم‌ترین اثرها را بر تربیت زمینه‌ساز می‌گذارد که عبارتند از:
- تأثیر در هدف: بر اساس این مبنا، هدف در تربیت زمینه‌ساز، زندگی متعالی در پرتو ولایت همه‌جانبه امام است.
- تأثیر در اصل: از مبنای اضطراب به حجت، اصل انتظار به دست می‌آید. وقتی جهان به حجت اضطراب‌دارد، اقتضای اضطراب حرکت در راستای تحقق ولایت حجت است. این حرکت انتظار نام دارد.
- تأثیر در روش: وقتی حجت، انسان کامل است، در بهره‌گیری از انسان کامل بهترین روش الگوگیری است؛ زیرا فرد با نمونه عینی آن چه مطلوب است مواجه می‌شود.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، نشر ادب الحوزة، قم، ۱۴۰۵ق.
- اراکی، محسن، «مهدویت و سنت های رهبری الهی در قرآن»، ترجمه: سید محمد رضی آصف آگاه، فصل نامه پژوهش های مهدوی، سال اول، ش ۴، بهار ۱۳۹۲ش.
- باقری، خسرو، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
- _____، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴ش.
- تومی شیبانی، عمر، *فلسفه تربیة اسلامیة*، بی جا، دارالمعرفة للكتاب، ۱۹۸۸م.
- جعفری، محمد تقی، *جبر و اختیار*، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹ش.
- جمعی از نویسندگان، *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش.
- حاج قاسم، بکار محمود، *سنن الطبیعة والمجتمع فی القرآن الکریم*، سوریه، دارالنوادر، ۱۴۳۳ق.
- حامد مقدم، احمد، *سنت های اجتماعی در قرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، *مفردات غریب القرآن*، بی جا، قم، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- رجبی، محمود، *انسان شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ش.
- رهنمایی، سید احمد، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
- زنتانی، عبد الحمید صید، *فلسفه تربیة اسلامیة فی القرآن والسنة*، بی جا، الدار

- العربية للكتاب، ۱۹۹۳ م.
- صادق زاده علی رضا و محمد علی حاجی دهی، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، کتاب چهارم، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- صفایی حائری، علی، مسئولیت و سازندگی به ضمیمه انسان در دو فصل، قم، هجرت، ۱۳۷۹ ش.
- صغیر، احمد حسین، اصول التربية الاسلامية فی ظلال القرآن الکریم و السنة النبوية، عمان، الآفاق المشرفة للنشر والتوزيع، ۲۰۱۱ م.
- علم الهدی، جمیله، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- _____، مبانی تربیت اسلامی و برنامه نویسی درسی بر اساس فلسفه صدوا، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
- فهمی، محمد سیف الدین، النظرية التربوية و اصولها الفلسفية و النفسية، قاهره، مكتبة الانجلو المصرية، ۱۹۸۰ م.
- قطب، محمد، مناهج التربية الاسلامية، قاهره، دار الشروق، ۱۴۲۱ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
- گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسان برهان، ۱۳۹۰ ش.
- گیلانی، ماجد عرسان، تطور مفهوم النظرية التربوية الاسلامية، عمان، جمعية عمال المطابع التعاونية، ۱۹۷۸ م.
- _____، فلسفة التربية الاسلامية، دبي، دار القلم، ۱۴۲۳ ق.
- محجوب، عباس، اصول الفكر التربوي فی الاسلام، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق.
- مدکور، علی احمد، منهج التربية فی التصور الاسلامی، قاهره، دار الفكر العربی، ۱۴۲۲ ق.

- مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم، انتشارات صدرا، بی تا.
- _____، *مجموعه آثار*، ج ۲، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ ش.
- مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- مور، ث، *النظریة التربویة*، ترجمه به عربی: محمد احمد صادق و عبدالحمید عبدالتواب ضیحة، قاهره، مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۸۶ م.
- نحلاوی، عبدالرحمن، *اصول التربية الإسلامية*، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۹ م.
- واعظی، احمد، *انسان از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷ ش.
- هیئت علمی مؤسسه المعارف الاسلامیة، *معجم احادیث الامام المهدي*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۸ ق.

نهادهای فرهنگی و تربیت زمینه ساز

محمد مهدی حائری پور*

چکیده

تربیت، عنصر مهم و اساسی در شکل گیری شخصیت انسان است و افراد و مجموعه های گوناگون در فرایند تربیت مؤثرند. در این میان، مجموعه های فرهنگی کشور سهمی بسزا و درخور توجه دارند. نهادهایی رسمی همانند صدا و سیما، مطبوعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، حوزه های علمیه، آموزش و پرورش، آموزش عالی، و نهادهای مردمی همچون انجمن ها و تشکل های فرهنگی مساجد و نیز هیئت های مذهبی، همگی در تربیت و پرورش آحاد جامعه در جهت گیری های گوناگون تأثیرگذارند. زمینه سازی ظهور امام زمان علیه السلام بزرگ ترین آرمان بشر از جمله جهت گیری های تربیتی است و چگونگی تربیت انسان ها می تواند این آرمان را به عنوان دغدغه اصلی آن ها تعریف کند و تلاش و فعالیتشان را در این جهت گیری الهی سامان دهند.

در این نوشتار کوشیده ایم حوزه های تربیت زمینه ساز را برای نهادهای فرهنگی کشور مشخص کنیم و برای فعالیت در زمینه تربیت زمینه ساز راهکارهایی ارائه کنیم.

واژگان کلیدی

نهادهای فرهنگی، تربیت زمینه ساز، عدالت، امام شناسی، تربیت عقلانی، عقل، زمینه سازی.

* عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

ضرورت زمینه‌سازی

ظهور امام مهدی علیه السلام انقلابی به وسعت همه زمین و تحولی است که همه تاریخ بشر منتظر آن بوده است. بدیهی است چنین رویداد عظیمی بدون زمینه‌سازی و فراهم آمدن شرایط آن تحقق نمی‌یابد. در روایات اسلامی نیز با الفاظ و عبارات گوناگون از ضرورت این امر سخن گفته شده است. نکته مهم این است که فراهم شدن مقدمات ظهور در بخش‌های مختلف مطرح است و شاید مهم‌ترین آن‌ها شرایط و زمینه‌هایی است که باید در افراد جامعه به عنوان مؤثرترین عناصر در تحقق ظهور، ایجاد شود و این جاست که موضوع مهم و اساسی تربیت زمینه‌ساز مطرح می‌شود. به راستی چگونه تربیتی است که انسان‌ها را برای ظهور موعود قرآن و تحقق بخش آرمان‌های انبیا و مجری احکام قرآن و سنت، آماده می‌کند؟ و چه عناصری در تربیت باید ملاحظه شوند تا انسان‌هایی شایسته عصر ظهور و دولت عدالت‌گستر مهدوی، پرورش یابند و همین افراد پیش از ظهور نیز در راستای فراهم آوردن شرایط ظهور گام بردارند.

تربیت و فرایند آن

معنای تربیت از ماده «ربا یربو»، افزودن، پروراندن و رویانیدن است و اگر از «ربی یربی» باشد به معنای رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن، ولی از ریشه «رب یرب» به معنای سرپرستی و رهبری کردن و به تعالی و کمال رساندن است و اگر درباره انسان به کار رود، جامع‌ترین معنایش فرهیختن اوست (بهشتی، ۱۳۷۹: ج ۳، ۹۲).
اهل لغت بیشتر با توجه به ریشه «رب یرب» تربیت را تعریف کرده‌اند. برای نمونه راغب اصفهانی تربیت را دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیزی دانسته، تا آن جا که به فرجامی که سزاوار اوست برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵: ماده رب).
و اما در اصطلاح، تعاریف فراوانی برای تربیت بیان شده که برای رعایت اختصار به تعریف نسبتاً جامع و قابل پذیرش شهید مطهری علیه السلام بسنده می‌کنیم که نوشته است:

تربیت، پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنهاست تا از این راه متربی به حد اعلای کمال برسد. (بهشتی، ۱۳۷۹: ج ۳، ۹۲)

البته نویسندگان دیگر با نگاه به عنصر مربی، تربیت را این گونه تعریف کرده اند که بی شباهت به تعریف بالا نیست:

هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخصی به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می دهد. (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۰)

تربیت زمینه ساز

تربیت، ابعاد و جهت گیری های متفاوتی دارد، ولی در این مجال رویکرد بحث به سمت زمینه سازی ظهور است و مقصد از بحث تربیتی و ضرورت و چگونگی آن این است که روشن شود چگونه تربیتی می تواند به زمینه سازی ظهور کمک کند و به بیان دیگر، چه عناصری در تربیت انسان و به ویژه کودک و نوجوان و جوان باید مدنظر باشد تا شخصیت او را در جهت گیری به سمت آرمان ظهور و تحقق آن و شوق و رغبت برای زمینه سازی نسبت به آن، شکل دهد. به دیگر سخن، نهادهای فرهنگی جامعه با چه ساز و کاری می توانند مردم و به ویژه نسل نورا در بستر تربیت دینی متناسب با آرمان ظهور قرار دهند؟

در نگاهی نسبتاً تفصیلی در این نوشتار، چهار محور تربیتی را بیان کرده و راه های رسیدن به آنها را به اختصار ذکر کرده ایم تا نهادهای فرهنگی جامعه - چه آنها که دولتی و تشکیلاتی عمل می کنند و چه آنها که مردمی و غیر رسمی هستند - به تناسب امکانات خود و با احساس مسئولیت نسبت به این وظیفه مهم الهی و انسانی، اقدام کنند.

۱. عمق بخشی به معرفت دینی به ویژه در حوزه امام شناسی

بدیهی است زمینه سازی ظهور بدون معرفت دینی و شناخت عمیق نسبت به

ضرورت ظهور و حاکمیت حق و ضرورت حاکمیت انسان کامل و شناخت او در زوایای گوناگون شخصیتی، ممکن نیست. از این رو در روایات بر همین مسئله تأکید فراوان شده است.

عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء: ٧١) فَقَالَ: يَا فَضِيلُ! أَعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَتَّوَمَّ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: باب ۲۵، ح ۲)

فضیل بن یسار روایت کرده است که از امام صادق عليه السلام درباره سخن خداوند که فرموده: «روزی که هر گروهی را با امامشان فرامی خوانیم» پرسیدم؛ امام عليه السلام فرمود: ای فضیل، امام خود را بشناس! پس به راستی زمانی که او را بشناسی، پیش افتادن یا تأخیر امر ظهور به تو ضرری نخواهد زد. و هر کس امام خود را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، همچون کسی است که در لشکر او حضور داشته، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم او نشسته است.

از این کلام زیبا چند نکته ناب استفاده می شود:

۱. شیعیان با معرفت از دیرباز، از منتظران حقیقی قائم آل محمد عليه السلام بوده اند و پیوسته با دغدغه درک ظهور آن بزرگوار و یاری او می زیسته اند. به همین دلیل در روایات گوناگون آمده است که شیعیان در زمان های مختلف از امامان درباره قائم و شخصیت و زمان ظهور او سؤال می کرده اند:

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؟ فَقَالَ: أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُظَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يُطَوَّلُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يُبْتِغُ فِيهَا آخَرُونَ... (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۶۱، ح ۵)؛

از یونس بن عبدالرحمن روایت شده است که گفت: بر امام موسی بن جعفر عليه السلام وارد شدم و به ایشان گفتم: ای پسر رسول خدا، آیا شما همان

قیام کننده برحق هستی؟ فرمود: آری من قیام کننده برحق هستم، ولی آن که قیام می‌کند و زمین را از دشمنان خدا پاک می‌گرداند و آن را از عدالت برمی‌کند چنان که ازستم آکنده است، پنجمین نفر از فرزندان من است که غیبتی طولانی خواهد داشت، چون برجان خویش بیمناک است. در زمان غیبت او گروه‌هایی [از مردم] از اعتقاد خود برمی‌گردند و گروه‌هایی بر عقیده خود استوار می‌مانند.

۲. مهم‌تر از درک ایام ظهور حق و دولت امام برحق، معرفت و شناختی است که پیروان حق و امام حق، نسبت به امام خود و حاکمیت او پیدا می‌کنند. در واقع درک صحیح حق و ضرورت حاکمیت جهانی ارزش‌های الهی و حاکم شدن امام خوبی‌ها - که مظهر تمام و تمام حق است - وابسته به معرفت و شناخت انسان نسبت به آن امام و ایام دولت اوست. از این رو در روایت امام صادق علیه السلام بر شناخت امام علیه السلام تأکید شده است تا آن‌جا که شیعه با معرفت، حتی اگر ایام ظهور حق را نبیند در اجر و پاداش، همانند کسی است که در آن ایام حضور داشته و در رکاب امام خود با دشمنان جنگیده است.

۳. تأکید بر اهمیت جایگاه امام و معرفت آدمی نسبت به او به این دلیل است که ثبات قدم و استواری بر صراط مستقیم امامت و پیروی همه‌جانبه از امام حق و حرکت در مسیر اهداف او، همه و همه به میزان معرفتی که نسبت به امام و اهداف او در انسان هست بستگی دارد؛ یعنی هر چه معرفت شیعیان نسبت به امام و اهداف حکومت او و جایگاه الهی‌اش بیشتر و بالاتر باشد، میزان استقامت آن‌ها بر حق و تلاش آن‌ها برای حاکمیت حق و حرکت در مسیر تحقق اهداف امام، بیشتر و بهتر خواهد بود. به همین دلیل است که در روایات ائمه علیهم السلام پس از معرفی «قائم» و خبر دادن از غیبت او نسبت به ارتداد و بازگشت از عقیده صحیح هشدار داده شده و به شیعیان ثابت قدم بشارت‌های بسیاری داده شده است:

... له غیبة یتول أمدها خوفاً علی نفسه یرتد فیها اقدام و یتبث فیها اخرون
ثم قال علیه السلام: طوبی لشیعینا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا الثابتین علی

مُواْلَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛
(همو)

خوشا به حال شیعیان ماکه در زمان غیبت قائم ما به ریسمان [محبت] ما چنگ زده اند و بر ولایت ما و برائت از دشمنان ما ثابت قدم هستند. آن ها از ما و ما از آن ها ایم. آنان به امامت ما راضی شدند و ما به شیعه بودن آنان. خوشا به حالشان، خوشا به حالشان! به خدا سوگند آنان در قیامت، در همان رتبه ای که ما هستیم با ما خواهند بود.

ارتباط و وابستگی ثابت قدم با معرفت و شناخت در روایت دیگری با صراحت بیشتری بیان شده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

أَنْ لِقَائِمٍ مِنَّا عَبَّيْتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَبُتُّ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا فَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ (همو؛ ج ۱، ۲۲۳، باب ۳۱)

همانا برای قیام کننده ما [اهل بیت] دو غیبت است که یکی از آن ها از دیگری طولانی تر است... پس غیبت او طولانی می شود تا آن جا که بیشتر آنان که به امامت او معتقدند برمی گردند و بر این اعتقاد استوار نمی ماند، مگر کسی که یقینش محکم و شناختش درست باشد و نسبت به آن چه ما به آن حکم می کنیم در خود هیچ کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد.

نهادهای فرهنگی و ارتقای معرفت دینی

با توجه به اهمیت معرفت دینی و به ویژه امام شناسی در حفظ هویت دینی آحاد جامعه و نیز ایجاد حس مسئولیت نسبت به جریان ظهور و اهداف حکومت جهانی، نهادهای فرهنگی جامعه باید برای دستیابی به این مهم برنامه ریزی جدی داشته باشند و از تمام ابزار و استعدادها و امکانات خود برای معرفت افزایی سطوح مختلف جامعه استفاده کنند. البته در این کار مهم، همکاری و هماهنگی دستگاه های گوناگون فرهنگی امری ضروری و انکارناپذیر است؛ برای مثال، نهاد

فرهنگی حوزه علمیه - که خاستگاه معرفت دینی و حوزه پژوهش و تحقیق در معارف الهی و مهدوی است - باید نرم افزار لازم برای آگاهی بخشی و معرفت افزایی مردم را متناسب با نیازهای سطوح گوناگون فکری تهیه کند و رسانه های صوتی - تصویری و نیز نوشتاری، آن معارف طبقه بندی شده را در قالب های متنوع و جذاب در اختیار مخاطبان قرار دهند و البته هم در بخش نرم افزاری و هم در بخش توزیع و ارائه، ضمن دقت و مراقبت در امانتداری و درستی مطالب و معارف ارائه شده، به ارتقای کیفی محتوا و قالب، توجه کافی داشته باشند.

نکته مهم در این بخش این است که سازمان ها و نهادهای مسئول بدانند همچنان که امر سلامت جسم و روان مردم ضرورتی همگانی و دائمی است، آگاهی بخشی دینی و به ویژه امر مهم امام شناسی و شناخت ضرورت ظهور و تشکیل حکومت عدل جهانی به رهبری امام و حجت الهی نیز امری دائمی به شمار می آید و برای همه آحاد مردم یک ضرورت و اولویت است. بنابراین آفت بزرگ کار در حوزه معارف دینی، سطحی عمل کردن و فصلی کار کردن است.

دیگر نکته مهم، پرهیز از نگاه های کلی و پرداختن به جزئی نگری و تبیین های دقیق و موردی است. برای مثال، نهاد آموزش و پرورش - که نیروهای مستعد جوان و نوجوان را در اختیار دارد و متولی آموزش و نیز پرورش آنهاست - بکوشد ارزش های حاکم در زمان ظهور را با همان رویکرد نگاه به ظهور و در قالب اهداف امام زمان علیه السلام ترویج دهد و آنان را با قرارداد در چارچوب زمینه سازان ظهور دولت خوبی ها، به احساس مسئولیت نسبت به عصر ظهور فرا خواند و از این راه، غفت و حیا را در جوانان تقویت کرده و گرایش به شهوات باطل و منحرف کننده را از بین ببرد. البته این کار منوط به یک کار فرهنگی دقیق و تبیین روشن ارتباط بین غفت جوان و ظهور امام منتظر است؛ زیرا وقتی نگاه جوان به آینده ای روشن معطوف شد که در ساختن آن می تواند نقش و سهم مهمی داشته باشد، توجه و اقبال به چنین آینده ای - که روزگار حاکمیت خوبی ها و ارزش هاست - همت جوان را بلند

می‌کند، به گونه‌ای که خود را برتر از آن می‌بیند که در شهوات زودگذر و پوچ دنیا
هزینه شود؛ چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ انْصَرَفَتْ عَنِ الْعَالَمِ الْفَانِي نَفْسُهُ وَ هِمَّتُهُ؛ (آمدی، ۱۳۸۲:
کلمه ۲۳۸۸)

هر کس معرفت و شناختی درست داشته باشد، دل و جانش از
عالم فناپذیر روی گردان شده و همتش از [هزینه شدن درباره] آن
منصرف می‌گردد.

۲. تقویت عقلانیت و خردورزی

عقل نعمت بزرگ الهی و پیامبر درونی انسان‌ها و راهنمای بشر به راه‌های
سعادت در دنیا و آخرت است. تفاوت بین انسان و حیوانات در داشتن این نعمت
الهی است و در روایات فراوان، از جایگاه عقل تعریف و تمجید شده است. امام
علی علیه السلام می‌فرماید:

قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ؛ (همو: کلمه ۳۱۷)
ارزش هر انسانی به عقل اوست.

و نیز می‌فرماید:

مَا قَسَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بَيْنَ عِبَادِهِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ؛ (همو: کلمه ۳۳۲)
خداوند در میان بندگانش چیزی برتر از عقل تقسیم نفرموده است.

اما مهم، تعقل و به‌کارگیری عقل است؛ یعنی خردورزی و در پی عقل رفتن و در
همه امور از این نعمت بی‌بدیل الهی بهره‌گرفتن و در برابر هجوم شهوات و
خواسته‌های نفسانی از نیروی آن استفاده کردن.

به بیان دیگر، عقل نیرویی الهی است که در وجود انسان به امانت سپرده شده تا
با به‌کارگیری آن به راه‌های سعادت، رهنمون گردد؛ ولی چه بسیار مواردی که آدمی
به جای بهره‌مندی از عقل، خود را به امواج سهمگین هوای نفس و خواسته‌های
بی‌حد و مرز نفسانی سپرده است و به مصلحت‌اندیشی‌ها و عاقبت‌نگری‌های عقل

توجهی نمی‌کند و نه تنها آخرت، که دنیای خود را نیز تباه می‌سازد. بنابراین انسان‌ها - چه درزندگی فردی و چه درحیات اجتماعی - برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود و آن‌چه کمال مطلوب آنان است نیاز به تعقل و خردورزی دارند و به همین دلیل در بسیاری از آیات قرآن، گروه‌هایی از مردم به سبب نیندیشیدن، مورد مذمت و نکوهش خدای بزرگ قرار گرفته‌اند و همین عدم تعقل و خردورزی به عنوان عامل بدبختی‌شان معرفی شده است:

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الَّذِينَ لَا يَحِقُّونَ﴾؛ (انفال: ۲۲)

به راستی که بدترین جنبندگان نزد خداوند کسانی هستند که از شنیدن و گفتن حق کرولالند؛ آن‌ها که تعقل نمی‌کنند.

در روایات اسلامی نیز برای خردورزی فواید پرشماری بیان شده، مانند آن‌چه در کلمات گهربار امام علی علیه السلام آمده است:

مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ اسْتَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ؛ (آمدی، ۱۳۸۲: کلمه ۳۸۰)

هرکس عقلش کامل باشد، شهوت‌ها را پست شمارد.

أَعْقَلَ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ؛ (همو: کلمه ۳۹۳)

عاقل‌ترین مردم آن است که به فرجام کارها بهتر و دقیق‌تر بنگرد.

مَمْرَةُ الْعَقْلِ لُزُومُ الْحَقِّ؛ (همو: کلمه ۴۱۳)

نتیجه عقل [و خردورزی] همراهی و همگامی دائمی با حق است.

مَمْرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛ (همو: کلمه ۴۱۶)

نتیجه عقل، مدارا کردن با مردم است.

بنابراین خردورزی سبب رسیدن به همه خوبی‌هاست و آن‌که عاقل‌تر است در زندگی فردی و در اندیش‌تراست و اهل‌گرافه نیست. او درزندگی اجتماعی، بیشترین مدارا را به کار می‌گیرد و کمترین درگیری و نزاع را با دیگران دارد و در تمام کارها و گفتارها بر مدار حق عمل می‌کند.

نهادهای فرهنگی و تربیت عقلانی

عقلانیت پدیده مبارکی است که به وسیله آن می‌توان آینده دوردست را نزدیک

کرد و برای آن برنامه ریزی نمود. از آن جا که مهدویت، چشم انداز روشن آینده جهان است، تنها با عقلانیت و خردورزی می توان به آن اندیشید و برای آن کارکرد؛ وگرنه شهوات و نفسانیات انسان که نقطه تقابل تعقل و خردمندی است، مجالی برای زیستن در آینده - حتی اگر آینده ای زیبا و دلپذیر باشد - باقی نمی گذارد، بلکه آدمی و همه استعدادهایش را به شهوات امروز و لذت های فانی و پوچ دنیایی مشغول می سازد. آری، نفس آدمی، خود محور و خود خواه است؛ ولی تعقل، او را از دایره خودی بیرون می برد و جریان نجات بشر را در چشم او به عنوان هدفی متعالی قرار می دهد.

بنابراین بزرگ ترین خدمتی که نهادهای فرهنگی جامعه می توانند به آحاد جامعه و به ویژه نسل جوان داشته باشند، این است که در راستای تقویت و عقلانیت و خردورزی آنان کارکنند. متأسفانه باید اعتراف کنیم که بسیاری از برنامه های به اصطلاح فرهنگی، پاسخ به خواسته های پایین دست نفسانی است؛ در حالی که مربی دلسوز باید نیروی تفکر و تعقل را در مرتبه پرورش دهد و آن چه از لوازم عقل است در وجود او زنده و بالنده کند و تن دادن به شهوات را در او کم رنگ نماید؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَأَمَاتَ شَهْوَتَهُ وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ لِصَلَاحِ
 آخِرَتِهِ؛ (همو: کلمه ۳۰۸)

به راستی برترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که عقل خود را زنده کند و شهوت خود را بمیراند و خود را برای مصلحت آخرت خویش به رنج افکند.

در میان نهادهای فرهنگی، نهاد تأثیرگذار صد اوسیماسئولیت بیشتری دارد و لازم است از نخبگان و صاحب نظران برای تقویت عقلانیت آحاد جامعه و دور شدن آن ها از نفسانیات و اهتمام به دنیای باطل و پوچ، کمک بگیرد. به راستی جای افسوس و دریغ است که در رسانه ملی، برنامه هایی برای جهت دهی صحیح و منطقی به عقلانیت جوانان وجود ندارد تا آنان بدانند و بفهمند که شور و احساس

و هیجان نباید همه زندگی را پر کنند؛ در عین حال، انواع برنامه‌ها درباره آن چه «بازی» نام دارد ساخته می‌شود و کارشناسان توپ و تور، ساعت‌ها به تحلیل و بحث در این باره می‌پردازند. صد البته هر چیزی باید در زندگی ما سهمی بسزا و مناسب داشته باشد، نه این که هر چه بازی است جدی گردد و آن چه مسئله جدی زندگی است به بازی گرفته شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الْعَاقِلُ مَنْ وَضَعَ الْأَشْيَاءَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجَاهِلُ ضِدُّ ذَلِكَ؛ (همو: کلمه ۴۶۵)
 عاقل کسی است که چیزها [وامور] را در جایگاه‌های خود بگذارد و جاهل کسی است که چنین نکند [و اشیا را در غیر جایگاهشان قرار دهد].

و نیز می‌فرماید:

الْعَاقِلُ مَنْ أَحْسَنَ صَنَائِعَهُ وَ وَضَعَ سَعْيَهُ فِي مَوَاضِعِهِ؛ (همو: کلمه ۴۶۱)
 عاقل کسی است که کارهایش را نیکو قرار دهد و تلاش خود را در جایگاه مناسب آن صرف کند.

همچنین فرموده است:

أَعْقَلَ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ جِدُّهُ هَزْلَهُ وَ اسْتَظْهَرَ عَلَى هَوَاهُ بَعْثِلَهُ؛ (همو: کلمه ۳۹۱)
 عاقل‌ترین مردم کسی است که کارهای جدی او بر بازی اش غلبه کند و به وسیله عقلش بر خواهش‌های نفس خود یاری جوید [و خواسته‌هایش را مهار کند].

گفتنی است تربیت عقلانی و وظیفه‌ای سنگین است که همه نهادهای فرهنگی جامعه باید برای ارتقای آن تلاش کنند و علاوه بر نهادهای رسمی، بخش‌های فرهنگی دیگر مانند مساجد و تکایا نیز باید در مسیر این هدف عالی - که کلید رسیدن به مقاصد دیگر نیز هست - بکوشند و همت کنند که در کنار پاسخ‌گویی به احساسات پاک و هیجانانگیز مذهبی، عقلانیت و خردورزی، سهمی قابل‌اعتنا داشته باشد و برای مثال، در کنار جشن‌های نیمه شعبان و بزرگداشت ولادت مسعود امام زمان علیه السلام، اندیشیدن به وظایف منتظران و درک صحیح معنای انتظار و

انتظارات امام غایب از شیعیان و اهداف آن بزرگوار در حکومت جهانی، به صورتی جدی و گسترده مطرح شود و شور و شعور و احساس و عقلانیت قرین هم گردد. سخن پایانی در این بخش، قرآن الهی است که از زبان دوزخیان می فرماید:

﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾؛ (ملک: ۱۰)

و می گویند: اگر [در دنیا سخن انبیا را] شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم.

۳. تبیین عدالت و تقویت روحیه عدالت خواهی

امام مهدی علیه السلام مظهر عدل الهی و اقامه کننده آن در تمام زمین است. آن بزرگوار در روایات فراوان به این عبارت رسا و گویا معرفی شده است:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (سیوطی شافعی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۵۵)

عدالت و قسط همان هدف متعالی پیامبران خداست که برای آن مبعوث شده و در پی برپایی آن، همه عمر خود را سپری کرده اند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾؛ (حدید: ۲۵)

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند....

بنابراین عدالت، ارزشی است که جامع همه ارزش ها و خوبی هاست و زیرساختی است که پایه و اساس همه خیرات و زیبایی هاست. انسان نیز با فطرت الهی خود به دنبال رسیدن به آن بوده و هست. امام علی علیه السلام می فرماید:

الْعَدْلُ أَقْوَى أَسَاسٍ؛ (آمدی، ۱۳۸۲: کلمه ۱۰۲۰۳)

عدالت محکم ترین اساس [و زیرساخت] است.

همچنین فرموده است:

مَا عَمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ؛ (همو: کلمه ۷۷۷۸)

شهرها به چیزی همانند عدل، آباد نگردیده است.

نهادهای فرهنگی و آرمان عدالت

در تربیت زمینه‌ساز، نهادهای فرهنگی باید عدالت آرمانی دردوره ظهور را به روشنی تبیین نمایند و همزمان، سبب بیداری فطرت عدالت‌خواه انسان‌ها و به‌ویژه جوانان شوند و گرایش به عدالت‌خواهی را تقویت کنند. این کار با بیان زیبایی‌های عدالت و ضرورت آن برای جامعه انسانی امکان‌پذیر است.

متولیان ادب و فرهنگ جامعه همچون حوزه و دانشگاه، باید تصویر روشنی از عدالت آرمانی را ترسیم کنند و این‌که این عدالت همه‌زوایای حیات فردی و اجتماعی انسان را فرا خواهد گرفت؛ چنان‌که در روایات آمده است: مانند گرما و سرما به درون خانه‌های مردم نفوذ خواهد کرد (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۹۷، باب ۱۷، ح ۱) و آن حضرت ترازوی عدالت را در میان تمام مردم خواهد نهاد، به گونه‌ای که هیچ کس به دیگری ظلمی نخواهد کرد (گروه نویسندگان، ۱۳۸۶: ج ۵، ح ۱۶۲۴).

بدیهی است تبیین عدالت مهدوی شور و شوق و امید به ظهور او را در دل‌ها بیشتر می‌کند و نیز انگیزه‌ها را برای زمینه‌سازی شرایط ظهور او تقویت می‌سازد و بالاترین‌که پرداختن به مسئله عدالت و تقویت روحیه عدالت‌خواهی سبب گرایش عملی آحاد جامعه به این هدف عالی خواهد شد؛ زیرا آن‌که دغدغه ظهور و عدالت اجتماعی دوران ظهور را دارد نمی‌تواند از این هدف متعالی جدا و منزوی باشد و به قول معروف، منتظران مصلح باید خود صالح باشند. بنابراین منتظران عدالت مهدوی خود باید در زندگی در پی تحقق عدالت برآیند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

عَايَةُ الْعَدْلِ أَنْ يَعْدَلَ الْمَرْءُ فِي نَفْسِهِ؛ (آمدی، ۱۳۸۲: کلمه ۴۷۵۷)

بالاترین مرتبه عدالت آن است که آدمی در [باره] خود عادل باشد.

بنابراین کسی که عدالت جوی و عدالت‌خواه است، ناگزیر باید در تعامل خود با دیگران عادل باشد و این امر زمانی رخ می‌دهد که با خود به عدالت رفتار کند؛ یعنی

از هرکاری که ستم به خویشتن است خودداری نماید. راستی هزینه کردن استعدادها، امکانات، عمر، جوانی، نشاط، سلامتی، عقل و هوش در مسیر شیطان و اهداف شیطانی، عدالت است یا بی‌عدالتی؟ بلکه بالاتر از آن، استفاده کردن از امکانات هستی، خورشید و ماه، خشکی و دریا، خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها، اعضا و جوارح، علم و عقل، سلامتی و نشاط، آسایش خاطر و فراغت جسم و... جز در مسیر کمال انسانی و قرب الهی بی‌عدالتی نیست؟ اگر کسی در همه این نعمت‌ها بر خود ستم روا می‌دارد و بی‌عدالتی پیشه می‌کند، می‌تواند به عدالت جهانی و آرمانی دل ببندد یا خود را برای تحقق آن آماده کند و بپروازند؟

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

كَيْفَ يَعْدِلُ فِي غَيْرِهِ مَنْ يَظْلِمُ نَفْسَهُ؛ (همو: کلمه ۱۰۳۹۶)

کسی که به خویشتن ظلم می‌کند، چگونه درباره غیر خود به عدالت رفتار خواهد کرد؟

بنابراین نهادهای فرهنگی باید حرکتی جهادگونه و تلاشی بی‌وقفه و مخلصانه برای تقویت روح عدالت‌خواهی و پیش از آن پذیرش رفتار عادلانه به راه اندازند و در تمام برنامه‌های خود تبیین حدّ و مرز عدالت و ظلم و بیان آثار مثبت و منفی این دو خصلت و توضیح شاخصه‌های رفتاری این دو ویژگی را مدّ نظر قرار دهند تا نسل جوان عدالت‌خواه در پرتو این آرمان بزرگ به تربیتی درست و اسلامی درآید و از همین امروز در مسیر اهداف ظهور قرارگیرد تا برای ظهور موعود بزرگ انسان و عدالت آرمانی بشر، لحظه شماری کند.

آری، ظهور مهدی - به عنوان عدالت‌گستر جهان - آرمان بزرگ انسان‌هایی است که به روشنی عدالت را به عنوان ضرورت حتمی جامعه انسانی پذیرفته‌اند و سپس خود در زندگی به عدالت و مرزهای آن تن داده‌اند، وگرنه کسی که امروز - حتی در زندگی فردی و شخصی خود - با ظلم و ستم هم‌آغوش است و عدالت را حتی در درون خانه و کارگاه شخصی خود نمی‌پذیرد، چگونه تحمل عدالت جهانی

را خواهد داشت!؟

امام علی علیه السلام می فرماید:

فِي الْعَدْلِ سَعَةٌ وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ؛ (همو: کلمه ۱۰۲۱۷)
در عدالت، وسعت است و هر کس با عدالت، در تنگنا واقع می شود، پس
[بداند] با جور و ستم در تنگی بیشتر خواهد بود.

درک حقیقت کلام امام علی علیه السلام با بیان روشن عدالت قرآنی و مهدوی و حدود و مرزهای آن و پیامدهای مثبت عدالت اجتماعی، امکان پذیر است و تا چنین درک و دریافتی از عدالت در آحاد جامعه نباشد، زمینه سازی ظهور به فرایندی عمومی و دغدغه ای اجتماعی تبدیل نخواهد شد.

۴. ترویج و تبلیغ اخلاق اسلامی و قرآنی (تربیت اخلاقی)

در روایات مربوط به ظهور، بر محور اخلاق و کمال اخلاقی انسان های عصر ظهور تأکید گردیده و رابطه بین انسان ها به گونه ای بسیار زیبا ترسیم شده است، به طوری که هیچ کینه و نفرتی باقی نمی ماند و صمیمیت و محبت بین آحاد جامعه اسلامی جاری و ساری خواهد بود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمًا وَصَعَّ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ
أَخْلَاقَهُمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶)

چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آن ها را
متمرکز ساخته و اخلاقشان را کامل می کند.

امام علی علیه السلام نیز فرموده است:

وَلَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمًا... لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ (صافی گلپایگانی،
۱۴۱۹: ۴۷۳)

وقتی قائم ما قیام کند... کینه ها از دل های بندگان می رود.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَرْأَمَةُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا
يَمْتَنِعُهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ۳۷۲)

وقتی قائم ما قیام کند دوران رفاقت فرا می رسد [به گونه ای که] مرد به سراغ مال برادر رفته، حاجت خود را می گیرد و کسی او را منع نکند.

روشن است که چنین تحولی براساس یک فرایند تربیتی رخ خواهد داد که همان از اسباب و عوامل زمینه ساز ظهور است. به بیان دیگر، آن چه می تواند زمینه های ظهور را فراهم کند تربیت انسان هایی است که در بُعد اخلاق فردی و اجتماعی، شایسته و صالح باشند و به ویژه در رفتار اجتماعی اهل تعامل نیکو، تعاون، همکاری، مشورت و همفکری در امور و تعهد و دلسوزی نسبت به دیگران باشند؛ وگرنه انسان های خود محور و خود خواه - که جز به خود نمی اندیشند و با دیگران ارتباط خوبی ندارند - نمی توانند در عصر ظهور با امام خود همراه شوند؛ زیرا امام مهدی علیه السلام برای احیای اخلاق در همه زمینه ها و ترویج ارزش های اخلاقی در همه عرصه ها قیام خواهد کرد و انسان های خود بین و خود محور با چنین هدفی هماهنگ و همراه نیستند.

جالب است که امام مهدی علیه السلام در یکی از توقیعات خود بر این امر تأکید

فرموده اند:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ
بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا
عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْسُبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا بِمَا
نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ؛ (طبرسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ۳۲۵)

اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق اطاعتشان دهد - در وفای به عهد که بر عهده دارند هم دل بودند، میمنت دیدار ما از آن ها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار [و ظهور] ما زودتر نصیب آنان می شد. این ها هم در پرتو شناخت راستین ما و صداقت محض نسبت به ما ست. بنابراین هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی دارد [و ظهور ما را به تأخیر نینداخته است] جز اخباری که از آنان به ما می رسد و ما را مکروه و ناراحت می سازد که از

ایشان انتظار نداریم.

همچنین در ضمن وصیت های امام باقر علیه السلام به شیعیان آمده است:

لیعن قوتیکم ضعیفکم، ولیعطف غنیکم علی فقیرکم، ولینصح الرجل أخاه کنصیحتہ لنفسه...؛ (طوسی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۳۲)

باید قوی شما [مؤمنان] به ضعیفان یاری رساند و ثروتمندان بر تهی دست از شما مهربانی ورزد و هرکس نسبت به برادرش چنان خیرخواه باشد که نسبت به خودش خیرخواه است....

آن حضرت پس از توصیه های دیگری فرمود:

فمات منکم میت قبل أن یخرج قائمناکان شهیداً؛ (همو)

پس اگر کسی از شما [این گونه باشد و] پیش از قیام قائم ما از دنیا رود، اجر شهید خواهد داشت.

این حدیث زیبا راهکار عملی و چارچوب رفتاری شیعیان در حوزه رفتار اجتماعی، در دوره پیش از ظهور قائم علیه السلام است.

نهادهای فرهنگی و تربیت اخلاقی

نهادهای فرهنگی در بحث تربیت - به ویژه در بُعد اخلاق - وظیفه دارند با ابزار و روش های گوناگون، زمینه ارتقای اخلاقی آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان را فراهم کنند. چنان که بیان شد، این امر به ویژه در اخلاق اجتماعی، بسیار مهم است و برخی از مهم ترین موارد آن عبارتند از:

۱. ایجاد و پرورش روحیه اخوت و برادری؛
۲. شناخت و رعایت حقوق انسان ها؛
۳. پرورش حسّ تکریم و احترام به هم نوعان؛
۴. تقویت سعه صدر در معاشرت اجتماعی؛
۵. پرورش احساس تعهد و مسئولیت نسبت به دیگران؛
۶. بالا بردن روحیه تعاون و همکاری با دیگران در امور خیر.

موارد بالا، حیات اجتماعی انسان‌ها را سامان می‌دهند و مشکلات اجتماعی مسلمانان را از میان برداشته یا به حداقل کاهش می‌دهد.

نهادهایی مانند صداوسیما با استفاده از ابزارهای گوناگونی چون فیلم، داستان، نماهنگ و... می‌توانند در ارتقای اخلاقی جوانان - در مواردی که بیان شد - نقشی جدی و تعیین‌کننده داشته باشند؛ همچنان که ممکن است با غفلت و مسئولیت‌ناپذیری و کارنا درست و غیرکارشناسی در نقطه مقابل، سبب ایجاد نفرت در میان آحاد اجتماع و بی‌حرمتی و بی‌مسئولیتی در بین آنان شوند و خودمحوری و خودخواهی را ترویج کنند.

در این میان نقش نهادهای آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز بسیار مهم است که با تدوین متون آموزشی قوی، تدریس سیره قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام، تشویق معلمان و مربیان کارآمد و عامل در این بخش و نیز تقدیر از محصلان مؤدب به این آداب اسلامی، به گسترش اخلاق و آداب صحیح اجتماعی همت گمارند.

نتیجه

بی‌گمان زمینه‌سازی ظهور، وظیفه‌ای مهم و اساسی است و تربیت صحیح انسان در سطوح مختلف حیات فردی و اجتماعی در زمینه‌سازی ظهور مؤثر است. از این رو نهادهای فرهنگی در این مجال تکلیفی بسیار مهم و حساس دارند که زمینه رشد جوانان را فراهم کرده و در تربیت آن‌ها با جهت‌گیری زمینه‌سازی ظهور، تلاش کنند و در این عرصه هم به تربیت اعتقادی و هم تربیت علمی و آموزشی و هم تربیت عملی و اخلاقی آن‌ها توجه نمایند و برای همه بخش‌های آن برنامه‌ریزی و راه‌کار عملی داشته باشند.

منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲ ش.
- بهشتی، محمد، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
- داوودی، محمد، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، ذوی القربی، ۱۴۲۵ ق.
- سیوطی شافعی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *العرف الوردی فی اخبار المهدی علیہ السلام*، تهران، معاونت فرهنگ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر*، قم، مؤسسة السیدة المعصومة، ۱۴۱۹ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، ۱۴۰۵ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، قم، دارالاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۲۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- گروه نویسندگان، *معجم احادیث الامام المهدی علیہ السلام*، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب النعیمة*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۶ ش.

الگوی مفهومی - عملیاتی راه انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور

حسین بقایی*، حمید میهماندوست**

فاضل قهرمانی فرد***، کامیار قهرمانی فرد****

چکیده

پرداختن به تربیت الهی نوآموزان و فراگیران جامعه اسلامی اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان و تلاش برای تحقق حیات طیبه و قرب الهی، همواره از دغدغه‌های نظام تعلیم و تربیت کشورمان بوده است. در این راستا از گذشته تا کنون گام‌هایی هرچند نمادین و نه‌چندان بنیادین در ابعاد گوناگون تربیت اسلامی، دینی و قرآنی برداشته شده است. روشن است که محور مشترک و تأکید قاطع ابعاد گوناگون تربیت الهی مبتنی آموزه‌های دینی و فقه شیعی، همانا کوشش برای تربیت انسان‌هایی موحد، پویا، امیدوار به آینده و منتظر مصلح جهانی است که ضمن دوری از اندیشه‌های پوچ‌گرایانه، در تکاپوی دستیابی به حیات طیبه و ساختن جامعه زمینه‌ساز و منتظر گام برمی‌دارند. در سال‌های اخیر با همت برنامه‌ریزان تربیتی و مسئولان فرهنگی

* دانشجوی دکتری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کلبر

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

*** کارشناس ارشد شیمی

**** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی (نویسنده مسئول) (k.gh60@yahoo.com)

کشورمان، به ویژه با تولید «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، اقدامات برنامه‌ای کلان و ریل‌گذاری اساسی در حوزه تربیت مهدوی فراگیران صورت گرفته است. اما لازم است برای تحقق اهداف برنامه‌ها و راه‌اندازی الگوی تربیت مهدوی، گام‌های اجرایی و عملیاتی مهمی برداشته شود که در این راستا، الگوی معرفی شده در پژوهش حاضر، با هدف شناسایی، تبیین و نهادینه ساختن راهبردهای عملیاتی تربیت مهدوی در حوزه‌های سه‌گانه مغزافزار، نرم‌افزار و سخت‌افزار نظام تعلیم و تربیت کشورمان ارائه شده است.

واژگان کلیدی

مهدویت و انتظار، تربیت مهدوی، الگوی عملیاتی، سند تحول بنیادین.

مقدمه

اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی موعود و مصلح زمان به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر، در مکتب تشیع اهمیت ویژه‌ای دارد و به لحاظ ریشه داشتن در مبانی اعتقادی و عملی شیعیان، دارای نقشی مهم در همه ابعاد زندگی آن‌هاست و به جرات بیشترین تجربه‌های معنوی، عرفانی و اخلاقی در تاریخ شیعه، مرهون فرهنگ مهدوی و فرهنگ حسینی است (صمدی، ۱۳۸۵). البته موضوع مهدویت و انتظار در طول تاریخ از غبار زمان، تحریف بدخواهان و توطئه دشمنان مصون نمانده و گاه با افکار و ایده‌های انحرافی و خرافی به بیراهه کشیده شده و هر کدام آفات و مضراتی را وارد این بحث کرده‌اند، به طوری که عده‌ای برای رسیدن به اهداف نفسانی و پلید خود، در پی تحریف و تخریب آن برآمده‌اند و قدرت‌های استکباری نیز برای تسلط بر منابع مسلمانان به این امر دامن زده‌اند (خادمی شیرازی، ۱۳۶۵). در این راستا بر منتظران واقعی و علمای جامعه اسلامی است که نسبت به تبیین چهره حقیقی حضرت حجت علیه السلام و تبیین آموزه مهدویت وجهه

همت بگمارند که البته نقش و رسالت نهادهای فرهنگی به ویژه نهاد تعلیم و تربیت در حکومت اسلامی نسبت به زدودن غبار تحریف و توطئه و نیز آگاهی بخشی و ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت در میان فراگیران و جوانان جامعه اسلامی، کلیدی است. بنابراین در این نوشتار، به روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین ضرورت و آسیب شناسی وضعیت موجود نظام آموزشی در پرداختن به تربیت مهدوی، الگوی پیشنهادی عملیاتی توأم با مکانیسم های اجرایی و راهبردهای عملی در جهت راه اندازی و توسعه تربیت مهدوی برای نظام آموزشی کشورمان متناسب با افق و دورنمای برنامه های فرادستی، به ویژه «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور» معرفی کرده ایم.

اهمیت و ضرورت نگرش اجابى به حوزه تربیت مهدوی

تعلیم و تربیت اسلامی تحت تأثیر ارزش ها و آرمان های برآمده از آموزه های دینی و جهان بینی اسلامی، غایاتی مانند رشد و هدایت، طهارت و حیات طیبه، ایمان و تقوا، قرب الهی، رضوان احدیت، عبادت و عبودیت را پی گیری می کند؛ به طوری که کارویژه تربیت دینی در جامعه اسلامی همانا شکل دهی به باورها و ایمان و اعتقادات فراگیران، متناسب با ارزش ها و تعالیم دینی است. در این راستا، یکی از آرمان هایی که با اهداف مزبور هماهنگ است، ایمان به فلسفه غیبت و انتظار فرج در اصلاح امور زمان که از بُعد جامعه شناختی، برای تأمین سلامت روانی افراد، کنترل ناهنجاری های اجتماعی و اصلاح جامعه کارساز بوده، به طوری که احساس «عدالت اجتماعی» به عنوان نتیجه باور به مهدویت، انگیزه مناسبی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و ناهنجاری است. همچنین از منظر روان شناختی، انتظار، امیدواری و وعده پیروزی حتمی، موجب سلامت و قوت روحی و روانی در شخص منتظر گردیده و نهایتاً ناهنجاریها و مدل های رفتاری غالب، زمینه هم نوایی، همبستگی و نظم اجتماعی در جامعه را موجب می گردد (حسین زاده و همکاران،

۱۳۸۸:۱۳۹) که این خود برگرفته از رویکرد «تربیت مهدوی» است و باید از جهت‌گیری‌های غالب و کلان تربیت دینی در جامعه باشد. همچنین باور به مهدویت و انتظار فرج، آموزه‌ای دینی است. بنابراین مهم‌ترین اهمیت‌های کارکردی تربیت مهدوی در حوزه تربیت دینی برای نوجوانان و جوانان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی جامعه - که بهترین دوران زندگی و سرمایه عمر خود را در اختیار نهاد آموزش و پرورش قرار می‌دهند - متناسب با سطوح سنی و ویژگی‌های رشدی آن‌ها، ایجاد نشاط و امیدبخشی، فاصله گرفتن از روزمرگی، نجات از ناامیدی و امیدوار به آینده بودن، الگوی عمل داشتن، مراقبت دائمی، انتظار عالی، پاسداری از آیین الهی و... است.

افزون بر کارکرد تربیت دینی در تعمیق و ترویج باورها و اعتقادات منجی‌گرایانه و تأکید بر نقش آموزه انتظار و مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام و شکل‌دهی جامعه زمینه‌ساز، توجه به نقش انسان و مقوله نیروسازی و تربیت منتظران واقعی در راستای تحقق انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل همه تغییر و تحولات اجتماعی است. بنابراین تربیت مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقشی محوری و مهم در زمینه‌سازی برای ظهور ایفا می‌کند و لازم است که دولت زمینه‌ساز نسبت به سیاست‌گذاری در تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش بر اساس آموزه مهدویت و انتظار، اهتمام ورزد (موسوی، ۱۳۸۸: ۸۹). بنابراین ضروری است در راستای تدبیر اقدامات تربیتی و راهبردهای مهندسی فرهنگی برای زمینه‌سازی ظهور، متولیان فرهنگ و اندیشه اجتماع، فعالیت‌های فرهنگی را هماهنگ با آرمان ظهور و در راستای تسهیل و تعجیل ظهور امام علیه السلام تنظیم نموده و قوانین و برنامه‌هایی را در این جهت‌گیری تدوین کنند و راهکارهای عملی کردن آن را نیز اندیشیده و پیشنهاد دهند (حائری پور، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

رویکرد تربیت مهدوی مبتنی بر فلسفه انتظار، دلالت‌های متعددی برای برنامه‌های آموزشی، تربیتی و درسی، به‌ویژه برنامه‌ی درسی تربیت دینی دارد. به طوری که برنامه‌ها باید بتواند ضمن انتقال دانش، تقویت نگرش و توسعه رفتارهای عملی و آمادگی‌های فردی و اجتماعی افراد، زمینه تحقق اهداف تربیت مهدوی و آرمان‌های فلسفه انتظار را افزایش دهد (مرزوقی، ۱۳۸۷؛ پهلوان، ۱۳۸۲). بنابراین می‌توان گفت مهدویت و انتظار، با توجه به ابعاد شخصیت آدمی و حوزه‌های سه‌گانه اثرگذاری اقدامات تربیتی و یادگیری، دلالت‌های تربیتی گوناگونی دارد که عبارتند از:

الف) دلالت‌های تربیت مهدوی در حوزه بینش‌ها که شامل کمک در شناخت معیارهای حق و باطل، خردورزی، نجات از دام شک‌گرایی و تزلزل در حوزه اندیشه و تعمیق بینش و بصیرت مهدوی است.

ب) دلالت‌های تربیت مهدوی در حوزه گرایش‌ها که شامل تخلّق به فضایل انسانی، امید به آینده روشن، صبر و استقامت، وابستگی نداشتن و تسلیم نشدن به اوضاع موجود، شجاعت و شهامت در تغییر اوضاع و شرایط، جوشش عواطف معنوی سازنده، هویت بخشی و رهایی از پوچی و بی‌هدفی است.

ج) دلالت‌های تربیت مهدوی در حوزه رفتارها که شامل پویایی و سازندگی، تعهد و مسئولیت، مدیریت تحول، مجاهدت در برپایی حق، عدالت‌گرایی، وحدت و هم‌گرایی است (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۶).

آسیب شناسی ظرفیت‌ها و چالش‌های رویکرد تربیت مهدوی در نظام آموزشی

الف) فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه نظام آموزشی در حوزه تربیت مهدوی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، ضمن مطالعات گسترده درباره اهداف و غایات نظام آموزش و پرورش، نسبت به مد نظر قرار گرفتن و توجه به چهار هدف زمینه‌ساز برای وصول به هدف غایی تعلیم و تربیت - که همان رسیدن به

کمال و قرب الهی است - تأکید شده که این چهار هدف زمینه ساز عبارتند از:

یکم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با مبدأ آفرینش؛

دوم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با خویشتن؛

سوم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با جامعه خود؛

چهارم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با عالم طبیعت (همو، ۱۳۸۴: ۱۳).

همچنین در فصل اول «قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش» مصوب ۱۳۶۶، با عنوان «اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش» چنین آمده است:

ماده ۱. تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش آموزان از طریق تبیین و تعلیم اصول و معارف احکام دین مبین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری بر اساس عقل، قرآن و سنت معصومین علیهم السلام؛ ماده ۲. رشد فضایل اخلاقی و تزکیه دانش آموزان بر پایه تعالیم عالیّه اسلام، تبیین ارزش های اسلامی و پرورش دانش آموزان بر اساس آن ها، تقویت و تحکیم روحیه اتکا به خدا و اعتماد به نفس، ایجاد روحیه تعبد دینی و التزام عملی به احکام اسلامی، ارتقای بینش سیاسی بر اساس اصل ولایت فقیه در زمینه های مختلف جهت مشارکت آگاهانه در سرنوشت سیاسی کشور، ... رشد دادن و تقویت روحیه عدالت پذیری و عدالت گستری و ظلم ستیزی و مبارزه با تبعیضات ناروا و حمایت از مظلومین و مستضعفین، ... (همو، ۱۳۸۰)

در این راستا اهداف تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، به ویژه تربیت مهدوی که برگرفته از آموزه های قرآنی، اسلامی و اعتقادات اصیل و منجی گرایانه شیعه بوده و همه ابعاد وجودی متربی (بُعد معنوی، جسمانی، عقلانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی) را در بر می گیرد، عبارتند از:

الف) اهداف تربیت مهدوی در وظایف انسان نسبت به خداوند: خداشناسی، پرهیزگاری، عبادت و بندگی؛

ب) اهداف تربیت مهدوی در وظایف انسان نسبت به خود: اندیشه ورزی و

کسب علم و معرفت، کسب ایمان و فضایل اخلاقی، تعدیل و هدایت غرایز، توجه همزمان به بعد جسمانی و روحانی و...؛

(ج) اهداف تربیت مهدوی دروظایف انسان نسبت به دیگران: ارتباطات اجتماعی، ارتباطات اقتصادی، ارتباطات سیاسی، ارتباطات فرهنگی و...؛
(د) اهداف تربیت مهدوی دروظایف انسان نسبت به طبیعت: شناخت طبیعت و استفاده شایسته از آن.

لذا آشکاراست که اهداف مطرح تربیت مهدوی مورد اشاره، با اهداف زمینه سازتحقق هدف غایی مصوب و تعریف شده برای نظام آموزش و پرورش همخوانی دارد (صالحی، ۱۳۸۶).

همچنین در راستای آسیب شناسی رویکرد کنونی نظام تربیتی کشور به موضوع تربیت مهدوی فراگیران و بررسی ظرفیت های بالقوه و چالش های اساسی در این باره می توان استدلال کرد که اگرچه خوشبختانه در سال های اخیر و به دنبال بازنگری و تدوین فلسفه تربیتی برای نظام تعلیم و تربیت کشور، با توجه به لزوم انطباق همه شئون زندگی آدمی با نظام معیار و ضرورت انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه آن توسط افراد جامعه، گام های مطلوبی برداشته شده، تربیت دینی و اخلاقی نسبت به سایر ساحت های تربیت، محوریت داشته و از اولویت برخوردار است. در این راستا نیز آموزه مهدویت در قالب جهان بینی توحیدی و الهی، یکی از آموزه های فقه شیعی است که می تواند ضمن تأثیرپذیری از مکتب تربیتی اسلام، شکل دهنده نوعی فلسفه تربیتی انتظارمبتنی بر فلسفه تربیتی اسلامی باشد (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۷).

خوشبختانه در راستای شکل گیری نوعی رویکرد تربیت مهدوی، در *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش* چنین آمده است:

یکی از ویژگی های اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش های غایی زندگی -
قرب الی الله - و نظام معیار متناسب با آن، یعنی مبانی ارزش های

مقبول دین اسلام است؛ زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد آن مشخص می‌نماید. بنابراین انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار ربوبی و انطباق همه ابعاد زندگی با این نظام، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیردینی (= سکولار) رایج محسوب می‌شود که نقطه اوج و حقیقت آن در جامعه جهانی مهدوی محقق می‌گردد. (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: فصل اول، بخش کلیات و ترسیم حیات طیبه)

درجای دیگر نیز می‌خوانیم:

۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام زمان علیه السلام و ولایت مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) (گزاره ۱)؛ ۲. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهم‌ترین رسالت منتظران در عصر غیبت می‌باشد (گزاره ۲)؛ ۳. وطن دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی (گزاره ۲۰). (همان: فصل دوم، بخش بنیانه ارزش‌ها، گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی)

چنان‌که اشاره شد، در متن سند تحول بنیادین، برای نخستین بار در تاریخچه نظام آموزش و پرورش ایران صراحتاً به برخی اصول، مبانی و اهداف در زمینه تربیت مهدوی فراگیران و انتقال آموزه‌های مهدویت، ترویج فرهنگ انتظار ظهور، معیار حیات طیبه و ایجاد جامعه زمینه‌ساز ظهور پرداخته شده و ظرفیت‌ها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ای تعبیه گردیده است.

برای عملی کردن و نهادینه‌سازی اهداف تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور، وزارت آموزش و پرورش برای نخستین بار، چشم‌انداز، بنیانه آموزشی و اهداف کلان خود را با رویکرد به تربیت مهدوی و آموزه‌های انتظار تدوین کرده است. در سند تحول چنین آمده است:

وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همه‌ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیاراسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی است. این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه‌دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه تحصیلی (چهاردوره سه‌ساله) به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت. (همان: فصل سوم، بیانیه مأموریت)

در ادامه نیز می‌خوانیم:

نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در افاق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی مبتنی بر نظام معیاراسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی و قوام‌بخش آن‌ها و زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی علیه‌السلام و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در تراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، ... کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، برخوردار از مریبان و مدیران مؤمن آراسته به فضایل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی‌جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق‌شناس. (همان: فصل چهارم، چشم‌انداز)

نهاد آموزش و پرورش، ضمن تصریح چشم‌انداز و مأموریت خود در تدوین اهداف کلان، خود نیز از رویکرد مهدویت چشم‌پوشی نکرده است؛ به طوری که در فصلی دیگر از *سند تحول* آمده است:

هدف ۱. تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگرو و

طن دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظرو تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، ... آمادۀ ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی...؛ هدف ۲. ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعۀ جهانی عدل مهدوی علیه السلام با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی و... (همان: فصل پنجم، هدف‌های کلان)

راهکارهای مبتنی بر اهداف عملیاتی مرتبط با آموزه‌های مهدویت و انتظار به منظور هدایت تحولات در نظام آموزشی کشور چنین تشریح شده‌اند:

هدف عملیاتی ۱. پرورش تربیت یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیاری می‌شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دستیابی به مرتبه‌ای از حیات طیبیه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می‌نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند...؛ راهکار ۴-۱ (ذیل هدف عملیاتی ۱). ایجاد سازوکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ولایت‌مداری تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیۀ جهادی و انتظار «زمینه‌سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی علیه السلام» با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت حوزه‌های علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش‌ها؛

هدف عملیاتی ۲. تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی؛ راهکار ۲-۲ (ذیل هدف عملیاتی ۲). تعمیق تقوای الهی و مهارت خویش‌تن‌داری، انتخاب‌گری درست و تعالی بخش مستمر دانش‌آموزان با استفاده از فرصت ایام الله، برگزاری مراسم آگاهی‌بخش و نشاط‌انگیز در اعیاد و وفیات، حضور فعال و مشارکت دانش‌آموزان در محافل، مجالس و اماکن مذهبی و تقویت انس با دعا و توسل؛ راهکار ۸-۲ (ذیل هدف عملیاتی ۲). استفاده از ظرفیت برنامه‌های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتاب‌خانه، فرصت اردوها و فعالیت‌های برون‌مدرسه به ویژه مساجد و

کانون‌های مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی به ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش‌آموزان؛

هدف عملیاتی ۸. افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی؛ راهکار ۵-۸ (ذیل هدف عملیاتی ۸). تبیین دستاوردهای علمی و فنی تمدن اسلامی-ایرانی در برنامه‌های درسی و آموزشی و تقویت باور و روحیه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان برای تحقق تمدن نوین اسلامی در راستای دستیابی به جامعه عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه (همان: فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها)

بنابراین اگرچه پیش از این، نظام آموزش و پرورش کشور در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایش اعتقاد به ظهور منجی و فلسفه ظهور را از بدیهیات جامعه شیعی ایران به شمار می‌آورده، اما برای نخستین بار، چشم‌انداز تحول، رسالت تربیتی و اهداف کلان راهبردی خود را با نگاه به آموزه‌های مهدوی و در قالب سند مکتوب طراحی و تدوین کرده که حاکی از غنای اصول و مبانی اعتقادی-مهدوی و رویکرد مثبت و کلان آن نسبت به توسعه تربیت مهدوی و ترویج فرهنگ انتظار در جامعه است. گفتنی است جهت‌گیری‌های سند برنامه درسی ملی که مبتنی بر اصول، مبانی و اهداف تعریف شده در فلسفه تربیتی و سند تحول بنیادین در حوزه برنامه‌ریزی درسی و ناظر به تعیین روش‌ها، محتوا و... است، دست کم در بُعد نرم‌افزاری و تمهید برنامه‌های کلان، زمینه‌ساز رویکرد عینی و عملی به توسعه نظام تربیت مهدوی در کشور به شمار می‌رود.

ب) چالش‌ها و موانع رویکرد تربیت مهدوی در نظام آموزشی

هنگامی که از سطح نرم‌افزاری و به دیگر سخن، تبیین فلسفه انتظار و دکتترین مهدویت - که بیشتر در حوزه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان صورت می‌گیرد - به

سطح سخت‌افزاری و تحقق عینی و عملی اهداف و مؤلفه‌های تربیت مهدوی در رفتارهای افراد و گروه‌ها در جامعه رجوع می‌کنیم، به دلایل گوناگون و با وجود موانع متعدد، نتایج چندان رضایت‌بخش نیست و با نوعی تأخر و ایستایی در تربیت نیروهای مهدی‌باور و منتظران واقعی روبه‌رو هستیم. البته تنها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر احکام و اعتقادات اسلامی و باورهای مهدوی، شاهد تلاش‌هایی به منظور گسترش اندیشه‌های مرتبط با انتظار و مهدویت از یک سو و ظهور و بروز برخی جنبه‌های اجتماعی این مفهوم در میان جامعه شیعی بوده‌ایم؛ اما تا تحقق وضعیتی ایده‌آل که در آن، مفهوم انتظار را بتوان در تمام کنش‌ها و عرصه‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های توسعه‌ای جامعه مشاهده کرد، فاصله بسیاری وجود دارد (هرسیج و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۳). از این رو تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی به ویژه در بعد تربیت مهدوی و انتقال آموزه‌های مهدویت و ترویج فرهنگ انتظار، چندان موفق نبوده و تأثیرپذیری دانش‌آموزان در رفتارهای فردی و اجتماعی از معارف دینی و مباحث عرضه شده در مدارس بسیار ناچیز و حتی منفی بوده است. لذا آسیب‌شناسی اهداف و برنامه‌های تدوین شده به ویژه در حوزه برنامه‌ریزی درسی نشان می‌دهد که تنها در برخی متون درسی، بخش‌ها و فصل‌هایی به تبیین آموزه مهدویت اختصاص داده شده است (پهلوان، ۱۳۸۲). همچنین نتایج مطالعه‌ای در زمینه تحلیل اهداف آموزشی و پرورشی، حاکی از آن است که هیچ نوع هدفی دال بر توجه به مقوله انتظار وجود ندارد (جدول ۱).

جدول ۱. میزان توجه به رویکرد مهدویت در اهداف و اصول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران
(به نقل از مرزوقی، ۱۳۸۷)

ردیف	اهداف کلی تعلیم و تربیت		اصول کلی	
	نوع هدف	تعداد مورد مرتبط	نوع اصول	تعداد اصول
۱	اعتقادی و اخلاقی	۵	کلی	۲۰
۲	پرورشی	۳	برنامه‌ریزی و محتوا	۲۰
۳	علمی و آموزشی	۶	معلم	۱۰
۴	فرهنگی و هنری	۵	دانش‌آموز	۹
۵	اجتماعی	۹	سازمانی	۱۲
۶	سیاسی	۶	-	-
۷	اقتصادی	۷	-	-
	جمع	۴۱	-	۷۱

با توجه به جدول ۱، از مجموع ۷۱ اصل از اصول آموزش و پرورش، در ابعاد اصول کلی (۲۰ اصل)، برنامه‌ریزی و محتوا (۲۰ اصل)، اصول مربوط به معلم (۱۰ اصل)، دانش‌آموز (۹ اصل) و سازمان (۱۲ اصل)، هیچ اصلی که با اصول تربیت مهدوی مرتبط باشد وجود ندارد. در بررسی اهداف دوره‌های سه‌گانه تحصیلی، تنها یک مورد در زمره اهداف دوره متوسطه مرتبط با مقوله انتظار ذکر شده، اما در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی حتی به این تنها هدف نیز توجه نشده است (جدول ۲).

جدول ۲. میزان توجه به رویکرد مهدویت در اهداف دوره‌های سه‌گانه تحصیلی (به نقل از مرزوقی، ۱۳۸۷)

ردیف	نوع هدف	ابتدایی		راهنمایی		متوسطه	
		تعداد مورد مرتبط	تعداد	مورد مرتبط	تعداد	مورد مرتبط	تعداد
۱	اعتقادی	۱۷	۱۸	-	۱۶	-	۵۲
۲	اخلاقی	۲۱	۲۳	-	۱۸	-	۶۲
۳	علمی و آموزشی	۸	۱۳	-	۱۳	-	۳۴
۴	فرهنگی و هنری	۸	۹	-	۹	-	۲۶
۵	اجتماعی	۱۶	۱۴	-	۱۴	-	۴۴
۶	زیستی	۸	۷	-	۶	-	۲۱
۷	سیاسی	۱۰	۱۱	-	۱۳	۱	۳۴
۸	اقتصادی	۷	۱۰	-	۱۳	-	۳۰
	جمع	۹۵	۱۰۵	۰	۱۰۲	-	۳۰۳

همان‌گونه که یافته‌های پژوهشی و تحلیل اهداف و اصول آموزش و پرورش نشان می‌دهد، در آموزش و پرورش کشور توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی منظمی در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا دربارهٔ تعلیم و گسترش اندیشهٔ مهدویت و ترویج فرهنگ انتظار، صورت نپذیرفته است (مرزوقی، ۱۳۸۷).

برآیند سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و همهٔ اقدام‌های خرد و کلان تربیتی در نظام آموزش و پرورش، تربیت فراگیرانی به عنوان خروجی نهاد تعلیم و تربیت و تحویل آن‌ها به جامعه است. بنابراین چنان‌چه رویکرد آموزش و پرورش به آموزهٔ مهدویت و انتظار در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی، رویکردی مبتنی بر تربیت مهدوی و ایجاد جامعهٔ زمینه‌ساز نباشد و نیز در جامعهٔ اسلامی نسبت به سرمایه‌گذاری در این مقوله کوتاهی شود، نمودهای مهدی‌باوری و مهدی‌باوری و آموزه‌های انتظار و مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه کمتر نمایان خواهد شد.

یافته‌های تحقیق حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸) در این باره نشان می‌دهد ایمان و باور قلبی جوانان ۱۵ تا ۲۹ سالهٔ شهر تهران از امام عصر علیه السلام در حد متوسط بوده و هنوز به ایمان و باور قلبی مطلوب و عمیق دست نیافته‌اند. بر اساس یافته‌های به دست آمده دربارهٔ مؤلفهٔ شناخت حضرت مهدی علیه السلام سطح آگاهی جوانانی که در یک کشور اسلامی و شیعه مذهب زندگی می‌کنند، چندان مناسب و مطلوب نیست. یافته‌ها نشان می‌دهند میزان آگاهی و شناخت جوانان به فلسفهٔ غیبت بسیار ناچیز است و جوانان تهرانی شناخت کمی به فلسفهٔ غیبت امام زمان علیه السلام دارند. بنابراین با ترویج فرهنگ مهدویت و آیین انتظار ظهور امام عصر علیه السلام می‌توان بسیاری از رفتارهای ناسالم، ناامیدی‌ها، بزهکاری‌ها و بحران هویت را در جوانان از بین برد.

به طور کلی در آسیب‌شناسی وضعیت موجود نظام آموزشی در توجه به رویکرد مهدویت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ضعف و ابهام در جهت‌گیری‌های کلان ساختاری و برنامه‌ای در حوزه‌های اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌های نظام آموزش و پرورش نسبت به مشخص کردن مقاصد و انتظارات تربیت دینی، به‌ویژه در مقوله تربیت مهدوی.

۲. آسیب‌های فلسفه، مبانی و اصول آموزش و پرورش، و به بیانی دیگر، اختلاف و تناقض نظری و عملی معرفت‌شناختی و ارزشی مکاتب گوناگون فلسفی به کار رفته در نظام آموزشی کشور، با اهداف و ارزش‌های مطلوب و مورد ادعای فلسفه اسلامی.

۳. نبود نگرش کل‌گرایانه و یک‌پارچه نسبت به تربیت و پیامد آن، جدایی و پاره‌پاره شدن ابعاد تعلیم و تربیت در نظام آموزشی معاصره صورت تأکید بیش از اندازه بر اندیشه و ذهن کودک و توجه نکردن به ابعاد جسمانی، عاطفی، اخلاقی و شخصیتی او.

۴. گسترش و ترویج باورهای سطحی در مهدویت‌گرایی و برخورد سنتی مردم با مهدویت و انتظار و گرایش کمتر به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور.
۵. به‌روز نبودن متون مهدوی و مشارکت نکردن اساتید، صاحب‌نظران، پژوهش‌گران و سایر نهادها در تولید محتوای مهدوی.

۶. تأکید صرف بر حفظ و به یاد سپاری مطالب مرتبط با انتظار فرج در کتب درسی و توجه نکردن به تقویت معرفت عمیق و توسعه بینش در زمینه مهدویت.

۷. تأکید بر جدایی محض مبتنی موضوع‌مداری دروس و رشته‌های گوناگون.

۸. تأکید بر کارکردهای ماشینی و عرضه و تقاضا در روابط معلم و متعلم و دوری از رویکردهای تربیتی پدر و فرزندی.

۹. تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش حال زیستی، لذت‌جویی، مصرف‌زدگی و شیفتگی به فرهنگ غرب در سطح جامعه شیعه ایران.

۱۰. کم‌توجهی نسبت به مصداق‌سازی و ایجاد نمودهای عملی از رفتارهای منتظرانه و مهدوی در قالب اقدامات فرهنگی، تربیتی، رسانه‌ای و ...

البته آسیب‌های اشاره شده، از مسائل بنیادی در رویکرد ضعیف و سطحی نظام تربیتی جامعه اسلامی نسبت به تعلیم و تربیت دینی است که در حوزه تربیت مهدوی و ترویج فرهنگ انتظار، چشم‌گیرتر است (پورسیدآقایی و همکاران، ۱۳۹۰).

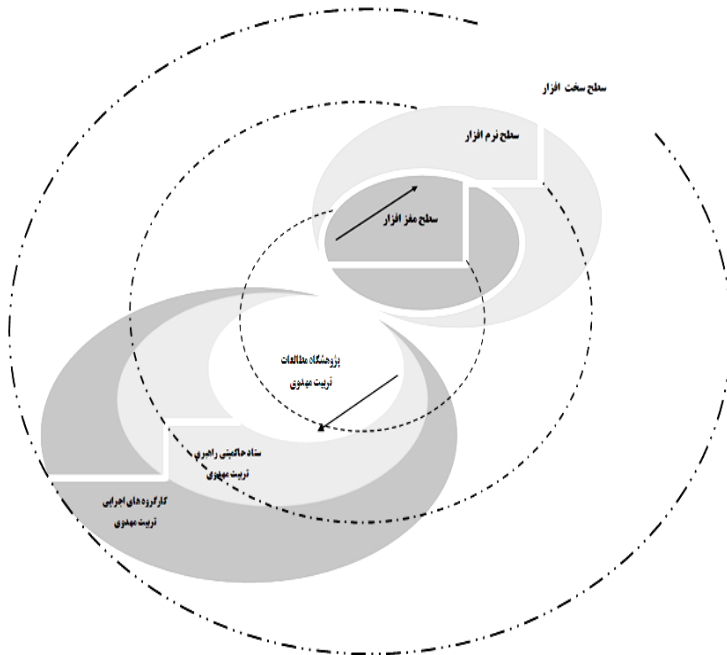
معرفی الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی

استقرار عدالت و گسترش آن برای آماده‌سازی زمینه‌های ظهور تنها با دگرگونی ارزش‌ها و معیارها و تغییر در تمایلات مردم کافی نیست، بلکه به برنامه‌ای راهبردی و ساختاری مناسب نیاز دارد. از این رو نیازمند برنامه‌ای منظم و راهبردی هستیم که در آن اهداف، مسیر حرکت، راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مشخص شده باشد و در مرحله اجرا به تخصیص منابع، نظارت و کنترل مستمر بر همه فعالیت‌ها نیاز دارد. ویژگی‌های این برنامه باید برای رفع اشکالاتش در طول زمان ارزیابی گردد؛ به طوری که گنجایش عدالت مهدوی را داشته باشد.

در ادامه، ضمن درک اهمیت آموزه مهدویت و انتظار در فقه شیعه و ضرورت تبیین آن برای پیروان راستین و یاوران مهدی علیه السلام و نیز با داشتن بصیرت و روشن بینی خاص نسبت به کارکردهای سازنده معنوی، روانی، اجتماعی و... آن در عصر پراضطراب امروز، با داشتن نگاهی راهبردی به اندیشه‌ها و افق‌های رهنمون و طرح‌ها و برنامه‌های تربیتی بالادستی به ویژه جهت‌گیری‌ها و رهنمودهای *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش* در این زمینه، یک الگوی مفهومی - عملیاتی سه بعدی دربر گیرنده اقدامات مغرافزار - نرم افزار - سخت افزار و در قالب چارچوبی جامع و به منظور راه‌اندازی و توسعه تربیت مهدوی در نظام تربیتی کشور که مبتنی بر جهت‌گیری‌های کلان و راهبردهای عملی توسعه تربیت مهدوی و ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت در نهاد آموزش و پرورش است، معرفی کرده‌ایم. البته پیش از معرفی الگوی پیشنهادی و درنگاهی تأملی - نه هرمنوتیک تحلیلی - نسبت به معنای الگوی حاضر، گفتنی است مفهومی بودن الگو دلالت بر تناسب آن با

طرح‌واره‌های ذهنی و تراوش خلاقانه ذهنی در ساختار دادن به مجموعه‌ای از معرفت‌های شهودی، تجربی و پیش‌فرض‌های ذهنی است و همانا چنین الگویی ساخته ذهن پژوهش‌گر و مدلی برای پیاده‌سازی روش‌ها و فرایندهاست. همچنین عملیاتی بودن این الگو، زمینه پیوند یافتن عینی‌کنش‌های مغزافزار-نرم‌افزار-سخت‌افزار در حوزه تربیت مهدوی و منشأ عمده اقدامات و عملکردهای تربیتی برای توسعه مهدویت در قالب نهاد تعلیم و تربیت را متبادرمی‌سازد. به بیانی دیگر، به لحاظ روش شناختی سیرت‌دوین الگوی حاضر از ذهنی به عینی - مفهومی - بوده و از منظر پیاده‌سازی الگو، از مغزافزار به سخت‌افزار - عملیاتی - و همچنین از منظر پداگوژیک نیز از ایجاد آگاهی و شناخت به سوی تبلور رفتاری در فراگیر - عمل تربیتی - مد نظر است.

نمودار. الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی



الگوی فوق در دو ضلع مفهومی و عملیاتی عینیت یافته که ضمن همپوشانی، کارکردهای تئوری پردازی و اجرا را همزمان تبیین می‌کند. در این الگو، ضلع مفهومی از سطح مغزافزار که سکوی تئوری پردازی و اندیشه‌ورزی تربیت مهدوی است آغاز می‌شود و به سطح نرم‌افزار که قرارگاه برنامه‌ریزی و تولید برنامه‌های درسی و روش‌های تربیتی است می‌رسد، سپس به سطح سخت‌افزار که خط تولید مواد و محتوا و تکنولوژی در نظام تربیت مهدوی است منجر می‌شود. همچنین به موازات ضلع مفهومی و متناسب با هر کدام از سطوح آن، ضلع عملیاتی شکل می‌گیرد که در آن بالاترین و بنیادی‌ترین جایگاه متعلق به پژوهشگاه مطالعات تربیت مهدوی است که کارکرد تحقق سطح مغزافزار را به عهده دارد و سپس در جایگاه میانی، ستاد حاکمیتی راهبری تربیت مهدوی وجود دارد که تحقق عملیات سطح نرم‌افزار را عهده‌دار بوده و نهایتاً به جایگاه جامع کارگروه‌های اجرایی تربیت مهدوی می‌رسد که در جهت تحقق کارکردهای سخت‌افزاری و عملیاتی کردن ابعاد تربیت مهدوی فعالیت می‌کند. همان‌طوری که از ضلع مفهومی نمودار فوق برمی‌آید، اساس تحول بنیادین در تربیت مهدوی در سطح مغزافزار پیشنهاد می‌شود و در چنین سطحی است که تئوری‌ها و راهبردهای تربیت مهدوی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های مهدویت و فقه شیعی تولید و عرضه می‌گردند و بر این‌د نهایی آن تولید مبانی فلسفی تربیت مهدوی و تدوین دکترین مهدویت برای نظام آموزشی کشور به وسیله پژوهشگاه مطالعات تربیت مهدوی است.

در گام بعدی از ضلع مفهومی به سطح نرم‌افزار می‌رسیم که در راستای عملیاتی ساختن دکترین تربیت مهدوی، کارکردهای راهبردی‌سازی، تصمیم‌سازی، ارائه رهنمود و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای توسعه تربیت مهدوی را به وسیله ستاد حاکمیتی راهبری تربیت مهدوی تحقق می‌بخشد. سرانجام در سطح سخت‌افزار به منظور اجرایی کردن راهبردها، تصمیمات و برنامه‌های آموزشی و درسی و...، تولید محتوا، تأمین فضا، تکنولوژی، مواد و رسانه‌های آموزشی، نیروی آموزشی،

راهنمای تدریس، آموزش و... و انتقال آن به سطح مدارس و آموزشگاه‌ها به وسیله کارگروه‌های اجرایی تربیت مهدوی صورت می‌پذیرد.

جدول ۳. تحلیل اجزای الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز

سطح ظهوری	نیادهای عملیاتی	کارکرد عملیاتی	نیادهای تلفیقی پربازنده	موقعیت‌های برداشتی
مغزافزار	پژوهشگاه مطالعات تربیت مهدوی	تدوین مبانی فلسفی و دکترین تربیت مهدوی نظام آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> پژوهشگاه علوم اسلامی حوزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش مرکز مطالعات استراتژیک پژوهشگاه مهدویت سایر پژوهشگاه‌های علوم انسانی و اسلامی 	<ul style="list-style-type: none"> اندیشه تربیت مهدوی گفت‌وگو تربیت مهدوی پژوهش تربیت مهدوی دکترین تربیت مهدوی فلسفه تربیت مهدوی نظری تربیت مهدوی
نرم افزار	سناد حاکمیتی رهبری تربیت مهدوی	راهبردهای، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، آموزشی و درسی	<ul style="list-style-type: none"> شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای عالی آموزش و پرورش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان تبلیغات اسلامی سازمان صدا و سیما 	<ul style="list-style-type: none"> تخصیص سازی راهبردهای سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی تعیین چهارچوب و خط مشی تولید چشمه‌انداز کلان
سخت افزار	کارگروه‌های اجرایی تربیت مهدوی	تولید محتوا (تکنولوژی، فضا، مواد آموزشی، رسانه، اجرای میدانی و...)	<ul style="list-style-type: none"> حوزه‌های ستادی وزارت آموزش و پرورش متشکل از: شورای عالی آموزش و پرورش معاونت پرورشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر تولید کتب درسی تولید نرم افزارها و انتشارات کمک آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها دانشگاه فرهنگیان و... 	<ul style="list-style-type: none"> تولید و پردازش محتوای تربیتی تولید برنامه‌های هنری و تربیتی تولید کتب راهنمای آموزشی تهیه مواد و رسانه‌های آموزشی تولید فوق برنامه‌های فراغت فناوری برنامه‌های نرم افزاری، صوتی و تصویری و معنوی عمری آزمایش و میدانی برنامه تولید و ارائه ماک‌های ارزیابی

در جدول بالا، اجزای الگودر هر سه سطح مفهومی به روشنی مورد تحلیل واقع شده است. نهادهای مربوط به هر سطح پیش‌بینی شده‌اند و همچنین کارکردها و عملیات هر سطح نیز مشخص شده است. چنان‌که پیش‌ترین توضیح داده شد، هر اقدام علمی و فناورانه و به‌ویژه اقدامات فرهنگی و تربیتی پیش از هر چیزی نیازمند کار فکری، بسترسازی تئوریک و بنیان‌های نظری است. بنابراین راه‌اندازی بنیان‌های فکری و نظری در حوزه تربیت مهدوی همچون مهدویت‌اندیشی، مهدویت‌پژوهی و... مربوط به سطح مغزافزار در الگوی حاضر است.

پس از راه‌اندازی مبانی فکری، فلسفی و معرفتی تربیت مهدوی، مرحله

سیاست گذاری و راهبردی سازی به عنوان میانجی تبدیل نظریه عمل در عرصه نهاد های حاکمیتی و برنامه ریزی به وسیله نهاد های تخصصی اجرایی است که چنین کارکردی نیز در سطح نرم افزار الگوی حاضر رخ می دهد. همچنین کارکردهایی مانند ایجاد چشم انداز، نظارت و ارزیابی بر پیشبرد برنامه ها در عمل نیز در این سطح پیش بینی شده است. همچنان که در جدول نیز مشاهده می شود، نهاد پیش بینی شده برای این سطح، «ستاد حاکمیتی راهبری تربیت مهدوی» است که برخی از مهم ترین کارکردها و وظایف پیش بینی شده آن عبارتند از:

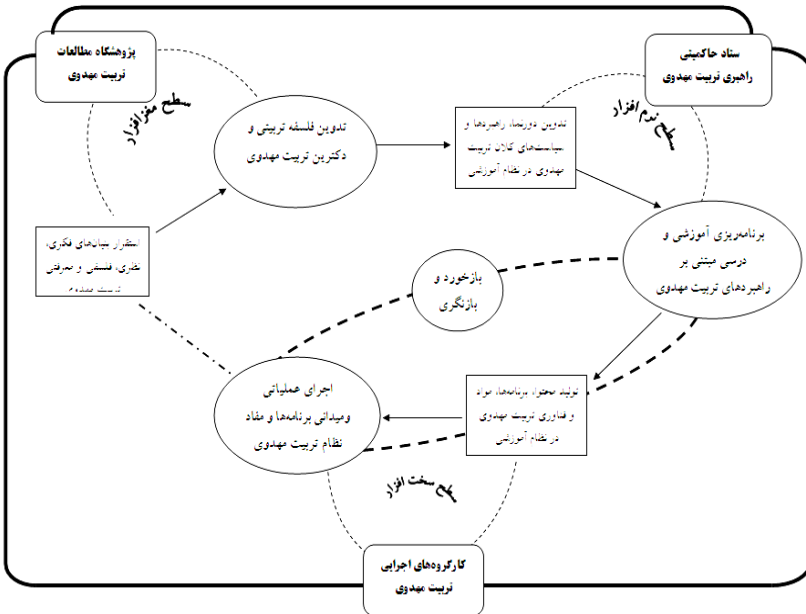
- تهیه و تصویب نقشه راه و دستورالعمل ها و رهنمود های پیاده سازی طرح در عمل؛

- نظارت بر تهیه و تدوین محتوای مهدوی و اعلام رهنمود در این زمینه؛
- نظارت بر الگوسازی مبتنی بر آموزه های مهدوی در نظام آموزشی؛
- سیاست گذاری برای عملیاتی کردن تئوری های مهدویت در قالب اقدامات تربیتی؛
- استخراج اهداف و راهکارهای مرتبط با مهدویت در سند تحول و تهیه دستورالعمل های اجرایی آن ها؛
- نظارت و ارزیابی میزان پیشبرد و تحقق اهداف طرح و اعمال اصلاحات لازم؛
- تعامل با نهادها و سازمان های دینی و پژوهشی مرتبط با موضوع؛
- نظارت بر تشکیل و راه اندازی کارگروه های مهدویت در سطح استان ها؛
- رصد اقدامات فرهنگی و تربیتی مهدوی در سطح جامعه و فراخوان تولید اندیشه و طرح در این باره.

در سطح سخت افزاری، اعم سیاست ها، برنامه ها و راهبردهای فرهنگی و تربیتی برگرفته از مبانی نظری و معرفتی، در قالب فناوری، محتوا، منابع و مواد آموزشی و درسی برای اجرا در مدارس و آموزش به دانش آموزان تولید و عرضه می شود و به موازات آن آموزش های عمومی و تخصصی به مجریان برنامه ها برای تحقق بهینه

اهداف و محتوا و الگوسازی اثربخش صورت می‌گیرد. گفتنی است در مراحل اجرا، وضوح تمایز مراحل و تقدّم و تأخربخشی اقدامات سطوح به اندازه وجه مفهومی الگوی حاضر نیست، بلکه در همه سطوح و مراحل الگوی راه‌انداز، نوعی همپوشانی، هم‌پیوندی و همزمانی حاکم است و افزون بر آن به لحاظ نهادسازی و ترسیم وظایف نهادها و سازمان‌های گوناگون نیز ممکن است تعدد و پراکندگی نهادها و وظایف آن‌ها به چشم بخورد. اما باید توجه داشت که هدف تدوین و معرفی الگوی حاضر، طراحی الگویی مطلوب و ایده‌آل برای راه‌اندازی فعالیت‌ها و راهبردهای تربیت مهدوی در قالب نظام آموزشی و در بستر اجرای تحولات بنیادین در آموزش و پرورش کشور است. بنابراین در مرحله اجرا و عمل به اعتباربخشی متناسب با محدودیت‌ها و مقتضیات کنونی نیاز داریم. از این رو چرخه فرایندی الگوی عملیاتی راه‌انداز برای تبدیل نظریه عمل تربیت مهدوی در زیر ترسیم شده است.

نمودار ۲. فرایند اجرایی الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی



البته براساس فرایند نشان داده شده در نمودار بالا، به اجرای مقطعی و ایستای برنامه‌ها و راهبردهای تربیت مهدوی در سطح مدارس بسنده نشده است، بلکه روند اجرای برنامه‌ها به صورت تسلسلی همواره مورد ارزیابی، نظارت و بازنگری در راستای تحقق اثربخش اهداف برنامه قرار می‌گیرد. در حالت کلی شاید بتوان گفت فعال‌ترین و کاربردی‌ترین سطح از سطوح مفهومی الگو، سطح سخت‌افزار و نهادسازی مرتبط با آن بوده که در قالب کارگروه‌های اجرایی و ستادها و کمیته‌های منشعب از آن‌ها، روند اجرای برنامه‌ها و عملیاتی نمودن نظام تربیت مهدوی در سطوح عملیاتی نظام آموزشی به‌ویژه مدارس را دنبال می‌کند و همچنین از آن‌جایی هدف همه تدابیر و اقدامات خرد و کلان در تدوین و اشاعه نظام تربیت مهدوی، انتقال آموزه‌های مهدویت و فرهنگ انتظار به فراگیران و نسل جدید جامعه و تلاش واحدهای آموزشی و مربیان برای شکل‌دهی رفتار، منش و شخصیت نوآموزان متناسب با هنجارهای دینی و قواعد تربیت مهدوی است که این خود در جامعه‌پذیری مهدی‌باوران و مهدی‌یاوران، فرایند اثربخشی تلقی می‌گردد. از این‌رو عمده تلاش‌های کارگروه‌های تربیت مهدوی در سطوح سخت‌افزاری تمرکز بر جنبه‌های عینی و عملی تربیت مهدوی و اشاعه سازوکارهای سخت‌افزاری در سطح مدارس است. در این راستا و در قالب الگوی راه‌انداز تربیت مهدوی، مجموعه فعالیت‌های سخت‌افزاری برای تحقق اهداف و برنامه‌های محوری و بنیادی در سطوح نرم‌افزاری و مغزافزاری، به سه مجموعه از اقدام تربیت مهدوی مطابق جدول ۴ تقسیم می‌گردند.

جدول ۴. مجموعه اقدامات سخت‌افزاری الگوی تربیت مهدوی

فعالیت‌ها	کارکردها	حوزه اجرا	اقدامات سخت‌افزاری
تولید کتب آموزشی و کمک آموزشی مهدوی تولید کتب شعر، ادعیه، مناجات، داستان و... مهدوی تولید نشریات و بروشورهای دانش آموزی تولید نرم‌افزارها و بسته‌های کاربردی سمعی، بصری رایانه ای و اشاعه محتوای ادبیات انتظار در کتب ادبیات فارسی	غناي محتوایی و تجربمی دسترسى به منابع	کارگروه‌ها و سندهای تربیت مهدوی	اقدام تولید و اشاعه محتوا
برگزاری مراسم و مناسک ادعیه و انتظار ظهور در اماکن تربیتی برگزاری مسابقات و جشنواره‌های فرهنگی، هنری، علمی و نوآوری در حوزه تربیت مهدوی رونق بخشی اعیاد و جشن‌های شعبانه در محلات، و محافل تربیتی برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و اردوهای سیاحتی و زیارتی یاوران مهدی (هج)	نمادسازی تبلیغ و ترویج سیره سائزی رونق بخشی	اماکن عمومی تربیتی، آموزشی و دینی	اقدام اشاعه روش‌ها و نهادها
توسعه سایتها و فضاهای مهدوی ویژه نوآموزان تدریس محتوای مهدوی به زبان شیوای فراگیران ارائه مشاوره‌های دینی برای رفع ابهام و شبهات دانش آموزان و تحکیم ایمانی و اعتقادی توثیق اهد انتظار و ایمان به برقراری عدالت و برچیدن ظلم و فساد تربیت فکری و رفتاری یاران و یاوران پاک ارائه آموزش‌های مهدویت اندیشی و مهدویت پژوهشی به مربیان و معلمان و جامعه علمی مقابله روش‌مند و منطقی با تحریفات و خرافات	آگاهی بخشی بصیرت افزایی علاقه مندی شخصیت پذیری	مدارس و کلاس‌های درس	اقدام تربیت علمی و رفتاری

بنابر جدول بالا، سه اقدام عملیاتی در سطح سخت‌افزاری برای راه‌اندازی راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور عبارتند از:

۱. تولید و اشاعه محتوا: به مجموعه فعالیت‌های مرتبط با تولید مواد، محتوا، کتب، بسته‌ها، نرم‌افزارها، رسانه‌ها و نشریات آموزشی و کمک آموزشی مرتبط با موضوع مهدویت و آموزه انتظارگفته می‌شود که به منظور تأمین غنای محتوایی تربیت مهدوی و زمینه‌سازی ارتقای معرفت و نگرش دانش‌آموزان نسبت به حضرت حجت علیه السلام و تعالیم مرتبط به کار می‌روند. اقدامات تولید و اشاعه محتوا، مبتنی بر جهت‌گیری‌های کلان برنامه درسی ملی است، به طوری که در تولید محتوا و برنامه‌ریزی درسی باید ضمن رعایت رهنمودها و جهت‌گیری‌های برنامه درسی ملی، به اصول تربیت مهدوی و رعایت تناسب سنی، رشد ذهنی، تفاوت‌های فردی، تنوع و جذابیت، عینی بودن و همچنین سطوح گوناگون

حیطه های معرفتی، گرایش و رفتاری توجه کرد. همچنین در حیطه محتوایی تربیت مهدوی، و در ایجاد معرفت در فراگیران نسبت به آموزه مهدویت، ضمن توجه به کژفهمی ها و سطحی نگری ها و دوری از آن ها، باید از دیدگاه های ایستا، خرافی، غیرواقعی، قشری، خشن و ماورایی فاصله گرفت (صمدی، ۱۳۸۵: ۱۸).

انواع محتوای مورد نیاز تربیت مهدوی فراگیران به لحاظ تناسب ذهنی و سنی مخاطبان را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد:

جدول ۵. مقوله بندی کتاب ها به عنوان محصول فرهنگی متناسب با مخاطبان
(به نقل از: میرزاحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

شکل	محتوا	قالب	مخاطب
کتاب	مفاهیم	داستانی	کودکان
	کارکردها	شعر	نوجوان
	مصادیق	فلسفی	جوان
	تطبیق	مذهبی	میان سال
	خاص (نخبه ها، غیرمسلمان ها...)

البته در حوزه اقدام به تولید محتوای تربیت مهدوی و به منظور عملیاتی کردن راهبردهای سخت افزاری الگو در مرحله اجرا و در قالب محتوای آموزشی برای مدارس می توان به راهکارهای زیر توجه کرد:

- تهیه محتوا و کتب درسی مبتنی بر مبانی اعتقادی تشیع و انتظار ظهور موعود؛
- تهیه کتب، نشریات، نرم افزارها، انیمیشن، فیلم و بسته های آموزشی با محتوای انتظار و اشاعه فضاهای مجازی مهدویت؛
- تدوین اهداف آموزشی مبتنی بر فرهنگ انتظار در کتب دینی، اخلاقی و اجتماعی؛
- زمینه سازی پدید آوردن و توسعه ادبیات انتظار با تشویق تولید و اشاعه آثار (شعر، داستان، نثر، دعا و...) فرهنگ انتظار و مهدویت؛
- ارائه تعریفی درست، معقول و مهرورزانه و به دور از توصیفات خرافی، خشن و

تخیلی از انقلاب مهدی علیه السلام در کتب درسی.

۲. اشاعهٔ روش‌ها و نمادها: اشاعهٔ نمادها به مجموعه اقدامات و فعالیت‌های مرتبط با مهدویت و انتظارگفته می‌شود که به عنوان سمبل‌های اعتقادی و الگوهای مهدوی در مسیر زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام در جامعه کاربرد دارند و تبلیغ آن‌ها به عنوان نمادهای مهدی‌باوری و انتظار ظهور در ترویج فرهنگ انتظار و ایجاد جامعهٔ زمینه‌ساز نقشی اساسی دارند. برخی از شاخص‌های نمادین حوزهٔ مهدویت که در تبلیغ و ترویج فرهنگ انتظار و تقویت علاقه‌ها و گرایش‌های عمومی در سطح جامعه نقش دارند عبارتند از: برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های اعیاد مذهبی و شعبانیه همچون اعیاد نیمهٔ شعبان و عید عدالت، آزادی و کرامت انسانی، عید انتظار در ایام شعبانیه؛ چراغانی اماکن تربیتی و برپایی جشن شادمانی با حضور اولیا در مدارس؛ برگزاری مراسم ادعیه همچون دعای ندبه و... در مدارس کشور؛ برگزاری همایش‌ها، مسابقات شعر، نقاشی، روزنامه دیواری، مقاله‌نویسی و... جشنواره‌ها و نشست‌های فرهنگی و هنری و شب‌شعرها با حضور هنرمندان، مداحان، شاعران، دانش‌آموزان موفق در سطح مدارس و مجتمع‌های آموزشی؛ برگزاری مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام، سخنرانی و معرفت نسبت به حضور حضرت حجت علیه السلام در دوران غیبت؛ تکریم اماکن منسوب به حضرت همچون مسجد مقدس جمکران و برنامه‌ریزی اردوهای زیارتی به منظور حضور دانش‌آموزان در فضای عاشقانه و عارفانهٔ مسجد جمکران، چنان‌که امروزه مسجد مقدس جمکران در اثر توجه روزافزون مردم به سوی حضرت، به پایگاهی مهم برای تبلیغ و ترویج معارف مهدوی تبدیل شده و حجم انبوه زائران، به‌ویژه در ایام شعبان، گویای عطش و عشق وسیع مردم به امام زمان علیه السلام است. از این رو استفادهٔ معنوی - فرهنگی از این اماکن مقدس، نقشی اساسی در انگیزش احساسات مذهبی مردم و جذب و آشنایی آنان با مسائل مهدوی خواهد داشت و جهت‌گیری درست و استفادهٔ بهینه از این فرصت‌ها، برای تقویت ارتباط مردم با امام زمان علیه السلام بسیار

اهمیت دارد که این مسئولیت، بیشتر متوجه متولیان امور فرهنگی و تربیتی و علمای دین است (صمدی، ۱۳۸۸؛ بیاری و چراغی، ۱۳۸۵).

۳. تربیت عملی و رفتاری: چنین اقدامی بیشتر به روش‌ها و روابط تسهیل‌کننده انتقال معرفت مهدوی و فرهنگ انتظار به مخاطبان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان گفته می‌شود که بیشتر حوزه روش‌شناسی تربیت مهدوی برای آگاهی بخشی و تبیین، تحلیل، تفسیر و ترویج آموزه‌های مهدویت را دربرمی‌گیرد. از آنجایی که انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنان به عنوان منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام بدون بهره‌گیری از شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود، در بعد سبک تربیت مهدوی ایجاد معرفت نسبت به مهدویت در فراگیران زمانی موفق خواهد شد که علاوه بر این که در حوزه محتوا سعی در به‌کارگیری دیدگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم و در حوزه روش‌مندی که عمدتاً معطوف به روش ارائه محتوای منابع درسی است نیز سنجیده و با درایت عمل کنیم و نکاتی از جمله استفاده از زبان روزآمد و متناسب با فهم مخاطبان، توجه به وسع علمی فراگیران، مرتبط ساختن اندیشه انتظار و ظهور حضرت حجت علیه السلام با علم روز و متن زندگی و مسائل و مشکلات امروز، تعمق و روشن‌گری و به‌کارگیری روش‌های شبهه‌زدایی و شفاف‌سازی، معرفی کمالات و قابلیت‌های یاران حضرت و... را مد نظر داشته باشند.

البته مطلوب‌ترین روش در تربیت مهدوی عبارت است از برقراری ارتباط دوسویه میان معلم و متعلم در فرایند آموختن آموزه‌های مهدویت و انتظار. از آنجا که معلم عنصری مؤثر در پایداری بنیادهای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است و همچنین در تربیت دوران خردسالی، به تدریج قلب و ذهن کودکان به شکل دلخواه مریبان و معلمان درآمده و از آن پس، هیچ‌کس را یارای رهایی از آموخته‌های پیشین نیست. لذا چنان‌چه معلمان در فرایند تعلیم، این ارزش‌ها و آرمان‌ها را به دانش‌آموزان القا و انتقال دهند، تربیت‌یافتگان نظام‌های آموزش و پرورش، به

عنوان بازتابی از همۀ دریافت‌های رسمی و غیررسمی کارگزاران نظام آموزشی، همچون منتظران کارآمد و مسئول تربیت خواهند شد (موسوی، ۱۳۸۸؛ حائری پور، ۱۳۸۹) و از سوی دیگر به کارگیری رویکرد تمعق همراه با تعقل و شکیبایی در برخورد با آموخته‌ها و مسائل، به طوری که افراد باید یاد بگیرند تا با تفکر برای تحصیل و تقویت بصیرت در جامعه، آن‌چه را می‌شنوند یا می‌بینند به خوبی درک کنند و با روشن بینی، فهم درست و ژرف‌نگری و دوری از سطحی‌نگری، خود را هم به عنوان منتظر واقعی و هم آگاه و بیدار در برابر اقدامات انحرافی، تشویش اذهان و گمراهی افراد از جانب دشمنان، حفظ کنند.

نتیجه

یکی از نهادهای آموزشی، تربیتی، اجتماعی و فرهنگی مهم در هر جامعه، نهاد آموزش و پرورش است که علاوه بر انتقال فرهنگ و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت‌ها، نگرش‌ها و شکل‌دهی رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه را بر عهده دارد. از این رو با توجه به اهمیت تربیت دینی و اسلامی مبتنی بر فقه شیعی از طریق کسب معرفت و ایجاد محبت به اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه مقوله مهدویت و انتظار، نقش سازنده و اثرگذار نهاد آموزش و پرورش برای توسعه فرهنگ انتظار و مهدویت در جامعه به ویژه میان اقشار کم‌سن و سال جامعه، بیشتر احساس می‌شود.

آسیب‌شناسی وضعیت موجود در رویکرد نظام آموزشی کشور نسبت به مقوله مهدویت، ابعاد ظرفیت‌ها و جهت‌گیری‌های بنیادی و برنامه‌ای در قالب اسناد بالادستی و کلان، به ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین موانع و چالش‌های محوری موجود به خصوص در اهداف و عناصر نظام آموزشی را آشکار ساخت. همچنین الگوی مفهومی - عملیاتی ارائه شده در این پژوهش در سه سطح گوناگون مغزافزار، نرم‌افزار و سخت‌افزار، ضمن نهادسازی و تبیین کارکرد،

راهبردهای راه انداز تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور را متناسب با هر سطح مفهومی، معرفی کرد و سرانجام در اساسی ترین و عملیاتی ترین سطح مفهومی (سطح سخت افزار) که اجرای راهبردها و راهکارها در عمل به شکل دهی ارزش های رفتاری و نیز شخصیت پذیری فراگیران بر اساس آموزه های مهدوی می انجامد، سه اقدام اصلی سطح مزبور با عنوان: تولید و اشاعه محتوا، اشاعه روش ها و نمادها و تربیت عملی و رفتاری در سطح کلاس درس و مدرسه تشریح شد.

پیشنهادهای کاربردی برای جامعه عمل پوشاندن به ابعاد تربیت مهدوی در قالب تعلیم و تربیت اسلامی و تسهیل زمینه های ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت و ایجاد جامعه زمینه ساز، عبارتند از:

- شناساندن سیمای واقعی امام عصر علیه السلام و سیمای مطلوب از فلسفه مهدویت و تبیین فلسفه ظهور و ویژگی های فرهنگ انتظار به دانش آموزان برای افزایش دانش، بینش و رفتار مهدوی در گستره فعالیت ها در کتاب های درسی؛
- طراحی محتوای متناسب با سطح درک و فهم دانش آموزان در کتاب های درسی پایه ها و سطوح مختلف تحصیلی؛
- سازماندهی و برنامه ریزی فعالیت های فوق برنامه در زمینه گسترش تفکر و فرهنگ مهدویت در مدارس؛
- ایجاد عشق و علاقه و محبت نسبت به ولایت و امامت حضرت حجت علیه السلام در قالب محتوای آموزشی و الگوهای نمادین؛
- بالابردن و تقویت تقوا و بصیرت دینی مخاطبان با رویکرد تعلیم و تربیت دینی و اسلامی؛
- تبیین مباحث ولایت فقیه و حق ولایت در عصر غیبت برای دانش آموزان و رفع شبهه از آن؛
- اصلاح اندیشه های تردید آمیز و نگرش ها و بینش های انحرافی نسبت به امام

زمان بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و عصر ظهور؛

- زیر نظر داشتن و شناسایی نقشه‌های احتمالی دشمنان اسلام و مسلمین در زمینه فرهنگ انتظار و مقابله مناسب با آن‌ها به وسیله آشکارسازی نقش و اهداف سیاست‌های استکباری در ترویج مهدویت‌های کاذب در جامعه و مقابله با مدعیان دروغین؛
- بازنگری و اصلاح رویکرد تربیت دینی نظام آموزشی بر اساس فلسفه مهدویت؛
- گسترش نظارت عمومی و ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح مدارس؛
- گسترش فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه فرهنگیان، دانش‌آموزان و اولیا به منظور تربیت نسل منتظر، مهدی‌باور و مهدی‌یاور؛
- برنامه‌ریزی دوره‌ها، کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی و جلسات پرسش و پاسخ برای دانش‌آموزان و فرهنگیان؛
- برنامه‌ریزی مسابقات گوناگون فرهنگی و هنری مرتبط با فرهنگ مهدویت و نیز برنامه‌ریزی اردوهای آموزشی و زیارتی و اعزام به مسجد مقدس جمکران؛
- فراخوان راه‌اندازی و فعال‌سازی وبلاگ‌ها و سایت‌های مرتبط با مهدویت و انتظار در فضاهای مجازی (اینترنت)؛
- استفاده از ظرفیت‌های مهدوی *سند تحول بنیادین* و تهیه راهکارها و رهنمودهای اجرایی تربیت مهدوی.

منابع

- بیاری، علی اکبر؛ چراغی، اسماعیل، «نقش خانواده در انتقال محبت حضرت مهدی علیه السلام به فرزندان»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
- پورسیدآقایی، سیدمحسن و همکاران، «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه ساز، بر اساس مدل SWOT»، *مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت* (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.
- پهلوان، منصور، «بایسته‌های پژوهشی در مسئله مهدویت»، *مجله سفینه*، ش ۱۲، ۱۳۸۲ ش.
- حائری پور، محمد مهدی، «شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه ساز ظهور»، *مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت* (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹ ش.
- حسین زاده، اکرم و همکاران، «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله تهرانی»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۲، ۱۳۸۸ ش.
- خادمی شیرازی، *یاد مهدی علیه السلام*، تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ، ۱۳۶۵ ش.
- صافی، احمد، *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ش.
- صافی، احمد، *سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران*، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۰ ش.
- صالحی، غلام رضا، «مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام»، فصل نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۶ ش.
- صمدی، معصومه، «مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی»، *مجله مصباح*، ش ۶۶، ۱۳۸۵ ش.

- صمدی، قنبرعلی، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، مجموعه آثار پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
- مرزوقی، رحمت‌الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار». دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- میرزاحمدی، علی، «راهبردهای تولید، انتقال و بازخورد فرهنگ مهدویت». مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.
- موسوی، سید مهدی، «مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (سند مشاهد مقدس)، آذرماه ۱۳۹۰ ش.
- هرسیج، حسین؛ صادقی، زهرا، «راه‌های زمینه‌سازی جامعه برای انتظار مهدی (عج)»، نشریه علمی - تخصصی مهندسی فرهنگی، سال ششم، ش ۵۹ و ۶۰، ۱۳۹۰ ش.

تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار

طیبه توسلی*

چکیده

در این نوشتار، مفاهیم، ریشه‌های تاریخی و مؤلفه‌های تربیت دینی به عنوان تربیتی زمینه‌ساز برای دست‌یابی به ایمان و ثمرات آن، و مقایسه این نوع تربیت با آموزه‌های سکولار برای شناخت بهتر چالش‌ها و آسیب‌ها بررسی می‌شود. از آن‌جا که در جامعه اسلامی ایران، آموزه و تربیت سکولار جایگاهی نداشته و ندارد، چندان هم شناخته شده نیست. معرفی تربیت سکولار و مقایسه آن با تربیت دینی به‌ویژه تربیت‌ساز با محوریت امام - که ریشه‌ای کهن در تاریخ و فرهنگ کشور ما دارد - مهم‌ترین هدفی است که در این نوشتار پی گرفته می‌شود. روش تحقیق در این کار، مطالعه نظری - تطبیقی است که بررسی و نتیجه‌گیری مطالب، پایه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند. نتایج به دست آمده از تحقیق، بیان‌گر این حقیقت است که سکولاریسم و برخی تبعات آن مانند تربیت سکولار، ریشه در فرهنگ مغرب‌زمین دارند. اساساً تربیت سکولار بر آموزش و گسترش علوم تأکید دارد و در برنامه‌های درسی خود، آموزش تعالیم دینی را نمی‌گنجانند. برعکس تربیت دینی در کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشور ما ریشه‌های عمیق دارد و بین آموزش تعالیم دینی و علوم گوناگون مغایرتی نمی‌بیند.

مقایسه بین مؤلفه‌ها و دستاوردهای این دو نوع تربیت، مقصد اصلی این نوشتار است.

واژگان کلیدی

تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، تربیت اسلامی، تربیت سکولار.

مقدمه

تربیت، اصطلاحی قدیمی است که در متون کهن زبان و ادبیات فارسی به کار رفته است. شاید بتوان گفت که این اصطلاح نخستین بار در یکی از این متون کهن و معتبر زبان فارسی یعنی *احیاء علوم الدین* اثر امام محمد غزالی به کار رفته است که نزدیک به هزار سال از تألیف آن می‌گذرد. مسلم است که در طول این مدت، واژه «تربیت» معانی گوناگونی نیز یافته است؛ اما مهم‌ترین معنایی که در مفهوم تربیت از گذشته تا به حال تقریباً ثابت مانده، توجه به کمالات نفسانی و روانی است که خود حاصل تربیت به شمار می‌آید. در تطور معنایی تربیت می‌توان به کاربرد این واژه در موارد خاص مانند تربیت اخلاقی، معنوی و دینی اشاره کرد. بی‌گمان این نوع کاربرد تأکید بر تعالی نفس و روان را مضاعف می‌کند. تعالیم عالیة اسلام از آغاز بر تربیت نفوس برای تقرب به خداوند و کسب اخلاق حسنه تأکید فراوان داشته است و ایرانیان همیشه - چه در تربیت رسمی و چه غیر رسمی - بر این امر عنایت خاص داشته‌اند. نکته جالب توجه این که در جوامع گذشته - اعم از شرق و غرب - نظام‌های آموزشی عمده همت خویش را به تربیت انسان‌ها در راستای تربیت‌های دینی، معنوی، اخلاقی و کسب آداب پسندیده معطوف می‌داشتند.

اما در دو قرن گذشته به سبب رشد صنعت و انواع فناوری‌ها، نخست در جوامع غربی توجه به آموزش علوم و فنون برای به حرکت درآوردن چرخ‌های صنعت و تکنولوژی بر آموزش تعالیم دینی پیشی گرفت. البته این تحول بسیاری از جوامع شرقی را هم دنباله‌رو خود کرد. افزون بر این، به دلیل پیشرفت بعضی بینش‌های

آزادی طلب و توجه به آموزش و پرورش لیبرال، نوعی تربیت به نام تربیت سکولار در جوامع اروپایی و امریکا به ظهور پیوست که به حذف دروس و تعلیمات دینی از برنامه درسی مدارس دولتی انجامید. اما نکته درخور توجه، این است که جوامع شرقی به ویژه کشورهای اسلامی از این تغییر پیروی نکردند و هم‌اکنون در بسیاری از این جوامع از جمله کشورما، آموزش تعلیمات و معارف دینی در نظام‌های تربیت رسمی و غیررسمی مورد توجه و عنایت خاص است. روشن است که تربیت سکولار همان‌گونه که از نام آن پیداست - دنیوی‌گروی و دوری از دیانت همراه با تبعات سخت آن چون محرومیت از آرامش معنوی و سستی بنیان مقدس خانواده را به همراه داشته است. اما در مشرق زمین و عمدتاً در بین مسلمانان، این موهبت الهی هنوز جلوه‌گراست. این نوشتار در پی آن است که مفاهیم تربیت، education، سکولاریسم و تربیت سکولار را از لحاظ معنا و خاستگاه‌های تاریخی‌شان معرفی کند و پس از آن برتری تربیت دینی را با معرفی تربیت اسلامی و تربیت اسلامی را با بررسی تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام همراه با مؤلفه‌های اصلی آن همچون کسب آرامش، سلامت اجتماع و زمینه‌سازی برای نجات ابدی و سیطره دین حق بر همه ادیان باطل را نشان دهد.

مفهوم تربیت

تربیت که از لحاظ ریشه‌شناسی کلمه‌ای عربی است، به لحاظ اصطلاح‌شناسی^۱ واژه‌ای فارسی با کاربردی کهن در بین دانشمندان ایرانی و اندیشمندان زبان و ادبیات فارسی است (نک: غزالی، بی تا: ۶۱؛ همو، ۱۳۶۲: ۸۷). تربیت در زبان فارسی در تطویر معنایی و کاربردهای گوناگون مراحل پرفراز و نشیبی طی کرده است. به نظر می‌رسد این اصطلاح تا اواخر قرن پنجم هجری در متون زبان فارسی و همچنین در زبان متعارف، به کار نرفته است. نزدیک‌ترین اصطلاح به

-
1. Etymology
 2. terminology

تربیت که در متون پیش از قرن پنجم فراوان به کار رفته، تأدیب است. کلمه ادب و همه مشتقات آن، کلماتی عربی هستند که خاستگاه اصلی آن‌ها احادیث و روایات نقل شده از امامان معصوم علیهم‌السلام است. به نظر می‌رسد پس از پذیرش اسلام توسط ایرانیان و نقل سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در محافل علمی و دینی، اندیشمندان مسلمان اصطلاح ادب و مشتقات آن را در آثار خود به کار گرفته‌اند. برای نمونه، کلمات «ادب» و «تأدیب» در *قابوس‌نامه* اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر - که کتابی درباره تربیت اخلاقی و اجتماعی است - فراوان دیده می‌شود، ولی از واژه «تربیت» در آن کتاب خبری نیست. همچنین *رساله قشیری* اثر ابوالقاسم قشیری که در نیمه اول قرن پنجم نگارش یافته است، کتابی درباره تربیت دینی، معنوی و عرفانی است که از کلمه «ادب» و مشتقات آن بهره بسیاری برده است، اما در آن نیز واژه «تربیت» دیده نمی‌شود.

در اواخر قرن پنجم، امام محمد غزالی واژه تربیت را به همین معنایی که امروز مصطلح است در آثار خود به کار برد و پس از آن در قرون بعدی این واژه کاملاً متداول گشت که هم در متون فنی مانند *اخلاق ناصری* اثر خواجه نصیرالدین طوسی و هم در متونی که به زبان عامه مردم نزدیک‌ترند مانند *گلستان* و *بوستان* سعدی فراوان به چشم می‌خورد. معنا و مفهوم تربیت از قدیمی‌ترین آثار تا جدیدترین آن‌ها نسبتاً ثابت است و اساساً بر زودن اخلاق ناپسند (غزالی، ۱۳۶۲: ۸۷)، ایجاد کمالات عقلانی توسط معلم (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱) و رسیدن به ارزش‌های والای انسانی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۸) دلالت دارد.

تربیت در معانی خاص

منظور از مفهوم تربیت در معانی خاص، به کارگیری این واژه برای مقاصد ویژه است که عمدتاً به صورت صفت و موصوف بیان می‌شود؛ مانند تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت اسلامی، تربیت ایرانی، تربیت رسمی،

تربیت سکولار، تربیت زمینه ساز و... به نظر می‌رسد به کارگیری واژه تربیت برای منظوره‌های خاص از کاربردهای جدید این واژه باشد؛ چون در متون کهن مانند *کیمیای سعادت و اخلاق ناصری* و حتی *معراج السعاده* که در دوره قاجار نگاشته شده است، واژه تربیت به تنهایی به کار رفته است که عمدتاً به معنای روشی برای دستیابی به کمالات نفسانی است. شاید بتوان گفت همان‌گونه که اصطلاحاتی چون تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش عمدتاً در کمتر از صد سال گذشته و تحت تأثیر مکاتب تربیتی غرب وارد ادبیات تربیتی کشور ما شده‌اند (دفتر همکاری...، ۱۳۷۲: ۳۳۸)، مفاهیم خاص تربیت نیز از این قاعده مستثنی نباشند. کاربرد تربیت در منظوره‌های خاص، دست‌یابی به معنای آن را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا مفهوم تربیت را در قیود خاصی شکل می‌دهد که بیان حدود آن، از واژه تربیت - که طیف گسترده‌ای از معنا را دربر می‌گیرد - را راحت‌تر می‌کند. از جمله کاربردهای خاص از مفهوم تربیت، تربیت دینی و تربیت سکولار و تربیت زمینه ساز با محوریت امام است که از موضوع‌های اصلی و قابل بحث در این نوشتار هستند.

مفهوم education

پیش از هر توضیحی درباره «تربیت سکولار»^۱ لازم است به مفهوم دقیق واژه «education» توجه شود؛ زیرا در مقایسه مفهوم این واژه، با واژه تربیت تفاوت‌های چشم‌گیری وجود دارد. شاید بهترین معادل فارسی برای «education» آموزش و پرورش باشد، اگرچه در ادبیات تربیتی کشور ما و بسیاری از متون ترجمه شده از زبان انگلیسی معادل فارسی تربیت برای این واژه به وفور دیده می‌شود.

در بیان تفاوت مفهومی باید به این نکته اشاره کرد که در مفهوم تربیت در زبان فارسی، تعالی بعد روانی انسان از جنبه‌های مذهبی، اخلاقی و معنوی امری کاملاً پذیرفته شده است، اما چنین برداشت‌هایی در مفهوم education را تنها در معانی

1. Secular education

خاص آن مانند moral education, religious education (تربیت دینی، تربیت اخلاقی) و مواردی از این قبیل می‌توان مشاهده کرد. برای فهم بهتر تطور معنایی در واژه education لازم است به نظر متخصصان این فن توجه شود:

واژه education دارای دوریشه اصلی است. نخست واژه educere که معمولاً - اما نه همیشه - برای رشد جسمانی به کار رفته است. دیگری واژه «educare» که در زبان اصیل لاتینی برای پرورش گیاهان، حیوانات و کودکان استفاده شده است. در زبان انگلیسی مخصوصاً در کاربردهای کهن، واژه «education» برای بزرگ کردن یا پرورش جسمانی حیوانات و کودکان به کار گرفته شده است. هنوز هم در زبان انگلیسی این واژه در مفهوم کلی آن که عمدتاً ناظر بر رشد جسمانی است کاربردهایی دارد، اما با رشد صنعت و افزایش تقاضا برای دانش‌ها و مهارت‌ها، واژه «education» با آموزش مدرسه‌ای و کارآموزی پیوند یافت. این امر سبب شد که امروزه بتوانیم این واژه را برای اشاره به درک و دانش و نه صرفاً رشد جسمانی به کار ببریم. امروزه بین پرورش دادن، مهارت‌آموزی و آموزش و پرورش تمایز قائلیم و از آن در دقت‌های مفهومی برای پرورش گیاهان و حیوانات استفاده نمی‌کنیم (هرست و پیترز، ۱۹۷۰: ۲۳). بنابراین می‌توان برای education سیر تحولی معنایی در نظر گرفت که در جدیدترین و اختصاصی‌ترین مفهوم آن، گستردگی، عمق و مطلوبیت دانش و درک آدمی مدنظر است (همو: ۵۰).

سکولاریسم

الف) ریشه‌شناسی

سکولاریسم از واژه لاتینی *sacularis* (به معنای زمان، دوره و دنیا) گرفته شده است. اصطلاح سکولاریسم بر رویکردی معین به زندگی است که از تأثیر مذهب جداست و بنابراین با ملاحظات غیرروحانی و دنیوی تشخیص می‌یابد (رزی، ۱۹۹۶: ۶۹۳). سکولاریسم از واژه لاتینی *sacularum* به معنای عصر یا زمان حاضر

گرفته شده است. تأکید معنا به صورتی طبیعی و منطقی بریک جهان پیوسته و در حال تغییر دلالت دارد که در آن نسبی بودن ارزش‌های بشری حصول پیدا می‌کند (عطاس، ۱۳۷۴: ۱۴).

ب) از دیدگاه تاریخی - اجتماعی

در یک تطور معنایی واژه سکولاریزاسیون^۱ برای اولین بار در ۱۶۴۸ در پایان جنگ‌های سی ساله اروپا به کار گرفته شد که منظور از آن انتقال دارایی‌های کلیسا به شاه‌زادگان یا به دولت برای کنترل و چگونگی دخل و تصرف در آن بود. شاید بتوان گفت این بینش برگرفته از مفهوم آیه ۲۱ از باب ۲۲ انجیل متی باشد که می‌گوید:

مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا. (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۰)

سپس هنگامی که جاکوب هولایک^۲ این واژه را در سال ۱۸۵۱ برگزید و نهضتی اعتراضی و خردگرا^۳ را در انگلستان هدایت کرد، سکولاریسم به عنوان یک ایدئولوژی در حال رشد درآمد. پس از آن در فرایند مفهومی این واژه، پیتر برگر^۴ آن را به معنای فرایندی که در آن بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از غلبه مؤسسات مذهبی و نمادهای مذهبی خارج می‌شوند به کاربرد (مادان، ۱۳۸۷، ۷۳۲).

اگرچه این توضیح کوتاه ورود واژه سکولاریسم به ادبیات سیاسی اجتماعی را به قرن هفدهم نسبت می‌دهد، ولی بسیاری از تحلیل‌گران، تاریخی کهن برای ظهور این اندیشه در دنیای یهودیت و مسیحیت در نظر می‌گیرند. ظاهراً این گونه به نظر می‌رسد که در جوامع نخستین هم در مغرب زمین و هم در شرق تفکیک بین وجوه

1. Secularization
2. George Jacob Holyoake
3. rationalism

۴. پیتر برگر (Peter Berger) از نظریه‌پردازان اندیشه‌های سکولاریسم است که در دهه هفتاد میلادی به شرح و دفاع از سکولاریسم برخاست. اما در سال ۱۹۹۷ با انتشار مقاله *Against the Current* از بسیاری از نظرات خود عدول کرد. این مقاله به زبان فارسی نیز ترجمه شده است (نک: سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

دینی و دنیوی حیات اجتماعی غیرممکن بوده است. در مغرب زمین تا زمان پذیرش دین مسیحیت توسط امپراتور روم، شخص امپراتور عنوان بالاترین مرجع دینی را نیز داشت و خود موضوع پرستش و همچون خدایی بر روی زمین بود. جدایی بین حکومت و دین اگرچه عمدتاً به دنیای مسیحیت مربوط می‌شود، ولی می‌توان گفت این اندیشه با یهودیت آغاز شده است. با سقوط اورشلیم در سال ۵۸۶ میلادی یهودیان در طول قرون متمادی هرگز از یک جامعه مستقل سیاسی برخوردار نبودند، بدین معنا که یک اقلیت دینی یهودی در دل یک حکومت غیریهودی جای داشت و لذا مجبور بودند درباره عضویت در جامعه دینی خود و شهروندی غیردینی به صورت دوامر جداگانه بیندیشند.

در عالم مسیحیت - یعنی از قرون اولیه میلادی و پس از آن - همیشه بین اقتدار روحانیون مسیحی و حاکمان روابط گوناگونی، گاه حاکی از تضاد و گاه حاکی از همسویی وجود داشته است. از آغاز قرن سیزدهم، منازعات بین پاپ و امپراتور روم غربی شدت گرفت تا جایی که برخی روحانیون مسیحی به قدرت بلامنازع کلیسا ایراد وارد کردند. شاید یکی از این نظریات افراطی به پاپ بونتیفاس هشتم با استناد به آیه ۳۸ باب ۲۲ از انجیل لوقا مربوط می‌شود که می‌گوید:

حضرت عیسی علیه السلام به پطرمقدس و جانشینان او دو شمشیر داد، گفت: این دو شمشیر نماد قدرت معنوی و مادی هستند که قدرت معنوی از آن پاپ‌ها و قدرت دنیوی از آن افراد غیرروحانی است. (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۴)

با ظهور رنسانس و جنبش اصلاح دینی در مغرب زمین سکولاریسم قدرت بیشتری یافت. مارتین لوتر به محدودیت قدرت کلیسا اعتقاد داشت که با پذیرش اندیشه‌های او در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی عملاً سرپرستی و نظارت اسقف‌های کاتولیک در بسیاری مناطق به حکومت‌ها و شاه‌زادگان واگذار شد (همو).

با ظهور رنسانس و نهضت انسان‌گرایی و پس از آن جنبش‌های خردگرا، توجه به

انسان و توانایی‌های او در کسب تجربه‌ها و دانش‌ها عملاً در کانون توجه قرار گرفت و بی‌گمان از قدرت محافل دینی مغرب‌زمین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کاسته شد. شاید بتوان گفت که این رویه هم‌اکنون نیز ادامه دارد و توجه غربیان به سکولاریسم برگرفته از این دیدگاه نسبتاً کهن و سابقه‌دار است. اکنون با گسترش اندیشه‌های تکثرگرا که به بسط فرهنگ‌های فردگرا انجامیده است به این مسئله در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کمک می‌شود و به قول بوکر، آن‌چه امروزه به نام سکولاریسم خوانده می‌شود، بهانه‌ای است برای افزایش قدرت و اختیار آدمی و همچنین ایجاد آن نوع دموکراسی که قدرت انتخاب را در انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی بالا ببرد (بوکر، ۱۹۹۷: ۸۷۲).

ج) مفهوم سکولاریسم در اندیشه‌های معاصر

ویلسون^۱ معتقد است در فرایند سکولاریزاسیون، اندیشه‌ها و فعالیت‌های دینی و همچنین نهادهای مذهبی اهمیت خود را از دست می‌دهند و این بدان معنا نیست که مردم خود را با دین جدیدی وفق می‌دهند یا علاقه خود را نسبت به دین از دست می‌دهند، بلکه این بدان معناست که از عملکرد مذهب در نظام‌های اجتماعی کاسته می‌شود (همو: ۸۷۲).

هربرگ^۲ معتقد است فرهنگ سکولار فرهنگی است که در آن دین مرسوم دیگر قابل اجرا نیست (ینگر، ۱۹۶۷: ۱۸). به نظریه‌نگر در این تعریف نشانه‌ای از تغییر یا اصلاح مذهب به چشم می‌خورد، به طوری که می‌توان نهضت پروتستان، یهودیت محافظه‌کار و شوراهای واتیکان (تأسیس در ۱۹۶۰) را پدیده‌هایی سکولار دانست. در برداشتی دیگر از این مفهوم، لاکمن^۳ معتقد است که سکولاریسم امری خیالی است. او در کتاب *زندگی، دنیا و واقعیت‌های اجتماعی* (۱۹۸۳) می‌گوید:

1. Brayan Wilson
2. Will Herberg
3. T. Luckman

دین را در قالب نهادهای اجتماعی دیدن اشتباه است. رفتارهای دینی در آدمیان مبنایی بیوژنتیک دارد و به این نکته ساختارگرایان بیوژنتیک نیز اشاره کرده‌اند. بنابراین باید به رفتارهای مذهبی از پیش تعیین شده (فطری) در آدمیان توجه کرد. او بر این نکته اصرار می‌ورزد که یکی از جلوه‌های فرهنگی که در همه جوامع در طول قرن‌ها و در فرازونشیب‌های تاریخی شکل گرفته، مذهب است. بین مذهب و سکولاریسم تضادی وجود ندارد. من سکولاریسم را چیزی جز تحول مذهب نمی‌دانم. (بوکر، ۱۹۹۷: ۸۷۲)

آن‌چه در تعریف لاکمن از سکولاریسم و مذهب آشکار است، فردی دانستن اعتقادات مذهبی است. صورت دیگر این بینش معنویت سکولار نام دارد که این اصطلاح نیز امروزه در مغرب‌زمین کاربرد فراوانی یافته است. برای توضیح معنویت سکولار و تعریفی از آن لازم است بیان شود که معنویت و دین‌داری دو اصطلاح نزدیک به هم هستند و شاید بتوان گفت یکی بدون دیگری میسر نباشد یا این که این دو اصطلاح در معنا و مفهوم، همپوشی فراوان دارند؛ در عین حال تفاوت‌های بارزی نیز در خور تأمل است. دین در هر جامعه‌ای از ارکان مهم فرهنگ به شمار می‌آید که در طول تاریخ شکل گرفته و نهادینه شده است و حتماً با متون مقدس و مناسک معین همراه است؛ در حالی که معنویت امری غیر نظام‌مند، فردی و همراه با تجربه‌های شخصی است. کراسمن در تعریف معنویت سکولار می‌گوید:

معنویت سکولار به عناصر مشترک و قابل‌تعمیم در بین ادیان بزرگ، بدون برتری یک دین بر دین دیگر اشاره دارد. (کراسمن، ۲۰۰۳: ۵۰۵)

در پایان این مبحث، بجاست اشاره شود که آن‌چه در مفهوم سکولاریسم از آغاز شکل‌گیری این بینش تا کنون وجود داشته و دارد، نوعی جدایی بین دین از دولت است و اساساً سکولاریسم به معنای ضدیت با دین نیست و نباید آن را با لائیسزم - به معنای اعتقاد نداشتن به امور روحانی - و آتئیسم - به معنای عدم اعتقاد به

1. secular spirituality

وجود پروردگار- اشتباه گرفت. دردنیای امروز به علت پدیده جهانی شدن، سکولاریسم و مخصوصاً سکولاریسم معنوی، بیشتر در مفهوم توجه به معنویت‌های مشترک در بین ادیان و همچنین سجایای اخلاقی آدمی مدنظر قرار می‌گیرد تا نوعی تفاهم بین فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون را به وجود آورد، گرچه بسیاری از دین‌داران و مؤمنان وفادار به ادیان خاص و همچنین جامعه‌شناسان فرهنگی آن را به نفع مذاهب و فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای نمی‌دانند.

تربیت سکولار

باید اذعان کرد همان‌گونه که سکولاریسم ریشه در فرهنگ مغرب‌زمین دارد، تبعات آن از جمله تربیت سکولار هم برگرفته از همان فرهنگ خاص است، به طوری که در مشرق‌زمین و از جمله در کشور ما این مفهوم جایگاه پررنگی نداشته و ندارد.

درنگاهی کلی می‌توان تربیت سکولار را دنباله تربیت لیبرال دانست. تربیت لیبرال در اندیشه‌های فلسفی یونان باستان ریشه دارد که از آن، دو برداشت کلی می‌شود: نخست اهمیت دانش به عنوان دستاورد ذهن، و دوم ارتباط بین دانش و واقعیت. در حقیقت این دو برداشت در بردارنده یک ایده کلی، یعنی در نظر آوردن اهمیت ویژه‌ای برای دانش و هدایت آموزش و یادگیری به سمت آن است. بنابراین در تعریف تربیت لیبرال، آموزش و پرورشی مدنظر است که از لحاظ ساختار، محتوا و وسعت به اشکال گوناگون دانش هدایت کند. باید در نظر داشت که در این معنا دانش به خودی خود مورد توجه است، نه آن دانشی که مثلاً از لحاظ شغلی سودمند باشد یا فضیلت‌های اخلاقی را دربرگیرد. در حقیقت آن چه مدنظر است خود دانش است و نه تبعات آن (هرست، ۱۹۶۵، در پیتز، ۱۹۸۷: ۸۷ - ۸۸).

این توضیح کوتاه نشان‌دهنده نوعی قرابت بین تربیت لیبرال و تربیت سکولار است. تاریخ‌نگاران اندیشه‌های تربیتی غرب، بنیان‌گذار تربیت سکولار را فردی به

نام جورج کمب^۱ می‌دانند. وی فردی بریتانیایی است که در قرن نوزدهم (بین سال‌های ۱۸۱۶ - ۱۸۵۰) تحت تأثیر پیشرفت علوم، نهضت روشن‌گری، همچنین سفر به آمریکا و تأثیر پذیری از بینش‌های دموکراسی خواهی در آن‌جا، مدارس ملی^۲ را در انگلستان بنیان‌گذاری کرد. وی در برنامهٔ دروس مدارس، تأکید فراوانی بر آموزش علوم داشت. دروسی چون ریاضیات، زبان، اقتصاد، بدن‌شناسی، مجسمه‌شناسی، علوم فیزیکی و برخی دانش‌های دیگر در آن مدارس تدریس می‌شد، ولی در آن‌جا هیچ شکلی از آموزش مذهب وجود نداشت. البته کمب مخالف آموزش مذهب نبود، بلکه وی به تأسی از ژان ژاک روسو معتقد بود که کودک در طول مراحل رشد و تحت تأثیر تربیت طبیعی خود به مذهب روی خواهد آورد. مورخان تربیتی او را بنیان‌گذار آموزش و پرورش علمی و همچنین مدارس سکولار می‌دانند (گرنث، ۱۹۶۸: ۳۱۴).

تربیت دینی

همان‌گونه که گفته شد در مفهوم تربیت، رسیدن به کمالات نفسانی امری آشکار است. حال اگر این واژه در کاربردهای خاص آن مانند تربیت اخلاقی، تربیت معنوی یا تربیت دینی مدنظر قرار گیرد، بر کمالات نفسانی تأکید مضاعف خواهد داشت. اگرچه می‌توان گفت دست کم در یک یا دو قرن گذشته - و نه پیش از آن - در نظام‌های آموزشی مغرب‌زمین بر تعلیم و تربیت سکولار تأکید می‌شود، در مشرق‌زمین، به ویژه در کشورهای اسلامی و با تأکید هرچه تمام‌تر در نظام آموزشی ایران این بینش مورد پذیرش واقع نشده است. ایرانیان حتی پیش از اسلام بر تربیت دینی فرزندان خود اصرار فراوان داشته‌اند و این خصلت نیکو در طول هزاره‌ها چه در نظام‌های آموزش رسمی یا غیررسمی همچنان پا برجای مانده است. زبان، مذهب و

1. George Combe

۲. منظور از مدارس ملی در آمریکا و اروپا، مدارس دولتی هستند که عمدتاً با هزینهٔ دولت و تحت نظارت آن اداره می‌شوند.

برخی ویژگی‌های دیگر در فرهنگ ایرانی مانند حفظ سنن کهن و وفاداری‌های ملی، قومی و گروهی، سبب آن شده است که تعلیم و تربیت ایران در طول قرون متوالی از نوعی انسجام و وحدت رویه برخوردار باشد. این ویژگی در تربیت‌های غیررسمی و رسمی قابل ملاحظه است. ایرانیان باستان در آموزش دیانت و تعلیم اخلاقی مبتنی بر آیین زرتشت تعصبی خاص داشتند (صدیق، ۱۳۵۴: ۵۷).

پس از ورود اسلام به ایران تربیت کودکان و نوجوانان ایرانی نیز بر مبنای علم و دیانت همچنان ادامه یافت. گویی پذیرش دین اسلام توسط ایرانیان دو گونه تعلیم و تربیت را در کشور رواج داد؛ یکی مخصوص کسانی بود که به دین نیاکان خود باقی مانده بودند. این افراد آموزش و پرورش شبیه عصر ساسانیان داشتند و زبان پهلوی و اصول دین را از کتاب اوستا و سایر کتب فرا می‌گرفتند. کسانی هم که به اسلام گرویده بودند، پس از فراگیری تعلیم دینی، چنان‌چه از طبقه اشراف بودند علاوه بر خواندن و نوشتن و حساب کردن، تاریخ و زبان پهلوی نیز می‌آموختند (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۳۹۸). در دوره شکوفایی تمدن اسلامی در عصر عباسیان و پس از آن - یعنی سلسله حکومت‌های سلاطین ترک نژاد مانند غزنویان و سلجوقیان - تا دوران صفویه، قاجاریه و پس از آن تا حال حاضر زبان فارسی، زبان عربی و اصول دیانت اسلام عامل مهم وحدت‌گرایی در پیشرفت علوم، هنر و تعلیم و تربیت ایران به شمار آمده است. گفتنی است پس از ورود اسلام به کشور ما و پذیرش دین جدید توسط ایرانیان، مکان‌های مقدسی چون مساجد و مکتب‌خانه‌ها که در جای‌جای این مرز و بوم وجود داشتند، آموزش تعلیم دینی را به کودکان و نوجوانان را از هر قشر و گروهی که بودند عهده‌دار شدند. مکتب‌خانه‌ها تا دههٔ چهل در ایران فعالیتی چشم‌گیر داشتند و پس از آن در پرتو آموزش تعلیم دینی در مقاطع مختلف ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از فعالیت آن‌ها کاسته شد. اما باید اذعان نمود که هنوز هم در شهرها و روستاهایی از کشور ما زنان و مردانی یافت می‌شوند که نه برای منفعت دنیوی، بلکه برای خشنودی خداوند و عشق به

تعالیم آسمانی دین مبین اسلام بر همان روال مکتب‌خانه‌ها به آموزش قرآن و برخی تعالیم دینی توجه دارند.

رمز ماندگاری این تعالیم در طول قرون و اعصارها باید در این نکته ظریف جست‌وجو نمود که تربیت دینی در اشکال گوناگون تربیت رسمی و غیررسمی نتایج بسیار سودمندی برای مردم کشور ما به همراه داشته است. اندیشمندان مسلمان و صاحب‌نظران تربیتی به تأسی از آیات الهی و کلام معصومین علیهم‌السلام هرگز علم و دین را (برخلاف اندیشه‌های سکولار) از هم جدا ندانسته‌اند. در نظر آنان هر علم سودمندی که سعادت دنیوی و اخروی انسان را تضمین کند خود نوعی دیانت است که به فرموده نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است. همچنین آموختن و آموزش دادن علوم دینی اسلامی مصداق واقعی علم پژوهی به شمار آمده است.

مفهوم تربیت زمینه‌ساز

همان‌گونه که در مبحث مفهوم تربیت بیان شد، زدودن اخلاق ناپسند و رسیدن به کمالات نفسانی از مهم‌ترین مقاصدی هستند که در مفهوم تربیت نهفته است و این برداشت اساساً به ثمرات حاصل از تربیت اشاره دارد. اما از آن‌جا که برای تربیت، تعریف‌های گوناگونی در متون تربیتی ارائه شده است، به صراحت می‌توان گفت در متداول‌ترین و آشنا‌ترین آن‌ها تربیت، زمینه‌سازی برای رشد استعدادها و آدمی تعریف شده است. هانری ژولی - روان‌شناس فرانسوی - تربیت را مجموعه تلاش‌هایی تعبیر می‌کند که هدف آن‌ها برخوردار ساختن فرد از همه قوایش و آماده کردن او برای استفاده صحیح از آن‌هاست (شکوهی، ۱۳۶۹: ۲۳). مسلم است که زمینه‌سازی برای رشد و تعالی استعدادها و آدمی به برنامه‌ریزی و تعیین مقاصد از طرف مربیان، معلمان، کارگزاران امرتعلیم و تربیت و پیشوایان دینی و معنوی جامعه بستگی دارد. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، خود نوعی تربیت است که

باید اهداف و برنامه‌های آن توسط کارگزاران تربیتی و پیشوایان دینی و معنوی جامعه مشخص شود و مراحل اجرایی آن قدم به قدم پیش رود تا برای تربیت شوندگان سودمند باشد. برای روشن تر شدن این بحث بهتر است به مثالی دربارهٔ تربیت مهدوی اشاره کنیم. در مفهوم تربیت مهدوی بر این امر تأکید فراوان شده است که پیروان امام عصر^{علیه السلام} هرگز در انتظاری منفعلانه نیستند. پیروان راستین آن حضرت، انتظاری پویا نسبت به ظهور آشکار می‌کنند. انتظار پویا به معنای فراهم ساختن فعالانهٔ زمینه‌های ظهور است. بنابراین می‌توان گفت مهدویت یکی از زنده‌ترین و پویاترین آرمان‌های دینی است؛ زیرا افراد را در ارتباط با رخدادی قرار می‌دهد که در پیش است. رخدادهای مربوط به آینده از توانایی ویژه‌ای برای آماده‌سازی افراد برخوردارند. مهدویت در میان این‌گونه رخدادهای یکی از برجسته‌ترین آن‌هاست؛ زیرا در عرصه‌ای وسیع، یعنی در عرصهٔ حیات بشری رخ می‌دهد و چون نقطهٔ روشنی در پایان حیات تاریخی بشر است. سهل‌انگاری در تربیت مهدوی که زیرمجموعه‌ای از تربیت دینی است، به منزلهٔ ازدست نهادن این تأثیر عظیم تحول‌بخش در شخصیت افراد است (باقری، ۱۳۸۴: ۳۵۵). زنده و پرنشاط ساختن این اعتقاد زیبا جز با زمینه‌سازی درست از طرف کارگزاران، مربیان و پیشوایان دینی جامعه میسر نیست.

تفاوت و نسبت تربیت دینی با تربیت زمینه‌ساز

در شناخت بیشتر تربیت دینی می‌توان بر این نکته تأکید کرد که علم پژوهان این عرصه شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های بی‌شماری از تربیت دینی به ما معرفی کرده‌اند؛ بدین معنا که تربیت دینی دایره وسیعی از انواع تربیت‌ها را دربرمی‌گیرد. برای مثال تربیت اسلامی بر آن نوع تربیت دینی تأکید دارد که قید اسلامیت را به همراه داشته باشد. همچنین تربیت اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز انواع مختلفی از تربیت شود؛ مانند تربیت زمینه‌ساز با محوریت اخلاق، معنویت، توحید و همچنین اعتقاد به

امام و منجی. در این جا به شرح آخرین مورد، یعنی تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام می‌پردازیم. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام نوعی تربیت اسلامی است و تربیت اسلامی زیرمجموعه تربیت دینی به شمار می‌آید.

ضرورت تربیت زمینه‌ساز

در دین مبین اسلام اعتقاد به نبوت یکی از اصول سه‌گانه دین به شمار آمده است. برخلاف بسیاری از مکتب‌های بشری و تربیت برخاسته از آن‌ها مانند تربیت سکولار، در دین اسلام بشر هرگز به تنهایی قادر نیست راه خود را بشناسد و بدون هادی و پیشوا مصلحت خود را در این جهان و رستگاری خود را در جهان آخرت تضمین کند. آیات قرآن کریم در وصف نبی مکرم اسلام ﷺ و رسالت او بی‌شمار است. آیه شریفه ۱۵۸ سوره اعراف^۱ و نیز آیه ۸۰ سوره نساء^۲ دلیل‌هایی روشن بر این ادعا هستند. در بینش اعتقادی ما شیعیان، رسالت پیامبر ﷺ پس از آن جناب در خاندان او و امامان بلافضل علیهم‌السلام ادامه می‌یابد. از رسول خدا ﷺ نقل است که فرمود: از فرزندان من یازده نفرند که نقیب و نجیب و محدث و مفهّم اند و آخرین آن‌ها قائم به حق است که زمین را از عدالت پر کند، چنان‌که از ستم پر شده باشد. (کلینی، بی‌تا: ۴۸۲)

همچنین حضرت علی علیه‌السلام در نخستین خطبه **نهج البلاغه** می‌فرماید:

رسول گرامی اسلام در میان شما جانشینانی برگزید، همان‌گونه که پیامبران پیشین برای امت‌های خود برگزیده بودند؛ زیرا آنان هرگز انسان‌ها را سرگردان رها نکردند و بدون معرفی راهی روشن و نشانه‌هایی استوار از میان مردم نرفتند. (شریف رضی، بی‌تا: ۲۵)

به فرموده علی علیه‌السلام زمین هرگز از حجت الهی خالی نمی‌ماند و این پشتوانه هدایت و سعادت بشر، برای مؤمنانی است که حجت الهی را بشناسند و بر فرمان او

۱. ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.
۲. هر کس از پیامبر فرمان ببرد، در حقیقت، خدا را فرمان برده است.

گردن نهند. بنابراین مهم‌ترین ضرورت برشناخت امام و پیروی از او در این نکته نهفته است که اعتقاد به اصل امامت، ریشه در اصل اعتقاد به نبوت دارد که یکی از اصول سه‌گانه دین است و باز تأکیدی بر این ضرورت است که انسان خود به تنهایی نمی‌تواند راه صواب را از ناصواب تشخیص دهد. او پیوسته به هدایت و ارشاد هادیان آگاه و دلسوز نیاز دارد تا او را از تقلیدهای کورکورانه نجات دهند و صراط مستقیم الهی را به وی بنمایانند.

آثار و فواید تربیت زمینه‌ساز

تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام دربردارنده فوایدی است که هم از بُعد فردی و هم جمعی درخور تأمل است. در این جا به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. امنیت روانی با پیروی از امام

تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، قدم نهادن در مسیری است که اتکای آدمی را به حصنی محکم و پشتوانه‌ای اصیل و ثمرات حاصل از آن میسر می‌گرداند. ایمان به خداوند، فرستاده او و پیشوایان دینی لازمه دست‌یابی به این سکون روانی است. کلمه «ایمان» در تعالیم عالیة اسلام، خود از ماده «امن» به معنای سکون و آرامش روانی است. علامه بحر العلوم رحمته الله در رساله *سیر و سلوک* که کتابی درباره تربیت معنوی و عرفانی است، ایمان را مرحله بعد از اسلام (پذیرش دین اسلام) برشمرده است. این عالم جلیل‌القدر، ایمان را به دو مرحله ایمان اکبر و ایمان اصغر تقسیم می‌کند، که ایمان اکبر مرحله‌ای بعد از ایمان اصغر است. ایمان اکبر گذر کردن از مرتبه تسلیم و انقیاد و اطاعت، به مرتبه شوق و رضا و رغبت و تعدی اسلام از عقل به روح است. آیه شریفه *«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»*^۱، دلیل بر این موضوع است؛ چرا که مؤمنان را به ایمان دیگر امر فرموده است (بحر العلوم، ۱۳۶۱: ۶۹). همچنین آیه

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او بگروید. (نساء: ۱۳۶)

شریفه، مؤمنان را تنها به ایمان مجدد به خداوند متعال دعوت نفرموده، بلکه ایمان به رسول خدا ﷺ نیز در کنار آن قرار داده است. امام محمد باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه ۶۸ سوره آل عمران^۱ می فرماید:

منظور از آنانی که ایمان آورده اند ائمه علیهم السلام و پیروان آن ها هستند. (کلینی، بی تا: ۲۸۳)

این آیه شریفه آرامش روانی را در گرو پیروی از ابراهیم علیه السلام، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان راستین (یعنی ائمه اطهار علیهم السلام) می داند. بنابراین هر نوع امیدواری و لذات معنوی که لازمه آرامش روحی است، در پرتو این نوع ایمان مذهبی قابل احراز است و آن چه در قرآن زندگی سخت و پرفشار خوانده شده، ناشی از عدم ایمان به خداوند و فراموشی اوست:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾؛ (طه: ۱۲۴)

وهرکس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [وسختی] خواهد داشت.

کلمه «ذکری» در این آیه، تنها یاد خداوند نیست، بلکه پیروی از پیامبر را نیز دربر می گیرد؛ چنان که می فرماید:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾؛ (غاشیه: ۲۱)

تو تنها تذکر دهنده ای.

روی گرداندن از نبی صلی الله علیه و آله و سلم نیز زندگانی سخت را در پی خواهد داشت.

آن چه بیان شد، آرامش روحی در بُعد فردی بود. مسلم است که این نوع آرامش در جنبه اجتماعی نیز در پرتو ایمان دینی و تربیت ناشی از آن حاصل شدنی است. خداوند در سوره فتح تأکید فرموده است که سکون و آرامش، توسط او به قلوب مؤمنان نازل می شود:

۱. در حقیقت، نزدیک ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده اند؛ و خدا سرور مؤمنان است.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾
(فتح: ۴)

اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی برایمان خود بیفزایند.

عَلَّامَهُ طَبَاطِبَائِي در تفسیر این آیه شریفه می نویسد:

ظاهراً مراد از «سکینت» آرامش و سکون نفس و ثبات و اطمینان آن به عقایدی است که به آن ایمان آورده. و لذا علت نزول سکینت را این دانسته که ایمانی جدید به ایمان سابق خود بیفزایند. (طباطبایی، بی تا: ج ۳۶، ۹۶)

از دیاد ایمان در این آیه از لحاظ تاریخی به خروج پیامبر ﷺ از مدینه به سوی مکه در سال هفتم هجری و صلح حدیبیه مربوط می شود. در حقیقت آیه شریفه در مدح مؤمنانی است که از آن حضرت در این امر اطاعت کرده اند و اطاعت آنان به این سکون و آرامش منتهی شده است (همو: ۸۷). نکته قابل ذکر در پایان این بحث، اشاره به نوعی کج فهمی ها درباره تبعیت از امام است. پیروی از امام هرگز به معنای پذیرش بی چون و چرا و تقلید کورکورانه نیست. بهترین کلام در این باره کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام است که می فرماید:

مپندارید که گفتن حق بر من گران می آید. من نخواهم که مرا بزرگ انگارید. هر کس که شنیدن حق بر او گران آید یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشنود، عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس با من از گفتن حق یا رأی دادن به عدل باز نایستید؛ زیرا من در نظر خود بزرگ تراز آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود ایمن باشم، مگر آن که خدا مرا با آن چه با نفس من ارتباط دارد کفایت کند؛ زیرا او توانا تر از من به من است. من و شما بندگانیم هستیم در قبضه قدرت پروردگار که پرورش دهنده ای جز او نیست. (شریف رضی، بی تا: خ ۲۰۷)

۲. سلامت اجتماع

اجتماع آدمیان حاصل حضورشان در زیر لوای اعتقادی معین، فرهنگی

مشخص و دادوستدهای بینشی، عقلانی و عاطفی است. تربیت اسلامی اجتماع و
وفاق بین مسلمانان را با اعتقاد مذهبی، اطاعت از فرامین الهی و رهنمودهای
پیشوایان دینی تضمین می‌کند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۷ می‌فرماید:

مردم، به اهل بیت پیامبرتان بنگرید؛ از آن سوکه گام برمی‌دارند بروید؛ قدم
جای قدمشان بگذارید. آن‌ها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به
پستی و هلاکت نمی‌کشانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید؛ اگر قیام
کردند قیام کنید. از آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب
نمانید که نابود می‌گردید.

آن حضرت در فرازی دیگر در خطبه ۱۵۴ نیز فرموده است:

مردم، ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله چون پیراهن تن او و یاران راستین او هستیم.
ما خزانه داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن هستیم. هیچ‌کس
جز از در به خانه وارد نخواهد شد و هرکس از غیر آن در وارد شود، دزد
نامیده می‌شود.

همچنین در خطبه ۱۵۲ می‌فرماید:

کسی به بهشت نمی‌رود مگر آن‌که امامان خود را بشناسد و آنان نیز او را
بشناسند و کسی به جهنم وارد نمی‌شود مگر کسی که منکر آنان باشد و
آنان او را نیز انکار کنند.

از راهکارهای عملی در تربیت زمینه‌ساز برای شناخت و ارادت به ائمه اطهار علیهم السلام
رویه‌ای است که پیشینیان ما در تربیت فرزندان خود به کار گرفته‌اند. همان‌گونه که
بیان شد، ایرانیان در تربیت نسل‌های متوالی هرگز از تربیت دینی و معنوی غفلت
نکرده‌اند و روشن است که این توجه همیشه با عشق و ارادت به خاندان نبوت و
اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده است. کتاب‌ها و تعالیم دینی در تربیت رسمی
همیشه از سخنان پیشوایان دینی و سیره آنان بهترین رهنمودها را ارائه داده است و
این روش در تعلیم و تربیت ایران سابقه هزارساله دارد. جامعه‌شناسان فرهنگی
معتقدند زوال رویکردهای فرهنگی و اعتقادی که سال‌های طولانی در بین

جامعه‌ای پایدار بماند، تقریباً امری محال و ناشدنی است. مسلم است که ما نیز باید همانند نیاکان خود این روش پسندیده را ادامه دهیم.

۳. نجات و پیروزی

تربیت در ادیان توحیدی از جمله دین مبین اسلام، بر اصولی حاکم است که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان از ایمان و وفاداری به تعالیم آسمانی سخن گفت. از جمله مهم‌ترین اصول در این باره، ایمان به خداوند و توکل محض به اوست. توکل دربردارنده صفات پسندیده‌ای چون امید، خوش‌بینی، انتظار، نجات، پیروزی، پایداری، بهروزی، معناتلبی و کمال‌خواهی است. این موارد تشکیل‌دهنده اجزای اصلی شخصیت و هویت دینی مؤمنان و معتقدان به شمار آمده‌اند. گفتنی است در بینش‌ها و تعالیم غیر آسمانی نیز بر این اجزا و ویژگی‌های شخصیتی - چه در بعد فردی و چه اجتماعی - تأکید شده است. این موضوع در نظام‌های فلسفی و دیدگاه‌های روان‌شناختی به روشنی مشاهده می‌شود. مدینه فاضله افلاطون، تکامل جوامع در اندیشه‌های بیکن، هگل و آگوست کنت و بسیاری اندیشمندان دیگر حاکی از این خصلت‌های بشری است. در دیدگاه‌های روان‌شناختی نیز به روشنی می‌توان مواردی از این قبیل صفات برای آدمیان جست‌وجو کرد. امروزه با پیشرفت علم روان‌شناسی، نظریه‌های روان‌شناختی درباره انسان خود شکوفا یا کمال یافته از جالب‌ترین و پرمطرف‌دارترین نظریه‌هاست. روان‌شناسانی مانند یونگ، آدلر، ملزو و بسیاری دیگر برای انسان‌های خود شکوفا ویژگی‌هایی چون جهت‌گیری واقع‌گرایانه، پذیرش خود و دیگران، قدرت اراده قوی، مبارزه با مشکلات، قدرت خلاقیت قوی، پرمعنایی و اندیشیدن در ماورای شرایط محیطی بر شمرده‌اند (راس، ۱۹۹۶: ۱۳۴).

آن‌چه در این جا از بینش‌های فلسفی و روان‌شناختی که صورتی تقریباً غیردینی دارند بیان شد، اشاره به این نکته بود که بشر فطرتاً - چه در زندگی فردی و چه

زندگی جمعی - کمال خواه است و در اندیشه های غیر دینی هم این خواسته ها مورد توجه بوده و هست. مسلم است که ادیان توحیدی همه این صفات را کامل تر، معنوی تر و زیباتر، آن هم نه در عصر حاضر، بلکه در طول قرن ها به بشر عرضه کرده اند. همه این خصلت های نیکو در بین ما شیعیان در جامعه کمال یافته دینی و عصر نورانی امام عصر علیه السلام قابل دستیابی است. البته در زمان غیبت نیز منتظران راستین آن حضرت از برکات انتظار بی بهره نمی مانند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

زمانی بندگان به خدای - جل ذکره - نزدیک ترند و خدا از ایشان بیشتر راضی است که حجت خدا از آنان، در میان آنان غایب باشد و آشکار نگردد و جای او را هم ندانند و از طرفی هم بدانند که حجت و میثاق الهی باطل نشده است. پس در آن حال صبح و شب در انتظار فرج باشید.
(کلینی، بی تا: ۱۲۷)

نتیجه

تربیت واژه ای کهن در زبان و ادبیات فارسی است که به رغم گذشت زمان مهم ترین عنصر معنایی آن - یعنی فراهم نمودن بستر لازم برای رسیدن به کمالات نفسانی - تقریباً ثابت مانده است.

تربیت در کاربردهای خاص حیطه معنایی آن را محدود تر می کند و در حقیقت به آن وضوح می بخشد؛ مانند تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت رسمی، تربیت زمینه ساز و ...

سکولاریسم را در صورت افراطی، ضدیت با دین معنا کرده اند که معنای درستی نیست، بلکه غیر دینی معنای متداول تری است.

تربیت دینی و تربیت سکولار دو نوع تربیت خاص هستند که در اولی آموزش تعالیم دینی مورد تأکید است و در دومی از آموزش تعالیم دینی به ویژه در برنامه درسی به طور عمدی غفلت می شود.

آموزش و پرورش رسمی در مغرب‌زمین تربیت دینی را وظیفهٔ مراکز دینی و اجتماعات مذهبی می‌داند که این تلقی از تربیت با آنچه در کشور ما جریان دارد متفاوت است.

تربیت دینی در مشرق‌زمین، کشورهای اسلامی و کشور ما همیشه مورد توجه بوده است و هنوز هم در بسیاری از این جوامع بر آموزش تعالیم دینی - چه در تربیت رسمی و چه غیررسمی - تأکید می‌شود.

از زمان ورود اسلام به کشور ما تربیت دینی در صورت‌های گوناگون تربیت اسلامی در آموزش‌های رسمی و غیررسمی ظاهر شده است و ایرانیان در تربیت اسلامی فرزندان‌شان در طول این چهارده قرن همت فراوان داشته‌اند.

تربیت اسلامی را می‌توان از محورهای گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرارداد. مانند تربیت اسلامی با محوریت اعتقاد به امام و نقش او در هدایت انسان‌ها. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام به این نوع از تربیت اسلامی اشاره دارد.

زمینه‌سازی یکی از متداول‌ترین برداشت‌ها در مفهوم تربیت است که در مقاصد گوناگون انجام می‌شود. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام و منجی جز از طریق برنامه‌ریزی و تعیین اهداف آن هم از طرف کارگزاران تربیتی و پیشوایان دینی جامعه میسر نیست. مبنا و ضرورت تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، همان اعتقاد به نبوت پیامبرگرمی اسلام ﷺ و جانشینان بلافصل اوست که این اعتقاد محور اصلی در این نوع تربیت به شمار می‌آید. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام دربر دارندهٔ فواید بی‌شمار برای مؤمنان راستین و معتقدان بدان است.

یکی از فواید تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، امنیت روانی است. این امنیت در سایهٔ ایمان به خداوند، رسول او و جانشینان وی به دست می‌آید. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، تضمین‌کنندهٔ سلامت جامعه است؛ زیرا وفاق بین مردم، جامعه را میسر می‌گرداند و از تفرقه جلوگیری می‌کند و در حقیقت این نیز نوعی امنیت روانی را بعد اجتماعی به ارمغان می‌آورد.

تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، امید و نشاط همراه با تلاش برای رسیدن به انسان کامل و جامعه کمال یافته را در بین مؤمنان و معتقدان راستین فراهم می‌کند. ویژگی‌هایی چون امید، تلاش، پیروزی، نجات، آرمان‌طلبی و کمال‌خواهی از مهم‌ترین نشانه‌های سلامت فردی و اجتماعی یک جامعه مسلمان است.

منابع

- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴ ش.
- بحرالعلوم، سید محمد مهدی، *رسالة فی السیر والسلوک*، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱ ش.
- پیترز، ریچارد؛ هرست، پل، *منطق تربیت*، ترجمه: فرهاد کریمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
- تاجبخش، احمد، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران (از اسلام تا صفویه)*، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۲ ش.
- جعفری، علامه محمد تقی، *سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی*، گردآوردی: محمد رضا جوادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶ ش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲ ش.
- راس، آلن، *روان شناسی شخصیت*، ترجمه: سیاوش جمال فر، تهران، نشر روان، ۱۳۷۸ ش.
- سراج زاده، حسین، *چالش های دین و مدرنیته*، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳ ش.
- سعدی، مصلح الدین، *کلیات سعدی*، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۲ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات بکا، بی تا.
- شکوهی، غلام حسین، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.
- صدیق، عیسی، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، ترجمه: *تفسیر المیزان*، تهران، انتشارات

- محمدی، بی تا.
- عطاس، محمد نقیب، *اسلام و دنیوی گروی (سکولاریسم)*، ترجمه: احمد آرام، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
- غزالی، محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، انتشارات دارالقلم، بی تا.
- غزالی، محمد، *مکاتیب فارسی غزالی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا.
- نقیب زاده، عبدالحسین، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۵ ش.
- Bowker. J, *The Oxford Dictionary of World Religions*, U.K. Oxford University Press, 1997.
- crasman. J, *Secular Spritual Development in Education from International and Global Perspective*, *Journal of Oxford Review of Education*, Vol. 29. No.4, pp. 503-520, 2003.
- Hirst. P.H, *Liberal Education and The Nature of Knowledge*, 1965, at Peters. R.S.(ed), *Philosophy of Education*, Oxford University Press, 1987.
- Hirst. P.h, Peters. R.S, *The Logic of Education*, London, Routededge & Kegan Paul, 1970.
- Grant,C, *A Note on Secular Education in Nineteenth Century*, at *British Journal of Educational Studies*, vol. 16. No. 3, pp 308-317, 1968.
- Peters. R.S.(ed), *Philosophy of Education*, Oxford University Press 1987.
- Reese. W. *Dictionary Of Philosophy and Religion*, New Jersey, Humanities Press, 1996.
- Madan. T.N, *Secularism in its Place*, *The Journal of Asian Studies*, vol.16. no. 4. pp 747-759, 1987.
- Yinger. M, *Pluralism, Religion, and Secularism*, *Journal for the Scientific Study*, vol.6. no.1. pp 17-28, 1967.